



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۲۸



دکتر حمید مولانا



۲۸

# سیر ارتباطات اجتماعی در ایران

تألیف

دکتر حمید مولانا

بایادداشتهای

رضا مرزبان

۱۳۵۸

۷۰۰



## سیر ارتباطات اجتماعی در ایران

تألیف دکتر حمید مولانا

با یادداشت‌های رضا مرزبان

۱۳۵۸ شمسی

– ۳۰۴ صفحه

– حروفچینی و چاپ : چاپخانه گیلان – تهران

– طرح روی جلد : مهندس بهروز موسوی

تمام حقوق برای دانشکده محفوظ است

کتابخانه  
موسسه تخصصی  
پژوهش‌های  
فلسفی

## فصلها و مطالب

### فصل اول :

۹ تا ۱۷ تحقیق در تاریخ روزنامه نگاری ایران

### فصل دوم :

۱۸ تا ۲۶ بنیاد ارتباطات اجتماعی در ایران

### فصل سوم :

۲۷ تا ۴۰ پیدایش و توسعه فن و صنعت چاپ

### فصل چهارم :

۴۱ تا ۷۰ طلوعه مطبوعات فارسی در آسیا  
و آغاز اولین روزنامه در ایران

## فصل پنجم:

رشد مطبوعات و توسعه ارتباطات اجتماعی

۷۱ تا ۹۳

در زمان ناصرالدین شاه

## فصل ششم:

روزنامه نگاری وهسته‌های انقلاب مشروطه

۹۳ تا ۱۱۰

## فصل هفتم:

ارتباطات اجتماعی در دوره اول انقلاب مشروطه

۱۱۱ تا ۱۳۴

## فصل هشتم:

ارتباطات اجتماعی ، در دوره دوم انقلاب مشروطه

۱۳۵ تا ۱۷۵

## فصل نهم:

مطبوعات بسیج گرویدایش احزاب سیاسی

۱۷۶ تا ۲۱۶

یادداشتها

۲۱۷ تا ۲۸۰

فهرست نامها

۲۸۳ تا ۳۰۵

گراورها

۳۰۶ به بعد

## پیش‌گفتار

چاپ کتاب حاضر، تفصیلی پیدا کرده است. کتاب باید یکسال پیش منتشر می‌شد، اما مشکلات چاپ، انتشار آنرا به تأخیر انداخت. با این وصف می‌توان گفت تأخیر انتشار، از اعتبار آن، چیزی نکاسته است، زیرا، زمینه بحث، همچنان بکر و دست نخورده مانده.

با دیدصیرفی وار، «سیر ارتباطات اجتماعی در ایران» مدخلی است برای مروری انتقادی بر تاریخ ارتباطات اجتماعی بطور عام و تاریخ مطبوعات، بطور خاص. مؤلف محترم کتاب، که سال‌های پیش کار روزنامه نگاری را در ایران، به عنوان حرفه انتخاب کرد، و در ایالات متحده آمریکا به صورت دانش، ادامه داد و تادرجه تخصص رساند، سال‌هاست در دانشگاه‌های آمریکا، تدریس می‌کند، و هم‌اکنون، استاد کرسی ارتباطات بین‌المللی در دانشگاه آمریکن واشنگتن است.

این اندازه‌آشنایی با مؤلف، از آن‌رو ضرورت دارد که خواننده موقع علمی صاحب تألیف را بشناسد، و از سوی دیگر، توجه داشته باشد که آبخخور آگاهیها بر سلیقه تألیف، و مشرب نویسنده اثر می‌گذارد؛ و در هر حال روی حاصل کار و تحقیق وی، و وسعت و تنگنای افق دیداو، مؤثر خواهد بود. خاصه که موضوع تحقیق، به مبحث جامعه‌شناسی و ریشه‌یابی جریانها و وقایع اجتماعی، فرهنگی و

سیاسی مربوط باشد .

می توان گفت، در واقع نقطه آغاز این تحقیق ، با زمان نگارش رساله دکتری آقای حمیدمولانا مصادف می شود، که به نام :

### **Journalism in Iran: A History and Interpretation**

در سال ۱۹۶۳ طی دو جلد از جانب دانشگاه «نورث وسترن» ایالت ایلینویز- انتشار یافته است . و سالها بعد ، ضمن سفرهای مکرر به تهران و لندن ، تألیف خود را به صورتی مدون ساخته اند که اکنون شما با قسمت اول آن رویارو هستید . آنچه در کتاب حاضر، جالب توجه است ، دقت و مراجعه مؤلف ، به منابع متنوع خارجی است که در زمینه بحث ، به اندازه کافی در اختیار داشته اند ، و با وجود دوری از ایران ، با همان وسعت ، به منابع فارسی ، اعم از ایرانی ، و غیر ایرانی نظر کرده اند . با این وصف لازم به یادآوری است که بر اساس منابعی که در دسترس داشته اند ، گاه در بر آورد عوامل و رویدادهای اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی ، سلیقه یا نظری ابراز شده که جای تأمل دارد .

درغیاب مؤلف محترم ، کار ویراستاری و نظارت بر چاپ کتاب ، از طرف دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی به اینجانب سپرده شد . و یادداشت هایی که در پایان کتاب آمده است ، حاصل مقایسه مجدد متن در زمینه پاره‌ی وقایع ، اطلاعات و شناسایی شخصیت ها ، با منابع فارسی است که به علت بعد مکان ، از دسترس مؤلف دور مانده است و گنجاندن آنها در متن میسر نبود .

همچنین ، چند توضیح در خور یادآوری است :

۱- آنجا که از سفرنامه «پیترو دل‌واله» نام می آید- یادداشتها ، صفحه ۲۳۳- نوشته شده: (در کتابخانه هایی که می شد مراجعه کرد ، نیز سفرنامه «دل‌واله» نبود.) باید گفت از سفرنامه مفصل «دل‌واله» جهانگرد ایتالیایی آنچه مربوط به ایرانست طی دو جلد ، به ترجمه « شجاع‌الدین شفا» - در سال ۱۳۴۷ از طرف کتابخانه بنیاد

پهلوی - انتشار یافته است ، و جلد اول این کتاب که در دسترس بود ، اشاره‌ی از نوع مورد بحث نداشت و راه مراجعه به جلد دوم ، برای خواننده صاحب نظر باز است .  
۲- کتاب با همه کوشش ، از خطاهای چاپی مصون نمانده است ، که بیشتر آنها قابل درک است - جز در مورد نامها نظیر «سهیل آذری» - صفحه ۲۲۹ - که «سهل» چاپ شده است .

۳- فهرست نامها ، محصول زحمت آقای علیرضا فرضی فارغ التحصیل دانشکده است .

جز این برای گفتن نمی ماند که آرزو کنیم مؤلف محترم ، برای تدوین دوره های دیگر و بعدتر «سیر ارتباطات اجتماعی» به فراغت دست یابد .

رضامرزبان



# فصل اول

## تحقیق در تاریخ روزنامه نگاری ایران

تاریخ تمدن به تعبیری تاریخ سیر افکار و عقاید بشر است. از یک جنبه اصلی تاریخ روزنامه نگاری، تاریخ انتشار و نفوذ آگاهی های فکریست. در مدت بیش از پانصد سال، بشر متمدن با استفاده از وسایل و اختراعات علمی، مثل چاپ، تلفن، رادیو و تلویزیون، سعی کرده است با هم نوع خود ارتباط پیدا کند. با به کار بردن وسایل ارتباطی اعضای مختلف جامعه انسانی کوشش کرده اند از وقایع روز با خبر شوند، عقاید خود را به همدیگر ابراز کنند، اندیشه های محیط خود را تفسیر و تعبیر نمایند و بالاخره با تسلط بر وسایل ارتباطی به پیشرفتهای فکری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دست یابند.

نقش روزنامه نگاری و ارتباطات اجتماعی در دوران انقلاب فرانسه، نهضت مشروطه ایران، تسلط هیتلر بر اروپا، حکمرانی موسولینی در ایتالیا، و بسیاری از وقایع و حوادث تاریخی غیر قابل تردید است. در تحول و انقلاب سی سال گذشته نقاط مختلف دنیا از جمله خاورمیانه، انقلاب و پیشرفتهای ارتباطی، تأثیر مستقیم داشته است. این پیشرفتهای مختلف جغرافیایی را در دنیای امروز تا حدی بر طرف کرده

وفاصله‌های دور و غیر قابل تصور را به دقیقه و ثانیه مبدل ساخته است. مسافرت بشر به کره ماه مظهر و نمودار این تحول است.

امروز تئوریهای ارتباطی و فنون روزنامه نگاری یکی از رشته‌های علوم اجتماعی عصر ما به شمار می‌رود و هزاران دانشمند و دانشجوی جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و اقتصادی در این رشته تحقیق و بررسی می‌کنند. مطالعات و تحقیقات چند سال گذشته نشان می‌دهد بسیاری از برنامه‌های عمرانی و توسعه در آسیا و آمریکای جنوبی و حتی در اروپا و آمریکا که همراه با ارتباطات اجتماعی و فنون تبلیغات و روزنامه‌نگاری نبوده بی‌نتیجه مانده است و فایده مطلوب از آنها حاصل نشده. تجربیات تلخ و ناگوار تبلیغاتی و روزنامه‌نگاری در قسمتهای بهداشت و فرهنگ هم چنین ثابت کرده است که اگر آگاهیهای تبلیغاتی و روزنامه‌نگاری با فرهنگ و رسوم کشور مورد ملاحظه تطبیق نکنند، محکوم به شکست است و فایده‌ی از آنها حاصل نخواهد شد. بدین جهت است که کشورهای متمدن امروز و مخصوصاً ممالک در حال توسعه که برنامه‌های طولانی و وسیعی در پیش دارند سعی می‌کنند نه تنها از فنون و آگاهیهای علمی و فنی و ارتباطی دنیای متمدن با خبر شوند، بلکه این وسایل را با مطالعه تمدن و رسوم خود تطبیق بکار برند که حداکثر استفاده در پیشرفتهای ملی از آن بدست آید.

مطالعه تاریخ ارتباطات و روزنامه‌نگاری هر کشوری اولین قدم در راه توسعه و گسترش بیشتر دانش و علوم ارتباطات اجتماعی آن کشور است. تنها پس از بررسی عمیق در سیر افکار و عقاید عمومی و چگونگی پیدایش و تکامل روزنامه‌نگاری يك ملت است که می‌توانیم بطور عاقلانه از دانستنیهای ارتباطی دنیای صنعتی برای آن ملت استفاده کنیم. تقلید چشم‌پسته از سیستم ارتباطی و روزنامه‌نگاری و تلوویزیونی ملل دیگر بی‌مطالعه امکان هماهنگی آنها با فرهنگ و تاریخ ارتباطات خودمان نتایج ناگوار و زیان‌بار خواهد داشت.

هدف کتاب حاضر اینست که ما را به تاریخ روزنامه نگاری وسیر تکامل ارتباطات اجتماعی ایران، از آغاز تا عصر کنونی آشنا کند. امید است که این کتاب بتواند اولین تحقیق و تدوین جامع و علمی در تاریخ روزنامه نگاری ایران باشد. در نیم قرن گذشته تحولات روزنامه نگاری و فنون چاپ و غیره در ایران مورد بحث و گفتگوی نویسندگان مختلف خارجی و ایرانی بوده است و جزوه ها و مقالات متعددی درباره بازیگران عرصه روزنامه نگاری ایران نوشته شده، ولی تا به امروز کتابی که تاریخ روزنامه نگاری ایران را به صورت جامع و کامل بررسی کند به رشته تحریر در نیامده است. از این جهت ماخذ و منابع مؤلفان این رشته در ایران فقیر و نسبت به سایر رشته های تاریخ تمدن ایران، عقب مانده است. با این وصف در پنجاه سال اخیر، تحقیقات پراکنده با ارزشی انجام شده که بی آنها امروز مطالعه تاریخ روزنامه نگاری ایران مشکل بود.

اولین جزوه که در ایران راجع به روزنامه نگاری و مطبوعات منتشر شد به قلم اچ. ل. رایینو<sup>۱</sup> در رشت بود. این جزوه در ۲۹ صفحه تحت عنوان «صورت جرائد ایران و جرائدی که در خارج ایران به زبان فارسی طبع شده است» در چاپخانه عروۃ الوثقی در سال ۱۹۱۱ میلادی چاپ شد. (۱)

مقدمه این جزوه را که از چند صفحه تجاوز نمی کند محمد رضا پسر اسماعیل رشتی نوشته است و رایینو در صفحه های بعد اسم و شرح خیلی مختصری از ۲۴۳ روزنامه فارسی که تا آنروز در ایران و خارج چاپ شده بود به ترتیب الفبا ذکر کرده است.

ترجمه جزوه رایینو دو سال بعد در ۱۹۱۳ میلادی در مجله (جهان مسلمان)<sup>۲</sup>

1. H. L. Rabino

2. Revue du Monde Musulman

ص ۲۸۷-۳۱۵) در پاریس منتشر شد.  
 در ۲۳ مه ۱۹۱۳ میلادی پروفسور ادوارد برون در دانشگاه کمبریج انگلیس  
 نطقی راجع به تاریخ روزنامه نگاری ایران ایراد کرد که بعدها به صورت جزوه‌یی  
 کوچک در لندن به چاپ رسید. (۲) سخنرانی پروفسور برون جزوه ابتدایی او  
 مروهون جزوه و مطالعات رایینو در ایران بود و دانشمند انگلیسی در نوشته‌های  
 بعدی خود به این مطلب اعتراف می‌کند. در همین سالها پروفسور برون که مشغول  
 مطالعه و تحقیق در ادبیات و تاریخ ایران بوده، علاقه فوق‌العاده به تاریخ روزنامه-  
 نگاری ایران و مخصوصاً تأثیر آن در ادبیات و شعر فارسی پیدا می‌کند و در سال ۱۹۱۴  
 میلادی کتاب «مطبوعات و شعر در ایران نو» را منتشر می‌سازد. (۳) این کتاب به دو  
 قسمت اصلی تقسیم شده است:

۱- تاریخ چاپ و روزنامه نگاری در ایران مخصوصاً روزنامه‌های انقلاب مشروطه.

۲- شعرای معاصر نهضت آزادیخواهی.

پروفسور برون در این کتاب پس از چند صفحه مقدمه مختصر که راجع به  
 فن چاپ و شروع روزنامه نگاری در ایران نوشته، قسمت اعظم مطالعات خود را به ذکر نام  
 نشریه، نام مدیر و سردبیر و نویسندگان و محل چاپ ۳۷۱ روزنامه و مجله فارسی  
 اختصاص داده است. قسمت مهمی از مطالعات پروفسور برون راجع به مطبوعات ایران در  
 حقیقت ترجمه و نتیجه تحقیقات دانشمند ایرانی میرزا محمدعلی خان تربیت تبریزی  
 است. محمدعلی خان تربیت تحقیقات بسیار جالبی درباره فن چاپ و روزنامه‌های  
 دوره مشروطه انجام داده بود ولی موفق به چاپ نوشته‌های خود نشد و فقط به اهتمام  
 پروفسور برون بود که مطالعات او به صورت مرتبی در کتاب «مطبوعات و شعر در  
 ایران نو» منتشر گردید.

پروفسور برون در سایر نوشته‌های خود از جمله «انقلاب ایران» (۴) و «تاریخ ادبیات ایران» (۵) گاهی به مطالعه توسعه و نقش مطبوعات در ایران پرداخته است و مخصوصاً در نوشته‌های دوره نهضت مشروطه، اهمیت روزنامه نگاری و روزنامه نگاران را در پیشرفت‌های اجتماعی و سیاسی ایران معاصر بررسی می‌کند. نوشته‌های پر ارزش پروفسور برون مأخذی قابل اعتنا در تحقیقات مطبوعات ایران و مخصوصاً دوره‌های اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است. ولی نوشته‌های «برون» و تحقیقات او درباره معرفی فن چاپ در ایران و انتشار روزنامه‌های ابتدایی و بطور کلی وضع ارتباطات و روزنامه نگاری ایران در نیمه اول قرن نوزدهم، چندان عمیق نیست.

مثلاً تاریخچه روزنامه نگاری ایران در نوشته‌های پروفسور برون از زمان صدارت امیر کبیر شروع می‌شود و هیچگونه اشاره‌ای به نویسندگان و روزنامه نگاران و روزنامه‌های پیش از ناصرالدین شاه، مخصوصاً دوره محمدشاه و فتحعلی شاه نکرده است. با اینکه اولین روزنامه ایران توسط میرزا صالح شیرازی (که مدت‌ها در انگلستان اقامت داشته) در زمان محمدشاه در تهران منتشر شده و نسخه‌های آن به لندن فرستاده شده است و حتی نسخه شماره اول آن بطور کامل در مجله سلطنتی آسیایی انگلستان به سال ۱۸۳۹ در لندن به چاپ رسیده بود، نوشته‌های پروفسور برون نشان می‌دهد که آواز وجود چنین روزنامه‌یی با خبر نبوده است و تحقیقات وی در این مورد ناقص است. (۶)

تا پایان جنگ دوم بین‌المللی نوشته‌های پروفسور برون تنها تاریخچه قابل توجهی بود که درباره روزنامه نگاری ایران به چاپ رسیده بود. با اینکه در سال‌های بین جنگ اول و دوم بین‌المللی مقالات متعددی درباره مطبوعات ایران در تهران و اروپا منتشر شد، این نوشته‌ها اطلاعات مهمی بر آگاهی‌های روزنامه نگاری و

مطبوعات ایران اضافه نکرده است و غیر از چند مقاله جالب توجه در مجله کاوه چاپ برلین که توسط سید حسن تقی زاده و همکاران او منتشر می شد، تاریخچه جدیدی در این مورد نوشته نشد. چند مقاله‌یی که در مجله کاوه درباره روزنامه نگاری ایران منتشر شد، از این جهت مهم است که این مجله برای اولین بار احتمال وجود روزنامه را قبل از سلطنت ناصرالدین شاه متذکر شده است و اطلاعات جدیدی راجع به معرفی چاپخانه در جلفای اصفهان و فعالیت گروه ارامنه در ایران بدست داده. (۷)

کامل‌ترین لیست روزنامه‌ها و مجلات ایران (از عصر امیر کبیر تا آغاز جنگ بین‌المللی دوم) توسط محمد صدر هاشمی بین سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۳ شمسی (۱۹۴۸ تا ۱۹۵۳ میلادی) در اصفهان منتشر شد (۸). صدر هاشمی نیز مثل رایینو، تربیت، پر و فسور برون، فصل اول «تاریخ جراید و مجلات ایران» خود را به تاریخچه روزنامه نگاری و فن چاپ در ایران و باقی فصول چهار جلد کتاب را به معرفی ۱۱۸۶ روزنامه و مجله چاپ شده در ایران اختصاص داده است. کتاب صدر هاشمی در حقیقت دائرة المعارف و راهنمای خوبی برای مطبوعات ایران است که به صورت الفبایی تنظیم شده.

چنانکه پیداست جزوات و کتابهای منتشره درباره مطبوعات و روزنامه نگاری ایران تا این تاریخ بطور عام به ذکر نام و نشان و شرح مختصر روزنامه‌ها اختصاص داده شده است و هیچگونه کوشش و اهمیتی که تاریخ روزنامه نگاری را بطور کامل و علمی مطالعه و بررسی کند بعمل نیامده.

با وجود اهمیتی که روزنامه نگار و روزنامه نگاری در انتشار عقاید جدید در تاریخ معاصر ایران و به ویژه در انقلاب مشروطه ایران و آگاهیهای فکری سالهای بعد در ایران داشته، قبل از کتاب حاضر تاریخچه جدید و کاملی که نقش ارتباطات

وروزنامه نگاری را در امور اجتماعی و اقتصادی و سیاسی ایران بررسی کند، نوشته نشده است. علاوه بر این آنچه راجع به روزنامه نگاری، در دسترس علاقه مندان تاریخ ایران هست ناقص و ناصحیح است. مثلاً توسط پروفیسور برون و سایر نویسندگان خارجی و ایرانی، «وقایع اتفاقیه» اولین روزنامه ایران ذکر شده است و آغاز روزنامه نگاری ایران در کتب درسی و تاریخی از زمان صدارت امیر کبیر و سلطنت ناصرالدین شاه شروع می شود.

آن عده از نویسندگان هم که سالهای بعد بطور پراکنده به وجود روزنامه و انتشارات قبل از وقایع اتفاقیه اشاره کرده اند، تیر به تاریکی انداخته اند و از نشریه بی نام نبرده اند و فقط متذکر شده اند که نسخه بی از این روزنامه ها باقی نیست.

در سال ۱۳۴۲ شمسی مطابق با ۱۹۶۳ میلادی مطالعات و تحقیقات نگارنده راجع به تاریخ روزنامه نگاری ایران در دو جلد در آمریکا منتشر شد. (۹) قسمتی از جلد اول این کتاب به پیدایش فن چاپ و روزنامه نگاری در ایران اختصاص داده شده است که در آن به تفصیل تاریخ پیدایش و متن کامل روزنامه های قبل از وقایع اتفاقیه را تدوین و وجود و انتشار روزنامه بی را که توسط میرزا صالح شیرازی در زمان محمد شاه منتشر می شد ذکر کرده ام.

در اواخر همین سال بود که تحقیق و مطالعه در روزنگاری ایران مرا به انگلستان کشید و موفق شدم دو نسخه اصلی روزنامه بی را که میرزا صالح شیرازی منتشر کرده بود در موزه بریتانیا در لندن کشف کنم. در آبان ماه ۱۳۴۲ مقامات موزه بریتانیا اجازه عکس برداری و انتشار این دو نسخه اصلی را برای من صادر کردند و عکس متن کامل دو شماره را برای اولین بار به تهران آوردم.

سر دیری نگارنده در روزنامه کیهان و سالهای بعد، اشتغال به تدریس در دانشگاههای

آمریکا، فرصت نداد کتاب تاریخ روزنامه‌نگاری ایران را که به انگلیسی نوشته شده بود به فارسی تحریر کنم. خوشبختانه آگاهیهای جدید از تاریخ روزنامه‌نگاری ایران، چند تن از نویسندگان ایران را به اکتشاف آثار تازه علاقه‌مند کرد و دو سال بعد مقاله‌یی راجع به اولین روزنامه ایران به قلم علی مشیری در شماره ۲۴ سال ۱۳۴۵ مجله خواندنیها منتشر شد. در سالهای اخیر مطالعات نویسندگانی مثل دکتر محمد اسماعیل رضوانی، مسعود برزین و اسماعیل راین نکات بسیار جالب توجهی به تاریخ روزنامه‌نگاری ایران اضافه کرده است. کتاب «سفرنامه میرزا صالح شیرازی» (۱۰) که در سال ۱۳۴۷ در تهران منتشر شد، نمونه خوبی در این رشته بشمار می‌رود. در این کتاب به سیرت و زندگی میرزا صالح شیرازی می‌توان گفت امروز راه تحقیق برای پژوهندگان، هموار شده است.

در این کتاب به سیرت و زندگی میرزا صالح شیرازی می‌توان گفت امروز راه تحقیق برای پژوهندگان، هموار شده است. در این کتاب به سیرت و زندگی میرزا صالح شیرازی می‌توان گفت امروز راه تحقیق برای پژوهندگان، هموار شده است. در این کتاب به سیرت و زندگی میرزا صالح شیرازی می‌توان گفت امروز راه تحقیق برای پژوهندگان، هموار شده است. در این کتاب به سیرت و زندگی میرزا صالح شیرازی می‌توان گفت امروز راه تحقیق برای پژوهندگان، هموار شده است.

در این کتاب به سیرت و زندگی میرزا صالح شیرازی می‌توان گفت امروز راه تحقیق برای پژوهندگان، هموار شده است. در این کتاب به سیرت و زندگی میرزا صالح شیرازی می‌توان گفت امروز راه تحقیق برای پژوهندگان، هموار شده است. در این کتاب به سیرت و زندگی میرزا صالح شیرازی می‌توان گفت امروز راه تحقیق برای پژوهندگان، هموار شده است.

در این کتاب به سیرت و زندگی میرزا صالح شیرازی می‌توان گفت امروز راه تحقیق برای پژوهندگان، هموار شده است.

## منابع و مآخذ فصل اول

- (۱) - صورت جرائد ایران و جرائدی که در خارج ایران به زبان فارسی طبع شده است، بقلم اچ . ل . رایینو، چاپخانه عروءة الوثقی، رشت، ۱۹۱۱ میلادی .
- (2) . Edward G . Browne, The Persian Press and Persian Journalism, Persian Society, Published by John Hogg, 13 Paternoster Row, London, 1913 .
- (3) . Edward G. Browne , The press and poetry in Modern Persien, Cambridge University press, 1914.
- (4) . Edward G. Browne, The persian Revolution, Cambridge University press, 1910.
- (5) . Edward G. Browne, A Literary History Of persia, 4 Volumes, Cambridge University press, 1924.
- (6) . the Journal of the Royal Asiatic Society of Great Brotain and Ireland, Article xx Iv, Volume V, London 1839, pp. 355-364.
- (۷) - مجله کاوه (چاپ برلین، آلمان)، سال ۱۹۲۱، شماره های ۴، ۵، ۶.
- (۸) - «تاریخ جراید و مجلات ایران»، به قلم محمد صدرهاشمی، چهارجلد، چاپ اصفهان، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۲.
- (9). Hamid Mowlana, Journalism in Iran : A History and Interpretation, 2 Volumes, Northwestern University : Evanston, Illinois, 1963.
- (۱۰) - «سفرنامه میرزا صالح شیرازی، به اهتمام و مقدمه اسماعیل رایین»، تهران ۱۳۴۷.

## فصل دوم

### بنیاد ارتباطات اجتماعی در ایران

تاریخ روزنامه نگاری و ارتباطات اجتماعی در ایران نه فقط باید از جنبه تاریخ اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرد، بلکه از جنبه طبیعت تاریخی نیز باید ملاحظه و بررسی شود.

تاریخ روزنامه نگاری هر کشور تنها نتیجه اقدام و کوشش دسته برجسته و اشخاص معین و مشخص نیست، بلکه حاصل جریان تاریخی است که اعضای مختلف جامعه در آن شرکت دارند و اغلب بی آنکه اثر مداوم آنها در ظاهر به چشم آید به توسعه و تکامل وسایل اجتماعی و ارتباطی و از جمله روزنامه نگاری نو کمک می کنند. تاریخ روزنامه نگاری و ارتباطات اجتماعی ایران از تاریخ تمدن کشور ما جدا نیست. در عصری که انقلاب ارتباطات، ممالک مختلف دنیا را در چند ثانیه بهم متصل می کند، و در قریبی که مسافرت بشر به کره ماه عادی و معمولی به نظر می رسد، دانشجویان علاقه مند به تاریخ ارتباطات و تمدن ایران باید بیش از همه گذشته کشور خود را مطالعه و بررسی کنند و مخصوصاً پیشرفت‌ها و نقش رهبری ایران را در اختراع و توسعه شاهراههای تجاری، سیستم حمل و نقل و پست، دریانوردی و

## منابع و مآخذ فصل اول

- (۱) - «صورت جرائد ایران و جرائدی که در خارج ایران به زبان فارسی طبع شده است» بقلم اچ . ل . رایینو، چاپخانه عروۃ الوثقی ، رشت ، ۱۹۱۱ میلادی .
- (2) . Edward G . Browne, *The Persian Press and Persian Journalism*, Persian Society, Published by John Hogg, 13 Paternoster Row, London, 1913 .
- (3) . Edward G. Browne , *The press and poetry in Modern Persien*, Cambridge University press, 1914.
- (4) . Edward G. Browne, *The persian Revolution*, Cambridge University press, 1910.
- (5) . Edward G. Browne, *A Literary History Of persia*, 4 Volumes, Cambridge University press, 1924.
- (6) . the *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Brotain and Ireland*, Article xx Iv, Volume V, London 1839, pp. 355-364.
- (۷) - مجله کاوه (چاپ برلین ، آلمان)، سال ۱۹۲۱، شماره های ۵، ۴ و ۶.
- (۸) - «تاریخ جراید و مجلات ایران» به قلم محمد صدرهاشمی، چهارجلد، چاپ اصفهان، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۲.
- (9). Hamid Mowlana, *Journalism in Iran : A History and Interpretation*, 2 Volumes, Northwestern University : Evanston, Illinois, 1963.
- (۱۰) - «سفرنامه میرزا صالح شیرازی» به اهتمام و مقدمه اسماعیل رایین ، تهران ۱۳۴۷.

## فصل دوم

### بنیاد ارتباطات اجتماعی در ایران

تاریخ روزنامه نگاری و ارتباطات اجتماعی در ایران نه فقط باید از جنبه تاریخ اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرد، بلکه از جنبه طبیعت تاریخی نیز باید ملاحظه و بررسی شود.

تاریخ روزنامه نگاری هر کشور تنها نتیجه اقدام و کوشش دسته برجسته و اشخاص معین و مشخص نیست، بلکه حاصل جریان تاریخی است که اعضای مختلف جامعه در آن شرکت دارند و اغلب بی آنکه اثر مداوم آنها در ظاهر به چشم آید به توسعه و تکامل وسایل اجتماعی و ارتباطی و از جمله روزنامه نگاری نو کمک می کنند. تاریخ روزنامه نگاری و ارتباطات اجتماعی ایران از تاریخ تمدن کشور ما جدا نیست. در عصری که انقلاب ارتباطات، ممالک مختلف دنیا را در چند ثانیه به هم متصل می کند، و در قریبی که مسافرت بشر به کره ماه عادی و معمولی به نظر می رسد، دانشجویان علاقه مند به تاریخ ارتباطات و تمدن ایران باید بیش از همه گذشته کشور خود را مطالعه و بررسی کنند و مخصوصاً پیشرفتهای و نقش رهبری ایران را در اختراع و توسعه شاهراههای تجاری، سیستم حمل و نقل و پست، دریانوردی و

مخبرات، کتاب نویسی و نقشه کشی، مآخذ مطالعات تطبیقی قرار دهند و به طبع تاریخ ارتباطات اجتماعی خود پی ببرند.

در این فصل فرصت بیان و تشریح پیشرفتهای محصول تمدن سلسله‌های پادشاهی ایلام و هخامنشی و ساسانی و غیره نیست و پیشرفت ارتباطات اجتماعی در ایران باستان در حقیقت تاریخ مخصوص به خود دارد که توسط دانشمندان داخلی و ایران‌شناسان خارجی به تفصیل بیان شده است. ولی قبل از تاریخ آغاز روزنامه-نگاری و ارتباطات اجتماعی کنونی ایران، بررسی تحول و توسعه دو عامل مهم-پیدایش صنعت کاغذ، و «بنیاد خبر نویسی در ایران» - ضروری بنظر می‌رسد.

### پیدایش کاغذ در ایران

پیدایش کاغذ، سر فصل فن چاپ و انتشار کتاب و روزنامه‌نگاری است. درست است که پیش از آن آثار مهم بزرگان و دانشمندان و شعرای دنیا و نیز مکاتبات و محاسبات و قراردادهای، روی پوست حیوانات و نباتات نوشته و پخش می‌شد، ولی اختراع و پیدایش کاغذ بود که وسیله جدید و بزرگی در توسعه دانش و اطلاعات و اخبار در آسیا و اروپا بوجود آورد و کشورهای بی‌سابقه‌ای که به این صنعت فرهنگی دست پیدا کردند، توانستند آثار علمی و ادبی و اجتماعی خود را بطور منظم و آسان بین جامعه و همسایگان خویش پخش کنند و رونق دهند.

مورخان عقیده دارند در سال ۱۰۵ میلادی صنعت تولید کاغذ در چین اختراع

شد و در قرون بعد به سایر نقاط آسیا و سرانجام به اروپا راه پیدا کرد.\*

سمرقند اولین شهر ایران بود که در سال ۷۵۱ میلادی صنعت کاغذسازی در آن رواج یافت و بعد از آنکه اعراب نقاط مختلف آسیای جنوبی و ترکستان کنونی را تسخیر کردند، صنعت کاغذ به سایر نقاط امپراتوری اسلام توسعه پیدا

کرد. در حقیقت در اواسط قرن هشتم میلادی در جریان هجوم اعراب به ماوراءالنهر و استانهای شمالی ایران، عده‌ی از زندانیان چینی که اسیر اعراب شدند، به تولید کاغذ در سمرقند پرداختند. و از آن به بعد کاغذسازی در شهرهای دیگر ایران دایر شد و این صنعت از طریق ایرانیها به سایر نواحی دنیای اسلام و از این رهگذر به قاره اروپا انتقال پیدا کرد:

تاریخ پیدایش صنعت کاغذ در نقاط ذیل خط سیر توسعه این وسیله مهم ارتباطی را و نیز نقشی را که ایران و آسیا در آن داشته اند به خوبی روشن می‌سازد:

چین - ۱۰۵ میلادی

ترکستان - ۱۵۰ میلادی

تورقان - ۳۹۹ میلادی

کشمیر - ۶۰۰ میلادی

سمرقند ۷۵۱ میلادی

بغداد - ۷۹۳ میلادی

مصر - ۹۰۰ میلادی

مراکش - ۱۱۰۰ میلادی

اسپانیا - ۱۱۵۰ میلادی

ایتالیا - ۱۲۷۰ میلادی

آلمان - ۱۳۹۰ میلادی

انگلستان - ۱۳۹۴ میلادی

آمریکا - ۱۶۹۰ میلادی

جالب توجه اینجاست که صنعت کاغذسازی موقعی در سمرقند رواج پیدا

کرد که ایرانیها به کمک خاندان عباسی، حکومت بنی امیه راسرنگون ساختند و نفوذ سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خود را در تمدن اسلام توسعه دادند. در حقیقت نفوذ ادبی و سیاسی ایرانیها از آغاز خلافت عباسی (در ۷۵۰ میلادی) با توسعه صنعت کاغذسازی، انقلاب فرهنگی بزرگی در خاورمیانه بوجود آورد و توسعه تمدن ایران و اسلام در قرون بعدی مرهون این آمیزش تاریخی است. سمرقند با امکانات وسیع و قدرت تولیدش شهر بزرگ بازرگانی بود و ماوراءالنهر که سمرقند یکی از شهرهایش بود، مرکز پرورش شعرای بزرگ ایران گردید و کتابخانه‌های متعددی در آنجا دایر شد. صنعت کاغذسازی که در این دوره منحصر به ایران و اعراب بود باعث شد آثار علمی و فلسفی و ادبی ایرانیها و دنیای اسلام از سمرقند گرفته تا بغداد و مصر توسعه پیدا کند و بالاخره راه خود را به اروپا و کشورهای مثل اسپانیا و ایتالیا بگشاید.

سمرقند و نواحی این شهر به علت آب و هوای ملایم و رواج کشت کتان و شاهدانه که لازمه صنعت کاغذ بود، مدتی طولانی مرکز پخش این وسیله ارتباطی و فرهنگی باقی ماند. در دوران خلافت هارون الرشید عده زیادی از متخصصان کاغذسازی این شهر به بغداد منتقل شدند و از آن پس بغداد و دمشق مرکز تولید و تقسیم صنعت کاغذسازی قلمرو خلفا شد.

با تولید کاغذ، صنعت کتابسازی در ایران رواج پیدا کرد. تاریخ نویسان تکامل خط «کوفی» را توسط ایرانیان مرهون توسعه صنعت کاغذ می‌دانند. در قرن یازدهم میلادی صنعت کتابسازی ایران، نه تنها در سایر نقاط اسلامی بلکه در دنیای آن روزی نظیر بود. توسعه این هنر و صنعت سبب شد که قسمت مهمی از آثار ادبی و هنری ایران در خاورمیانه و آفریقا و اروپا پخش شود، و صنعت کاغذ و فن کتابسازی، تغییرات مهمی در گسترش عقاید سیاسی و اجتماعی طبقات مختلف

آن زمان بوجود آورد \* . نسخه‌های گرانقیمت کتاب « قابوسنامه » و شاهنامه فردوسی ، و دیگر متن‌های معتبر فارسی در موزه‌های مختلف دنیا نشانی از اثرات فوق‌العاده این رشته از وسایل ارتباطی است که توسط ایرانیها تأسیس و تکمیل شده است .

### وقایع نویسی و خبر نویسی

پیشرفت وسایل ارتباطی و توسعه صنعت کاغذ و کتاب‌سازی در ایران سبب شد در دوره حکومت خلفای عباسی و بعدها در دوره فرمانروایی سامانیها و تیموریها؛ شغل وقایع نویسی و خبر نویسی در دربار و ادارات دولتی و همچنین بین استانها و فرمانداریها رواج پیدا کند\*\* . مثلاً در اواخر حکومت خلفای عباسی خبر نویسان آن زمان که به « صاحب‌البرید » معروف بودند، اخبار و وقایع مهم مملکتی را در روزنامه‌های خصوصی که در چندین نسخه محدود تهیه می‌شد، نوشته برای حکمرانان مختلف می‌فرستادند .

از جنبه توسعه و رواج شغل وقایع نویسی، سلسله تیموری دوره بسیار مهمی بشمار می‌رود. حکمرانان تیموری برای اولین بار در تاریخ ایران، سمت وقایع نویسی را در ادارات و استانهای مختلف به رسمیت شناختند و شاهان این دوره اشخاص بسیار مطلع و نویسندگان برجسته دولتی را به این سمت منصوب کردند . وظیفه وقایع نویسان دوره تیموری این بود که مرتب خبر و تفسیر امور شهری و مملکتی را به فرمانداریها و مرکز خبر دربار تیموری گزارش می‌دادند و بطوری که مورخان ایرانی و خارجی ذکر کرده‌اند، تصمیمات بزرگ مملکتی و سیاست کشوری مبتنی و متکی بر اخبار و گزارشهایی بود که وقایع نویسان و خبر نویسان تیموری به پایتخت می‌فرستادند \*\*\* .

در اوایل قرن چهاردهم میلادی، حکمران معروف، غازان خان، فرمانروای مغول گاهگاهی روزنامه‌های دیواری منتشر و در شهرهای مختلف پخش و نصب می‌کرد. این گونه روزنامه‌های دیواری معمولاً فرمانهای غازان خان و دستورهای دولتی را بین مردم و رعایای کشوری برد و مخصوصاً در جاهایی که مالیات از طرف مأموران دولت دریافت می‌شد، اخبار و مقدار مالیات سالانه در روزنامه‌های دولتی منتشر می‌گردید تا اهالی هر شهر و ده از مقررات آگاهی یابند و صاحب‌منصبان کشوری نتوانند مالیات اضافی و غیرقانونی به مردم تحمیل کنند \* (۱).

مقام « وقایع نویسی » که از زمان تیموریان در ایران رونق یافت به مدت چندین قرن و در واقع تا پیدایش صنعت چاپ در ایران، ادامه پیدا کرد. این شغل مخصوصاً در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی در حکومت صفویه در امور دولتی نقش بسیار مهمی داشت. جهانگرد معروف پی‌تر و دلاواله<sup>۱</sup> که در زمان سلطنت شاه عباس به ایران مسافرت کرده است در سفرنامه خود ذکر می‌کند وقتی شاه عباس در میدان عمومی اصفهان نطق می‌کرد، گزارش سخنرانی او توسط وقایع نویسان نوشته شده در کاغذهای منظم در نقاط مختلف شهر به دیوار نصب می‌شد تا مردم از آن آگاهی یابند (۲) \*\*\*.

عنوان وقایع نویسی و سمت او در دوره حکومت صفویها (۱۵۰۲ تا ۱۷۳۶ میلادی) چنان رونق یافت که در دوره‌های مختلف حکمرانی شاهان این سلسله، وقایع نویسی در تمام جلسات دولتی که تصمیمات مهم سیاست داخلی و خارجی گرفته می‌شد، شرکت نموده گزارش جامع آنرا برای پخش و اطلاع اشخاص و گروه‌های مختلف ثبت می‌کرده است (۳) \*\*\*.

بدین ترتیب عنوان وقایع نویسی در ممالکی که زبان فارسی زبان رسمی و دولتی بشمار می رفت رواج پیدا کرد و سمت خبرنگاری حوادث و تصمیمات مهم مملکتی مورد حمایت و تشویق حکمرانان مختلف قرار گرفت. مثلاً در هند که زبان فارسی تا قرن هیجدهم میلادی زبان رسمی و دولتی بشمار می رفت، وقایع - نویسان به صورت خبرنگاران کنونی، تصمیمات و حوادث مملکتی را برای اعضای دولت و طبقه مهم مملکتی جمع آوری کرده در کاغذهای مختلف که به روزنامه - های کوچک امروزی شباهت داشت ثبت می کردند. ابوالفضل دکنی تاریخ نویس معروف دوره حکمرانی اکبر شاه در هند، در کتاب «آیین اکبری» به تفصیل راجع به نقش وقایع نویسی دوره سلطنت اکبر شاه در هند صحبت کرده و ظایف خبرنگاری او را شرح می دهد.

تاریخ نویس دیگری به نام خافی خان در کتاب خود به نام «منتخب اللباب» گزارش می دهد روزنامه های کوچک فارسی که توسط وقایع نویسان در هند منتشر می شد، اخبار مملکتی را به مردم اطلاع می داد و در مواقعی که نسخه های اینگونه روزنامه ها به همه مردم نمی رسید، وقایع نویسان دیگر نسخه آنرا هر هفته در مسجد جامع برای مردم می خواندند.

در سال ۱۸۲۸ میلادی جیمز تاد<sup>۱</sup> سرهنگ انگلیسی در حدود صد نسخه از روزنامه های کوچک فارسی را که توسط وقایع نویسان هند منتشر شده بود و به دوران حکومت مغولها در هند تعلق داشت به انجمن سلطنتی آسیایی در لندن فرستاد. شرح و محتویات این خبرنامه ها در مجله انجمن سلطنتی آسیایی به - سال ۱۹۰۸ میلادی مفصل چاپ شده است.

سمت و عنوان وقایع نویسی تا اواسط حکومت قاجاریه در جلسات مختلف

درباری و دولتی و عمومی رواج داشته است و به رسمیت شناخته می‌شده. مثلاً در دوره سلطنت فتحعلی شاه (۱۷۹۷ تا ۱۸۳۴ میلادی) در میان وزرا، علما، ورثای مختلف مملکتی که در «مجلس شاه» همیشه حضور داشتند، شاعر دربار و وقایع‌نویس روز از جمله حاضران بودند. تاریخ‌نویسان ایرانی و خارجی در نوشته‌های خود از اهمیت این دو پست مهم، شاعر دربار و وقایع‌نویس روز، در حکومت فتحعلی شاه صحبت کرده‌اند (۴).

## منابع و مأخذ فصل دوم

- (1) Percy Sykes , A History of Persia , volume 11 ,  
Macmillan Company , London, 1930, p.113.
  - (2) John pinkerton, A General Collection of the Best  
and Most Interesting voyages and travels, volume lx ,  
The Travels of pietro de lle Valle in persia, Letter V  
from Isphahan, 22th April and 8th May 1619; printed  
for Langman, London, 1811, p.74.
  - (3) Hamid Mowlana, Journalism in Iran : A History  
and Interpretation, vol. 1, Northwestern University,  
Evanston, Illinois, 1963, pp. 161 - 163.
  - (4) Sir Harford Jones Brydges , part. , An Account of  
the Transactions of His Majesty's Mission to the  
Court of persia in the years of 1807 - 11. volume 1 ,  
Jones Bohn , London, p. 123.
- John kitto, The Court and people of persia, the  
Religious Tract Society, London, 1799, p.97.

# فصل سوم

## پیدایش و توسعه فن و صنعت چاپ

در حالی که شناخت و توسعه فن و صنعت کاغذ سازی در ایران به سرعت انجام شد و رونق یافت، فن و صنعت چاپ در ایران به کندی راه پیدا کرد. فن کاغذ سازی از طرف شرق آسیا به ایران آمد ولی معرفی فن چاپ در ایران محصول و میوه تمدن غرب و اروپا بود. مطابق مدارکی که به جا مانده، در سال ۱۶۳۹ میلادی، درست ۱۹۰ سال بعد از آنکه گوتنبرگ در آلمان ماشین چاپ حروف متحرک را اختراع کرد، اولین ماشین چاپ وارد ایران شد و در جلفای اصفهان نصب گردید. برقراری ماشین چاپ که یکی از کارهای درخشان دوره سلطنت شاه عباس کبیر بشمار می رود به دست ارامنه جلفای اصفهان صورت گرفت. یکی از کشیشان کلیسای «اپوستولیک» ارامنه به نام «خاچاتور» متصدی این ماشین چاپ بود و چندین کتاب به زبان ارمنی در جلفا منتشر کرد. (۱)

در حقیقت روش اداری و سیاسی شاه عباس کبیر بود که محیط مناسبی در اصفهان و مخصوصاً جلفا ایجاد کرد و ارامنه آن ناحیه را تشویق کرد که به هنر و اقتصاد و

شهر نشینی پایتخت و نواحی آن کمک کنند.

باید یادآوری کرد در اوایل قرن هفدهم میلادی بود که مهاجرت چندین هزار ارمنه از شمال ایران و مخصوصاً جلفای آذربایجان به اصفهان، به دستور شاه عباس انجام شد. بطوری که در سال ۱۶۰۴ میلادی شماره مهاجران ارمنه که در دامنه کوه معروف نور، در خارج اصفهان، سکونت داشتند، به پنج هزار تن رسید. این ناحیه که به زودی به جلفای اصفهان معروف شد روبه توسعه و آبادی گذاشت و «ژان شاردن» سیاح معروف فرانسوی که در سال ۱۶۲۷ میلادی از این نقطه بازدید کرده است، جمعیت آنرا در حدود سی هزار نفر تخمین زده (۲)

① دو عامل مهم در پیدایش فن چاپ در جلفای اصفهان موثر بود: عامل اول محیط آزاد و تشویق آمیزی که از طرف شاه عباس کبیر برای ارمنه جلفا ایجاد شده بود. این گروه که سالها در ارمنستان در شمال ایران، زیر حمله و هجوم ترکها و تحت تسلط خارجیان بودند، در سایه حکومت صفویه و نفوذ شاه عباس توانستند در صلح و آسایش، فرهنگ خود را توسعه دهند. بطوری که کلیسای ارمنه جلفای اصفهان برای مدت طولانی مرکز مذهبی و اداری ارمنه «اپوستولیک» آسیای غربی بشمار می رفت. (۳)

② عامل دوم این بود که گروه ارمنه با انتشار کتب مذهبی و بی دخالت خارجیان و مخصوصاً ترکها می توانستند روش و مذهب خود را در آسیای غربی توسعه دهند و در حقیقت کتب چاپ شده وسیله ارتباط و تشکیلات بین گروه های مختلف ارمنه در ایران باشد.

اولین کتاب مذهبی گروه ارمنه اصفهان به نام «سرگذشت پدران روحانی» که نویسنده آن «هارانس وارك» نام داشت، در سال ۱۶۴۰ میلادی به زبان ارمنی در جلفا چاپ و منتشر شد.

در سال ۱۶۷۰ دومین ماشین چاپ توسط گروه آرامنه وارد جلفا شد و شروع به کار کرد. آثار این ماشین چاپ که از اروپا به جلفای اصفهان حمل گردید و توسط کشیشی به نام «ژا کوب ژان» در جلفا نصب شد، تا مدت‌ها در موزه آرامنه جلفای اصفهان محفوظ بود و نگاهداری می‌شد. (۴)

در اواخر سلطنت صفویه و سالهای بعد در زمان سلطنت نادرشاه افشار تا آغاز سلسله قاجاریه، چندین ماشین چاپ کوچک دیگر توسط میسوینهای مذهبی و اروپاییها در نقاط مختلف ایران و مخصوصاً سواحل جنوب و نزدیک خلیج فارس دایر شد. ولی عمر این گونه ماشین‌های چاپ کوتاه بود و به علت اختلالات داخلی و جریانات سیاسی و مذهبی که اغلب با اغتشاشها و تشنجات موجود در استانهای مختلف همراه بود، فن چاپ در ایران بطور مرتب و مداوم توسعه پیدا نکرد. مثلاً بانفوذ اقتصادی و سیاسی پرتغالیها و بعدها انگلیسی‌ها در خلیج فارس و هندوستان، نمایندگان دولت انگلستان و تجار خارجی از طریق بوشهر و سایر بنادر خلیج فارس چندین ماشین چاپ وارد ایران کردند که توسط میسوینهای مذهبی و تجار مورد استفاده قرار گرفت.

جان پینکرتون<sup>۱</sup> و جوناس هانوی<sup>۲</sup>\* که در اواخر قرن هیجدهم به ایران سفر کرده بودند، در یادداشت‌های خود ذکر کرده‌اند که در اواسط قرن هیجدهم میلادی در زمان سلطنت نادرشاه، چندین ماشین چاپ در ایران موجود بوده که جزوه‌های مختلف به زبان لاتین و عربی در ایران منتشر و پخش می‌کرده است. (۵)

در سال ۱۷۴۰ میلادی به دستور نادرشاه چندین کشیش اروپایی\*\* و ارمنی تحت نظارت یکی از منشیان نادرشاه به نام «میرزا مهدی» و دوسه نفر از همکارانش

1. John pinkerton
2. Jonas hanway

چندین جزوهٔ مذهب مسیحی را به فارسی و عربی ترجمه کردند. تصور می‌رود ترجمهٔ این جزوه‌های کوچک که به علاقه نادرشاه و بنا بر درخواست بعضی از علمای آن زمان انجام شده بود\*، توسط ماشینهای چاپ کوچکی که در دسترس بود به چاپ رسیده باشد. يك كشيش فرانسوی از شهر تولوز، به نام ژوزف<sup>۱</sup> که از اولین فرهنگ نویسان فارسی و فرانسه است در صفحه ۴۱۵ کتاب خود به وجود ماشین چاپ در ایران اشاره می‌کند.

### صنعت چاپ در زمان قاجاریه

رسانس سیاسی و اقتصادی که با تشکیل حکومت صفوی به مدت دو بیست سال در ایران رواج پیدا کرده بود نتوانست بطور کامل ادامه پیدا کند. با خاتمه حکومت صفوی رابطهٔ ایران با غرب توسعه نیافت و ظهور نادرشاه دولتی مستعجل بود که هشی سیاسی و اداری قرن هیجدهم ایران را متوجه امور داخلی و جنگ‌های مداوم با همسایگان شرقی و غربی ساخت و نوآوریهای نادر بازوال اواز میان رفت. و توجه ایرانیها به صنعت و علوم اروپا در این مدت رونق فوق العاده‌یی نداشت.

وای با آغاز سلسله قاجاریه و مخصوصاً سلطنت فتحعلی شاه در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی، نه تنها روابط ایران با کشورهای اروپایی روبه توسعه گذاشت بلکه علاقه دولت ایران و دربار قاجار و خاصه شاهزاده عباس میرزا به آشنایی و اقتباس فنون و علوم نظامی و اداری اروپا باعث شد توسعه فن چاپ بار دیگر مورد عنایت جدی و دقیق قرار گیرد و به امور ارتباطی جدید توجه شود.

شاهزاده عباس میرزا که در اوایل قرن نوزدهم فرماندار آذربایجان بود، در تدارك مقابله با قشون روسیه، عده‌یی از ایرانیها را برای تعلیم فنون نظامی و سایر فنون و صنایع غربی از جمله چاپ، به اروپا فرستاد، همچنین تجار و هنرمندان آذربایجانی را تشویق کرد تا می‌توانند وسایل جدیدی که در روسیه مورد استفاده قرار دارد به ایران وارد کنند و رواج دهند. در سال ۱۸۱۶ میلادی یکی از تجار و هنرمندان آذربایجانی به نام میرزا زین‌العابدین تبریزی به کمک شاهزاده عباس میرزا اولین ماشین چاپ را از روسیه به ایران آورد و در تبریز به کار انداخت برای چند سالی تبریز تنها شهری بود که ماشین و فن چاپ در آن رواج داشت و به همین جهت تا مدتی چاپخانه در ایران به نام «باسمه‌خانه» مشهور بود. بعدها عنوان باسمه‌خانه به چاپخانه مبدل شد. پروفیسور ادوارد برون لغت چاپ را از کلمه «چاو» که به زبان چینی معنی پول و اسکناس می‌دهد، مشتق می‌داند. «چاو» در زمان مغولها در ایران به عنوان پول کاغذی بکار می‌رفته است، و با پیدایش ماشین چاپ در ایران «چاپخانه» جای‌نام‌تر کی «باسمه‌خانه» رامی‌گیرد. (۶)

رفت و آمد اروپاییها به ایران و اشتیاق ایرانیها به خصوص عباس میرزا به اخذ تمدن جدید اروپا باعث شد فصل جدیدی در رابطه فرهنگی ایران و اروپا شروع شود.

دوره اول جنگهای ایران و روسیه که به مدت ده سال، از ۱۸۰۳ تا ۱۸۱۳ میلادی، طول کشید و باعث شد استانهای گرجستان و قفقاز ضمیمه روسیه شود، ضرورت فرا گرفتن فنون نظامی و صنعتی را در فکر شاهزاده عباس میرزا بیشتر جا داد. از طرف دیگر رفت و آمد هیأت نظامی فرانسوی که به نمایندگی ناپلئون به ایران آمده بود و گروه متخصصان انگلیسی که بادر بار فتحعلی شاه در مذاکره بود، محیطی ایجاد کرد که عده‌یی محصل ایرانی که تا حدی به زبان و فرهنگ

خارجی آشنایی و علاقه داشتند عازم اروپا شوند. مثلاً رشته تحصیلی پنج نفر از محصلان ایرانی که به دستور عباس میرزا در حدود سال ۱۸۱۵ میلادی به لندن رفتند از وسعت احتیاج ایرانیها به کسب علوم و صنعت اروپا حکایت می کند و نشانه اشتیاق و علاقه محصلان آن زمان نیز هست:

میرزا جعفر برای تحصیل شیمی یاطب

میرزا رضا صوبه دار (فرمانده) توپخانه برای تحصیل توپخانه

میرزا جعفر مهندس برای مهندسی (مشیرالدوله اول)

محمد علی چخماق ساز برای یاد گرفتن قفل و کلید سازی.

میرزا صالح برای آموختن زبان انگلیسی که مترجم دولت باشد.

مثلاً در میان این دانشجویان، میرزا صالح، که بعدها به میرزا صالح شیرازی

معروف و در دربار فتحعلی شاه مشغول کار شد، نه تنها زبان انگلیسی را آموخت بلکه از فن چاپ و روزنامه نگاری هم بهره گرفت.

چاپخانه زین العابدین تبریزی چندین سال به چاپ جزوه ها و کتابهای مختلف

و از جمله قرآن مشغول بود. در سال ۱۸۲۴ میلادی میرزا جعفر تبریزی که توسط

شاهزاده عباس میرزا به روسیه سفر کرده بود پس از تحصیل فن چاپ به ایران

مراجعت کرد و دومین چاپخانه را در تبریز دایر ساخت. مدتی بعد یکی دیگر از

هنرمندان ایرانی به نام میرزا اسدالله از نواحی فارس که در «سن پترزبورگ» در

روسیه تحصیل می کرد به ایران بازگشت و به کمک میرزا صالح شیرازی که در

این موقع از لندن مراجعت کرده بود و در دستگاه عباس میرزا مشغول منشیگری بود

چاپخانه دیگری در تبریز افتتاح کرد. در این کار تشویق آقا رضا باسمه چی تبریزی

بسیار موثر بود.

در واقع در حدود ۱۸۲۴ میلادی چندین چاپخانه در تبریز و تهران مشغول

کار بود .

تهران دومین شهری بود که ماشین چاپ در آن بکار افتاد . در سال ۱۸۲۴ میلادی میرزا زین العابدین تبریزی به دستور فتحعلی شاه یکی از ماشین های چاپ خود را از تبریز به تهران منتقل کرد و در تکیه منوچهر خان که امروز به خیابان بوذرجمهری معروف است کار گاهی بزیا ساخت . تصدی این چاپخانه بعدها به میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله نشاط اصفهانی ، سرپرست دیوان رسایل دربار فتحعلی شاه واگذار شد .

اولین کتابهایی که در تبریز به چاپ رسید عبارت بود از :

- ۱- «قرآن» به خط میرزا حسین خوش نویس .
- ۲- «فتح نامه» تألیف میرزا ابوالقاسم قائم مقام که به شرح جنگهای دوره اول ایران و روسیه اختصاص داده شده بود .
- ۳- «گلستان سعدی»
- ۴- «مائثر سلطانیه» تألیف عبدالرزاق مفتون دنبلی منشی دیوان شاهزاده عباس میرزا . این کتاب تاریخ جنگهای ایران و روس است .
- ۵- «رساله آبله کوبی» که از اولین جزوه های بهداشتی زمان قاجاریه بشمار می رود .

در بین اولین کتابهایی که در تهران به چاپ رسید «کنجینه معتمدالدوله نشاط» وهم چنین قرآن قابل ذکر است .

دومین چاپخانه که از تبریز منتقل شد ، چاپخانه میرزا اسداله بود که باز از روسیه وارد شده بود . این چاپخانه در تهران تحت نظر میرزا صالح شیرازی اداره می شد و بعدها مرکز چاپ اولین روزنامه ایران گردید . یکی از اعضای

مسیونهای مذهبی آمریکا به نام جاستین پرکینز<sup>۱</sup> که در حدود سال ۱۸۳۰ میلادی در تهران اقامت داشت در کتاب خاطرات خود از آشنایی ایرانیان به فن چاپ را آموزش آن در تهران یاد کرده است و می نویسد مخصوصاً میرزا صالح شیرازی در توسعه این فن بسیار فعال است و بدین ترتیب بسیاری از افکار و عقاید اروپایی توسط این گونه وسایل در بین امرای دولتی و درباری نفوذ می کند. (۷)

مدت زیادی نینجامید که فن چاپ و بهره برداری از آن به سایر استانها و شهرهای ایران توسعه پیدا کرد و بعد از تبریز و تهران در شیراز، اصفهان، رضائیه، مشهد، بندرپهلوی، رشت، اردبیل، همدان، خوی، یزد، قزوین، کرمانشاه، کرمان و کاشان چاپخانه دایر شد.

#### مسیونهای مسیحی و فن چاپ

تمدن غرب و اروپا و ظواهر آن در قرن نوزدهم از دو جهت مختلف در ایران راه پیدا کرد: در مرحله اول اروپاییها و غربیها به ایران سفر کردند و به سرزمین و ادبیات و سیاست و هنر ایران علاقه مند شدند و تمدن غرب را با خود به ایران آوردند. در مرحله دوم ایرانیها به صنعت و علم اروپا اشتیاق و آشنایی پیدا کردند، و نفوذ آن در برنامه‌هایی مثل اعزام محصل به خارج و مسافرت امرای دولتی به اروپا و روسیه جلوه گر شد. پیدایش فن چاپ در ایران بطوری که دیدیم در هر دو جهت توسعه پیدا کرد و این دو عامل دست به هم داده اولین نمونه صنعت و ماشین اروپا را که از پایه‌های رشد فرهنگ و تمدن فرنگی بشمار می‌آید، در ایران بنیاد گذاشت.

در این سیر تاریخی، میسیونهای مسیحی که از اروپا و آمریکا برای پخش عقاید مذهبی به ایران آمده بودند، نقش مهمی بازی کردند. فعالیت این عده در اواسط قرن نوزدهم افزایش یافت و در نقاط مختلف ایران برای تبلیغ نظریات خود چاپخانه‌های متعدد دایر کردند.

فعالیت میسیونهای مذهبی در ایران تاریخ مخصوص به خود دارد. ولی برای روشن شدن تاریخ صنعت چاپ در ایران لازم است در این فصل به فعالیت آنها در ایران دوره قاجار اشاره شود. اولین میسیونر پروتستان هنری مارتین<sup>۱</sup> معروف بود که در سال ۱۸۱۱ میلادی به ایران آمد و پس از مدت کوتاهی موفق شد به کمک ایرانیها و مخصوصاً شخصی به نام «صوفی شیرازی» کتاب مذهبی خود را به فارسی ترجمه کند. \* به دنبال هنری مارتین میسیونهای مذهبی دیگر از انگلستان و فرانسه و آلمان و روسیه وارد ایران شدند و به ترویج و تبلیغ مذهب خود پرداختند. اغلب این میسیونها در شمال غربی آذربایجان و هم چنین در تهران که عده مسیحیان و ارمنی‌ها و آسوریان زیاد بود اقامت کردند. فعالیت میسیونها در سه رشته اصلی قابل توجه بود:

۱- تأسیس مدرسه

۲- تأسیس بیمارستان و مرکز بهداشت.

۳- تأسیس چاپخانه و قرائت خانه.

مثلاً اولین میسیونر مهم آمریکایی جاستین پر کینز که از بوستون در ایالت ماساچوست به سال ۱۸۳۳ میلادی به ایران آمد یکسردر رضائیه سکونت کرد. در آن زمان در حدود سی هزار ارمنی و کلدانی و مسیحی نستوری در رضائیه و نواحی آذربایجان غربی زندگی می کردند. پر کینز علاوه بر

احداث بیمارستان و مدرسه در رضائیه اولین چاپخانه را نیز در سال ۱۸۴۰ میلادی در آن شهر تأسیس کرد.

در رضائیه از اقدام پر کینز در تأسیس چاپخانه و مدرسه و بیمارستان استقبال شد و پس از مدتی چند تن از منشی‌ها و طلاب اهل رضائیه در چاپخانه کار کردند و فن چاپ را آموختند. نظریات و خاطرات پر کینز در این مورد از تأثیر میسیونرها در رضائیه و محیط آنجا حکایت می‌کند و هم‌چنین عکس العمل میسیونرهای مذهبی را نسبت به زندگی و عادات اهالی رضائیه نشان می‌دهد. پر کینز در اولین سال سکونت خود در رضائیه در خاطرات خویش می‌نویسد:

«میسیون ما به چاپخانه احتیاج دارد و بهترین محل برای این کار ارومیه (رضائیه) است. ایرانیها به ماشین چاپ آشنا هستند و می‌دانند چگونه از آن استفاده کنند. بنابراین ترسی وجود ندارد که روزی اهالی مسلمان این شهر با تأسیس چنین چاپخانه‌یی مخالفت کنند.»

هفت سال بعد، در نوامبر ۱۸۴۰ میلادی، اولین چاپخانه میسیون پر کینز وارد رضائیه شد و سالنامه یکی از منجمان رضائیه از نخستین کارهای این چاپخانه بود. پر کینز در یادداشتهای خود از کار چاپخانه و وضع رضائیه اینطور یاد می‌کند:

«چاپخانه‌یی که تازه وارد شده کوچک است و مخصوص کار میسیون ما ساخته شده است تا بتوانیم به آسانی آنرا به نقاط کوهستانی این نواحی حمل کنیم. چاپخانه ما باید طوری باشد که حمل آن بر پشت اسب و قاطر میسر باشد... چاپخانه در اینجا مثل شیراست. اهالی هر روز به دیدن آن می‌آیند.

مسیحی‌های نستوری خیلی خوشحال هستند و مسلمانان رضائیه هم خیلی از آن استقبال می‌کنند. اهالی مسلمان اینجا از ما سؤال می‌کنند آیا ما کتابهای

فارسی هم چاپ خواهیم کرد یا نه؟ البته در حال حاضر حروف فارسی در دسترس ما نیست . . . . .

محمد میرزا یکی از منشی‌های محلی اینجا با برادرش در چاپخانه ما کار می‌کنند. این دو نفر خیلی علاقه دارند فن چاپ را یاد بگیرند و باعث خیلی مسرت است که اهالی مسلمان اینجا همدوش مسیحیان و بی‌مخالفت و مقاومت با هم کار می‌کنند.

در سال ۱۸۴۲ میلادی دو سال پس از تأسیس اولین چاپخانه در رضائیه نسخه‌های قابل توجهی از کتابهای مذهبی میسیون پر کینز در نواحی آذربایجان پخش شد. \*

### توسعه چاپ کتاب

با توسعه فن چاپ در ایران و تأسیس چاپخانه و کارگاههای انتشار در نقاط مختلف کشور، در آغاز نیمه دوم قرن نوزدهم صنعت چاپ وسیله بسیار مهم ارتباطات اجتماعی در ایران بشمار می‌رفت. در حقیقت می‌توان گفت نقشی که صنعت چاپ در نیمه اول قرن نوزدهم در ایران بازی کرد شبیه نقشی است که تلویزیون و اقمار مصنوعی و فضایی در دنیای امروز بازی می‌کنند. وسیله چاپ تا آن زمان در ایران مهم‌ترین نمونه رسوخ تمدن غرب بشمار می‌رفت و نتایج اجتماعی حاصل از آن در افکار و عقاید ایرانیها و مخصوصاً طبقات دولتی و روحانیان بی‌نظیر بود.

توسعه صنعت چاپ در تهران و شهرستانها که با تأسیس مدارس جدید و از جمله مدرسه دارالفنون در تهران همراه بود، سیستم آموزش و پرورش و پخش آثار

علمی و هنری غرب را در ایران بطور قابل توجهی دگرگون ساخت. کتابهای مختلف در رشته‌های طب، تاریخ، فلسفه و علوم توسط ایرانیها و خارجیان منتشر گردید و بنیاد کتب درسی و سیستم جدید آموزشی به این ترتیب محکم شد. مثلا معلمان اروپایی از جمله نیکولاس لماری<sup>۱</sup> آندرینی<sup>۲</sup> دکتر پولاک<sup>۳</sup> و عده‌ی دیگری کتب گوناگونی از زبانهای اروپایی به فارسی ترجمه کردند که در مدرسه دارالعلوم مورد استفاده قرار گرفت.

در سالهای بعد شرکت طبع کتاب که از جانب انجمن معارف در تهران تأسیس شده بود اغلب کتب درسی و ترجمه شده را چاپ می کرد. یکی از اعضای فعال و موثر این شرکت حاجی میرزا یحیی دولت آبادی معروف بود. در بین نویسندگان و مولفان قدیمی این دوره که آثار آنها چاپ و منتشر شده حاجی نجم الدوله، میرزا زکی مازندرانی، میرزا قاسم، میرزا علی محمد اصفهانی، محمد حسن خان اعتماد السلطنه. رضا قلی خان هدایت تبرستانی معروف به الله باشی و میرزا یوسف خان مستشار الدوله نامهای بسیار مشهورند. در نیمه دوم قرن نوزدهم در حدود ۱۶۲ کتاب مختلف در تهران در رشته‌های علمی، تاریخی و ریاضی به چاپ رسید. در بین این کتابها می توان «تاریخ پطر کبیر»، «شارل دوازدهم»، «اسکندر کبیر» را که به دستور شاهزاده عباس میرزا چاپ شده است و هم چنین کتاب «جهان نما» تألیف میرزا را فائل، فرهنگ «برهان جامع» تألیف محمد کریم بن مهدیقلی تبریزی «کلیات سعدی» و «دیوان ناصر خسرو» را ذکر کرد.

یکی از نکات جالب توجه تاریخ چاپ در ایران توسعه بی نظیر چاپ سنگی است. با اینکه چاپ حروفی و سربی در زمان سلطنت فتحعلی شاه در ایران رواج

1. Nicolas M. Lemarie

2. M. Anderini

3. Dr. Polak

داشت ولی به علت وجود خوشنویسان معروف و علاقه نویسندگان به خط نویسی، اغلب کتابهای منتشره تا اواخر قرن نوزدهم به طریق چاپ سنگی طبع می شد. از زمان مظفرالدین شاه باردیگر چاپ سربی متداول گردید و خط نویسی و چاپ سنگی به دیوانهای شعر و کتابهای مذهبی اختصاص یافت.

با توسعه چاپ در ایران آموزش و فرهنگ جدید رو به ترقی گذاشت و آمیزش این فن بسیار مهم بارسوخ عقاید و آگاهی جدید در طبقات تحصیل کرده و متوسط ایران هسته اولی روزنامه نگاری را پدید آورد و انقلاب بزرگی در طرز فکر و روش طبقات مختلف ایران ایجاد کرد.

## منابع و مآخذ فصل سوم

(1) . H. Kurdien, 'A History of Armenian Printing,'  
The Armenian Review, Boston, mass ., Summer 1955 .  
P . 115 .

(2) . Jean Chardin (Later sir John), Voyages,  
10 Vols, paris, 1811, Vol. VII, pp. 280-290 .

(3) . Fred Richards, A persian Journay, New york,  
Jonathan Cape and Harrison smith, 1932.  
pp . 80-89

(4) . Sion Manoogian, 'First Armenian Printing  
Presses,' the Armenian Church Monthly,  
New york, Augst 1959, P. 1.

(5) . John Pinkerton, A General Collection of the  
Best and most Interesting voyages and Travels'  
vol. Ix, London, printed for Longman, 1811,  
pp. 226-227. و نیز John Hanway, the Revolution of persia,  
Containing the History of the Celebratad Uxrper Nadir  
kouli from His Birthin 1687 till his Death in 1747,  
London, vol IV published in 1753, pp. 217-218.  
Edward, G. Browne, the press and poetry of  
Modern persia, Cambridge University press,  
1914, p. 7.

(7) . Rev. Justin perkins , Residence of Eight  
Years in persia, Allen morrill and Wardwell,  
New york, 1843, p. 205.

## فصل چهارم

### طبیعه مطبوعات فارسی در آسیا و آغاز اولین روزنامه در ایران

زادگاه و سرزمین اصلی زبان فارسی البته ایران است. ولی برخلاف انتظار اولین مطبوعات و روزنامه‌های فارسی در هندوستان منتشر شد. این امر خیلی تعجب آور به نظر می‌رسد ولی حداقل سه دلیل اصلی باعث شد که روزنامه فارسی در هندوستان به سرعت رشد و نمو کند. دلیل اول این بود که صنعت چاپ در قرون هفدهم و هیجدهم میلادی در هندوستان بهتر از ایران پیشرفت کرده بود. مثلاً در سال ۱۶۷۴ میلادی شخصی به نام «هنری میلز» از طرف کمپانی انگلیسی «هند شرقی» بایک ماشین چاپ و لوازم و کاغذ و غیره عازم بمبئی شد. در حدود سالهای ۱۷۲۲ و ۱۷۷۹ میلادی چاپخانه‌های متعددی در شهرهای معروف هند از جمله مدرس و کلکته دایر بود. با توسعه نفوذ انگلیسیها در هندوستان روزنامه‌هایی به انگلیسی و زبانهای محلی در شهرهای اصلی هند تأسیس گردید و در حقیقت پس از سال ۱۷۸۰ میلادی که اولین روزنامه هندی به نام «بنگال گازت» در کلکته منتشر شد روزنامه‌نگاری در هندوستان روبه رونق گذاشت. در حالی که در این سالها در ایران

هنوز فن چاپ بطور رسمی توسعه نیافته بود.

دلیل دوم، رواج زبان فارسی در هندوستان بود؛ فارسی زبان رسمی دربار و دولت بشمار می رفت و حتی بانفوذ انگلیسیها در هندوستان که زبان انگلیسی به تدریج جایگزین فارسی و زبانهای محلی دیگر شد، تا اواخر قرن نوزدهم زبان فارسی در هند رونق خود را از دست نداده بود و یکی از زبانهای مهم محلی به حساب می آمد. بدین ترتیب وقتی چاپ روزنامه و کتاب در هندوستان آغاز گردید، بطور طبیعی زبان فارسی از این جریان بی نصیب نماند.

دلیل سوم را باید در طرز حکومت و اداره هند قرن هیجدهم جست. با اینکه هندوستان یکی از مستعمرات انگلستان بشمار می رفت ولی امور دولتی و حکومتی آن از خیلی جهات از حکومت استبدادی و قدیمی سلسله قاجار جلوتر و اروپایی تر بود. از طرف دیگر توجه انگلیس به نفوذ در فرهنگ و آموزش و پرورش هند محیط مناسبی ایجاد کرده بود و در این شرایط امکان توسعه روزنامه نگاری و چاپ کتاب روز به روز بیشتر می شد.

مسلم بود که انگلیسیها با چاپ روزنامه و توسعه مطبوعات در هندوستان سعی داشتند ارتباط بین حکام دولتی و طبقه بانفوذ هند را زیاد کنند و از این طریق افکار و نقشه های سیاسی و بازرگانی خود را به سهولت به مرحله عمل در آورند. یکی از سیاحان انگلیسی به نام رابرت بینینگ<sup>۱</sup> که در نیمه اول قرن نوزدهم به هندوستان و ایران مسافرت کرد در سفرنامه خود وضع دو کشور را مقایسه می کند و می نویسد چاپ کتاب در ایران به صورت مناسب و خوب رواج دارد ولی به خوبی هند و بمبئی

1. Robert Binning

نمی رسد .... سواد و آموزش و پرورش نسبت به هندوستان کمتر در میان ایرانیها توسعه یافته است و اکثر طبقات پایین نوشتن و خواندن نمی دانند. (۱) \*

شرایط مذکور در هندوستان باعث شد در اواخر قرن هیجدهم روزنامه های محلی در این کشور انتشار یابد. در میان اولین روزنامه های محلی هندوستان روزنامه بی بودبه نام «اخبار» که در ۱۷۹۸ میلادی به زبان فارسی در دهلی منتشر شد. ولی روزنامه مهم فارسی که اول بار در هندوستان شهرت پیدا کرد «مرآت الاخبار» بود که توسط «راموهان روی» از روشنفکران اصلاح طلب اهل بنگال به تاریخ ۲۰ آوریل ۱۸۲۲ در کلکته انتشار یافت. وی که به کمک یک ساعت ساز انگلیسی در کلکته مدرسه بی با شیوه اروپایی تاسیس کرده بود، در روزنامه خود به توسعه و بسط امور مذهبی و اصلاحات عمومی پرداخت و عقاید غربی را بین خوانندگان خویش پخش می کرد.

در حدود یکماه بعد، (۱۶ مه ۱۸۲۲) روزنامه هفتگی فارسی «جام جهان نما» به مدیریت یک هندی به نام «هوری هوردات» منتشر شد. این روزنامه خبرنگاران مختلفی در استانهای هندوستان داشت و اخبار خارجی را از روزنامه های انگلیسی ترجمه می کرد. «جام جهان نما» هم چنین شماره مخصوصی به زبان اردو داشت. چاپ فارسی این روزنامه به مدت پنجاه و چهار سال در هندوستان ادامه یافت و بالاخره در ماه اوت ۱۸۷۶ متوقف شد.

✕ روزنامه های معروف دیگر فارسی اوایل قرن نوزدهم در هندوستان عبارت بودند از «شمس الاخبار»، «آئینه سکندری»، «سلطان الاخبار»، «مهر منیر» و «جام جمشید» (۲) ✕

روزنامه های فارسی هندوستان البته توسط هندیها و برای استفاده ساکنان شهرهای بزرگ آن کشور تهیه می شد ولی چون در این موقع روزنامه بی در ایران

وجود نداشت، شماره‌هایی از این گونه نشریات توسط مسافران و سیاحان و مأموران دولتی از طریق بنادر جنوبی و مرزهای شرقی به ایران راه پیدا می‌کرد. در اینجا باید متذکر شد در اوایل قرن نوزدهم، اخبار خارجه از چندین راه، از جمله توسط روزنامه‌های خارجی، در محافل دولتی و بین طبقه روشنفکر ایران پخش می‌شد. ولی نفوذ خبرها در داخل ایران بسیار محدود بود. مسافران و سیاحان و مأموران دولتی که بین استانها و در خارج از کشور سفر می‌کردند، دهان به دهان و بطور شفاهی آنچه را که شنیده و دیده بودند و در روزنامه‌ها و مجلات خارجی خوانده بودند برای دوستان و در محافل خصوصی نقل می‌کردند، و در حقیقت گزارشهای شفاهی تنها وسیله اصلی نشر و توزیع خبر و تفسیر آن زمان بشمار می‌رفت.

### تاسیس اولین روزنامه در ایران

سلطنت فتحعلیشاه، حکمران دوم سلسله قاجاریه، که سی و هفت سال طول کشید شاهد تحولات مهم بین‌المللی در خاورمیانه و تغییرات قابل توجه اجتماعی در داخل ایران بود که از نظر رشد و توسعه و سایر ارتباطات اجتماعی بسیار قابل توجه است. این تحولات را که با پیشرفت‌های بعدی قرن نوزدهم در ایران بستگی کامل دارد، می‌توان به طریق ذیل خلاصه کرد:

- ۱- جنگهای ایران و روسیه و قراردادهای گلستان و ترکمن‌چای.
- ۲- توسعه روابط خارجی با کشورهای اروپایی مخصوصاً فرانسه، انگلستان

و روسیه.

- ۳- اصلاحات اداری و فرهنگی شاهزاده عباس میرزا.

۴- اعزام دانشجو به اروپا.

۵- پیدایش و توسعه فن و صنعت چاپ.

۶- ترجمه و نشر کتب علمی و تاریخی.

این عوامل محیط جدیدی در ایران بوجود آورد که شیوه‌های کهنه ارتباطات اجتماعی را به تدریج عوض کرد<sup>۱</sup> نه تنها عده آگاهان و کسانی که به امور کشوری و بین‌المللی علاقه داشتند روبه‌فزونی گذاشت، بلکه بین طبقه متوسط که از روحانیان و تجار و مغازه داران تشکیل می‌شد، نوعی تنبه پدید آمد. و این طبقه رفته رفته تشنه اطلاعات و اخبار و حوادث داخلی و خارجی شدند و این عوامل هسته اولیه روزنامه نگاری را در ایران تشکیل داد.<sup>۲</sup>

فتحعلی شاه در سال ۱۸۳۴ میلادی در گذشت و بلافاصله محمد شاه، فرزند عباس میرزا، به سلطنت رسید. سلطنت محمد شاه که چهارده سال طول کشید و سیزده سال آن با نخست وزیر حاجی میرزا آقاسی معروف همراه بود برای ایران سودی نداشت. از جنگهای هرات در زمان محمد شاه نتیجه‌ی حاصل نشد، و صدارت حاجی میرزا آقاسی، معلم دوران کودکی محمد شاه و سلطنت محمد شاه با رقابت‌های روزافزون روسیه و انگلستان در ایران همراه بود و وضع داخلی و خارجی کشور را تقریباً به آشفتگی کشاند. ولی در تاریخ ارتباطات اجتماعی، سومین سال سلطنت محمد شاه شاهد تأسیس و انتشار اولین روزنامه فارسی در ایران بود که تنها واقعه درخشان این دوره از جنبه روزنامه نگاری و توسعه ارتباطات اجتماعی به‌شمار می‌رود.

۱- اولین روزنامه فارسی در ایران، که عنوان و اسم رسمی نداشت ولی به نام

«اخبار» یا «کاغذ اخبار» معروف بود، در سال ۱۲۵۳ هجری قمری مطابق با ۱۸۳۷ میلادی به مدیریت و سردبیری میرزا صالح شیرازی در تهران منتشر شد.\* این

روزنامه که به خط نستعلیق نوشته و با چاپ سنگی طبع می‌شد - در دو صفحه روی کاغذی با قطع بزرگ که پشت آن سفید بود - ماهانه انتشار می‌یافت. شماره اول روزنامه که به تاریخ محرم ۱۲۵۳ (آوریل - مه ۱۸۳۷) در تهران به چاپ رسیده، هر صفحه آن در حدود ۲۴ سانتی‌متر عرض و ۴۰ سانتی‌متر طول دارد. در بالا و وسط صفحه اول آن علامت شیر و خورشید نقش شده است و در زیر علامت به خط درشت نوشته شده: «اخبار وقایع شهر محرم الحرام ۱۲۵۳ که بدار الخلافه تهران انطباع یافته» بلافاصله زیر این جمله در صفحه اول تیترو عنوان «اخبار ممالک شرقیه» و در بالای صفحه دوم تیترو عنوان «اخبار ممالک غربیه» به خط درشت دیده می‌شود.

قبل از شرح و تجزیه این روزنامه و شماره‌های دیگر آن، بیان چندین نکته تاریخی ضروری به نظر می‌رسد. در مقدمه باید ذکر کرد تا امروز تحقیقی مبنی بر روش معین و بطور منظم درباره اولین روزنامه ایران انجام نگرفته است و تا سال‌های اخیر مقاله‌یی در باره روزنامه «اخبار» یا «کاغذ اخبار» دیده نشده، همچنین در باره تاریخ انتشار چنین روزنامه و اینکه شماره‌یی از آن اصلاً وجود دارد یا نه اختلاف نظر بوده و شایعات و نوشته‌های تاریخ‌نویسان و روزنامه‌نگاران اغلب با یکدیگر فرق دارد و این امر از جنبه تاریخی، وضع انتشار اولین روزنامه را در ایران به گمراهی کشانده است\*.

مثلاً در اغلب کتب دبیرستانی و دانشگاهی ایران، روزنامه «وقایع اتفاقیه» که در زمان ناصرالدین‌شاه و در دوره وزارت امیر کبیر منتشر شده به عنوان اولین روزنامه ایران معرفی شده است. بطوری که در آغاز این کتاب ذکر شد تاریخ‌نویسانی چون پروفیسور ادوارد برون (۳) و صدر هاشمی (۴) یا از انتشار چنین روزنامه‌یی در زمان محمد شاه اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند و یا از وجود آن در شك و تردید بوده‌اند. تاریخ‌نویسان دیگر از جمله ال‌ول‌سانن (۵)، دانلد ویلبر (۶)،

احمد کسروی (۷) ، و امین بنانی (۸) از این روزنامه اسمی نبرده‌اند و به استناد نوشته‌های قبلی، اولین روزنامه ایران را «وقایع اتفاقیه» دانسته‌اند. سید حسن نقی‌زاده از وجود اصلی این روزنامه در تردید بوده است و نوشته «شاید ابتدای تأسیس آن به عهد فتحعلی شاه می‌افتد...» (۹) \* این شك و تردید و عدم تحقیق عمیق همچنان ادامه داشت. عباس مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات در نطقی که در سال ۱۳۳۷ در انجمن ایران و آمریکا ایراد کرد، به وجود اولین روزنامه ایران اشاره کرد و گفت «و اما روزنامه به اصطلاح معمولی ممالک فرنگ ابتدای آن به احتمال قریب به یقین در اواخر سلطنت فتحعلی شاه بوده است و مدرك این گفته مندرجات مجله انجمن پادشاهی آسیایی چاپ لندن مورخ اکتبر ۱۸۳۹ می‌باشد.» (۱۰)

در حقیقت تا سال ۱۳۴۱ شمسی، مندرجات مجله انجمن پادشاهی آسیایی تنها منبع و مأخذ وجود روزنامه «کاغذ اخبار» شمرده می‌شد و این عقیده که نسخه اصلی چنین روزنامه‌یی در ایران و خارج وجود ندارد، سبب شده بود نویسندگان ایرانی به اهمیت انتشار چنین روزنامه‌یی پی نبرند و راه تحقیق در این مورد بسته بماند.

در سال ۱۳۴۱ نگارنده در آمریکا به تحقیق در تاریخ روزنامه نگاری و ارتباطات اجتماعی ایران مشغول بود و دنباله تحقیقات در سال ۱۳۴۲ مرا به لندن و کتابخانه موزه بریتانیا<sup>۱</sup> کشید و موفق شدم در بایگانی را که این موزه دو نسخه اصلی روزنامه «کاغذ اخبار» را که میرزا صالح شیرازی در تهران منتشر کرده بود، پیدا کنم. این دو شماره تاریخ چاپ ربیع الثانی ۱۲۵۳ هجری و جمادی الاول ۱۲۵۳ هجری را دارد و در کتابخانه موزه بریتانیا در لندن محفوظ

است. در همین سال، یعنی ۱۳۴۲ شمسی، مقامات موزه بریتانیا در جواب تقاضای نگارنده ضمن دستور شماره ۳/۱۱۳۹۵-اس پی اجازه عکسبرداری و استفاده آن را به من دادند. بدین ترتیب وجود اولین روزنامه ایران و شماره‌های متعدد آن امری واضح و مسلم شد. در همان سال عکسهای روزنامه میرزا صالح را به ایران آوردم و در ضمن نوشته‌ها و سخنرانیهای خود سعی کردم وضع مبهم انتشار این روزنامه را روشن کنم و در اختیار علاقه‌مندان و تاریخ‌نویسان بگذارم.

به دنبال این سرآغاز، علاقه و اشتیاق ایرانشناسان و دانشمندان تاریخ معاصر به جریان انتشار نخستین روزنامه ایران افزایش پیدا کرد و در مجله خواندنیها و نشریه‌های دیگر مقالاتی در این مورد به چاپ رسید و بالاخره در سال ۱۳۴۷ به همت اسماعیل رایین «سفرنامه میرزا صالح شیرازی» که در حقیقت باید اولین روزنامه نگار ایران نامیده شود انتشار یافت. متأسفانه هنوز هم جریان کامل چاپ و انتشار روزنامه «کاغذ اخبار» نوشته نشده است و آنچه در مطبوعات و کتب تاریخی اخیر آمده ناقص است. مثلاً اسماعیل رایین در مقدمه «سفرنامه میرزا صالح شیرازی» نوشته است «تنها در موزه بریتانیا یک نسخه از اولین شماره این روزنامه ضبط و نگهداری می‌شود». (۱۱) و به شماره دیگر روزنامه اشاره نکرده.

در مرداد ۱۳۴۷ نسخه‌های متعددی از عکسهای اولین روزنامه که در اختیار نگارنده بود با همکاری دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی برای اولین بار در ایران در چاپخانه روزنامه کیهان چاپ شد و در روزنامه کیهان (۱۰ مرداد ۱۳۴۷) و کیهان انگلیسی (اول اوت ۱۹۶۸) انتشار یافت. (۱۲) بنابراین امروز چاپ و انتشار روزنامه «کاغذ اخبار» حقیقت مسلم تاریخی بشمار می‌رود و تا حال متن کامل سه شماره این روزنامه - دو شماره اصلی (ربیع الثانی و جمادی الاول ۱۲۵۳ هجری) در موزه بریتانیا و یک شماره رونوشت (شماره محرم ۱۲۵۳ هجری) در مجله

انجمن پادشاهی آسیایی لندن - برای مطالعه در اختیار اهل تحقیق است .

### اولین ناشر روزنامه : میرزا صالح شیرازی

میرزا صالح شیرازی از شمار دانشجویانی بود که توسط شاهزاده عباس میرزا برای تحصیل به لندن اعزام شدند، وی پسر حاج باقر خان کازرونی بود و در دربار فتحعلی شاه مدتهاست منشیگری داشت و مدتی نیز در تبریز منشی و مترجم یکی از افسران انگلیسی بود که به دستور عباس میرزا در آذربایجان خدمت می کرد .

درباره شیرازی یا کازرونی بودن میرزا صالح اختلاف نظر است و از زندگی خانواده و بازماندگان او هم مدارک تاریخی در دست نیست. آنچه معلوم است هوش و ذکاوت و علاقه بی حد میرزا صالح به علم و هنر و امور دولتی و سیاست است. او در میان پنج دانشجوی اعزامی بیش از همه نظر عباس میرزا را جلب کرده بود و فعالیت و شوق و علاقه او به تحصیل در لندن از توانایی و بینش این روشنفکر ایرانی حکایت داشت. رشته تحصیلی میرزا صالح شیرازی در لندن زبان انگلیسی و فن ترجمه بود ولی بطوری که در سفر نامه اش شرح می دهد از فرصت استفاده کرد و فن چاپ و روزنامه نگاری را نیز آموخت .

میرزا صالح شیرازی در این مورد می نویسد : «با خود اندیشه نمودم که به جز تحصیل اگر توانم چیزی از این ولا به ایران برم که بکار دولت علیه آید ، شاید خوب باشد. و مدت ها بود که خیال بردن چاپ و صنعت با سمه در سر من افتاده بود . چند روز بعد از آن بلندن رفته قولونل خان را دیده کیفیت را با و حالی کردم . این مطلب را پسندیده و بعد از آن مستردانس نامی که استاد چاپ سازاست

یعنی مختص بآنست که انجیل را در زبان فارسی و هندی و سریانی و عربی و سایر زبانهای غریبه چاپ می‌نند دیده هر روز دو ساعت بنده در کارخانه اورفته من اوله الی آخر چاپ را آموزده. « (۱۳)

میرزا صالح شیرازی در مدت اقامت خود در لندن با اینکه با مشکلات گوناگون و از جمله مضیقه مالی روبه‌رو بود از کسب دانش غفلت نکرد و در تاریخ انگلستان و اروپا مطالعه داشت و هر وقت که فرصت می‌کرد به بازدید و استفاده از دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج می‌رفت.

در این سفر نامه میرزا صالح از حکومت و پارلمان و قوه قضائی انگلستان صحبت می‌کند و بطور غیر مستقیم دیده‌های خود را با وضع ایران می‌سنجد. درباره امنیت و آزادی می‌نویسد: «ولایتی به این امنیت و آزادی که اورا ولایت آزادی می‌نامند در عین آزادی نوعی انتظام پذیرفته که از پادشاه الی گدای کوچک کاملاً موافق نظام ولایتی مقید هستند و هر کدام اندک اختلاف و انحراف از طریق و نظام ولایتی نمود مورد تنبیه واقع می‌شوند. نه احدی رایارای انحراف است و در عین آزادی به نوعی مردم صغیراً و کبیراً مقید به نظام ولایتی هستند که احدی رایارای مخالفت نیست مگر اینکه مورد تنبیه واقع شود..»

آزادی انتخابات و مطبوعات، آزادی افکار و عقاید و ترویج علم و صنعت، میرزا صالح شیرازی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به تفاوت طرز زندگی و فکر مردم اروپا و ایران پی می‌برد. مدتی نمی‌گذرد که میرزا صالح کاملاً به وضع زندگی انگلیسی‌ها خومی گیرد و در دوران زندگی لندن برنامه روزانه خود را چنان ترتیب می‌دهد که ساعتی از وقتش تلف نشود و این نظم از سفر نامه‌اش پیداست: «روزی کشنبه‌ها که روز تعطیل است درس بخوانده و یک شب در هفته به مهمانی بنا

بتماشاخانه رفته ، هر کس در میان هفته بنده را وعده می خواست عذر می آوردم  
 بالجمله همه روزه مستمر آدرس می خواندم و به چاپخانه می رفتم.»  
 افکار و آداب اروپایی نه تنها مغز و فکر میرزا صالح را پر می کند بلکه  
 از جنبه ظاهری و لباس نیز در این جوان ایرانی اثر می گذارد . علی رغم دستور  
 شاهزاده عباس میرزا، میرزا صالح شیرازی ریش خود را می تراشد و لباس ایرانی  
 زابه لباس انگلیسی تبدیل می سازد. خود او در سفر نامه چنین می نویسد: «و نیز  
 نواب والاروحی فداه بلفظ مبارک فرموده بودند که تغییر لباس مکن. چون قولونل  
 خان سعی بلیغی در تغییر لباس بنده داشت در کرایدن محاسبات مردم را طی کرده  
 و ریش را تراشیده لباس انگریزی در بر کرده و ملاحظه عادت و قاعده را نکرده  
 اگر ریش است قطع نظر از قاعده و عادت مشتی پشم است ، چهارماه تراشی باز  
 بلند خواهد شد. و بمضمون شعر شیخ سعدی عمل نموده :

میفرآز کردن بدستار و ریش که دستار پنبه است و سبلیت حشیش  
 وهم چنین مقید بلباس ایران بودن را نیز از عقل دور دانستم. اگر قولونل  
 خان را سعی اینست که بنده بلباس انگریز شوم. این هم آسانست. و در متن واقع  
 گرفتار این و آن بودن و ترجیح کلاه پوست زابه بر نس (کلاه) فرنگی دادن ایضا  
 خوش آیند است. باز بمضمون شعر شیخ سعدی :

تفاوت کند هر گر آب زلال      گرش کوزه زرین بود یاسفال\*  
 \*

میرزا صالح شیرازی پس از سه سال و اندی تحصیل در اروپا به ایران مراجعت  
 کرد و در دربار فتحعلیشاه و نزد شاهزاده عباس میرزا عهده دار پست های مهم سیاسی  
 داخلی و خارجی شد . از جمله مدتی به عنوان نماینده و سفیر ایران در انگلستان  
 خدمت کرد و در محافل ادبی و علمی لندن رسوخ یافت. در سال ۱۸۳۲ میرزا صالح

به دستور شاهزاده عباس میرزا به انگلستان رفت و از آن دولت عزل هنری ویلک وزیر مختار انگلستان را خواستار شد که حرکات او باعث خشم و آزردهی دولت ایران شده بود. سفر میرزا صالح و ملاقاتش با وزیر خارجه انگلستان با موفقیت کامل همراه شد و دولت انگلستان ویلک را به لندن احضار کرد.

میرزا صالح در سال ۱۸۳۹ میلادی به عضویت انجمن پادشاهی آسیایی در لندن پذیرفته شد و مطابق مدارک که نگارنده از آرشیو این انجمن در لندن بدست آورده، وی تا سال ۱۸۵۲ عضو انجمن بوده است و جالب توجه اینجاست که عنوان او در لیست اعضای انجمن به نام «سردیر گزت (یا روزنامه) تهران» ضبط شده.

در سال ۱۸۳۷ موقعی که میرزا صالح اولین شماره روزنامه «کاغذ اخبار» را منتشر کرد، نسخه‌ی از آن را به انجمن پادشاهی آسیایی در لندن فرستاد و به گمان قریب به یقین نسخه‌های دیگر نیز به کتابخانه موزه بریتانیا در لندن ارسال کرده است. ارسال نسخه اول روزنامه به انجمن پادشاهی سبب شد که دو سال بعد متن کامل آن به عنوان «نمونه رشد سیاسی» ایرانیه در مجله انجمن چاپ شود و بعید نیست، که نسخه‌های اصلی روزنامه که امروزه در موزه بریتانیا محفوظ است مرهون دوراندیشی و بینش خود میرزا صالح بوده است.

به هر صورت میرزا صالح شیرازی پس از مراجعت از لندن به تشویق و توسعه صنعت چاپ پرداخت و به کمک او شخصی به نام اسداله باسمه‌چی روانه روسیه شد و فن چاپ را یاد گرفت و در مراجعت چاپخانه‌ی در تبریز تأسیس نمود. پس از وفات فتحعلیشاه و آغاز سلطنت محمد شاه، میرزا صالح همچنان در تهران به امور اداری و دولتی اشتغال داشت و با صوابدید محمد شاه و موافقت دولت تصمیم به انتشار روزنامه گرفت. طلیعه و اعلامیه انتشار این روزنامه در یک صفحه به تاریخ رمضان ۱۲۵۳

در تهران منتشر شد و نسخه آن به تمام استانهای ایران و برای مقامات دولتی و رسمی ارسال گردید. در آغاز این اعلامیه دلیل و منظور انتشار روزنامه «کاغذ اخبار» و حدود مندرجات آن به شرح ذیل ذکر شده است:

«اعلام نامه ایست که به جهت استحضار ساکنین ممالک محروسه ایران قلمی و تذکر مینماید. بررای صوابنمای ساکنین ممالک محروسه مخفی نمازاد که همت ملوکانه اولیای دولت علیه مصروف بر این گشته است که ساکنین ممالک محروسه تربیت شوند و از آنجا که اعظم تربیت آگاه ساختن از کار جهان است لهذا بحسب حکم شاهنشاهی کاغذ اخباری مشتمل بر اخبار شرقیه و غربیه در دارالطباعة ثبت و باطراف واکداف فرستاده خواهد شد اما اخبار شرقیه عبارتست از عربستان واناتولی و ارمن زمین و ایران و خوارزم و توران و سیر و مغولستان و ثبت و چین و ماچین و هندوستان و سند و کابل و قندهار و گنج\* و مکران و اخبار غربیه عبارتست از اخبار یروپ یا فرنگستان و افریقا و آمریکا یا ینگی دنیا و جزایر متعلقه به آنها مختصراً هر آنچه طرفه بوده و تازگی داشته و استماع آنها مورد آگاهی و دانش و عبرت اهالی این مملکت خواهد بود ماهی یکم ربه در دارالطباعة ثبت و بهمه ممالک انتشار خواهد شد ...»

با اینکه اولین روزنامه ایران که به سردبیری و مدیریت میرزا صالح منتشر شد اسم و عنوان خاصی نداشت که بالای روزنامه درج شود، از اعلامیه مذکور روشن است که به نام «کاغذ اخبار» معروف بوده است. در حقیقت باید متوجه بود که «کاغذ اخبار» ترجمه تحت اللفظی لغت انگلیسی (Newspaper) است که بعدها در ایران به روزنامه معروف شد. در اوایل سلسله قاجاریه و قبل از انتشار روزنامه در ایران لغت روزنامه به یاد داشتهای روزانه دولتی و اتفاقات روزانه امر را اطلاق می شد.

روزنامه ماهانه «کاغذ اخبار» چندین سال در تهران منتشر می شده است و چون امروز بیش از سه نسخه مختلف از آن در دسترس نیست بطور یقین نمی توان گفت تا چه سالی این روزنامه به انتشار خود ادامه می داده، ولی این اندازه روشن است که روزنامه «کاغذ اخبار» حداقل مدت سه سال یعنی تا سال ۱۸۴۰ در تهران چاپ می شده.

«هورا تیوسائیت»، یکی از اعضای گروه مذهبی «اپیسکوپول» پروتستان آمریکا که به سال ۱۸۴۰ در ایران بوده در سفرنامه خود به انتشار «کاغذ اخبار» اشاره کرده می نویسد:

«... تنها امری که حکایت از پیشرفت در ایران می کند تأسیس روزنامه ایست که به سال ۱۸۳۷ در تهران تحت نظر شاه شروع به چاپ شده. این روزنامه به چاپ سنگی منتشر می شود و مقصود و منظور اصلی آن تبلیغ شاه و کارهای اوست با این وصف تأسیس این روزنامه یکی از قدمهای مهم در پیشرفت ایران است و نتایج مهمی در بر خواهد داشت.» (۱۴)

بی شک میرزا صالح شیرازی را باید یکی از روشنفکران نیمه اول قرن نوزدهم ایران دانست. نفوذ او در ترویج رسوم جدید و اصلاحات اداری دوره سلطنت فتحعلیشاه و محمدشاه بسیار پر ارزش بود و می توان گفت روزنامه او هسته خیلی از تحولات و تغییراتی را کاشت که سالهای بعد در ایران به وجود آمد. او در بسط و توسعه اندیشه های جدید در ایران جای پر ارزشی برای خود باقی گذاشت. متأسفانه در باره زندگی و فعالیت های سیاسی میرزا صالح کمتر تحقیق شده است و به دقت معلوم نیست که سالهای آخر عمر خود را چگونه گذرانده است. سال وفات او نیز دقیق معلوم نیست ولی از مدار کی که وجود دارد بنظر می رسد که میرزا صالح در اواخر سلطنت محمد شاه و آغاز حکومت ناصرالدین شاه در گذشت. آرشو

انجمن پادشاهی آسیایی انگلستان اسم او را به سال ۱۸۵۲ از عضویت خود قلم زده است.\*

سفرنامه میرزا صالح درزمینه جامعه شناسی ایران قرن نوزده مدرک بسیار مهمی است و رسوخ افکار و عقاید غربی را در ایران و عکس العمل ایرانیها را نسبت به زندگی و روش اروپایی در آغاز آن قرن نشان می دهد.

میرزا صالح را می توان تقریباً مردی از دورهٔ رنسانس بشمار آورد. او نه تنها تاریخ و جغرافیا و فلسفه اروپا را یاد گرفت بلکه دوسه زبان خارجی از جمله انگلیسی و فرانسه را آموخت و با تحصیلات اروپایی و ایرانی خود و بارفت و آمدهای متعدد در داخل و خارج کشور نمونه کامل روزنامه نگاران نخستین ایران بود و خیلی از خصایص او را روزنامه نگاران سالهای بعد به میراث بردند. روزنامه نگاران و «آرژیتاتور» های قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ایران مخلوطی از آزادیخواهان تحصیل کرده خارج و ایرانیهای فرنگی مآب و اروپا دوست آن زمان بودند که سیاست و اصلاحات مملکتی را با حرفه روزنامه نگاری و تدریس به هم می آمیختند و اغلب اهل علم و ادب بودند.

وضع آشفته سلطنت محمد شاه قاجار علت اصلی پانگرفتن روزنامه «کاغذ اخبار» و پیرمردن فکر اساسی میرزا صالح شیرازی بشمار می رود. باید به خاطر داشت در مدت سیزده سالی که محمد شاه فرمانروای ایران بود، امور دولتی و سیاسی اغلب به اراده و هوسهای صدراعظم وقت «میرزا آقاسی» بسته بود. محمد شاه در تمام این مدت به اصلاحات عمیق و اساسی در ایران بی اعتنا ماند. اعزام دانشجو به اروپا در زمان سلطنت او با موانع بزرگ مواجه شد. در اوایل سلطنتش وقتی طرح اعزام دانشجو به اروپا برای تصویب پیش او بردند، اولین سئوالش این بود که دانشجویان در چه رشته تحصیل خواهند کرد. جواب داده شد دو نفر از دانشجویان

در رشته چراغسازی و شمعیسازی درس خواهند خواند. چون محمد شاه شمعیسازی را دوست می‌داشت این رشته باعث خشنودی او شد ولی وقتی که برآورد مخارج اعزام دانشجویان را به او اطلاع دادند سخت تعجب کرد و دستور داد اعزام دانشجو را موقوف کنند و تا چندین سال کسی به اروپا فرستاده نشد.

وضع داخلی و خارجی ایران خوب نبود. رقابت روسیه و انگلستان برای توسعه نفوذشان در ایران شدت یافته بود و اختلافات دولت ایران با عثمانی و درگیری نظامی در هرات به زیان ایران پایان گرفته بود و سرکشها و نارضاییهایی در استانهای شرقی و جنوبی پدید آمده بود و صدارت میرزا آقاسی و کارایی درباریان محمد شاه برای حل و فصل اغتشاشها کفایت نمی‌کرد. وضع اقتصادی کشور آشفته بود و شیرازه امور مالی دولت روز به روز بیشتر گسیخته می‌شد. وسایل ارتباطی و پست بین تهران و شهرستانها همچنان کند و قدیمی بود. تعداد باسوادان دانش آندوخته و آگاه ایران بسیار اندک بود و اغلب در تهران و تبریز و چند شهر دیگر تمرکز داشتند. اکثر قریب به اتفاق مردم از سواد خواندن و نوشتن بی بهره بودند. و این تعداد اندک به اندازه‌ی از سایر مردم جدا بودند که دلیلی برای ایجاد و تأسیس روزنامه دیگر که سخنگوی دولت و دربار باشد باقی نمی‌ماند. عنوان روزنامه هنوز در بین مردم رواج پیدا نکرده بود و این کار نیز طبقه متوسط ایران کاری فرنگی و خارجی شمرده می‌شد و مقاومت دسته‌های متعصب و قدیمی را بر می‌انگیخت. اینها دلایلی بود که هنگام نشر روزنامه «کاغذ اخبار» وجود داشت و مانع رشد و نمو روزنامه‌نگاری در ایران بود، و سرانجام به سقوط روزنامه «کاغذ اخبار» انجامید.

یکی از پیش آمدهای مهم زمان محمد شاه پیدایش سیدعلیمحمد باب بود که تبلیغات و اختلافات مذهبی را دامن زد. \* ولی تلاش در راه توسعه مذهب باب که پیر و ان سیدعلیمحمد در ایران شروع کردند به وسیله سخنرانی و انتشار جزوه‌های

تبلیغاتی صورت می گرفت و تا مدت‌ها هیچ روزنامه و نشریه‌ی که عهده‌دار پخش خبر و تبلیغ مذهبی باشد، در ایران وجود نداشت.

### مندرجات روزنامه «کاغذ اخبار»

مندرجات مطبوعات هر زمان تا حدی آئینه فکر و نمونه محیط اجتماعی آن زمان است. روزنامه «کاغذ اخبار» و مندرجات آن نیز از شیوه بیان و طرز اندیشه دربار و دولت محمد شاه قاجار حکایت می کند. اولین روزنامه ایران در حقیقت جریده دولتی و سخنگو و مداح حکومت وقت بوده است. نوشته‌ها و اخبار آن بسیار رسمی و خشک است و مقاله و تفسیرهای اجتماعی و ادبی ندارد. از جهت روزنامه «کاغذ اخبار» به روزنامه دیواری مدارس امروز شبیه است. مندرجات آن کوتاه است و اخبار خارجی آن اغلب جز اطلاعات تاریخی و جغرافیایی چیز دیگری دربر ندارد. اخبار داخله روزنامه اغلب شامل اخبار تهران است و اخبار خارجه آن یا ترجمه اخبار روزنامه‌های اروپایی و یا اخباریست که توسط نامه‌به تهران رسیده. بطوری که جدول ذیل نشان می دهد درسه شماره موجود، هر شماره معمولاً بین شش تا دوازده خبر مختلف داخلی و خارجی دارد و بیشتر اخبار خارجی از انگلستان است.

### تجزیه مندرجات روزنامه «کاغذ اخبار»

(۱۸۳۷ میلادی - ۱۲۵۳ هجری)

شماره و تاریخ	تعداد اخبار داخلی و منبع آن	تعداد اخبار خارجی و منبع آن
(۱) محرم	۴ (تهران)	۸ (ایتالیا - آمریکا - انگلستان - ترکیه)
(۴) ربیع الثانی	۲ (تهران)	۴ (ترکیه - انگلستان - آلمان - مصر)
(۵) جمادی الاول	۵ (تهران - خراسان)	۵ (انگلستان - فرانسه - روسیه - ایتالیا - اسپانیا)

مثلا در شماره جمادی الاول تحت عنوان فرانسه نوشته شده: «رودخانه عظیمی در آن ملک واقع است که عرضش سیصد ذرع می باشد و از زنجیرهای قوی به محکمه متصله بر پهلوی هم پللی بر آن اختراع کرده اند که عرض آن که از اتصال زنجیرات کشیده بر روی رود حاصل و معبر عابرین گردیده هشت ذرع و طولش به عرض رود سیصد ذرع است بدان ارتفاع که جهازات از تحت آن پل گذرند به سهولت تا هم خلایق بری را به رویش محل عبور باشد و هم سفاین بحری را به زیرش ممر مرور و هدامن ابداع بدایع الامور.»

در همین شماره تحت عنوان روسیه این خبر نوشته شده است: «در روزنامه پتر بورغ آمده است که در لندن از طیانه چه بزرگتری چون پیشتاب بزرگ اختراعی کرده و ساخته است که چون پر و خالی شود بهر دفعه ده گلوله از آن به در رود و در یک دقیقه ده مرتبه پر و خالی کنند و یکصد و بیست گلوله از آن اندازند پس هر گاه در لشکری صدمرد، آموخته به صد قبضه چنین درده دقیقه به جنگ پردازند یکصد و بیست هزار گلوله بر دشمن اندازند.»

بطوری که از مندرجات شماره های ربیع الثانی و جمادی الاول معلوم می شود، قسمتی از این اخبار از روزنامه پتر بورغ ترجمه شده است و منبع اخبار خارجی معمولا روزنامه های خارجی یا گزارشهای دولتی است. موضوع جالب توجه دیگر اینست که کلمه «روزنامه» در اولین روزنامه ایران بکار برده شده است و این می رساند گرچه نخستین روزنامه ایران نام مخصوص نداشته است و به صورت تاریخی به «کاغذ اخبار» معروف شده، عنوان و لغت روزنامه به طرزیکه امروز بکار می رود در آن موقع نیز متداول بوده است.\*

از آنجا که نسخه اصلی شماره مجرم ۱۲۵۳ این روزنامه در دست نیست و فقط متن کامل آن در مجله انجمن پادشاهی آسیایی انگلستان به سال ۱۸۳۹ چاپ شده، مندرجات کامل این شماره را نقل می کند تا خوانندگان آن را با مندرجات گراور شده نسخه های اصلی ربیع الثانی و جمادی الاول ۱۲۵۳ مقایسه و تطبیق کنند.

## متن اولین شماره «کاغذ اخبار»

اخبار وقایع شهر محرم الحرام ۱۲۵۳ که در دارالخلافة

تهران انطباع یافته - اخبار ممالک شرقیه

در دارالخلافة طهران : عالیجاه مقرب الخاقان خدادادخان از سفارت اسلامبول معاودت نمود نامه از اعلیحضرت سلطان محمود بحضور اعلیحضرت شاهنشاهی آورد از آنجا که سفارت مشارالیه مستحسن رأی جهان آرای شهر یاری افتاد بعد از تبلیغ نامه و عرض مراتب مأموریت خود خاطر مبارك از او خرسند گردید و پایه اعتبار عالیجاه مشارالیه به اعلیٰ مدارج رسید و او را بوزارت خوی مفتخر و سرافراز فرمودند بنهجی که شاید و باید با ولایات سرحدیه دولتین علیتین سعی وجد و جهد بلیغ نماید که روز بروز این دوستی و یک جهتی تراید پذیرد و رشته اتحاد محکم گردد و امریکه موردتفقار خاطر و غبار کدورت ضمیر اولیای دولتین است رفع سازد. ●

ایضا: ● جناب جلالت مآب شریعت آداب آقامیر محمد مهدی امام جمعه و جماعت دارالسلطنه اصفهان بدارالخلافة آمدند و با جمعی کثیر از علماء که در خدمتش بودند بحضور باهرالنور شاهنشاه عدالت سیر مشرف گشتند و الحق شخص وجودش از جمیع نقایض و نمایم پیراسته و بمحاسن اخلاق آراسته و به سبب عدم ریاء و تزویر و بیساختگی (کذا) و نجابت ذاتی و متانت فطری و کمال انسانیت معزی الیه خاطر مبارك شاهنشاهی خرسند

گردید امر او بزرگان درگاه و سران و پیشکاران بارگاه با سایر چاکران حضرت دولت علیه و تمامی اهل دارالخلافت به جنابش دست ارادت دادند دولتخواه و خیر اندیش پادشاه اسلام پناه و کافه بندگان خدا از روز ورود آفاقاً مراحم و مکارم شاهانه درباره آنجناب و همراهانش درتزیید بود هر روزی التفاتی جداگانه و رأفتی تازه می دیدند تا روزیکه به جهت استرخاص باعلماء و فضلا به انجمن حضور خسرو عادل دریادل شرفیاب آمدند پس از تکریم و اظهار التفات بلا نهایت فرمودند که آنجناب و سایر فضلا متمنیات و مقاصد و مستدعیات خود را به معرض شهود درآورند شریعت نصاب عرض کرد که چون شاهنشاه دین پناه به تقویت شرع محمدی جاهدند بر هر یک از پاسداران شریعت غرا واجبست که در راه دین از جان و مال بگذرند استدعای دولتخواه این است که تمامی املاک و اموال خود را صرف لشکر اسلام نمایم سایه خدا قبله عالم خلدالله ملکه و ابدا یام دولته که معموره جهان در نظر همت آفتاب آثارشان بهای رباطی مخروبه ندارد و مرکز خاک بکفی خاکستر نیرزد زیاده از حد و حصر بر اکرام و احترام آن جناب افزودند بعلاوه انعامات و افره و تشریفات فاخره مبلغ سه هزار تومان به رسم و وظایف و مستمری به او و متعلقانش زیاده بر مرسومات سابقه مرحمت فرمودند و مبلغ شصت هزار تومان نیز از اصل مالیات دیوانی به رعایای اصفهان تخفیف عنایت رفت و اینگونه رأفت و تخفیف نه تخصیص به اصفهان دارد بلکه به همه ممالک ایران خاصه آذربایجان و خراسان و عراق و فارس و سایر ولایات تخفیفات بیکران مکرمت شد این صفحه روزنامه گنجایش بیان تفصیل عطیه ملوکانه و گذشت شاهانه آن آسمان مکارم را ندارد اگر خواهند

مقدار عفو واحسان شاهنشاه معدلت بنیانرا بدانند که نسبت به تمامی اهالی ممالک محروسه چه مرحمتها مبذول افتاده رجوع بکتابچه هر ولایت نموده تا حقیقت تخفیفات ظاهر و هویدا گردد.

ایضا ● چون به هر یک از عظماء و امرا و فدویان دولتخواه و حکام ولایات که از شرف حضور خاقانی دور بودند خلعتی مرحمت شد از آنجمله یک دست خلعت از جامه خانه خاص خسروی به افتخار جناب مجدد و نجدت نصاب معتمدالدوله العلیه العالیه مبذول افتاد و بسبب خدمات معظمه و جان نثاریها که از معظم الیه بظهور رسید خاطر حق شناس سلطانی هر روزی به التفاتی جدید پایه اعتماد و مایه اعتبارش را برتری دادند بر همگی دولتخواهان شوکت قاهره آشکار است که بعد از قضیه خاقان مغفور اول کسی که از چاکران قدیم بقدم جان نثاری پیش آمد و بمعسکر انجم حشر خسرو آسمان سریر ملحق گردید آنجناب بود که جان و مال را در کاب ظفر انتساب شاهنشاهی از خار و خاک خوارتر گرفت و در دعوت چاکری بر فدوی بندگان پیشینه سبقت جست و یک قسط مالیات گیلانرا بانضمام پیشکشهای لایق بخاکپای شاهنشاهی حاضر آورد پس از نزول موکب اجلال بدارالخلافه مأمور بمملکت فارس و تنبیه سرکشان عرض راه آمد جمعی از سواره و پیاده اهل نظام را بهمراهی معزی الیه روانه فرمودند هر جا قلعه دید باسانی بگشاد و اگر سرکشی بود بسختی بر بست در یکی از منازل حسنعلی میرزا را با گروهی متفرقه پراکنده و منهزم ساخت و تا قلعه شیراز قومی از اشرار نگذاشت و در حین ورود بدون مکث و درنگ به نیروی طالع بیروال شاهنشاهی داخل قلعه شیراز شده بحکم مأموریت که نه خارج از رسوم ادب باشد حسینعلی میرزا و حسنعلی

میرزا را بی مجادله و گیر و دار گرفتار باقراول بدارالخلافه فرستاد و بعد بنظم مهمات ملکی پرداخت و هر کجا قلعه صعبی بود مانند قلعه سفید و قلعه سر آسیا و قلعه کل و قلعه کلاب قلعه ده مر و ه بتدایر صایبه تسخیر و طاغیان دور و نزدیکرا دستگیر ولیخان ممسنی و باقرخان پسرش را مخذولاً و منکوباً باغل و زنجیر بدارالخلافه روانه نمود و از محاسن خدمت و صدق ارادت معزی الیه خاطر مبارک سلطانی خرسند گشت و الحق بیجاست ایضا ● نوزدهم شهر محرم روز تولد پادشاه انگلیس بوده جناب وزیر مختار دولت علیه انگلیس جشن ملو کانه ترتیب داده وزیر مختار دولت علیه روسیه و امرا و سرکردگان و صاحب منصبان روسیه و جناب وزیر دول خارجه میرزا مسعود و جمعی کثیر از اعزه و اشراف و بزرگان و چاکران در گاه شاهنشاهی را دعوت نموده خانه بزرگ سفارت شوکت انگلیس را چراغان نمودند باغچه این خانه بغایت باصفا مشحون بگلها و لاله های الوان و اشجار دلکش است هزاران فانوس و قنادیل بلور و مشاعل و شمعدان نقره و طلا باطراف ایوان و رواق و طاقها و باغچه ها و دیوارها آویخته و افروخته که شب رشک روز آمد شبیه مبارک شاهنشاهی اسلام پناه را در پرده نقش نموده در بالای طاق اوطاق و چندین قندیل و شمع باطراف تصویر همایون ترتیب داده و شبیه پادشاه انگلیس را نیز در پرده دیگر مقابل شبیه مبارک نصب نموده و قندیلها آویخته و آتشبازی عظیمی برپا ساخته که دیده روشن خیره آمد و چهره مهر تفته و تیره الحق مجلسی ملو کانه و میز میز مجلس بزرگانه بود که قریب چهل نفر در بالای میز شام خوردند و انواع سازها و اسباب طرب بعلاوه یک بند موسیقی متعلق بفوج بهادران بنواختن سازهای غریبه مشغول بودند که نعمتی

غیر مترقبه اتفاق افتاده عالیحضرت میرزا لطفعلی پیشخدمت خاصه سلطانی  
بتهنیه وارد و بوزیر مختار اعلام نمود که اعلیحضرت ظل‌اللهی بجهت عز و  
سرافرازی وزیر مختار يك قطعه تصویر خود شبیه نظر که با چندین قطعه  
الماس و جواهر گرانبها مرصع و مکمل شده بود آویزان کردن اعتبار  
مرحمت فرمودند معزی‌الیه از استماع اینگونه التفات و مرحمت شاهانه  
باستقبال تصویر مبارک تائیر و ن عمارت شتافته حضار مجلس کلا و و طراً  
با معزی‌الیه همراهی نمودند و مبارکباد و تهنیه گفتند و این موهبت عظمی  
مزید بر عشرت و شادبها آمد و تا هشت ساعت از شب گذشته چنانکه از  
بیان آن عاجز است مشغول عیش و عشرت بودند .

### اخبار ممالک غریبه

مملکت ایتالیا ● از شهر ناپل شخصی مراسله بدستی نوشته بود  
ترجمه اش این است که پنج ساعت از شب گذشته در شهر شوال سقف بارگاه  
مشعل گردید که باندك وقت کتابخانه سلطنت که سالها از هر نسخه و  
بهترین کتابها بهر زبان و انواع لغات جمع کرده بودند و تصویر خانه  
بزرگ سلطنت نیز که بهترین تصاویر استادان هر مملکت در آنجا فراهم  
آمده با سایر اشیاء نفیسه که قدیماً درین دو خانه بزرگ بمرو دهور  
جمع شده بود در نیم ساعت هر دو تل خاکستر شد و بسمت خوابگاه رسید  
مادر پادشاه بقدری فرصت نمود که جانی سلامت بدربرد ولیکن نواب  
شاهزاده سیراکوس در خواب بود منازل خوابگاه او را چندان دو دیراکنده  
کرده بود که شاهزاده را با جامه خواب بیخود و بیهوش بیرون کشیدند

و نایره شعله بحدی در التهاب آمد که بیم سوختن تماشاخانه بود برای دفع این بلا دیواری ده ذرع طول و دو ذرع و نیم عرض و دوازده ذرع ارتفاع بفاصله سه ساعت ساختند و نگذاشتند بتماشاخانه آتش رسد در این يك روز و دو شب که خلق مشغول انتفای آتش مزبور بودند جمعی ازدزدان کیسه بر در اوطاقها و سایر اماکن بسرقت اموال مردمان فرصت نمودند و جمعی نیز در اینخانه آمده گرم دزدی اموال نفیسه شدند چند نفر از آنها را گرفته روانه محبس نمودند و هنوز معلوم نشده که آتش افزوز که بوده و از چه افروخته

ینگی دنیا ● در شهر نیویارک باین مضمون مراسله نوشته اند که در اینسال کشتی بخار تازه اختراع کرده اند که در چرخ (ظ : کشتی) مزبور دو چرخ بخار بکار انداخته که هر چرخ در یک دقیقه سی و پنج مرتبه بدور محور خود میگردد که مدت یکساعت بیست میل که قریب شش فرسخ باشد سفر میکند و در نوروز گذشته کشتی مزبور را بآب انداخته اند تجار و ارباب معامله بواسطه اینگونه طی مسافت و سرعت حمل و نقل بغایت مشعوف و ممنونند قبل ازین یکماه از نیویارک الی لندن کشتی میرفت و حال مدت دوازده روز بدون اختلاف همان قدر راه طی میکند و نیز بهر طرف این کشتی بکار برده اند.

انگلند ● کشتی جنگی بزرگی را که شصت و هشت توپ داشته چرخ بخاری را هم با و ضم کرده اند و اسم آن کشتی را آتلنتا نهاده اند در این اوقات کشتی مزبور به بنیابی (بمبئی) رسیده از انگلند الی بنیابی شصت و چهار روز راه بوده چه عموماً کمتر از ششماه هیچ کشتی این مسافت را طی نکرده از انگلند الی برن امید (دماغه امید) که آخر ملک مغرب و

سالهاست برای راحت نمودن و آب دادن کشتیهاییکه بهند میروند و مراجعت میکنند در آنجا جمعی کثیر از انگلیسیان توطن مینمایند و این کشتی جنگی بنخار در برن امیدی هم یکروز توقف کرده و آب و سوخت برای کشتی برداشته عازم هندوستان گردید چندین کشتی دیگر هم باین بزرگی و پرمصرفی خواهند ساخت .

چون بیست و پنجسال است میرزا سیدعلی شیرازی کتاب انجیل را باهنری مارتن ترجمه کرده بود و چیزی هم نخواستہ اجزاء مجلس انجیل که جمعی کثیرند و همیشه در انتشار دین مسیحی میباشند و مبالغ کلی در این راه صرف می کنند عالیجاه سرجان کمیل ایلچی سابق انگلیس بعد از مراجعت از ایران مراتب را با اجزاء مجلس انجیل اظهار نموده بود و علی العجاله دوست تومان برسم تعارف بجهت میرزا سید علی فرستاده اند و خواهشمند شده اند که خود ایشان شرحی نویسند که در ازاء این زحمت چه بایشان رسیده یحتمل چیزی دیگر هم بفرستند .

اسلامبول ● عالیجاه اسعد افندی که مدتهاست مباشر کاغذ اخبار است با اسم سفیر شوکت عثمانیه باجمعی از صاحب منصبان محض برای تهنیت جلوس اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه ممالک ایران رفته بود در شهر رمضان وارد اسلامبول شده اگر چه رشته دوستی و یکجتهی میانه دولتین علیتین سالهاست کمال استحکام را دارد ولی بسبب قابلیت و استعداد مشارالیه و کثرت فهم و کیاست و طریقه و رویه سفارت و آداب دانی او مزید استحکام دوستی و یکجتهی میانه این دو دولت شده چرا که این دو دولت در ملاحظه منافع دولتی و رموز نکات دولتداری بیک رأی

واراده میباشند و در مذهب و ملت نیز بیکطرفه و آیین مستقیم اند بعد از آنکه اسعد افندی ابلاغ سفارت خود را بوجهی احسن از عهده برآمد و پایه اعتبارش بلندی یافت مجدداً بخدمت سابقه خویش مأمور و مشغول گشت .

ایضا ● اعلیحضرت سلطان حکم صریح فرموده بودند که روزیکه پل بسته شد و راه عبور خلق گشوده از مترددین و مسافرین مطلقاً چیزی مطالبه نکنند و این معنی بر همه مردم ظاهر است که سابق بر آن چندین هزار مردوزن و دواب بزحمت و خوف خسارت و بیم هلاکت از رود بواسطهٔ لنگه عبور میکردند و مبلغی خطیر خرج مینمودند با وجود این سختیها عبور از آب خالی از گزند نبود اعلیحضرت سلطان محمود محض ترحم و رأفت و رفاه تجار و رعیت و منافع مسافرین عالم و بقای نام نیک و شهرت بعمل خیر مبلغی خطیر بمصرف ساختن پل رسانیدند پس از چندی رشید نامی بیهانه اینکه پول چراغ و روشنائی پل را از مترددین و دواب بارکش بگیرند جمعی نیز در این تعدی با او هم دستان آمدند خیر اندیشان خلق و دولتخواهان سلطنت سلطانرا آگاهی دادند نایرهٔ غضب سلطان ملتهب گردید رشید را (ظ : نفی) بلد نمود در قریه استنکوی فرستاد و اشخاصی که با او یار و ممد بودند بجم عام بکار بیگار گل بداشتند تا تنبیه شوند .

ایضا ● روزی اعلیحضرت سلطان محمود سواره ازین پل میگذشت درویش هرزه گردییهوده گوی ژولیده موی بیسر و پای سر و پا برهنه کثیف الجلد مسی الخلق مودی اللسان بی ادب زندقه مذهب که در هر صورت و سیرت مانند دیو و مشابه مسوخت بود بر رهگذار سلطان ایستاد نظر سلطان بر

هیگلی غریب و صورتی عجیب افتاد قدمی چندپیش رفت و در نهایت خشونت و بی ادبی نسبت بسلطان ناسزا گفته که دین اسلام را برباد دادی اعلیحضرت سلطان از عظمت شان جوابی نداده گذشتند ساعتی نگذشته بود که سرپر موی درویش دیوانه مانند خارپشت مختلف اللون از بدن جدا افتاده و بدن خبیثش چون مردار مردادی مغز را پراکنده نموده جمعی از یاران او شهرت دادند که بدن درویش را نوری احاطه کرده و به تلاوت قرآن و دعا مشغول بوده با اینکه درویش مزبور در حیاط بسلك بهایم بوده چگونه میشود که درمات مظهر کرامات گردد و ادراک تکلم با سلطان اولو العزم را نداشته باشد ولی خلق در آشکار و نهان کلمات شکایت آمیز میگفتند که سلطان ملاحظه مذهب و دین رانمی نمایند چون سلطان از این معنی آگاه شد حکم فرمودند که بعد ازین هر مسلمانی که بوقت معین بنماز ظهر و عصر به مسجد حاضر نشود و یا دقیقه از دقایق شریعت را ترک کند به تنبیه و تأدیب و سیاست رسد بنابر آن الحال در کوچه و برزن مردم را جبراً به مسجد میفرستند و هر که تهاون و رزد بحد شرعی گرفتار آید و باین واسطه همه خلق پرهیزگار و مومن شده و بعبادت عادت کرده اند .

ایضاً ● تولد سلطان محمود در روز چهاردهم شهر رمضان المبارک

۱۱۹۹ بوده عیدی بزرگ و جشنی عظیم در اسلامبول چیدند و اسباب عیش و عشرت بجهت سپاهی و رعیت آماده کردند و کمال شادی و شغف از ناصیه احوال هر ذی حیاتی ظاهر و هویدا بوده چرا که سلطانی رؤف و خیر خواه و عادل و دوربین و باشعور است خدا را باین عطیه عظمی بجا آوردند و آنی رفاه خلایق را از نظر محو نکرده چه بناها که برای استراحت رعایا ازین

وجود بزرگ به بنیان آمد و چه منافع و فیوضات بدولت و اجزاء دولت رسیده و اهل شهر را از غریب و بومی درین عید و جشن شکر گزار بوده همگی شادان و دل خوش در عیش و طرب شریک بودند چراغان شب طرفه چراغانی بوده در سرای همایون و تاب قاپو و جای بیگلربیگی و خانه شیخ الاسلام و خانه سر عسکر پاشا و خانه سایر نوکران چراغان کردند.

## منابع و ماخذ فصل چهارم

(1) Robert B. Binning, A Journal of TWO Years, Travel in Persia, Ceylon, Vol. II, Wm. H. Allen and Co., London, 1857, P. 217.

(2) Margarita Barns, The Indian Press, George Allen & Unwind Ltd., London, 1940.

(3) Edward G. Browne, The Press and Poetry of Modern Persia, Cambridge University Press, 1914

(۴) محمد صدرهاشمی، تاریخ جرائد و مجلات ایران، جلد اول، چاپ اصفهان

(5) L.P. Elwell - Sutton , Modern Iran , George Routledge and Sons, London, 1941. And, L. P. Elwell-Sutton, (The Press of Iran Today) Journal of The Royal Central Asian Society, Vol. xxxv, 1948 .

(6) Donald N. Wilber, Iran: Past and Present, Prinecton University Prees, 1958.

۷- احمد کسروی ، تاریخ هیجده ساله آذربایجان یا داستان مشروطه ایران ،

تهران، ۲۲-۱۳۲۳

(8) AMin Banani, The Modernization of Iran : 1921 - 41 , Stanford University Press , 1961 . And,Amin

Banani, (The Role of Mass Media in Iran,) Conference on Iran in The 1960' S, Columbia University Press, Novemder 6-9, 1968.

- ۹- مجله کاوه، دوره جدید، شماره ۵ .  
 ۱۰- روزنامه اطلاعات، یازدهم مرداد ۱۳۳۸ .  
 ۱۱- سفرنامه میرزا صالح شیرازی، ص ۲۶ .  
 ۱۲- در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۴۷ در دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی در تهران، نگارنده راجع به روزنامه «کاغذ اخبار»، سخنرانی داشت و نخستین عکس چاپی آنرا به دانشکده هدیه کرد .  
 ۱۳- سفرنامه میرزا صالح شیرازی، ص ۱۸۱ و ۳۷۵ .

(14) Rev. Horatio Sauthate, Narrative of a Tour Through Armenia, Kurdistan, Persia, Mesopotamia, Two Vols., London, 1860, Vol. II, PP. 83-84.

## فصل پنجم

### رشد مطبوعات و توسعه ارتباطات

#### اجتماعی در زمان ناصرالدین شاه

با آغاز نیمه دوم قرن نوزدهم، روزنامه‌نگاری و مطبوعات رشد و نمو ابتدایی خود را در ایران شروع کرد و در مدت نیم قرن که بالاخره به انقلاب مشروطه خاتمه یافت، تغییرات قابل توجهی در توسعه و بسط ارتباطات اجتماعی در کشور حاصل شد. سلطنت ناصرالدین شاه قاجار با توسعه و افزایش مطبوعات دولتی همراه بود ولی حکومت استبدادی این پادشاه نتوانست از گسترش افکار آزادیخواهان برای همیشه جلوگیری کند و در اواسط نیمه دوم قرن نوزدهم مطبوعات ملی و روزنامه‌نگاران ترقیخواه در ایران و خارج از کشور هسته‌های اولیه نهضت مشروطه را می‌کاشتند. سلطنت ناصرالدین شاه شاهد آغاز صفحات جدیدی در تاریخ ارتباطات داخلی و خارجی ایران بود. تأسیس روزنامه وقایع اتفاقیه، افتتاح ارتباطات تلگرافی، و تشکیل وزارت مطبوعات نمونه‌هایی از تحولات این دوره بشمار می‌رود.

در سال ۱۸۴۸ میلادی که ناصرالدین شاه پس از درگذشت پدرش محمدشاه

عهدۀ دارسلطنت شد وضع داخلی ایران چندان آشوب زده و درهم بود که تنها يك ارادۀ قوی و آزموده و کاردان می توانست به کمک شاه جوان بشتابد و سر و صورتی به امور دولتی و کشوری بدهد. ناصرالدین شاه، میرزا تقی خان امیر نظام را که به امیر کبیر معروف و از درباریان و سیاستمداران زبده عصر قاجار بود به صدارت عظمی منصوب کرد. امیر کبیر در خانوادۀ بی متوسط به دنیا آمده بود، پدرش شغل آشنیزی داشت. او درسی سالکی وارد خدمت دولتی شد و سفری به روسیه رفت و بعدها رئیس امور نظامی استان آذربایجان گردید. در چندین مأموریت سیاسی در روسیه و ترکیه، امیر کبیر سمت نمایندگی ایران را داشت و در زمان محمد شاه پیشکار و رئیس دفتر مخصوص شاهزاده ناصرالدین بود. امیر کبیر در مدت کوتاهی به وضع آشفته اداری و دولتی ایران سر و صورت داد و خزانه دولت را به وضع آبرومندی اداره کرد. در زمان صدارت او مرکزیت تهران در اداره امور دولتی و کشوری برقرار شد و رشوه خواری و تلف کردن منابع ملی که به صورت غیر قابل تصویری در ادارات مختلف گسترش یافته بود، تحت نظر و با کاردانی وی تقلیل پیدا کرد.

از جمله اصلاحات امیر کبیر، پایه گذاری آموزش و پرورش جدید در سطح عالی و دانشگاهی و تشویق و بسط امور فرهنگی بود. از آثار مهم این نهضت فرهنگی تأسیس مدرسه دارالفنون تهران را باید نام برد که بسال ۱۸۵۰ میلادی رسماً افتتاح شد.

امیر کبیر معلمان اروپایی و خارجی را برای تدریس به دارالفنون دعوت کرد و علاوه بر چهار رشته علوم نظامی، رشته های عالی طب، شیمی، زمین شناسی، زبانهای خارجی، و بعدها نقاشی و موزیک در این مدرسه دایر گردید. طولی نکشید که دارالفنون مرکز تحصیلات عالی دانشجویان ایرانی شد و فارغ التحصیلانش

برای ادامه تحصیلات عالی به اروپا اعزام گردیدند، علاوه بر این، دارالفنون کتابخانه و چاپخانه مخصوص داشت. نخستین کتابهای دانشگاهی و ترجمه آثار نویسندگان معروف از جمله مولیر، ولتر، الکساندر دوما، و دیگران در این چاپخانه طبع و نشر می شد.

همراه با این تحولات، امیر کبیر سرریس پست را بین تهران و شهرستانها تعمیم داد و دائمی کرد که کمک بسیار مهمی برای پخش افکار و عقاید در داخل ایران بود. از جنبه ارتباطات خارجی، یکی از اصلاحات نخستین امیر کبیر برقراری وانتشار پاسپورت و قوانین مربوط به آن بود که مسافرت بین ایران و کشورهای همسایه و نیز اروپا را تا حدی آسان کرد.

دومین و سومین روزنامه در ایران - زاراریت - با همکاری امیر کبیر و در تهران در سال ۱۲۶۷ خورشیدی (۱۸۵۱ میلادی) منتشر شد. این روزنامه در ابتدا به نام «زاراریت باهرا» (یا شعاع روشنایی) به زبان کلدانی (آسوری) توسط میسیونر مسیحیان به تاریخ اول ژانویه ۱۸۵۱ (۲۷ صفر ۱۲۶۷) در رضائیه انتشار یافت.

صدارت امیر کبیر از جهت مطبوعات و روزنامه نگاری نیز صرف نظر از تاریخی مهمی بشمار می رود. اصلاحات امیر کبیر در دو سال اول زمامداری او اثری عمیق در ایران به جا گذاشت و محیط جدیدی برای پخش و ترویج نظریات و اخبار دولتی و ملی در تهران پدید آورد. در سال ۱۸۵۱ میلادی دوروزنامه در ایران تأسیس شد. روزنامه اولی به نام «زاراریت باهرا» (یا شعاع روشنایی) به زبان کلدانی (آسوری) توسط میسیونر مسیحیان به تاریخ اول ژانویه ۱۸۵۱ (۲۷ صفر ۱۲۶۷) در رضائیه انتشار یافت. روزنامه دوم به زبان فارسی و بطور رسمی به نام «وقایع اتفاقیه» به دستور امیر کبیر و تحت نظر دولت در تهران منتشر گردید. تأسیس این دوروزنامه درست چهارده سال بعد از انتشار اولین روزنامه ایران به نام «کاغذ اخبار» بود. «زاراریت باهرا» که ماهانه منتشر می شد و به آسوریان نواحی رضائیه و

آذربایجان محدود بود تحت نظارت مبشران مسیحی آمریکا در رضائیه اداره می‌گردید و مندرجات آن مذهبی بود و مسائل سیاسی و انتقادی در آن وجود نداشت و مدیران اولیه روزنامه دونفر از جانشینان پرکینز میسیونر آمریکایی بودند. پرکینز به مدت هشت سال در رضائیه زندگی کرد و چاپخانه‌یی را که روزنامه منتشر می‌کرد، او به ایران آورد. انتشار «زاراریت باهرا» به مدت شصت و سه سال (تا سال ۱۹۱۴ میلادی) در رضائیه ادامه داشت.

سی‌وهفت روز بعد از انتشار «زاراریت باهرا» در رضائیه\*، به تاریخ ۵ ربیع‌الثانی ۱۲۶۷ هجری مطابق با ۷ فوریه ۱۸۵۱ میلادی، روزنامه «وقایع اتفاقیه» به دستور و تحت نظر امیر کبیر در تهران منتشر شد. این روزنامه با چاپ سنگی و در چهار صفحه بطور هفتگی از طرف دولت در تهران طبع و در تمام استانها و شهرهای بزرگ ایران منتشر می‌شد. در شماره اول روزنامه هدف انتشار «وقایع اتفاقیه» به تفصیل ذکر شده است و خاطر نشان شده منظور اصلی روزنامه اینست که اهالی ایران را به اخبار داخلی و خارجی آشنا کند و مردم را از انتصابات و امور دولتی با خبر سازد. همچنین ذکر شده است یکی از هدفهای روزنامه این خواهد بود که اهالی ایران را به اخبار صحیح مملکتی آشنا و از گمراهی و تردید ملت جلوگیری کند. شماره اول این روزنامه عنوان «یا اسدالله الغالب» را داشت ولی از شماره دوم «وقایع اتفاقیه» جای آنرا گرفت و به این اسم معروف شد. در بالای صفحه اول، علامت شیر و خورشید ایران قرار دارد و از این جهت «وقایع اتفاقیه» شبیه روزنامه «کاغذ اخبار» است. و علامت شیر و خورشید در هر دو روزنامه از دولتی و رسمی بودن آنها حکایت می‌کند. «وقایع اتفاقیه» تا شماره ۱۶ بطور هفتگی هر جمعه منتشر می‌شد ولی از شماره ۱۷ روز انتشار هفتگی آن به پنجشنبه تبدیل گردید.

«وقایع اتفاقیه» اولین روزنامه هفتگی در ایران بود که بطور منظم در چهار

صفحه و گاهی درشش یا هشت صفحه منتشر می شد. صفحه اول آن اغلب به اخبار داخلی و دربار اختصاص داشت و صفحات داخلی حاوی اخبار خارجی و شهرستانها و انتصابات بود. حق اشتراك یا آبونه سالانه آن ۲۴ قران و قیمت تکفروشی دهشاهی بود. حداقل پنج نفر در نویسندگی و مدیریت این روزنامه نقش بسیار مهمی داشتند که عبارت بودند از:

۱- میرزا تقی خان امیر کبیر، صدراعظم و موسس روزنامه

۲- حاجی میرزا جبارتذکره چی، مدیر و سردبیر .

۳- ادوارد برجیس، نویسنده و مترجم و مسئول مالی .

۴- میرزا عبدالله، خبرنگار و نویسنده .

۵- حاجی عبدالمحمد، مسئول چاپ .

حاجی میرزا جبارتذکره چی مدتی سر کنسول ایران در بغداد بود و در بازگشت از طرف امیر کبیر به سردبیری و مدیریت « وقایع اتفاقیه » منصوب شد . ادوارد برجیس یکنفر انگلیسی بود که در زمان شاهزاده عباس میرزا به ایران آورده شد و مدتها با سمت مترجم و بعدها به عنوان متخصص چاپ در تبریز و تهران کار می کرد. برجیس به علت اقامت دائمی در ایران زبان فارسی را به خوبی فرا گرفته بود و مدتها نیز مغازه بی در تهران داشت که اجناس اروپایی می فروخت. در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه برجیس به سمت منشی و مترجم در دربار استخدام شد و به علت آشنایی کاملی که به آداب و عادات ایران داشت و تسلطی که به زبان فارسی پیدا کرده بود ، امیر کبیر او را متصدی ترجمه اخبار خارجی روزنامه « وقایع اتفاقیه » کرد و امور مالی روزنامه را به او سپرد. این امر مخصوصاً در شماره ۱۵ روزنامه تشریح و نوشته شده است که مشترکان روزنامه برای امور مالی و اداری درخواستهای خود را مستقیم به برجیس بفرستند. میرزا عبدالله خبرنگار اصلی این روزنامه بود و در تمام مراسم

درباری و دولتی حاضر شده اخبار داخلی را تنظیم می کرد. روزنامه «وقایع اتفاقیه» در چاپخانه حاج عبدالمحمد واقع در دروازه دولا ب چاپ می شد و او خود امور فنی و کارگاهی روزنامه را به عهده داشت. خدمات برجیس و میرزا عبدالله در تهیه و تحریر مندرجات روزنامه به قدری مورد رضایت دولت و شاه بود که به منظور پاداش، ناصرالدین شاه خلعت به این دو نفر ارزانی داشت.

تا آنجا که معلوم است «وقایع اتفاقیه» تیراژ چندانی نداشته است و اغلب بین کارمندان و روسای دولت پخش می شده، تعدادی هم به شهرستانها و ایالات مختلف ارسال می گردیده است. تکفروشی روزنامه در بازار تهران به عهده سید کاظم بلور فروش بود و در مغازه او بن تجار و علاقه مندان توزیع میشد.

«وقایع اتفاقیه» هم چنین اولین روزنامه‌یی بود که آگهی و اعلان بازرگانی در آن منتشر شد. در شماره چهارم مورخ ۷ رجب ۱۲۶۷ هجری اولین آگهی به این ترتیب درج شده است: «یکباب خانه واقع در محله دروازه شاهزاده عبدالعظیم پهلوی گودزنبور که خانه مال موسیور فائل مسیحی است و می خواهد بفروشد. هر کس طالب خریداری خانه مزبور باشد از مسیور فائل یا هر کس که در خانه مزبور باشد قیمت او را جویا بشود.» در همین شماره تحت عنوان اعلانات این اعلامیه بنظر می رسد: «بعضی از اشخاص که باید روزنامه دولتی هفته به هفته به آنها برسد شکایت کرده اند که گاهی موافق قاعده نمی رسد. لهذا مباشرین روزنامه خواهش می کنند که هر کس سفر می کند یا از جایی به جایی مأمور می شوند بمباشرین اخبار و اعلام نمایند که در هر کجا باشند روزنامه آنها را هفته به هفته برسانند.» با انتشار مرتب این روزنامه توجه مردم به آگهی جلب شد و از شماره ۲۲ روزنامه (پنجشنبه سوم رمضان ۱۲۶۷) آگهی تقریباً رسمیت یافت و برای آن قیمت تعیین گردید. در سمت چپ بالای صفحه اول هر شماره این جملات نقش بسته است:

«قیمت اعلانات بیشتر از چهار سطر نباشد یک هزار دینار، کمتر هم باشد یک هزار دینار و بیشتر باشد از قراسطری پنجشاهی». ولی با این وجود نیز تا شماره ۳۲ یعنی نزدیک سه ماه پس از تعیین قیمت اعلانات، آگهی به ندرت دیده می شود و از این به بعد تقریباً در هر شماره اعلانی به چشم می خورد که اکثر مربوط به قیمت کتابهای طبع شده در ایران است و گاهگاهی آگهی های مربوط به فروش سایر اجناس یا تغییر مکان شخصی ملاحظه می گردد. نحوه نگارش و جمله بندی و کلمات این آگهی ها کاملاً شبیه سایر اخبار و مقالات روزنامه است.

تأثیر اصلاحات امیر کبیر و تغییرات دولتی و اجتماعی که بوجود آورده بود از نظر دشمنان او و کسانی که سالها از خزانه مملکت بی چون و چرا بهره مند بودند پنهان نماند. مبارزه شدید امیر کبیر علیه رشوه خواری و عزل مأموران نالایق و بی کفایت، جبهه جدیدی از درباریان و دولتی ها را علیه او بسیج کرد. رهبری این عده را مادر ناصرالدین شاه بعهده داشت. اختلاف بین امیر کبیر و درباریان چندین شدت یافت و حسودی دشمنان امیر کبیر به قدری فزونی گرفت که بالاخره در سال چهارم زمامداری او، ناصرالدین شاه به تشویق ملکه مادر وعده دیگر فرمان عزل امیر کبیر را صادر کرد و صدراعظم کاردان و اصلاح طلب قرن نوزدهم ایران را چند روز بعد به کاشان تبعید نمود و دستور داد او را در حمام فین به قتل رسانند. مرگ امیر کبیر ضایعه بزرگی بود و پیشرفت اجتماعی و سیاسی ایران را سالها به عقب انداخت. سرپرسی سایکس تاریخ نویس انگلیسی، عزل و مرگ امیر کبیر را يك «مصیبت برای ایران» شناخته است و حادثه را اینطور خلاصه کرده: «گفته شده است که هر مردم و ملتی سزاوار حکومتی است که دارد. اگر این گفته صحت داشته باشد، به وضع ایران باید نصح خورد برای اینکه حکومت این کشور به دوران قرون وسطای اروپا شباهت دارد و هدف اصلی مأموران و حکمرانان، جمع

آوری و افزایش ثروت شخصی است. هر مسافری که این روزها از باغها و باغچه‌های باشکوه فین در کاشان دیدار می‌کند چیزی جز تأسف و حسرت ندارد، اگر این مرد (امیر کبیر) توفیق می‌یافت بیست سال زمامدار ایران باشد در این مدت ایرانیان موفق می‌شدند برای جانشینی وی به قدر کافی رهبران جوان و درستکار تربیت کنند. «(۱) داوری سایکس و سایر ناظران اوضاع ایران در حقیقت صحیح بود از جنبه ارتباطات اجتماعی و روزنامه‌نگاری پس از مرگ امیر کبیر تا چندین سال روزنامه «وقایع اتفاقیه» جریده منحصر به فرد ایران ماند و قدم جدیدی در توسعه مطبوعات و روزنامه‌نگاری برداشته نشد.

روزنامه «وقایع اتفاقیه» که تحت نظر وزارت علوم \* اداره می‌شد به سردبیری حاجی میرزا جبار تذکره‌چی به انتشار خود ادامه داد. این روزنامه تا شماره ۴۵۶ (مورخ ۱۴ دسامبر ۱۸۵۹) مرتب و بطور هفتگی در تهران طبع و توزیع شد و تا شماره ۴۷۱ (مورخ اوت ۱۸۶۰) گاهگاهی در انتشار و توزیع آن بی نظمی دیده می‌شد. از شماره ۴۷۲ اسم روزنامه «وقایع اتفاقیه» به «روزنامه دولت علیه ایران» تبدیل شد \*\* و به صورت مصور در تهران انتشار یافت و پس از نه سال که روزنامه به سردبیری تذکره‌چی اداره می‌شد. مدیریت آن به ابوالحسن خان نقاشباشی غفاری واگذار شد و در حقیقت او بود که اسم روزنامه را عوض کرد و آنرا به جریده مصور تبدیل نمود.

ابوالحسن خان نقاشباشی که بعد لقب صنیع‌الملک گرفت یکی از هنرمندان معروف دوره قاجار است. وی در سال ۱۸۴۳ میلادی درسی سالگی به ایتالیا رفت و در رم و فلورانس به مطالعه نقاشی غرب مشغول شد. یکی از آثار او که کپی کار هنرمند معروف ایتالیا را فائل است امروز در موزه واتیکان نگاهداری می‌شود. صنیع‌الملک در بازگشت به ایران مدرسه‌یی برای تعلیم هنرهای زیبا دایر کرد

وسالها به تدریس و نقاشی مشغول بود. سردبیری صنیع‌الملک مندرجات رسمی و دولتی «روزنامه دولت علیه ایران» راچندان عوض نکرد و برای ده سال یعنی تا ۱۸۷۰ این روزنامه که درحقیقت ادامه «وقایع اتفاقیه» بود انتشار یافت و در این سال آخرین شماره آن به نمره ۶۶۸ منتشر شد\* .

### تأثیر چاپ و گسترش مطبوعات دولتی

دهساله دوم سلطنت ناصرالدین شاه مخصوصاً سالهای بین ۱۸۶۰ تا ۱۸۷۰ شاهد تحولات اجتماعی و فکری بین طبقات مختلف ایران و شاهد گسترش سازمان اداری و مطبوعات دولتی بود. از نظر جامعه شناسی، تأثیر فن چاپ و نشر کتاب و روزنامه نگاری در ایران از اوایل سال ۱۸۶۰ ظاهر شد و بطور مرتب ادامه یافت. وسایل چاپی از کتاب گرفته تا روزنامه، درحقیقت نیروی اجتماعی جدیدی که به تدریج احساس می شد- بوجود آورده بود. مطبوعات، همراه با پیدایش مدارس و رسوخ افکار اروپایی، بازار مناسبی برای خواندن و نوشتن در کشور ایجاد کرده بود و نخستین رشته های ارتباط فرهنگی را بین روشنفکران و تحصیل کرده ها و مأموران دولتی پدید می آورد. رسالات و کتابهای متعددی که در بیست ساله اول سلطنت ناصرالدین شاه در تهران و شهرستانها منتشر شد و ترویج و تبلیغ روشهای جدید فکری و مذهبی پایه ارتباطی و اجتماعی این تحول بشمار می رود.

دولت استبدادی و انفرادی ناصرالدین شاه در وضعی قرار گرفته بود که اگر اقدامی در جهت گسترش و کنترل چاپخانه ها و کتابها و مطبوعات نمی کرد و تمرکز به آن نماند، احتمال می رفت عوامل ملی و غیردولتی از این شرایط استفاده کنند و قدرت و نفوذی در مقابل دولت پدید آورند. از طرفی گسترش مطبوعات، ضرورت

تأسیس ادارات جدید و رسمی کردن امور مطبوعاتی و ارتباطی را مطرح می‌ساخت. بطور خلاصه برای اولین بار در ایران نشر و توزیع افکار و عقاید از دو طریق بین طبقات مختلف انجام می‌گرفت: یکی طریقه قدیمی ارتباطات شفاهی که شامل ارتباطهای فردی و گروهی و سخنرانی و انجمنها و دوره‌ها می‌شد و دیگری که برای محیط ایران نازگی داشت نشر کتاب و جزوه و اعلامیه و روزنامه بود. این دو طریقه به هم کمک کرده روش ارتباطی ایرانیها را با خود و دنیای خارج دگرگون ساختند. شرکت در سخنرانی‌ها و انجمنها به مطالعه بیشتر کتاب و روزنامه کشیده می‌شد و همین‌طور دسترسی به چاپ کتاب باعث توسعه ارتباطات فردی و گروهی می‌گردید. این تحولات، ناصرالدین شاه را تا حدی نگران کرد و در سال ۱۸۶۳ صنیع‌الملک موظف شد ریاست اداره مطبوعات دولتی را در تهران به عهده بگیرد و تمام چاپخانه‌های ایران تحت نظارت این اداره درآمد. در فرمانی که از طرف ناصرالدین شاه صادر شد یادآوری شده بود اداره مطبوعات دولتی در تهران دستورهای لازم را به همه چاپخانه‌ها بدهد و آنها را راهنمایی کند و از انتشار جزوات و کتابهایی که برخلاف آداب ملی و علیه دولت باشد جلوگیری نماید. در همین سال ناصرالدین شاه دستور انتشار روزنامه‌های دولتی تازه را صادر کرد و علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه وزیر علوم مأمور تأسیس و انتشار این روزنامه‌ها شد. به دستور اعتضاد السلطنه، روزنامه «دولت علیه ایران» و اداره مطبوعات دولتی به ساختمان مدرسه دارالفنون انتقال یافت و این مدرسه مرکز انتشار و پخش روزنامه‌های دولتی شد. سه روزنامه جدید باید ماهانه منتشر می‌شد ولی جای بحث از امور سیاسی و دولتی در آنها فقط امور تاریخی و فرهنگی و علمی مطرح بود. اولین روزنامه ماهانه جدید به نام «روزنامه علمیه» در ۱۱ ژانویه ۱۸۶۴ منتشر شد. این روزنامه که اغلب به زبانهای عربی و فرانسه نیز چاپ می‌شد به مقالات علمی اختصاص داشت.

دو سال بعد به تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۸۶۶ روزنامه ماهانه دوم به نام «روزنامه ملتی» (۲) که مندرجات آن تمام مقالات تاریخی بود انتشار یافت و چند ماه بعد از آن در سپتامبر ۱۸۶۶ روزنامه سوم به نام «روزنامه دولتی» که در واقع نشریه هفتگی «روزنامه دولت علیه ایران» بود از طبع بیرون آمد. مندرجات این روزنامه اغلب ترجمه اخبار خارجی بود و گاهگاهی امور دولت و دربار هم در آن ذکر می شد. با آنکه طبق دستور ناصرالدین شاه مأموران دولتی و ادارات به اشتراك روزنامه های دولتی مجبور بودند، تیراژ آنها خیلی محدود بود و در واقع فقط بین رؤسای ادارات و کتابخانه ها و عده بی از تحصیل کرده ها پخش می شد. باید دانست که روزنامه در بین روحانیان و طبقات تجار و پیشه ور وسیله فرنگی محسوب می شد و این برداشت عاملی در منع پخش و افزایش تیراژ روزنامه در ایران بشمار می رفت. تیراژ روزنامه از ۱۱۱۵ نسخه تجاوز نمی کرد. در سال ۱۸۶۷ مستوفی-الممالک خزانه دار کشور عده مشترکان هر يك از روزنامه های دولتی را در تهران و شهرستانهای مختلف به شرح جدولی که می آید اعلام کرد :

تیراژ روزنامه های دولتی در تهران و شهرستانها در سال ۱۸۶۷ میلادی

شماره	کیلان	شماره	تهران
۳۵	کیلان	۲۷۰	تهران
« ۳۴	استرآباد	« ۱۶۶	آذربایجان
« ۳۰	اصفهان	« ۸۷	وزارت خارجه
« ۳۰	مازندران	« ۸۰	خراسان
« ۳۱	اسدآباد و گنج آور	« ۷۵	کرمانشاه
« ۲۶	خوزستان	« ۶۶	فارس

سیرار تباطات اجتماعی در ایران		۸۲
« ۱۰	ملایر و توسرکان	« ۲۲
« ۸	کرمان	« ۲۶
« ۷	قم و نطنز	« ۲۱
« ۵	نهادند	« ۱۶
« ۵	گلپایگان و خوانسار	« ۱۴
« ۵	شاهرود	« ۱۲
« ۲	سمنان و دامغان	« ۱۲
« ۲	ساوه	« ۱۲
« ۱	محلات	« ۱۲
		قزوین
		یزد
		کردستان
		قمشه
		بروجرد
		اراک
		گنبد قابوس
		کاشان
		همدان

### جمع کل ۱۱۱۵ شماره

تهران با ۲۷۰ مشترك در درجه اول قرار داشت و تقریباً يك چهارم تیراژ روزنامه را تامین می کرد. آذربایجان در درجه دوم بود و ۱۶۶ مشترك داشت. با توجه به اینکه در این سال سه روزنامه ماهانه منتشر می شد، می توان گفت مجموع تیراژ آنها به ۳۵۰۰ نسخه نمی رسید.

یکی از مشکلات مهم توزیع، بدی راههای ارتباط تهران و شهرستانها بود. بعد از دوره صفوی، به توسعه ارتباطات و آبادی راههای اصلی بین شهرستانها اعتنا نمی شد و در این مدت راههای ارتباطی روبه ویرانی و کهنگی گذاشت. اسب و قاطر وسیله اصلی مسافرت بشمار می رفت و با وضع بد ارتباطی، ماهها طول می کشید تا روزنامه یا کتاب و نشریه دیگر از تهران به نقاط دور افتاده برسد.

## تأسیس ارتباطات تلگرافی در ایران

دهساله ۱۸۷۰-۱۸۶۰ شاهد تحولات جدیدی در امر ارتباطات ایران بود و تأثیر مهمی در استقرار حکومت مرکزی تهران گذاشت و باعث گسترش تبلیغ مطبوعات دولتی در پایتخت و شهرستانها شد. برقراری خطوط ارتباط تلگرافی در ایران و ارتباط ایران با خارج از کشور جریان پخش اخبار خارجی و داخلی را تسهیل کرد. از جنبه جغرافیایی موقعیت ایران در خاورمیانه طوری بود که آسیا و اروپا را به هم وصل می کرد. وقتی که انگلیسیها تصمیم گرفتند با هندوستان و مستعمرات خود در آسیا ارتباط تلگرافی برقرار کنند، ایران را تنها راه مناسب تشخیص دادند و به این جهت ایران یکی از اولین کشورهای آسیا بود که وسیله ارتباط تلگرافی در آن دایر شد و مورد بهره برداری قرار گرفت.

در سال ۱۸۵۹ اقدام انگلیسیها برای استقرار خطوط تلگرافی بین انگلستان و اسکندریه از طریق دریای سرخ و ماری باشکست مواجه شده بود. از طرفی دولت عثمانی تصمیم داشت با احداث و توسعه خطوط تلگرافی بین آسیای صغیر و بغداد ارتباطات دولتی را در امپراتوری خود تقویت کند. موقعی که دولت عثمانی تصمیم به تأسیس خط تلگرافی بین استانبول و بغداد گرفت، انگلیسیها پیشنهاد کردند خط تلگرافی بغداد از طریق ایران به هند اتصال یابد. پیشنهاد انگلیسیها قبول شد و خط تلگرافی استانبول - بغداد از راه ایران و خلیج فارس و بخصوص بندر بوشهر به هند متصل شد و بدین ترتیب اولین خط تلگرافی در ایران دایر گردید. قرارداد این خط ارتباطی در ۱۸۶۳ بین نمایندگان دولتهای ذی نفع به امضا رسید. در سال ۱۸۶۴ درست بیست سال بعد از اختراع ارتباطات تلگرافی «ساموئل مورس»

شهرهای بغداد - تهران - کرمانشاه - همدان و بوشهر توسط تلگراف سیمی به هم متصل شد و ایران وارد دوره جدیدی از تاریخ ارتباطات گردید.

در سال ۱۸۷۰ برادران «زیمنس» خطوط ارتباطی بین لندن - الکساندرسک را در مرز روسیه از دولت‌های آلمان و انگلستان اجاره و از طریق روسیه خط ارتباط تلگرافی بین اودسا، تفلیس، تبریز و تهران دایر کردند. این خط بعدها وسیله کمپانی هند شرقی به خلیج فارس و از آنجا از طریق کراچی به هندوستان ادامه یافت. بدین ترتیب در اواخر قرن نوزدهم خطوط ارتباط تلگرافی در ایران گسترده شد و شهرهای مهم کشور را به هم اتصال داد و توسعه خطوط تلگرافی در ایران سبب شد اخبار خارجه در روزنامه‌های ایران رونق بیشتری پیدا کند. از سال ۱۸۷۵ روزنامه‌های داخلی در ایران اخبار شهرستانها را از طریق تلگراف دریافت می‌کردند و یکسال بعد روزنامه دولتی در تهران يك صفحه کامل به اخبار تلگرافی شهرستانها اختصاص داد.

یکی از نتایج سیاسی و اجتماعی توسعه ارتباطات تلگرافی در ایران «تحصن در تلگرافخانه» بود. با افتتاح خطوط ارتباطی، مردم از وجود تلگرافخانه به منظور ارتباط با مقامات دولتی و طرح اعتراضات خود استفاده کرده «تحصن» و «بست نشینی» در تلگرافخانه را که در اوایل تنها وسیله ارتباط حضوری و سریع با دربار و دولت بود، رواج دادند. تحصن در تلگرافخانه در سالهای بعد بخصوص در زمان انقلاب مشروطه در ایران متداول شد و به عنوان يك وسیله ارتباط سیاسی نقش موثری در تاریخ ایران به جا گذاشت. روزنامه نگاران، سیاستمداران، و بالاخره مردم معمولی کشور اسلحه تحصن در تلگرافخانه را وسیله بیان اعتراضات خود قرار دادند و به این طریق عقاید و افکار خود را بین مردم و دولتی‌ها تبلیغ و پراکنده کردند. در حقیقت می‌توان گفت تحصن در تلگرافخانه یکی از شیوه‌های سیاسی خاص ایرانیها بشمار می‌رود.

### روابط عمومی و تبلیغات ناصرالدین شاه

با تأسیس خطوط ارتباطات تلگرافی در ایران، دو وسیله مهم ارتباطات اجتماعی یعنی مطبوعات و تلگراف کاملاً تحت نظر و کنترل دولت و شخص ناصرالدین شاه قرار گرفت و درباریان و شاه تا آنجا که می توانستند از این دو عامل برای تبلیغ به نفع خود و روابط عمومی شخصی و دولتی استفاده کردند. مثلاً در یکی از سفرهای داخلی، ناصرالدین شاه پزشک مخصوص خود میرزا علینقی حکیم الممالک را مأمور کرد که از مسافرت او و درباریان یادداشت بردارد و یک روزنامه موقتی و خصوصی جهت تبلیغ و انتشار فعالیت های شخصی شاه منتشر کند. بدین ترتیب در مسافرت ناصرالدین شاه به خراسان که به سال ۱۸۶۹ انجام گرفت «روزنامه حکیم الممالک» برای مدت چند ماه منتشر شد. طبق نوشته پروفیسور برون قسمت عمده مندرجات این روزنامه توسط شخص ناصرالدین شاه نوشته شده و با امضاء حکیم الممالک به چاپ می رسیده است. حکیم الممالک که در فرانسه تحصیل طب کرده بود در سال ۱۸۶۱ میلادی به تهران بازگشت و به سمت پزشک مخصوص شاه منصوب شد. حکیم الممالک به ادبیات و شعر علاقه فراوانی داشت و بعدها در سلطنت ناصرالدین شاه به فرمانداری بر و جرد تعیین شد.

انتشار این گونه روزنامه های کوچک و فصلی بعدها در دربار ناصرالدین شاه مرسوم شده و هر موقع که شخص شاه تصمیم به مسافرت به ایالات مختلف می گرفت چنین روزنامه یی منتشر می شد و امور روابط عمومی آن زمان را برای شاه و درباریان آسان می نمود. بطوری که در سال ۱۸۷۱ در موقع مسافرت ناصرالدین شاه به مازندران روزنامه «مرآت السفر و مشکوة الحضر» به مدیریت محمد حسن خان

صنایع الدوله که بعد به اعتماد السلطنه معروف شده بود منتشر شد. \*

### تأسیس وزارت مطبوعات

استفاده از وسایل ارتباطی برای اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های مختلف حکومت ناصرالدین شاه روزبه‌روز بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت. این گونه وسایل ارتباطی نه تنها برای هماهنگی و موافقت برنامه‌های مختلف دولتی بین درباریان و نزدیکان و امرای کشور لازم بنظر می‌رسید بلکه برای اولین بار حکومت ناصرالدین شاه تشخیص داده بود باید قسمت قابل توجهی از اهالی روشنفکر و با سواد کشور را که کم‌کم به امور خارجی و داخلی آشنایی پیدا کرده بودند به دنبال برنامه‌های دولتی بسیج کرد. باید توجه داشت که در نیمه دوم قرن نوزدهم با رقابتهای اقتصادی و سیاسی بین روسیه و انگلستان در ایران و با فعالیتهای قابل توجهی که از طرف دول اروپایی برای جلب امتیازات بازرگانی و اقتصادی در ایران انجام می‌شد، حکومت ناصرالدین شاه لازم دیده بود با تبلیغات به طرز مناسبی تصمیمات جدید دولتی را بین طبقه روحانی و روشنفکر ببرد.

با توسعه صنایع در اروپا، دول اروپایی در پی میدانهای جدید تهیه مواد اولیه بودند و می‌کوشیدند از منابع کشورهای آسیایی استفاده کنند. ناصرالدین شاه و بعدها سلاطین دیگر سلسله قاجار در مسیر این تلاش قرار گرفتند و با اعطای امتیاز اقتصادی به دول خارجی، خرج و دخل خزانه حکومتی و دربار خود را هماهنگ می‌ساختند. این جریان تازه ایجاب می‌کرد که ناصرالدین شاه و اطرافیان تبلیغات خود را در کشور توسعه دهند. امور مطبوعاتی و تبلیغاتی که تا این زمان زیر نظر وزارت علوم بود توانایی این کار را نداشت. روزنامه‌های دولتی که سالها در تهران

### روابط عمومی و تبلیغات ناصرالدین شاه

با تأسیس خطوط ارتباطات تلگرافی در ایران، دو وسیله مهم ارتباطات اجتماعی یعنی مطبوعات و تلگراف کاملاً تحت نظر و کنترل دولت و شخص ناصرالدین شاه قرار گرفت و درباریان و شاه تا آنجا که می توانستند از این دو عامل برای تبلیغ به نفع خود و روابط عمومی شخصی و دولتی استفاده کردند. مثلاً در یکی از سفرهای داخلی، ناصرالدین شاه پزشک مخصوص خود میرزا علینقی حکیم الممالک را مأمور کرد که از مسافرت او و درباریان یادداشت بردارد و یک روزنامه موقتی و خصوصی جهت تبلیغ و انتشار فعالیت های شخصی شاه منتشر کند. بدین ترتیب در مسافرت ناصرالدین شاه به خراسان که به سال ۱۸۶۹ انجام گرفت «روزنامه حکیم الممالک» برای مدت چند ماه منتشر شد. طبق نوشته پروفیسور برن قسمت عمده مندرجات این روزنامه توسط شخص ناصرالدین شاه نوشته شده و با امضاء حکیم الممالک به چاپ می رسیده است. حکیم الممالک که در فرانسه تحصیل طب کرده بود در سال ۱۸۶۱ میلادی به تهران بازگشت و به سمت پزشک مخصوص شاه منصوب شد. حکیم الممالک به ادبیات و شعر علاقه فراوانی داشت و بعدها در سلطنت ناصرالدین شاه به فرمانداری بر و جرد تعیین شد.

انتشار این گونه روزنامه های کوچک و فصلی بعدها در دربار ناصرالدین شاه مرسوم شده و هر موقع که شخص شاه تصمیم به مسافرت به ایالات مختلف می گرفت چنین روزنامه یی منتشر می شد و امور روابط عمومی آن زمان را برای شاه و درباریان آسان می نمود. بطوری که در سال ۱۸۷۱ در موقع مسافرت ناصرالدین شاه به مازندران روزنامه «مرآت السفر و مشکوة الحضر» به مدیریت محمد حسن خان

صنایع الدوله که بعد به اعتمادالسلطنه معروف شده بود منتشر شد. \*

### تأسیس وزارت مطبوعات

استفاده از وسایل ارتباطی برای اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های مختلف حکومت ناصرالدین شاه روزبه‌روز بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت. این گونه وسایل ارتباطی نه تنها برای هماهنگی و موافقت برنامه‌های مختلف دولتی بین درباریان و نزدیکان و امرای کشور لازم بنظر می‌رسید بلکه برای اولین بار حکومت ناصرالدین شاه تشخیص داده بود باید قسمت قابل توجهی از اهالی روشنفکر و با سواد کشور را که کم‌کم به امور خارجی و داخلی آشنایی پیدا کرده بودند به دنبال برنامه‌های دولتی بسیج کرد. باید توجه داشت که در نیمه دوم قرن نوزدهم با رقابتهای اقتصادی و سیاسی بین روسیه و انگلستان در ایران و با فعالیتهای قابل توجهی که از طرف دول اروپایی برای جلب امتیازات بازرگانی و اقتصادی در ایران انجام می‌شد، حکومت ناصرالدین شاه لازم دیده بود با تبلیغات به طرز مناسبی تصمیمات جدید دولتی را بین طبقه روحانی و روشنفکر ببرد.

با توسعه صنایع در اروپا، دول اروپایی در پی میدانهای جدید تهیه مواد اولیه بودند و می‌کوشیدند از منابع کشورهای آسیایی استفاده کنند. ناصرالدین شاه و بعدها سلاطین دیگر سلسله قاجار در مسیر این تلاش قرار گرفتند و با اعطای امتیاز اقتصادی به دول خارجی، خرج و دخل خزانه حکومتی و دربار خود را هماهنگ می‌ساختند. این جریان تازه ایجاب می‌کرد که ناصرالدین شاه و اطرافیان تبلیغات خود را در کشور توسعه دهند. امور مطبوعاتی و تبلیغاتی که تا این زمان زیر نظر وزارت علوم بود توانایی این کار را نداشت. روزنامه‌های دولتی که سالها در تهران

و شهرستانها منتشر می شد اعتبار نخستین خود را از دست داد و بین کارمندان و روشنفکران کشور خواننده‌ی پیدا نمی کرد. برای رفع این نقص در سال ۱۸۷۱ میلادی امور مطبوعات و تبلیغات دولتی از وزارت علوم به وزارت جدید مطبوعات که تحت نظر محمد حسن خان صنیع الدوله تأسیس شد، انتقال یافت.

با افتتاح وزارت مطبوعات، انتشارات و تبلیغات دولتی صورت تازه پیدا کرد و صنیع الدوله، که بعد از مرگ پدر به اعتماد السلطنه ملقب گردید، بیش از بیست سال مسئول تبلیغات شاه و وزیر مطبوعات ایران بود و سالها به ترجمه و تألیف کتب مختلف اشتغال داشت. او از شخصیت‌های فرهنگی فعال عصر ناصرالدین شاه بشمار می رود. قبل از اینکه به پست وزارت برسد، چندین داستان و کتاب اروپایی از جمله بیوگرافی کریستف کلمب را به فارسی ترجمه کرده بود. (۳)

موقعی که محمد حسنخان به وزارت مطبوعات منصوب گردید اولین اقدام وی این بود که انتشار سه روزنامه ماهانه دولتی را که مدت‌ها بطور نامرتب منتشر شده بود و خواننده زیادی نداشت متوقف ساخت و جای آنها يك روزنامه سه روز در هفته به نام «ایران» تأسیس کرد. این روزنامه که اولین شماره آن در سال ۱۸۷۱ میلادی در چهار صفحه منتشر شد، به صورت ارگان رسمی حکومت اخبار دولتی و خارجی را بین مردم می برد. مندرجات روزنامه اغلب تقدیر و تجلیل از شاه و درباریان بود و صفحه اول آن اغلب به شکار شاه و مراسم سلطنتی و امثال آن اختصاص داشت و اخبار دولتی در ستونهای مخصوص وزارتخانه‌ها چاپ می شد.

طرز نگارش اخبار و مقالات در «ایران» با مقایسه با روزنامه‌های قبلی تا حدی ساده تر و خواناتر بود و از این جهت طرز خبر نویسی و مقالات اندکی صریح تر بنظر می آمد. از تغییرات دیگر در زمینه تکامل روزنامه نگاری ایران که در روزنامه تازه می توان دید اخبار مربوط به حوادث و اتفاقات شهری و محلی و افزایش قابل ملاحظه خبرهای تلگرافی و خارجی است. آنگهی هنوز رشد و توسعه نیافته است و در هر

شماره فقط دوسه آگهی دولتی به چشم می خورد. چاپ سربی هنوز در ایران و بخصوص در روزنامه های ایران مورد توجه نیست و روزنامه «ایران» با چاپ سنگی طبع می شود. تیترا نویسی - به صورت امروز - نیز متداول نیست و ستونهای روزنامه اغلب با عنوان ساده «اخبار رسمی دربار همایون» یا «تاریخ دولت روس» و نظیر آن نوشته می شود.

با همه رسمیت و مشکلاتی که در روزنامه نگاری این عصر وجود داشت، روزنامه «ایران» نشریه نسبتاً مهم این دوره بشمار می رود. صنایع الدوله روزنامه را به یک نشریه ادبی و تاریخی مبدل کرد و از این طریق آثار نویسندگان قدیم و جدید را بین طبقات مختلف روزنامه خوان برد. این اقدام بسیار مهم بود برای اینکه کتب علمی و ادبی در آن زمان بسیار گران بود و پخش آنها بین طبقات مختلف به سهولت امکان نداشت. هیأت نویسندگان روزنامه «ایران» برای مدت طولانی از این عده تشکیل می شد: اعتماد السلطنه وزیر مطبوعات و سردبیر میرزا علی خان نائینی و محمد حسین ادیب مشهور به ذکاء الملک، نویسندگان روزنامه، میرزا ابوتراب و میرزا سید احمد، خطاطان هنرمند، و غلامحسین مذهب و استاد محمد متخصصان چاپ.

یکی از اقدامات اعتماد السلطنه، تأسیس اداره سانسور به سال ۱۸۷۰ در وزارت مطبوعات بود. این اداره به پیشنهاد وزیر و به دستور ناصرالدین شاه تأسیس شد. در دورانی که انتقاد از حکومت ناصرالدین شاه در خارج و داخل کشور ریشه پیدا می کرد هدف اصلی اداره جدید جلوگیری از انتشار و پخش جزوه ها و روزنامه های مخفی آزادیخواهان بود که کم کم در ایران رواج می یافت. اعتماد السلطنه در کتاب «المآثر والآثار» می نویسد وقتی که جزوه تقییح سلاله شیخ هاشم شیرازی در بمبئی چاپ و به تهران ارسال شد، درباریان و شاه طوری از مندرجات

آن آتش گرفتند که شاه دستور داد تمام نسخه‌های رساله را معدوم سازند. اعتماد السلطنه در این موقع به ناصرالدین شاه یادآوری می‌کند در بعضی از ممالک اروپا، اداره سانسور وجود دارد که نشریات ضد دولتی را جمع‌آوری و معدوم می‌کند و ناصرالدین شاه این نظر را می‌پسندد و فرمان تأسیس اداره سانسور را صادر می‌کند (۴).

### مطبوعات شهرستانها و نفوذ روزنامه‌نگاری اروپا در ایران

یکسال پس از انتشار روزنامه «ایران» در تهران، روزنامه‌های رسمی ونیمه رسمی دیگری توسط فرمانداران و استانداران در شهرهای مختلف ایران شروع به انتشار کرد. از نخستین روزنامه‌ها، روزنامه «تبریز» بود. روزنامه «تبریز» اول بار در سال ۱۸۵۸ تأسیس گردید ولی پس از مدتی انتشار آن متوقف شد و بار دیگر به سال ۱۸۷۲ به دستور مظفرالدین میرزا ولیعهد منتشر گردید. با انتصاب ظل‌السلطان به حکومت فارس، میرزا تقی‌خان کاشانی، طبیب او که به افکار و عقاید اروپایی بسیار آشنا بود روزنامه‌یی به نام «فارس» در شیراز منتشر کرد. این روزنامه که در هشت صفحه بطور هفتگی منتشر می‌شد به دو قسمت فارسی و عربی تقسیم شده بود ولی از شماره چهارم تنها به زبان فارسی درآمد و مدت انتشار آن از یکسال تجاوز نکرد.

پس از استقرار حکومت مسعود میرزا ظل‌السلطان در اصفهان، میرزا تقی‌خان کاشانی در سال ۱۷۸۹ میلادی (۱۲۹۶ هجری) اولین روزنامه این شهر را به نام «فرهنگک» منتشر کرد. روزنامه «فرهنگک» که تا سال ۱۳۰۸ هجری بطور مرتب منتشر می‌شد یکی از روزنامه‌های خوب ادبی و علمی آن دوره بشمار می‌رود. به این ترتیب انتشار روزنامه علاوه بر تهران در شهرستانها نیز از جانب حکومتها رونق

ورواج پیدا کرد. در مدت سی و پنج سالی که از انتشار اولین روزنامه حکومتی در ایران می گذشت، در حدود ده روزنامه در تهران و شهرستانها منتشر شد.

### ده روزنامه اولیه در ایران

اسم روزنامه	دوره انتشار	تاریخ تأسیس	محل انتشار
۱- کاغذ اخبار	ماهانه	۱۸۳۷	تهران
۲- زاراریت باهرا	ماهانه	۱۸۵۱	رضائیه
۳- وقایع اتفاقیه	هفتگی	۱۸۵۱	تهران
۴- تبریز	ماهانه	۱۸۵۸	تبریز
۵- روزنامه دولت علیه ایران	هفتگی	۱۸۶۰	تهران
۶- روزنامه علمیه	ماهانه	۱۸۶۴	تهران
۷- روزنامه ملتی	ماهانه	۱۸۶۶	تهران
۸- روزنامه دولتی	ماهانه	۱۸۶۶	تهران
۹- ایران	سه روز در هفته	۱۸۷۱	تهران
۱۰- فارس	هفتگی	۱۸۷۲	شیراز

سالی پس از تأسیس وزارت مطبوعات بود که ناصرالدین شاه امتیازات اقتصادی قابل توجهی به انگلیسیها اعطا کرد. در سال ۱۸۷۲ یکی از بانکداران معروف انگلیس به نام بارون ژولیوس دورویتر<sup>۱</sup> که موسس خبرگزاری رویتر در انگلستان بود امتیاز ساختمان راه آهن و وسایل حمل و نقل شهری و استفاده و استخراج معادن ایران را از ناصرالدین شاه بدست آورد. همچنین طبق امتیازاتی

که رویتر از ناصرالدین شاه کسب کرد، کمپانی وی اداره امور گمرکات ایران را بدست آورد و برای استخراج نفت در ایران اجازه یافت. قرارداد اعطای امتیاز به رویتر در محیط خفقان آور و بی انتقاد مطبوعات و افکار عمومی صورت گرفته بود. چند ماه بعد از امضای قرارداد، ناصرالدین شاه به اروپا سفر کرد و از روسیه و آلمان و بلژیک و انگلستان دیدار نمود. و در این سفر از مخالفت روسیه و آلمان در اعطای امتیازات به انگلستان آگاهی بیشتری پیدا کرد. و کوششهای رویتر برای جلب نظر روسیه و آلمان در مورد این امتیازها بی نتیجه ماند و با تمام رشوه‌هایی که در تهران بین دولتیان تقسیم کرده بود، فشار دول خارجی و مخالفت سخت افکار عمومی در داخل ایران، ناصرالدین شاه را مجبور کرد امتیازات رویتر را در بازگشت از اروپا به ایران لغو کند.

مسافرت ناصرالدین شاه به اروپا گرچه تا حدی سیاسی و همراه با رقابت دولتهای بزرگ اروپایی بود، فکر و نظر شاه را تا حدی عوض کرد و مخصوصاً از جنبه ارتباطات و روزنامه نگاری ناصرالدین شاه را تحت تأثیر قرارداد شاه از آزادی و فلسفه حکومت مشروطه ممالک اروپایی، مخصوصاً از آزادی افکار عمومی در سوئیس و آزادی مطبوعات در بلژیک در سفر نامه خود صحبت کرده است\* و کنجکاوی و حیرت خود را در نوشته‌هایش نشان داده (۵).

هنگام بازگشت، ناصرالدین شاه در استانبول یک ماشین چاپ لاتین خرید و با خود به ایران آورد. این ماشین، اولین ماشین چاپ لاتین در ایران بود و ناصرالدین شاه تصمیم داشت از آن برای انتشار روزنامه و کتب انگلیسی و فرانسوی استفاده کند. ناصرالدین شاه در اروپا به نقش مطبوعات در امور سیاست خارجی پی برد و به فکر افتاد روزنامه‌یی به زبان فرانسه در تهران منتشر کند و از این طریق اخبار و عقاید دولتی را بین خارجیان و ایرانیهای روشنفکر برساند به دستور شاه

وزارت خارجه ایران روزنامه نگار و سردبیری به نام بارون لوئی دو نورمان<sup>۱</sup> را از پاریس دعوت کرد و تصمیم به انتشار روزنامه فارسی و فرانسه گرفت. مسیو نورمان در سال ۱۸۷۶ وارد تهران شد و روزنامه‌یی به نام لاپاتری<sup>۲</sup> یا «وطن» در تهران منتشر کرد. اولین شماره این روزنامه به تاریخ ۵ فوریه ۱۸۷۶ منتشر شد و سر مقاله روزنامه به اهمیت آزادی مطبوعات و تأثیر روزنامه نگاری در پیشرفت امور اقتصادی و اجتماعی اختصاص یافت. مسیو نورمان بی‌اینکه وضع حقیقی داخلی ایران را در نظر بگیرد، دعوت سلطان و قرار روزنامه نگاری در ایران را بسیار جدی گرفت و به روش اروپایی مقاله مستقل و آزادیخواهانه‌یی نوشت که با محیط استبداد آن زمان به هیچوجه سازش نداشت و نتیجه این بود که اولین شماره «لاپاتری» آخرین شماره این روزنامه شد و چند روز بعد به دستور شاه قرارداد این روزنامه نگار با دولت ایران خاتمه پیدا کرد و از انتشار شماره دوم روزنامه جلوگیری شد، دولت ایران حقوق سه‌ساله مسیو نورمان را طبق قرارداد پرداخت و اجازه اقامت او را لغو کرد و این شخص به اروپا بازگشت.\*

تجربه انتشار «لاپاتری» خیلی تلخ بود. درحقیقت این اولین روزنامه‌یی بود که تا آن تاریخ بطور مستقل تحت نظر روزنامه نگاری حرفه‌یی در ایران منتشر می‌شد و از افکار آزادیخواهانه بطور رسمی سخن می‌گفت. ولی حکومت استبدادی و محافظه کار ناصرالدین شاه با افکار متجدد و آزاد این روزنامه سازش نکرد. اختلاف بین این دو اجتناب ناپذیر بود (۶).

1- Baron Louis de Norman

2- La Patrie

## منابع و ماخذ فصل پنجم

(1) – Sir Percy Sykes, A History of Persia, Vol , 11, Macmillan Co . , 1930 , London, P . 346 .

(۲) - میرزا فتح علی آخوندزاده جزوه بی راجع به روزنامه «ملتی» در سال ۱۸۶۶ نوشته است . این جزوه به شماره ۲۷۷۶ در کتابخانه دانشکده معقول و منقول تهران محفوظ است .

(۳) - تألیفات اعتماد السلطنه عبارتست از : «حجۃ السادات» در سال ۱۸۶۱ میلادی، «مرآت البلدان» چاپ ۱۸۷۶ ، «منتظم ناصری» در سه جلد چاپ ۱۸۸۲ ، «المآثر والآثار» چاپ ۱۸۹۰ و بالآخره «خیرات الحسان» یا تاریخ پارتها چاپ ۱۸۹۱ در تهران .

(۴) - «المآثر والآثار» تألیف محمد حسن خان اعتماد السلطنه، تهران ۱۸۹۰، باب هشتم - ص ۱۱۷ .

(۵) - سفرنامه ناصرالدین شاه چاپ مهرماه ۱۳۴۳ شمسی .

(۶) - دومین روزنامه به زبان فرانسه به نام ( Echo de Perse ) تحت نظر دکتر مورل معلم مدرسه دارالفنون به سال ۱۸۸۵ به چاپ رسید و به مدت سه سال انتشار آن ادامه داشت .

## فصل ششم

### روزنامه‌نگاری وهسته‌های انقلاب مشروطه

در آخرین ربع قرن نوزدهم روزنامه به عنوان يك وسیله ارتباط جمعی، با تغییرات اجتماعی و تحولانی که در ایران بوجود می‌آمد، همراه شد و برای اولین بار قدرت روزنامه‌نگاری دست به دست گردید و به مردان جدید انتقال پیدا کرد. حربۀ مطبوعات و قدرتی که در آن احساس می‌شد از مردان حکومت مطلقه به مردان انقلابی و آزادیخواه منتقل گشت. هسته‌های نارضایی و شورشی که حکومت کهنه و زنگ زده قاجار را تکان داده بود بالاخره به نهضت مشروطه مبدل شد و نمود یافت. و ایران به چنان مطبوعات جدید و ملی رسید که اغلب توسط روشنفکران موقی و انقلابی اداره می‌شد. این مطبوعات نو به حکومت قاجار حمله و از وضع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایران انتقاد کرد. هر چه مطبوعات بیشتر جرأت نشان داد و رهبری تحولات اجتماعی را بدست گرفت حکمرانان قاجار و دولتی‌ها بیشتر عقب نشینی کردند و بالاخره با آغاز قرن بیستم، جنگ وجدال مطبوعات و حکومت مستبد قاجار تا حدودی آرامش پیدا کرد و روزنامه‌نگاران به پیروزی رسیدند و در ایران

نظام پارلمانی پدید آمد و آزادی مطبوعات در شمار آزادیهای اساسی، مسجل گردید.

ارمغانهای فکری که ناصرالدین شاه با خود از اروپا به ایران آورده بود تغییرات اساسی در وضع اجتماعی ایران بوجود نیاورد و روشنفکران و آزادیخواهان ایران را قانع نکرد.

ناصرالدین شاه روی هم سه سفر به اروپا کرد. بطوری که خودش بیان کرده، سفر اول او در سال ۱۸۷۳ برای این بود که حس کنجکاوی خویش را اقناع کند. سفر دوم در سال ۱۸۷۸ برای آشنایی به وضع اروپا بود و سفر سوم که در سال ۱۸۸۹ صورت گرفت به گفته شاه برای آشنایی با افکار و فرا گرفتن برنامه‌های جدید اروپایی بود. متأسفانه سهره آورد ناصرالدین شاه که تاحدی می‌توانست به اصلاح وضع اجتماعی و سیاسی ایران آن زمان کمک کند، عاطل ماند.

نخست فکر تشکیل مجلس شورا که از اروپا اخذ شده بود با روحیه شاه و درباریان زیاد سازگار نبود و اقدامی در این مورد صورت نگرفت. اصلاح وضع دادگاهها و رسیدگی به شکایات مردم و تدوین قانون مدنی و قضائی نیز که یکی از ره‌آوردهای او بوده تاخیر افتاد. و سرانجام، نه تنها از اعطای حق روزنامه‌نگاری به آزادیخواهان جلوگیری شد بلکه چنانکه دیدیم ناصرالدین شاه از انتشار روزنامه «لاپاتری» هم به ترس افتاد و انتشار آنرا منع کرد.

در عوض، حکومت ناصرالدین شاه در ربع آخر قرن نوزدهم به معامله و بتدوینت و بستن باخارجیان و کمپانیهای اروپا پرداخت و با رقابت شدیدی که در این زمان دول اروپایی مخصوصاً انگلستان و روسیه و فرانسه در خاورمیانه باهم داشتند، تهران مرکز زدو بندها و گفتگوهای کسب امتیازات مالی و سیاسی شد و در مدت سلطنت ناصرالدین شاه در حدود پانزده کشور خارجی امتیازات مختلفی برای اتباع خویش

در ایران بدست آوردند .

قرن نوزدهم عصر رقابت در ساختن خطوط راه آهن بود و این رقابت در ایران نیز جریان یافت . روسها برای اولین بار سعی کردند امتیاز ساختمان راه آهن بین جلفا و تبریز را از ناصرالدین شاه بگیرند . چند سال بعد (۱۸۷۵ میلادی) يك اتریشی به نام ویلهلم پروسل<sup>۱</sup> نقشه خود را برای ساختمان خط آهن بین تفلیس و بندر عباس از طریق تهران اعلام کرد . بعدها فرانسویها وارد این رقابت شدند . بنگاه بانکی آلتون<sup>۲</sup> امتیاز ساختمان راه بین بندر اتزلی (پهلوی) و تهران را از شاه کسب کرد و همزمان ، مهندس فرانسوی به نام فابوس بویتال<sup>۳</sup> امتیاز ادامه ساختمان این راه نا کشیده را تا خلیج فارس و بندر بوشهر بدست آورد .

رقابت اقتصادی و سیاسی دول اروپایی در ایران همچنان ادامه یافت . در سال ۱۸۷۹ ناصرالدین شاه تصمیم گرفت يك گروه نظامی شبیه قزاقهای روسیه در ایران ایجاد کند و بدین ترتیب پایه قزاقخانه ایران در شهرهای مختلف نهاده شد . در سال ۱۸۸۸ یکی از اتباع تزار امتیاز ماهیگیری را در دریای خزر بدست آورد و به دنبال آن در همین سال انگلیسیها امتیاز کشتیرانی و استفاده بازرگانی از رود کارون را در جنوب ایران کسب کردند . رویتر ، بانکدار معروف انگلیسی که سالها قبل پیشاهنگ کسب امتیازات اقتصادی در ایران بود ولی کاری از پیش نبرده بود در سال ۱۸۸۹ به تأسیس بانک شاهنشاهی در تهران توفیق یافت و امتیاز انتشار اسکناس نصیب او شد و امتیاز استخراج بعضی از منابع کانی ایران را تحصیل کرد . دو سال بعد در ۱۸۹۱ ، ناصرالدین شاه در مقابل این امتیازها امتیاز تأسیس بانک استقراری را به روسها داد .

1- Wilhelm Prussel

2- Alleon

3- Fabios Boital

در تمام این مدت وزارت مطبوعات تنها ناشر روزنامه در ایران بود و حکومت ناصرالدین شاه به علت گرفتاریها و فشارهایی که از داخل و خارج به ایران وارد می شد برای ارزیابی و تجدید نظر در تبلیغات دولتی فرصت پیدا نکرده بود و مطبوعات دولتی سالها به حال خود باقی ماند. روزنامه «ایران» تا سال ۱۸۶۷ تنها نشریه مرتب در ایران بود و در این سال وزارت مطبوعات روزنامه یی به نام «علمی» منتشر کرد که فقط شصت و چهار شماره چاپ شد، بین سالهای ۱۸۷۶ و ۱۸۷۹ دوروزنامه دولتی دیگر به نام «اطلاع» و «نظامی» منتشر شد.

روزنامه «نظامی» پس از مدتی جای خود را به روزنامه دیگری به نام «مریخ» داد که چون خواننده زیادی پیدا نکرد پس از مدتی تعطیل گردید. \* در مدت بیست سال آخر سلطنت ناصرالدین شاه (۱۸۹۶ - ۱۸۷۶) از میان قریب دوازده روزنامه مختلف فقط يك روزنامه به نام «مدنیت» غیر دولتی بود که از طرف اقلیت ارمنه، هر دو هفته یکبار در تبریز منتشر می شد. بعضی از روزنامه های دولتی این دوره عبارت بودند از جریده تجارت (۱۸۸۰)، «دانش» (۱۸۸۱)، «شرافت» (۱۸۸۲)، «شرف» (۱۸۸۱) و «ناصری» (۱۸۹۳).

بی اعتنایی ناصرالدین شاه به اصلاحات اساسی، و وضع را کد کشور، روشنفکران و آزادیخواهان ایران را ناراحت کرده بود. در اواخر سلطنت این پادشاه عده قابل توجهی از نویسندگان و آزادیخواهان ایران به کشورهای اروپا و نیز به هندوستان و مصر و عثمانی مهاجرت کردند.

زندگی داوطلبانه تبعیدی این عده، در سالهای بعد هسته اصلی روزنامه نگاری تبعیدی ایران را در اروپا و آسیا بوجود آورد و فصل جدیدی در مطبوعات قبل از مشروطه ایران گشود.

## مطبوعات در تبعید

اولین روزنامه آزادیخواهان مهاجر توسط دو روزنامه‌نگار جوان به نام میرزا مهدی و محمد طاهر در سال ۱۸۷۵ در قسطنطنیه (استانبول) به نام «اختر» منتشر شد و مخفیانه در ایران توزیع گردید. میرزا مهدی سردبیر این روزنامه که به سال ۱۸۳۷ در تبریز متولد شده بود در ۲۴ سالگی به عثمانی سفر کرد و در آنجا با همکار آینده خود محمد طاهر آشنا شد و باهم تصمیم به انتشار روزنامه گرفتند. محتویات این روزنامه که از طرف تاریخ نویسان و از جمله پروفیسور ادوارد برون بسیار تقدیر شده عامل مهمی در بسط و توسعه افکار جدید در ایران بود. نفوذ «اختر» به علت مقالات پر معنایی که توسط این دو جوان و عده دیگری از نویسندگان ایرانی تهیه می‌شد، بقدری در ایران بالا گرفت که در سالهای بعد توزیع و خواندن آن از طرف حکومت ناصرالدین شاه ممنوع شد و برای مقابله با آن وزارت مطبوعات تصمیم به انتشار روزنامه «ناصری» گرفت که تا مدتی به طور مرتب در آذربایجان منتشر می‌شد. انتشار «اختر» در عثمانی، سبب شد عده قابل توجهی از آزادیخواهان ایران که در آن قلمرو زندگی می‌کردند به دور هم گرد آیند. درین این عده میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی کرمانی که هر دو از آزادیخواهان عصر ناصرالدین شاه بودند بانویسندگان اختر همکاری می‌کردند. روزنامه «اختر» به مدت بیست سال، تا ۱۸۹۶، در عثمانی انتشار می‌یافت و در این سال از طرف حکومت عثمانی توقیف گردید و از انتشار آن جلوگیری شد.

در میان شخصیت‌هایی که در پی ریزی روزنامه‌نگاری تبعیدی و دریداری ایرانیان نفوذ فوق‌العاده داشتند و نقش مهمی بازی کردند سید جمال‌الدین افغانی

(اسد آبادی) و میرزا ملکم خان جای مخصوصی دارند .

در اواخر قرن نوزدهم در خاورمیانه سید جمال الدین اسدآبادی معروفترین شخصیت اجتماعی بود که سالها در این منطقه به توسعه و پخش افکار آزادیخواهانه و اسلامی پرداخته بود و اتحاد ممالک اسلامی را مطرح ساخت . او مردی مطبوع و در عین حال خستگی ناپذیر و بسیار شجاع بود که هم در خطابه و هم در نویسندگی مهارت فوق العاده داشت، فیلسوف، نویسنده و سیاستمداری مدبر بود. طرفداران سید او را مظهر وطن پرستی حقیقی می شناختند و تحسین می کردند و مخالفان و دشمنان وی او را « خرابکار » و مغرض می نامیدند .

سید جمال الدین به سال ۱۸۳۸ در اسدآباد نزدیک همدان متولد شد و به علت مهاجرت خانواده اش به افغانستان ، دوره جوانی خود را در آن سرزمین بسر برد. تحصیلات جمال الدین در فلسفه و فقه اسلام در نجف به پایان رسید ولی تحصیلات بعدی او به رشته اسلامی محدود نشد و وی فلسفه و زبانهای اروپایی را نیز فرا گرفت و در هجده سالگی به هندوستان سفر کرد . مدتی وارد خدمت دولتی در افغانستان شد و تاسمت وزیر ارتقا یافت. ولی در سالهای بعد وقتی که جنگهای داخلی در افغانستان شروع شد سید جمال الدین آن کشور را ترك کرد و به سفر مصر و آسیای صغیر پرداخت . افکار آزادیخواهانه ، او را تا مدتی از ایران جدا ساخت و دورنگاه داشت .

در سال ۱۸۷۰ جمال الدین برای اولین بار به مصر سفر کرد و مدت چهل روز در نقاط مختلف این کشور از جمله دانشگاه «الازهر» سخنرانی کرد. افکار و عقاید او راجع به اتحاد کشورهای اسلامی در این مدت در نقاط مختلف خاورمیانه نفوذ پیدا کرده بود .

سید جمال الدین فکر « وحدت اسلامی » را که شامل تمام کشورهای اسلامی از

جمله ممالک عرب هم بود توسعه و ترویج می داد. در یکی از سفرهایش به عثمانی وقتی که سید جمال الدین در آکادمی آن کشور ضمن سخنرانی عقاید خود را مطرح ساخت بلافاصله از طرف شیخ الاسلام عثمانی تکفیر گردید و مجبور به ترک آن کشور شد.

سید جمال الدین در سال ۱۸۷۱ به مصر مراجعت کرد و از طرف آزادیخواهان و دانشجویان مصری استقبال شد. طرفداران سید دور او جمع شده از تدریس و خطابه او در منطق و سیاست و سخنوری بهره مند گردیدند. در آن زمان تعداد نویسندگانی که قدرت بیان و قلم فوق العاده داشتند در مصر محدود بود. در میان سخنرانان و نویسندگان این دوره مصر می توان عبدالله پاشا فکری، خیری پاشا، محمد پاشا، مصطفی پاشا و هاب و چند نفر دیگر را نام برد. در اثر تعلیم و تبلیغ سید عدّه نویسندگان جوان مصری در سالهای بعد روبه ازدیاد گذاشت و نهضت آزادیخواهی در مصر توسعه یافت. توفیق پاشا، فرمانروای مصر، که از اعمال سید جمال الدین و نفوذ او ناراحت بود به سال ۱۸۷۹ دستور اخراج او را از مصر صادر کرد و سید از آنجا روانه هندوستان شد و در حیدرآباد سکونت کرد. در سالهای ۸۲ - ۱۸۸۱ که نهضت آزادیخواهی جوانان مصر شروع شده بود، سید در هندوستان به نویسندگی ادامه داد و سفری به ممالک متحد آمریکا کرد و از راه لندن به پاریس روانه شد. در اروپا سید با روزنامه نگاران و نویسندگان خاورمیانه و از جمله ایران تماس برقرار کرد و به گروه مهاجران آزادیخواه ایرانی پیوست.

از سال ۱۸۸۲ تا ۱۸۸۵ سید جمال الدین با همکاری یکی از نویسندگان مصری به نام شیخ محمد عبده - که بعدها از دانشمندان بنام مصر شد - روزنامه‌یی به زبان عربی به نام «عروة الوثقی» در پاریس منتشر کرد و در آن حکومت‌های استبدادی ایران و عثمانی و مصر را به باد انتقاد گرفت. این روزنامه در اکثر

ممالک عربی و خاورمیانه منتشر می شد و سخنگوی عقاید سید جمال الدین و طرفدارانش بود.

در ایران پخش این روزنامه از طرف ناصرالدین شاه ممنوع شد و در هندوستان فرمانروای انگلیسی از انتشار آن بین اهالی منطقه جلوگیری می کرد. چند سالی که سید جمال الدین به انتشار «عروة الوثقی» مشغول بود، شهرت او در جراید و مطبوعات اروپایی افزایش یافت و به عنوان رهبر بزرگ «اتحاد اسلام» معروف شد. باینکه ناصرالدین شاه از پخش روزنامه او جلوگیری می کرد ولی به گفته تاریخ- نویس انگلیسی، سرسکای، مندرجات روزنامه در ناصرالدین شاه اثر شدیدی بر- جا گذاشت و به سال ۱۸۸۶ به سید جمال الدین اجازه ورود به ایران داد و سید مدتی در دربار ناصرالدین شاه طرف مشورت بود ولی شاه به توصیه درباریان، پس از مدت کوتاهی دستور اخراج او را صادر کرد و سید عازم روسیه شد. در آخرین سفری که ناصرالدین شاه به اروپا داشت باز سید را ملاقات کرد و بار دیگر وی را به ایران دعوت کرد. ولی باز گشت سید به ایران این بار نیز نتیجه نامطلوب داد و به علت تبلیغی که برای مشارکت مردم در حکومت می کرد ناصرالدین شاه دستور دستگیری سید را صادر کرد. سید در شاه عبدالعظیم متحصن شد و مدت هفت ماه در آنجا ماند. و در این مدت علیه حکومت استبدادی ناصرالدین شاه صحبت کرد و گروهی دور او جمع بودند و به محل تحصن سید همچنان رفت و آمد می کردند. میرزا رضای کرمانی که سالها بعد ناصرالدین شاه را کشت از جمله مریدان سید بود. سرانجام در سال ۱۸۹۰ سید به دستور دولت از ایران اخراج شد و شش سال آخر عمر خود را در اروپا بسر برد و در ۱۸۹۶ در عثمانی در گذشت. در سالهای آخر عمر، سید باروزنامه «قانون» که توسط یکی از ایرانیان مهاجر به نام «ملکم خان» در لندن منتشر می شد همکاری داشت.

در تاریخ ارتباطات اجتماعی ایران سید جمال‌الدین اسدآبادی یکی از شخصیت‌های مهم و بانفوذ بشمار می‌آید. او نه فقط از علوم اروپایی و اسلامی بهره‌مند بود و عقاید آزادیخواهانه و جهانی داشت بلکه تنها شخصی بود که هم از طریق مقالات و هم با استفاده از گفتار و سخنوری خود در میان جوانان و روزنامه‌نگاران زمان خویش نفوذ و تأثیر بسیار گذاشت. دانش و توانایی او در مبارزات و روشهای مطبوعاتی بی‌نظیر بود. پروفیسور برون که باسید در سال ۱۸۹۱ ملاقات کرده است می‌نویسد: «او از جنبه سخنوری در خاورمیانه نظیر نداشت. قدرت مغزی و بصیرت درونی او هم چنین بی‌نظیر بود بطوری که قبل از اینکه دیگران صحبت کنند او از فکر و هدف آنها باخبر می‌شد.»

یکی دیگر از روزنامه‌نگاران و نویسندگان این دوره میرزا ملکم خان سردیروناشر روزنامه «قانون» چاپ لندن است. ملکم خان وسید در ۱۸۹۰ در لندن ملاقات کردند و در آنجا بود که سید مقالات چندی برای «قانون» نوشت و با ملکم خان شروع به همکاری کرد. \* ملکم خان که باید از نویسندگان انقلابی قبل از مشروطه بشمار رود، مردی با فرهنگ و به قول تاریخ نویس اروپایی ویلفرید بلانت «با آن چشمان بزرگ سیاه و بینی دراز و مغز و ذکاوت شرقی» یکی از روشنفکران معتبر قرن نوزدهم ایران بود. زندگی ملکم خان با حوادث مختلف همراه است. او در خانواده‌بی‌ارمنی در جلفای اصفهان به سال ۱۸۳۳ متولد شد. پدرش یعقوب خان در اصل ارمنی بود که بعدها اسلام آورد و در میان مسلمانان شهرت یافت. ملکم خان تحصیلاتش را در پاریس تمام کرد و مدتی در دربار شاه سمت مترجمی داشت. در سال ۱۸۷۲ به سمت سفیر ایران به لندن رفت و بعدها افکار «فراماسونری» را در ایران رواج داد. ملکم خان در مدت مأموریت خود در لندن بایکی از اتباع انگلیس برای برقراری کابینو ولاتاری در ایران وارد مذاکره

شد. این امر موجب خشم ناصرالدین شاه شد و با اختلافی که بین امین السلطان صدراعظم و ملک خان بوجود آمد «ملکم» از کاربر کنار گردید و از آن به بعد در انگلستان ساکن شد.

در ۲۰ فوریه ۱۸۹۰ ملک خان در لندن دست به انتشار روزنامه «قانون» زد و در اولین شماره آن به دربار ایران حمله برد و از رشوه خواری دولتیها و استبداد ناصرالدین شاه انتقاد کرد. مدتی نگذشت که «قانون» در اروپا و ایران به عنوان يك ارگان آزادیخواه و مشروطه طلب مشهور شد. ملک خان اغلب مطالب روزنامه خود را به لزوم ایجاد حکومت پارلمانی در ایران اختصاص می‌داد و از آزادی و انتخابات آزاد انگلستان که او را بسیار تحت تأثیر قرار داده بود سخن می‌گفت. در ضمن روزنامه‌نگاری خود در انگلستان، ملک خان به انتشار چند رساله و کتاب اجتماعی و سیاسی دست زد.

«رفیق وزیر»، «اصول تمدن» و «اداره» از جمله رسالات منتشره او بشمار می‌آید. \* علاقه ملک خان به توسعه فن چاپ به قدری بود که در مدت اقامتش در انگلستان به همت او حروف جدید چاپی به زبانهای فارسی و ترکی و عربی ریخته و تهیه شد و چاپخانه جدیدی زیر نظر او در لندن دایر گردید. برعکس سید، ملک خان سخنور توانایی نبود. قدرت او در نوشتن و روزنامه‌نگاری بود و از زمان و موقعیت برای ترویج افکار خود به نحو مطلوبی استفاده می‌کرد.

روزنامه «قانون» در تهران بین روشنفکران و آزادیخواهان پخش می‌گردید مدتی هم توسط یکی از همکاران او به نام هاشم آقاریع زاده، چاپ مخصوصی از آن در تهران منتشر می‌شد. \*\* ملک خان به سال ۱۹۰۸ در گذشت و روزنامه او که تا سال ۱۸۹۶ بطور مرتب منتشر می‌شد، در مبارزه علیه امتیاز تنباکو و توتون در زمان ناصرالدین شاه نقش مهمی داشت و تأثیر فراوان گذاشت. \*\*\*

## مطبوعات و انحصار تنباکو و توتون

بی تردید اولین مبارزه دسته جمعی مطبوعات ایرانی، موقع واگذاری انحصار تنباکو و توتون به یک شرکت انگلیسی آشکار شد. از جمله کارهایی که ناصرالدین شاه به صوابدید وزیران خود در اروپا انجام داد این بود که در سال ۱۸۹۰ انحصار تنباکو و توتون ایران را به قیمت خیلی نازل به یک شرکت انگلیسی فروخت. طبق این قرارداد کمپانی انگلیسی عمل کاشت و بهره برداری و فروش تنباکو را در ایران بدست می گرفت و بابت حق امتیاز سالانه پانزده هزار لیره انگلیسی به ناصرالدین شاه می پرداخت. هم چنین مطابق این قرارداد پس از کسر پنج درصد درآمد قرار بود یک چهارم درآمد به خزانه ایران پرداخت شود. ناصرالدین شاه این قرارداد را بی توجه به افکار عمومی و نظر روحانیان، در محیطی که مطبوعات در کنترل حکومت بود، عملی کرد. موقعی که دولت قرارداد را امضا کرد مطبوعات ملی که در خارج از ایران منتشر می شدند متن مذاکرات و اصول و شرایط آنرا به تفصیل چاپ کردند و به سختی به دولت حمله بردند. روزنامه اختر چاپ استانبول، مذاکرات و متن قرارداد را قبل از آنکه بطور رسمی از طرف دولت ایران اعلام شود چاپ کرد، و از اینکه دولت ایران امتیاز این رشته تولید را در مقابل سود مختصری به خارجیان داده است اظهار نگرانی نمود و آزادیخواهان و روحانیان ایران را به مبارزه با آن دعوت کرد. سید جمال الدین اسدآبادی در همین موقع نامه مفصلی به ناصرالدین شاه نوشت و در روزنامه های خارج، از مرد و افکار عمومی ایران دعوت کرد که در لغو این انحصار کوشش و

همت کنند. نامه سید جمال‌الدین به مجتهدان بانفوذ از جمله آیت‌الله حاج میرزا حسن شیرازی در آن روزنامه‌ها چاپ شد و روزنامه نویسان ایرانی که از حکومت ناصرالدین شاه ناراضی بودند مسأله انحصار تنباکورا دستاویز قرارداد مردم را علیه دربار شاه بسیج کردند.

در مبارزه علیه انحصار تنباکو و توتون، تبریز و شهرهای دیگر ایران نقش مهمی بازی کردند. علما و آزادیخواهان تلگرافهای متعدد به تهران فرستادند و درخواست کردند قرارداد لغو شود. در تبریز بخصوص این امر باعث شد که آزادیخواهان از انقلاب و نهضت آزادیخواهی صحبت کنند و مدتی نگذشت که برای اولین بار روزنامه‌های مخفی یا شبنامه در آذربایجان ظاهر شد و مردم را به شورش و انقلاب دعوت کرد. یکی از این شبنامه‌ها که به زبان ترکی در تبریز منتشر و بسیار معروف شد توسط شخصی به نام علی قلیخان چاپ می‌شد.\* بی‌شک مطبوعات ملی ایران، این امر تجارتنی و اعتراض مذهبی را با مبارزه دامن‌دار و خستگی ناپذیر خود به جنبش ملی مبدل ساختند. مورخان و نویسندگان تاریخ معاصر ایران معتقدند که تحریم دخانیات طلعه انقلاب مشروطه و بزرگترین عامل پیدایش آن تحول عظیم بوده است. مطبوعات در بسیج و مبارزه به قدری موفق شدند که آیت‌الله میرزا حسن شیرازی پیشوای شیعیان فتوای تحریم دخانیات را صادر کرد و علمای تهران و تبریز و اصفهان از مردم خواستند از استعمال تنباکو و توتون خودداری کنند. مغازه‌های تنباکو فروشی بسته شد و مردم چپق و قلیان خود را برای مدتی کنار گذاشتند. در نتیجه اعتصابات که در تهران و تبریز و اصفهان روی داد ناصرالدین شاه مجبور شد در عرض چهل و هشت ساعت قرارداد را لغو کند و امضای خود را پس بگیرد.\*

مبارزه لغو و اگذاری امتیاز تنباکو و توتون بایر و زوی ملت به پایان رسید

و در تاریخ تحولات سالهای بعد اثر بسیار مهمی به جا گذاشت. برای اولین بار مطبوعات خارج از کشور و هم چنین چندین روزنامه ملی داخلی خود را وارث این مبارزه شمردند و این موفقیت، اعتماد قابل ملاحظه‌ی به آنها داد. یکی از نتایج مبارزه این بود که پس از خاتمه مسأله تنباکو، تعداد روزنامه‌های ملی در خارج از کشور روبه فزونی گذاشت.

تعداد روزنامه‌های فارسی زبان که قبل از انقلاب مشروطه  
در خارج از ایران به چاپ می‌رسیده است

تعداد روزنامه‌ها	محل انتشار
۷	کلکته ( هندوستان )
۴	بمبئی ( هندوستان )
۳	قاهره ( مصر )
۲	قسطنطنیه ( استانبول - عثمانی )
۱	دهلی ( هندوستان )
۱	پاریس ( فرانسه )
۱	حیدرآباد ( هندوستان )
۱	لندن ( انگلستان )
۱	علیگر ( هندوستان )
۱	کراچی ( هندوستان )
۲۲	جمع

روزنامه‌های مهم تبعیدی خارج از ایران  
( ۱۸۷۵ - ۱۹۰۰ )

اسم روزنامه	سردبیر و ناشر	دوره انتشار	تاریخ تأسیس	محل انتشار
اختر	میرزا مهدی و محمد طاهر تبریزی	هفتگی	۱۸۷۵	قسطنطنیه
عروة الوثقی	سید جمال‌الدین اسدآبادی	هفتگی	۱۸۸۲	پاریس
( به زبان عربی و با محتوای اتحاد اسلام و جهان اسلام )				
قانون	میرزا ملکم خان	ماهانه	۱۸۹۰	لندن
شاهسون	میرزا عبدالرحمن طالب اف	ماهانه	۱۸۸۹	قسطنطنیه
حکمت	میرزا مهدی تبریزی	ماهانه	۱۸۹۲	قاهره
حبل‌المتین	سید جلال‌الدین کاشانی	هفتگی	۱۸۹۳	کلکته
ثریا	میرزا علی محمدخان وسید فرج‌اله کاشانی	هفتگی	۱۸۹۸	قاهره
پرورش	میرزا علی محمدخان کاشانی	هفتگی	۱۹۰۰	قاهره

در بین روزنامه‌های فارسی که در خارج و داخل کشور چاپ می‌شدند، «شاهسون» به مدیریت میرزا عبدالرحمن طالب اف چاپ استانبول، «حکمت» به مدیریت میرزاهدی تبریزی چاپ قاهره، «جبل‌المتین» به مدیریت سیدجلال‌الدین کاشانی چاپ کلکته. و «ثریا» به مدیریت میرزا علی محمدخان و سید فرج‌الله کاشانی چاپ قاهره که بعدها اسم خود را به روزنامه «پرورش» عوض کرد نقش مهمی داشتند.

در ربع آخر قرن نوزدهم مجموعاً در حدود بیست و دو روزنامه فارسی توسط آزادیخواهان و روشنفکران ایران در کشورهای مختلف از لندن گرفته تا قاهره به چاپ می‌رسید. هندوستان مرکز مهم چاپ این گونه جراید بود و روزنامه «جبل‌المتین» از جراید دیگر در داخل ایران نفوذ بیشتری داشت. این روزنامه هر هفته در بیست صفحه در کلکته منتشر می‌شد و هر شماره آن حاوی چندین مقاله سیاسی و اجتماعی بود و اغلب از اوضاع دلخراش ایران صحبت می‌کرد. نویسندگان ایرانی مخصوصاً مؤیدالاسلام «جبل‌المتین» از شرایط موجود در هندوستان استفاده کرده‌اند تا بهیچگونه دخالت روزنامه‌های خود را منتشر می‌ساختند. و از حکومت ایران انتقاد می‌کردند\*.

مطبوعات خارج از کشور در این دوره چندین خصوصیت عمومی داشتند: اول اینکه مندرجات آنها بیشتر جنبه اجتماعی و سیاسی و تفسیری داشت و کمتر به اخبار داخلی و خارجی و دولتی می‌پرداختند. دوم اینکه نویسندگان و ناشران همه آزادیخواه و مشروطه طلب و خواستار الغای حکومت استبدادی در ایران بودند در مرحله سوم، هم جراید این دوره و هم نویسندگان آنها بی‌نهایت تحت تأثیر سیستم اجتماعی و سیاسی اروپا قرار داشتند و نمونه اداری و مملکتی و حکومتی کشورهای اروپایی مخصوصاً انگلستان و بلژیک و فرانسه و سوئیس را برای ایران

تشویق می کردند . مهم تر از همه، مطبوعات این دوره با مطالب خود توانستند بین روحانیان ایران و روشنفکران ایرانی در اروپا و تحصیل کرده های خارجی در ایران پلی ایجاد کنند و گروه مذهبی و روحانی را تا حدودی به طرف خود جلب نمایند. میدان را برای مبارزات آینده آماده کنند . مطالب و مقالات مطبوعات این دوره منبع بسیار با ارزشی برای مطالعه رسوخ افکار و عقاید اروپایی در ایران و پیوستگی طبقات روحانی و تحصیل کرده و جوان کشور است. باید متذکر شد که نویسندگان و روزنامه نگاران این دوره با اینکه همه در بسط و انتشار آثار و افکار اروپایی در ایران هم آهنگ بودند ولی در اینکه ایران چگونه و تحت چه شرایطی از افکار و عقاید اروپایی استفاده کند اختلاف نظر داشتند. مثلاً روزنامه «عروة الوثقی» به مدیریت سید جمال الدین اسدآبادی طرفدار «اتحاد اسلام» بود و این امر را لازمه ترقی دول خاور میانه می شمرد، در حالیکه روزنامه های دیگر مثل «اختر» چاپ ترکیه به اروپایی شدن حکومت ایران و تأثیر حکومت مشروطه در ایران علاقه فراوان داشتند.\*

با کشته شدن ناصرالدین شاه در اول ماه مه ۱۸۹۶، حکومت پنجاه ساله این پادشاه خاتمه یافت و با تحولاتی که در این مدت در داخل و خارج ایران حاصل شد مطبوعات ایران فصل تازه ای آغاز کردند که با انقلاب مشروطه همراه بود .

## فصل هفتم

### ارتباطات اجتماعی در دوره اول انقلاب مشروطه

انقلاب مشروطه ایران نتیجه دو جنبش مهم ملی بود که در يك زمان و به موازات هم در ایران رسوخ پیدا کرد و به نهضت عظیم اوایل قرن بیستم و سقوط سلسله قاجار خاتمه یافت. جنبش اول روح استقلال طلبی و ملیت بود که در اواخر قرن نوزدهم بیدار شد و ریشه پیدا کرد. جنبش دوم مطالبه استقرار حکومت پارلمانی و مشورتنی بود که تا حد قابل توجهی از عقاید و افکار اروپایی سرچشمه گرفت و بالاخره به تغییر رژیم ایران منتهی شد. در پیوند این دو جنبش ملی که به پیروزی انقلابیون انجامید، مطبوعات مهمترین رکن تشکیلاتی و تبلیغاتی را تشکیل می داد تا آنجا که به جرأت می توان گفت مطبوعات و روزنامه نویسان، سلاح قاطع انقلاب مشروطه بودند و بی این سلاح، پیروزی انقلاب متصور نبود.

برای آنکه به اهمیت مطبوعات این دوره پی بریم باید خاطر نشان کرد مطبوعات ملی خارج از کشور که توسط آزادیخواهان و مشروطه طلبان منتشر می شد نه تنها منبع عقاید و مباحث سیاسی و اجتماعی برای مردم و آزادیخواهان داخل کشور بود بلکه مأخذ و منبع اصلی خبرهای داخلی و خارجی برای خوانندگان

پایتخت و شهرستانها بشمار می‌آمد.

از این جهت مطبوعات خارج از کشور را در این دوره مهمترین ذخیره ارتباطات اجتماعی در ایران باید بشمار آورد. مثلا اخبار مربوط به جنگ روسیه و ژاپن و فعالیت انقلابیون در روسیه از طریق مطبوعات فارسی خارج از کشور به ایران می‌رسید. با اینکه مطبوعات خارج از کشور از جنبه مالی در مضیقه بودند، این مشکل مانع انتشار آنها نمی‌شد و با کمک بازرگانان آزادیخواه ایرانی که مقیم اروپا و روسیه و هندوستان و ترکیه بودند، نویسندگان این روزنامه‌ها توانستند به انتشار روزنامه ادامه دهند و ایرانیهای مقیم خارج کاملا از آنها پشتیبانی می‌کردند. با وجود این مشکلات، مطبوعات خارج از کشور همیشه در رقابت با مطبوعات دولتی مزایای قابل توجهی داشتند. از جمله این مزایا یکی وسایل مدرن چاپ و کاغذ و مرکب بود که در هند و اروپا و سایر کشورهای همسایه به صرفه‌جویی هزینه‌زیبایی جراید ملی کمک می‌کرد. موقعیت و وسایل خبرگیری و خبرنویسی خارج از کشور عامل دیگری بود که نویسندگان ملی خارج از ایران را در موقعیت بهتری قرار داده بود. این عوامل باعث شد که در اواخر قرن نوزدهم تیراژ روزنامه‌های خارج از کشور بالا رود و تعداد و تیراژ روزنامه‌های داخلی که معمولا دولتی بودند تنزل پیدا کند. بطوری که در اواخر قرن نوزدهم و سالهای قبل از مشروطه در مقابل هر روزنامه دولتی داخل ایران، شش روزنامه ملی در خارج ایران منتشر می‌شد و به ایران ارسال می‌گردید.

## مقدمات اولین روزنامه روزانه

محمد حسن خان اعتماد السلطنه، کسی که امور مطبوعاتی و تبلیغاتی ناصرالدین شاه را برای سالهای متمادی عهده دار بود و مقام وزارت مطبوعات را داشت، یکسال قبل از کشته شدن ناصرالدین شاه درگذشت و با مرگ او امور مطبوعات دولتی بیش از پیش روبه تنزل گذاشت. در سال ۱۸۹۷ موقعی که مظفرالدین شاه به سلطنت رسید و امور مملکت را به عهده گرفت، تشکیلات مطبوعاتی و تبلیغاتی دولت تا حد تأسف آوری نامنظم بود و این وضع به تزلزل امور دولتی و اداری در تهران کمک می کرد.

روزنامه‌های دولتی از لحاظ موقعیت استراتژیک و حتی توزیع در وضع نامساعد قرار داشتند. مثلاً در حالی که روزنامه‌های چاپ هندوستان از طریق مرزهای شرقی و جنوبی به سرعت در استانهای جنوبی و مرکزی ایران پخش می شد و هم چنین روزنامه‌های چاپ اروپا و عثمانی به مناسبت وضع جغرافیایی به سهولت در استانهای شمالی و آذربایجان و تهران توزیع می گردید، روزنامه‌های دولتی که عموماً در تهران به چاپ می رسید به علت نبودن راههای مناسب و بی نظمی پست و غیره به دشواری در شهرستانها توزیع می شد و به این دلیل نمی توانست با روزنامه‌های ملی چاپ خارج رقابت کند. از طرفی چون روزنامه روزانه هنوز در تهران وجود نداشت با تأخیری که در ارسال روزنامه‌های هفتگی به شهرستانها بوجود می آمد، مندرجات و اخبار آنها بیش از پیش کهنه می شد و اغلب مورد استفاده خوانندگان قرار نمی گرفت.

تعدادی از روزنامه‌های ملی ایران که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در خارج از کشور چاپ و در ایران توزیع می‌شد

اسم روزنامه	مدیر و سردبیر	دوره انتشار	تاریخ تأسیس	محل چاپ
مدرس فارسی	خان بهادر و منشی و پسران	ماهانه	۱۸۸۳	کلکته
مفرح القلوب	میرزا محمد جعفر و محمد صادق	هفتگی	۱۸۸۵	کراچی
سید الاخبار	سید آقا شیرازی	هفتگی	۱۸۸۹	حیدرآباد
کوکب ناصری	میرزا مصطفی شیخ الاسلام	هفتگی	۱۸۹۱	بمبئی
التودد	شیخ ابو نظاره	ماهانه	۱۸۹۱	پاریس*
مفتاح الظفر	میرزا سید حسن کاشانی	هفتگی	۱۸۹۲	کلکته
آزاد	میرزا سید حسن کاشانی	هفتگی	۱۸۹۹	کلکته
ارشاد	میرزا محمد صادق خان ادیب الممالک	روزانه	۱۹۰۵	باکو**
خلافت	حاجی شیخ حسن تبریزی	دو هفتگی	۱۹۰۶	لندن
دعوة الاسلام	سید محمد علی اصفهانی (داعی الاسلام)	دو هفتگی	۱۹۰۶	بمبئی

در این شرایط بود که در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه، محمد باقر خان ادیب‌الملک که بعد به اعتماد السلطنه ملقب شد و مدتی سردبیری روزنامه دولتی «شرافت» را به عهده داشت به وزارت مطبوعات در تهران منصوب گردید و مسئول سامان دادن مطبوعات دولتی شد. \*

ادیب‌الملک احتیاج به انتشار يك روزنامه روزانه را در ایران دریافت و در ۳۱ اکتبر ۱۸۹۸ که مصادف با روز تولد مظفرالدین شاه بود اولین شماره روزنامه روزانه ایران را به نام «خلاصة الحوادث» تقدیم شاه کرد. این روزنامه با حروف معمولی در يك صفحه به اندازه نصف روزنامه‌های بزرگ معمولی امر و زی انتشار یافت و در اولین شماره آن به خوانندگان قول داده شد که روزنامه حاوی خلاصه اخبار ایران و خارج از کشور خواهد بود. انتشار «خلاصة الحوادث» به مدت پنجسال ادامه داشت و در ماه اوت ۱۹۰۳ آخرین شماره روزنامه در تهران منتشر شد. در این مدت «خلاصة الحوادث» تنها روزنامه یومیه ایران بود و تجزیه و تحلیل شماره‌های متعدد آن به خواننده ثابت می‌کند که این روزنامه در حقیقت باید سندی از نهیدستی و فقر روزنامه نگاری دولتی آن زمان باشد. اخبار چاپ شده این روزنامه اغلب نامنظم است و تمام مطالب در يك روی صفحه به طبع می‌رسد و هفته‌یی پنج شماره منتشر می‌شود. آگاهی‌های عمومی و بازرگانی آن تقریباً ناچیز است.

روزنامه «خلاصة الحوادث» تحت نظر وزارت مطبوعات چاپ می‌شد و در مقایسه با روزنامه‌های قبلی دولتی، اخبار تلگرافی روزنامه، مخصوصاً اخبار خارج کشور تا حدی تازه‌تر و بهتر بنظر می‌رسید. زیرا این روزنامه اولین جریده بود که منظم و بطور غیر مستقیم از اخبار تلگرافی خبر گزاریهای خارجی استفاده می‌کرد. معمولاً اخبار خارج از کشور توسط خبرگزاری رویتر از طریق اروپا به هند مخابره می‌شد و سفارت انگلستان در تهران اخبار را از طریق هندوستان کسب

می کرد و نسخه‌ی از آن مرتب به نظر شاه می رسید. وزارت مطبوعات از این نسخه برای تنظیم اخبار خارجی استفاده می کرد. در سال ۱۹۰۳ وقتی که وزارت مطبوعات از ادیب‌الملک به میرزا محمدخان ندیم‌السلطان منتقل شد، وزیر جدید مطبوعات روزنامه «خلاصه الحوادث»، و «ایران» روزنامه دیگر دولتی را که هر هفته سه بار در تهران منتشر می شد بست و به انتشار آنها خاتمه داد و روزنامه جدیدی به نام «ایران سلطانی» تأسیس کرد. که هر دو هفته یکبار منتشر می شد.

سبک روزنامه نگاری دولتی این زمان با سبک روزنامه نگاری واسط و حتی اوایل قرن نوزدهم در ایران چندان فرقی نکرده بود. جملات بلند و دنباله دار که در وصف خدمات شاه و درباریان و دولتیان نوشته می شد و همیشه همراه تعارفات اغراق آمیز بود نمونه خبر نویسی و مقاله نگاری این دسته از مطبوعات ایران بشمار می رفت .

### مطبوعات و مسائل ملی

پادشاهی مظفرالدین شاه نه تنها وضع حکومت را تغییر نداد بلکه در تنزل آن و افزایش بی نظمی، نقش مهمی ایفا کرد بطوری که وضع کشور هم از جنبه سیاسی و هم از جنبه اقتصادی روز به روز بیشتر صورت نامطلوب پیدامی کرد. مظفرالدین شاه مثل پدرش ناصرالدین شاه به اروپا سفر کرد و اغلب وقت خود را در سالهای اول سلطنت به مذاکره و معامله با دول اروپایی و روسیه گذراند و هر دفعه از آنها تقاضای وام می کرد. سفر اول او به اروپا باعث شد که ایران ۲۲ میلیون روبل از روسیه قرض بگیرد. قسمتی از این وام صرف پرداخت قرضهای قبلی خزانه داری کشور شد و پس از آنکه مخارج سفر شاه به اروپا از این پول تأمین گردید فقط شش

میلیون روبل برای خزانه باقی ماند. روسها مدتی بعد مبلغ ده میلیون روبل به ایران قرض دادند و مظفرالدین شاه با سفردوم خود را به اروپا بست. خرج سفر شاه در اروپا بسیار سنگین بود. مطابق يك سند، هزینه هتل شاه و خریدهای خصوصی او در اروپا روزانه به شش هزار فرانك یا ۲۴۰ لیره بالغ می گردید (۱).

مظفرالدین شاه از سه متخصص بلژیکی گمرک دعوت کرد به ایران بیایند و امور گمرکات را در تهران و شهرستانها به عهده بگیرند. مأموران بلژیکی برای مدتی در گمرکخانه های آذربایجان و کرمانشاه مشغول کار شدند. وضع نامطلوب داخلی، وام روسها، خزانه خالی کشور، واگذاری امور گمرک به بلژیکی ها، موجبات نارضایی بیشتر را در کشور فراهم آورد. مقالات روزنامه های خارج از کشور این دوره اغلب به این مسائل اختصاص داده شده است و سردبیران روزنامه ها صدراعظم آن زمان، علی اصغر خان اتابک امین السلطان را به باد انتقاد گرفته اند. اتابک در سال ۱۹۰۰ طی دستوری، ورود تمام روزنامه های فارسی چاپ خارج را به ایران ممنوع اعلام کرد. دستور او مخصوصاً برای جلوگیری از چندین روزنامه انقلابی آن زمان از جمله «جبل المتین» چاپ کلکته، «ثریا» چاپ مصر و «آزاد» چاپ کلکته بود. این سه روزنامه مقالات بسیار تندی علیه اتابک و حکومت وی می نوشتند و بطور مرتب مسائل مهم کشوری را مورد بحث قرار می دادند و مردم را علیه حکومت تحریک و به انقلاب تشویق می کردند.

از سال ۱۹۰۱ به بعد اعتراضات دامنه داری علیه دولت در تهران و شهرستانها آغاز گردید. نویسندگان ملی که در تهران و شهرهای دیگر بودند جزوهای متعددی در انتقاد دولت منتشر کرده مردم را به اعتراض و شورش فرا می خواندند. چاپ جزوات ماهانه و سالانه انقلابی از انتشارات مهم این دوره بشمار می رود. در اکتبر ۱۸۹۱ برای اولین بار روزنامه های دولتی به وجود انقلابیون و «خرابکاران» در

ایران اعتراف کردند و شرح اقدامات ضد دولتی به صورت خبر کوچکی در یکی از جراید دولتی چاپ شد و خبر توقیف گروهی نویسندگان و تبعید عده‌ی از آزادیخواهان به گوش مردم رسید.

در همین موقع یکی از روحانیان در تبریز فتوایی صادر کرد و از حاکم آذربایجان خواستار شد که متنخصص بلژیکی را از امور گمرکی آذربایجان برکنار سازد. \* وضع داخلی ایران روبه تشنج گذاشته بود. بطوری که روزنامه تایمز لندن در شماره ۳۱ اوت ۱۹۰۳ با اشاره به وضع ایران خاطر نشان کرد وضع داخلی ایران تیره و تار است و دولت پول و قوای نظامی لازم ندارد تا از تشنجات احتمالی و انقلابی جلوگیری کند. در پایان این سال نارضایتی عمومی در ایران چنان توسعه پیدا کرده بود که صدراعظم استعفا کرد و مظفرالدین شاه عبدالمجید میرزا عین‌الدوله را به صدارت برگزید. عین‌الدوله نوه فتحعلی شاه بود و صدارت او از تاریکترین ادوار تاریخ قبل از مشروطه ایران بشمار می‌آید. عین‌الدوله به مطبوعات و نویسندگان دشمنی فوق‌العاده نشان داد و حتی بی‌علاقگی او به مطبوعات دولتی نیز آشکار بود.

در اوایل صدارت او بود که هر دو روزنامه «خلاصه الحوادث» و «ایران» تعطیل شد. عین‌الدوله برای مدتی تمام روزنامه‌های رسمی و نیمه رسمی را توقیف کرد. دشمنی و بدگمانی او به نویسندگان آزادیخواه فصل مخصوصی در تاریخ انقلاب مشروطه ایران دارد. از جمله اقدامات ضد آزادی وی، تبعید و زندانی کردن گروهی از روزنامه‌نگاران ملی از جمله میرزا علی آقا شیرازی «لبیب‌الملک» مدیر «مظفری» چاپ بوشهر، مجدالاسلام کرمانی مدیر و نویسنده «ندای وطن» و «کشکول» چاپ تهران بود. \* اقدامات او بقدری سخت بود که برای مدتی تقریباً روزنامه خواندن در تهران جرم بشمار می‌رفت. عملیات عین‌الدوله عکس-

عمل شدیدی پدید آورد. از یکطرف زندانی شدن آزادیخواهان ریشه اعتراض افکار عمومی را تقویت کرد و از طرف دیگر توقیف مطبوعات ملی سبب شد روزنامه‌های زیرزمینی و مخفی که به نام «شبنامه» معروف شد در تهران و شهرستانها انتشار یابد. این شبنامه‌ها در سالهای بعد یکی از مهمترین سلاحهای تبلیغاتی انقلابیون و آزادیخواهان گردید و فعالیتهای مخفیانه همراه با تشکیل انجمنهای سری بالاخره حکومت عین الدوله را متزلزل ساخت و شبکه فعالیت انقلابیون را گسترش داد.

مندرجات مطبوعات ملی و انقلابی اوایل قرن بیستم ایران نه تنها متوجه فعالیتهای داخلی و انتقاد از امور داخلی حکومت بود بلکه قسمت مهمی از نوشته‌های این دوره به امور حاکمیت و استقلال ملی ایران اختصاص داشت و روزنامه نگاران این دوره علیه نفوذ خارجی و رقابت انگلیس و روس در ایران مبارزه می کردند. مندرجات روزنامه‌های ملی علیه دخالت انگلیسها در امور سیاسی و دخالت روسیه در امور اقتصادی باعث شد دولت روسیه برای مقابله با این اعتراضات و مبارزات ملی، روزنامه‌یی به نام «مجموعه ماوراء خزر» به زبان فارسی در عشق آباد چاپ و در ایالات شمالی ایران منتشر کند. این روزنامه مخصوصاً در زمان جنگ روسیه و ژاپن در سالهای ۱۹۰۴ و ۱۹۰۵ بسیار فعال بود و توسط کنسولگری روسیه در ایران پخش می شد. \*

### مطبوعات و توسعه افکار انقلابی

در حالی که جنبشهای ناسیونالیستی در اروپا در اوایل قرن نوزدهم پدید آمد و روابط بین‌المللی و مخصوصاً روابط کشورهای اروپایی را تغییر داد، نهضتهای ملی

آسیا تا اوایل قرن بیستم چندان مهم و فعال نبود. جنگ روسیه و ژاپن در سالهای ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۵ حس ملیت را بین کشورهای آسیایی قوت داد. پیروزی ژاپنی‌ها به عنوان يك قدرت آسیایی علیه روسیه که مملکتی اروپایی تلقی می‌شد، نهضت آزادیخواهی و روحیه ملی را در کشورهای آسیا از جمله ایران تقویت کرد و پیروزی ژاپنی‌ها به عنوان موفقیت نیروهای آسیایی علیه نفوذ استعماری اروپا تفسیر شد. در همین سالها نهضت انقلابی داخل روسیه این گونه افکار و جریانها را پشتیبانی کرد. عکس‌العمل پیروزی ژاپن و انقلاب داخلی روسیه نقش بسیار مهمی در توسعه افکار انقلابی در ایران داشت. روزنامه‌های ملی اخبار مربوط به این وقایع را با تفصیل و علاقه فراوان چاپ کردند و عده‌ی از انقلابیون و آزادیخواهان روسیه که از حکومت مطایقه تزاری فرار کرده از طریق قفقاز به شمال ایران آمده بودند روزنامه‌ها و جزوه‌های متعدد چاپ کردند و به جنبش ملی و مشروطه خواهی در ایران نیرو دادند.

گسترش آموزش جدید و عرضه کتاب در ایران و افزایش باسوادان و کسانی که در نتیجه توسعه فن چاپ و اصلاحات فرهنگی به امور ملی و بین‌المللی علاقه پیدا کرده بودند هسته جدیدی در تحولات اجتماعی و انقلابی ایران پدید آورده بود. تأسیس کتابخانه عمومی در ایران نقش مهمی در توسعه آگاهی داشت. تا سال ۱۸۹۸ کتابخانه عمومی به معنای امروزی که همه بتوانند از آن استفاده کنند در ایران وجود نداشت. در این سال میرزا محمد علی خان تربیت که یکی از آزادیخواهان تبریز بود کتابخانه تربیت را در شهر تبریز تأسیس کرد. \* چهار سال بعد این کتابخانه مرکز انتشار مجله علمی و هنری «کنجینه فنون» شد که میرزا محمد علی خان تربیت خودش سردبیری و مدیریت آنرا عهده‌دار بود و در محافل ادبی و علمی ایران بسیار خواننده داشت.

در سال ۱۹۰۴ کتابخانه ملی توسط انجمن معارف و با کمک عده‌ی از آزادی‌خواهان از جمله میرزا آقا اصفهانی، ملک‌المتکلمین، سید نصرالله تقوی، و میرزا محمدعلی خان ونصرت‌السلطنه در تهران تأسیس شد. این کتابخانه به زودی مرکز تجمع اصلاح‌طلبان تهران گردید.

یکی از ارکان انقلابی در ایران که شبکه‌ی نهضت مشروطه‌طلبی را پیش‌ریشه‌دار کرد و در ارتباطات اجتماعی عصر انقلاب مشروطه نقش مهمی داشت انجمن‌های سری بود. این انجمن‌ها در تاریخ مشروطه ایران فصل جداگانه و مخصوص دارد (۲). ولی از جنبه آمیزش انجمن‌ها با مطبوعات ملی و عوامل ارتباطات اجتماعی در ایران همین قدر باید یاد آوری کرد که انجمن‌ها در حقیقت مرکز تهیه مقالات انقلابی روزنامه‌ها و هم‌چنین مرکز مباحثه و تفسیر و تعبیر نوشته‌های مطبوعات ملی بشمار می‌رفت. انجمن‌های سری در اواخر قرن نوزدهم در تهران و شهرستانها بوجود آمدند و در اوایل قرن بیستم در اکثر شهرهای بزرگ ایران توسعه یافت و مرکز تجمع و فعالیت ملیون و آزادیخواهان گردید. دودسته مهم در تشکیل این انجمن‌ها نقش بسیار مهمی بازی کردند: روزنامه‌نگاران و روحانیان. و این قابل توجه است که مثلاً از ۵۴ نفر عضو اولین انجمن سری که در تهران تشکیل شد بیست نفر روزنامه‌نگار و بقیه روحانی و بازرگان بودند. (۳) حضور روزنامه‌نگاران از این جهت در انجمن‌های سری اهمیت داشت که علاوه بر آگاهی و دانشی که از اوضاع داخل و خارج کشور داشتند، روزنامه‌ها و جزوه‌های آنها وسیله ترویج و توسعه انجمن‌های سری بین مردم بود. نقش روحانیان در انجمن‌های سری البته بدعلت احترام و نفوذ قابل ملاحظه‌ی که بین بازاریان و مردم داشتند مهم بود. از طرفی روحانیان تاحدی از طریق مکاتب و مدارس مذهبی در آموزش و پرورش زمان خود اثر می‌بخشیدند، یکی از دستوره‌های مهم انجمن‌های سری این بود که هر روز یا هر هفته اعضای انجمن در

هرگز خود جمع شده روزنامه‌های ممنوعه داخل و خارج کشور را برای یکدیگر بخوانند و اوضاع و احوال مملکتی و فعالیت‌های خود را مورد بحث و ارزیابی قرار دهند. پیوند روزنامه‌ها و انجمنهای سری و ارتباطی که از این طریق حاصل شده بود اسلحه بسیار مهمی در تبلیغات انقلابیون و آزادیخواهان بود. علاوه بر تهران، روزنامه‌نگاران دوره انقلاب مشروطه در انجمنهای سری شهرستانها نقش مهمی بازی می‌کردند. در کرمان اولین انجمن سری به رهبری چند تن از روحانیان آن ناحیه و میرزا آقاخان کرمانی که از نویسندگان روزنامه «اختر» چاپ قسطنطنیه بود تشکیل شد.\*

در اصفهان رهبری انجمن سری را ملک‌المتکلمین و سید جمال‌الدین اصفهانی به عهده داشتند. در تبریز که به علت نزدیکی به روسیه افکار انقلابی بیش از سایر شهرستانها و حتی تهران رونق و رواج پیدا کرده بود روزنامه‌نگاران در انجمنهای سری این شهر، که می‌توان گفت فعالترین انجمن‌های سری ایران بود نقش عمده داشتند و سید حسین خان عدالت مدیر روزنامه «عدالت» و «الحدید» و میرزا محمد علی خان تربیت مدیر مجله «گنجینه فنون» عضو انجمن بودند.

همکاری و هماهنگی رهبران انقلابی و اصلاح طلبان و آزادیخواهان و روزنامه‌نگاران و کسانی که بطور کلی از وضع ایران ناراضی بودند و برای مبارزه علیه استبداد آماجی داشتند، محیط بسیار مساعدی برای شکفتن مطبوعات و روزنامه نگاری پدید آورده بود. در محافل روشنفکران و رهبران انقلابی تفکیک روزنامه نگاری و رهبری انقلاب بسختی امکان داشت. خصایص انقلابی و نویسندگی و آزادیخواهی درهمه دیده می‌شد. در این شرایط بود که وقتی کمیته انقلابی تهران در ۱۳ ربیع الاول ۱۳۲۳ (مه ۱۹۰۴) نقشه مبارزه و انقلاب را طرح کرد در سندی که نوشته شد و به اجرا درآمد مبارزه در راه آگاه کردن مردم تهران و شهرستانها

و پخش روزنامه و رساله‌های مخفی اصول اصلی این نوشته تاریخی را تشکیل می‌داد. طبق اصل دوازدهم این سند کسانی که به زبانهای خارجی آشنایی داشتند عهده‌دار ترجمه رساله‌ها و مقالات انقلابی و آگاه‌کننده شدند. اصول دهم و یازدهم این سند بنیاد مطبوعات و شبنامه‌های مخفی در تهران و شهرستانها گذاشت و از نویسندگان و انقلابیون خواست با روزنامه‌های ملی خارج از کشور تماس پیدا کنند و هم چنین از وضع نامطلوب ایران مقالاتی در روزنامه‌های خارجی چاپ نمایند و افکار خارجی‌ان و مخصوصاً اروپاییان را متوجه وضع ایران کنند.

نسخه‌های روزنامه‌های مخفی که به نام شبنامه در ایران معروف شد هنوز در کتابخانه‌های ملی و مجلس شورای ملی و چندین کتابخانه خصوصی ایران حفظ می‌شود و آثار دوره بسیار فعالی از روزنامه‌نگاری ملی و انقلابی ایران بشمار می‌آید. این گونه روزنامه‌ها که به قطع بسیار کوچک و بطور نامرتب در شهرهای مختلف توسط انقلابیون چاپ می‌شد معمولاً تاریخ انتشار و آدرس و محل چاپ با خود نداشت و فقط جهت بسیج عمومی و با انگیزه ملی انتشار می‌یافت. مندرجات این گونه شبنامه‌ها را معمولاً چندین مقاله که علیه حکومت نوشته می‌شد تشکیل می‌داد و اخبار فعالیت آزادیخواهان و انقلابیون در آن درج می‌گردید. بعضی از این شبنامه‌ها حتی روزانه منتشر می‌شدند ولی اغلب آنها تاریخ و دوره مخصوصی نداشتند و هر طور که نویسندگان صلاح می‌دیدند و با توجه به پیشرفتهای روزانه انتشار می‌یافت. مشکل بزرگ در نشر و چاپ این شبنامه‌ها نایابی کاغذ و مرکب و ماشین چاپ بود. مع الوصف شبنامه‌ها به سرعت بین مردم دست به دست می‌گشت و در صحبت‌های مردم اغلب به مندرجات آنها اشاره می‌گردید و در محافل معمولی و صحبت‌های روزانه و گزارش اخبار به آنها استناد می‌گردید. شبنامه‌هایی که بطور مرتب چاپ می‌شدند و عنوان مشخص داشتند عبارت بودند از «لسان الغیب» که در سالهای ۱۹۰۱ و ۱۹۰۲ توسط یکی از انجمنهای سری در تهران منتشر می‌شد و هم چنین «غیرت»

که توسط انجمن سری دیگری در همین سالها انتشار یافت و از جمله نویسندگان آن میرزا محمدعلی خان و شیخ عبدالعلی موبد و حاجی میرزا حسن رشیدی و شیخ یحیی کاشانی بودند\* ، و شبنامه «غیبی» که توسط ملك المتكلمين در اصفهان طبع شد و شبنامه «حمام جنیان» که در سالهای آخر سلطنت مظفرالدین شاه در تهران منتشر گردید و تمام آنها بین مردم اعتبار و وجهه بسیار داشتند .

در مرحله اول انقلاب مشروطه که به اعطای فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی خاتمه یافت دو نیروی مخالف علیه یکدیگر مبارزه می کردند و دشمنی این دو نیرو در تسعیر احساسات انقلابی در ایران تأثیر فراوان داشت. این دو نیرو مطبوعات و آزادیخواهان در یک جبهه و عین الدوله صدراعظم وقت در جبهه دیگر بودند. شك نیست که در نتیجه تندروی و خشونت عین الدوله علیه اصلاحات اجتماعی مطبوعات که از کان جنبش آزادی را تشکیل می داد از فرصت استفاده کرده جهت تظاهر ابتدایی و خام ضد دولتی را به نفع ملت و مملکت تغییر می داد. بی آنکه به تفصیل وقایع تاریخ مشروطه بپردازیم ، باید یاد آوری کرد تقاضاهای تظاهر کنندگان که از بهار ۱۹۰۵ در تهران شروع شد اغلب جنبه عمومی نداشت و مشروطه خواهی و استقرار حکومت پارلمانی، دستور تظاهرات اولیه انقلاب ایران را تشکیل نمی داد. اغلب این تظاهرات به علل و جهات کوچک و محدودی شروع می شد و هر گاه مطالبات تظاهر کنندگان تا حدی بر آورده می شد و به میانجیگری روحانیان این اختلافات بر طرف می گشت ، از مشروطه و مجلس دیگر صحبتی نبود و از احساسات ضد دولتی و طرفداری مشروطه کاسته می شد\*\* .

مثلا یکی از تظاهرات اولیه که در آوریل ۱۹۰۵ صورت گرفت تعصن عده بی در شاه عبدالعظیم بود که خواستار بر کناری رئیس بلژیکی گمرک بودند . چند ماه بعد به علت اقدامات دولت علیه عده بی از تجار و بازاریان که متهم به افزایش

قیمت شکر شده بودند، عده بیشتری به متحصنان شاه عبدالعظیم پیوستند و گروه بزرگی از علما و طلاب هم به آنها اضافه شدند. خواستهای این عده شامل هشت موضوع بود که بر کناری عین الدوله، بر کناری کارشناسان بلژیکی گمرک، و تشکیل مجلس و با عدالتخانه قسمت اصلی آنها را تشکیل می داد و تا این موقع به هیچوجه بین تظاهر کنندگان صحبت مشروطه و قانون اساسی نبود و وقتی که مظفرالدین شاه قول داد عدالتخانه بی افتتاح نماید و خواستهای متحصنان را تاحدی بر آورده کند، تجار و متحصنان از تظاهرات دست کشیده پراکنده شدند. در اینجا بود که مطبوعات و مشروطه خواهان آگاه نقش انقلابی خود را بازی کردند و از هر فرصت استفاده کرده علاقه به مشروطه و قانون اساسی و تشکیل مجلس شورای ملی را به تدریج بین مردم رواج دادند و این مطالبه را جزو قطعنامه تظاهرات کردند. به این جهت است که در تاریخ انقلاب مشروطه متحصنان شاه عبدالعظیم در ماههای اول به متحصنان و بعدها به عدالت خواهان و ملیون و سرانجام در اثر فعالیت مطبوعات و آزادیخواهان به مشروطه طلبان مشهور شدند.

در آغاز بهار سال ۱۹۰۶ که آشکار شد وعدههای اصلاحات مظفرالدین شاه به مردم جامه عمل نپوشیده است و نارضایی طبقات مختلف در نتیجه تشویق و تحریک مطبوعات و نویسندگان و گویندگان آزادیخواه و مشروطه طلب کاملاً زنده بیرون افتاد، تصمیمات آزادی شکن عین الدوله به بسیج عمومی و ضد دولتی کمک کرد و در شهرستانهای مختلف تظاهرات آزادیخواهان توسعه یافت و این بار خواست اصلی و عمومی مبارزان، اخذ قانون اساسی و مشروطیت بود. یکی از روزنامه نگارانی که بطور مرتب مقالات دامنهداری می نوشت و از علما خواستار می شد با مردم همکاری نمایند و از مظفرالدین شاه استقرار مجلس شورای ملی را تقاضا کنند، محمد رضا مساوات مدیر روزنامه «مساوات» بود. او به همراهی اشخاصی مثل ملک المتکلمین

طباطبایی و سایر رهبران آزادیخواه فکر و طرح اخذ مشروطه و قانون اساسی را برای افکار عمومی تشریح می کرد. در تابستان این سال هنگامی که عین الدوله آزادیخواهان را دستگیر و آتش تظاهرات عمومی را شعله ور کرد، افکار عمومی به کمک مطبوعات، هم از جنبه ملی و هم از جنبه روانی و فکری آماده مبارزه با استبداد شده بود. مطبوعات برای مدت دو سال مرتب به بسیج افکار عمومی کمک می کرد و در نتیجه فلسفه مبارزات ملی و انقلاب مشروطه بطور قابل توجهی بین مردم گسترش یافت. در مدت چند ماهی که تظاهرات خون آلود و خشمگین مردم در تهران و شهرستانها طول کشید و در تمام مدتی که انقلابیون در شاه عبدالعظیم و مسجد شاه و سفارت انگلیس متحصن بودند، روزنامه‌ها و شبنامه‌های مخفی رکن اصلی و وسیله مهم ارتباط اجتماعی انقلابیون و آزادیخواهان را تشکیل می داد. در نتیجه اتحاد و هم آهنگی مطبوعات، روحانیان و روشنفکران آزادیخواه، مبارزات مردم بالاخره به نتیجه رسید و به تاریخ ۶ اوت ۱۹۰۶ میلادی مظفرالدین شاه تن به خواستهای انقلابیون داد و فرمان مشروطه و دستور تشکیل اولین مجلس شورای ملی ایران و تنظیم قانون اساسی را صادر کرد.

### نمو مطبوعات در دوره اول انقلاب

دوره اول انقلاب مشروطه ایران که به تشکیل اولین مجلس شورای ملی و تأمین آزادی برای مطبوعات منتهی شد در تاریخ روزنامه نگاری و ارتباطات اجتماعی ایران فصل مخصوص دارد. نه تنها مطبوعات این دوره (۱۹۰۶ تا ۱۹۰۰) با مقایسه با مطبوعات اواخر قرن نوزدهم تفاوت کلی داشت بلکه روزنامه‌ها و روزنامه نگاران این چندسال ایران ریشه مطبوعات دلیر و انقلابی سالهای بعد و

دوره دوم انقلاب مشروطه (۱۹۱۱ تا ۱۹۰۶) را تشکیل دادند. برای اینکه به توسعه و نمو مطبوعات شش ساله اول قرن بیستم ایران پی ببریم تجزیه و تحلیل تطبیقی موضوع لازم بنظر می‌رسد.

بین سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۶ در حدود چهار روزنامه ملی و غیر دولتی - عموماً انقلابی و آزادی طلب - در تهران و شهرستانها تأسیس و منتشر شد. مشهد و همدان و بوشهر برای اولین بار در تاریخ ایران صاحب روزنامه شدند. از سال ۱۸۳۷ که اولین روزنامه در ایران منتشر شد تا ۱۹۰۶ که فرمان مشروطه توسط مظفرالدین شاه صادر شد بر رویهم ۸۳ روزنامه دولتی و ملی مختلف در پایتخت و شهرستانها منتشر شده بود که تقریباً نصف این تعداد محصول فعالیتهای انقلابی شش سال اول قرن بیستم در ایران است. همانطور که در جدول اول خواهد آمد، تبریز بزرگترین مرکز انتشار روزنامه‌های ملی این دوره بود و تهران در ردیف دوم قرار داشت. جدول دوم (مربوط به انتشار تعداد روزنامه‌ها در این شش سال) نشان می‌دهد که رشد و نمو مطبوعات با فعالیت‌های انقلابی و آزادیخواهی همراه و موازی بود. در حقیقت تعداد روزنامه‌های جدید بطور مرتب در این شش سال رو به افزایش گذاشت.

با فعالیت انقلابیون و آزادیخواهان، کانون مطبوعات ملی که سالها در خارج از کشور و در ممالک همسایه از جمله هندوستان و عثمانی بود به ایران منتقل شد و بطوری که در جدول سوم دیده می‌شود در شش سال اول قرن بیستم فقط ۹ روزنامه جدید مختلف ملی در خارج از کشور منتشر شد.

از پیدایش اولین روزنامه در ایران تا اعلام مشروطه رویهم رفته در حدود ۱۱۴ روزنامه ملی و دولتی در ایران و خارج از کشور منتشر شده بود. بجز يك روزنامه

یومیه «خلاصة الحوادث» که مدتی در تهران منتشر می شد، تمام مطبوعات ایران در این ۶۹ ساله هفتگی و ماهانه و چند نشریه سه روز در هفته بود. اندازه روزنامه های دوره انقلاب مانند روزنامه های قبل از مشروطه کوچک بود و مخصوصاً در دو سال قبل از مشروطه به علت کمبود کاغذ صفحات مطبوعات در هر شماره تغییر می کرد. مندرجات مطبوعات این دوره تمام سیاسی و انتقادی بود و کمتر مسائل تفریحی و فرهنگی و ادبی مطلق غیر سیاسی در آنها دیده می شد. از آگاهی خبری نبود و البته به علت علاقه و اشتیاق اهالی شهرستانها و تهران به وضع سیاسی، تیراژ روزنامه های ملی این دوره نسبت به سالهای قبل افزایش قابل توجهی پیدا کرده بود. اطلاع دقیقی از تیراژ روزنامه های این دوره در دست نیست، ولی به آسانی می توان حدس زد بعضی از روزنامه های ملی این دوره در حدود دو یا سه هزار نسخه به چاپ می رسیده است.

اثرات اجتماعی مطبوعات در این دوره از جنبه جامعه شناسی و روانشناسی اجتماعی بسیار مهم است و فصل مخصوص به خود دارد که به یقین دانشجویان و پژوهندگان ارتباطات اجتماعی مورد توجه قرار خواهند داد. فعالان ارتباطات اجتماعی این دوره که روزنامه نگاران و ناشران و گویندگان بودند حلقه های تشکیلاتی انقلاب مشروطه ایران را تشکیل دادند. روزنامه نگاران حرفه ای این دوره برای اولین بار به اهمیت و آگاهی افکار عمومی پی بردند و در حقیقت افکار عمومی این دوره پرورش یافته فعالیت های عناصر مختلف و از جمله مطبوعات بود. در این شش سال حیثیت و اعتبار روزنامه نگاران هم از جنبه سیاسی و هم از جنبه اجتماعی در ایران بالا رفت و سیمای روزنامه نگار و خبرنگار نویسنده از کارمندی و نوکری دولت به چهره مستقل اصلاح طلب و کوشنده علمی و سیاسی تبدیل گردید. پنهان نمایی که توسعه فرهنگ و افزایش مدارس در گسترش و استوار ساختن روزنامه نگاری

این دوره و مطبوعات انقلابی عامل بزرگی بشمار می‌رفت .  
برای اولین بار در تاریخ ایران ، مطبوعات بین مردم رکن اجتماعی مهم شناخته شد و با ترویج افکار آزادیخواهانه و اطلاعات جدید به صورت کلاسهای جدید انتقال دانش و آگاهی بین عامه درآمد و اقدامات حکمرانان قاجار و عوامل ضد مشروطه در سر کوب و خفه کردن مطبوعات بی نتیجه ماند و می‌توان گفت از سه عامل مهم انقلاب مشروطه، روحانیان، خطیبان سیاسی، روزنامه‌نگاران ، بهترین برداشت و سود اجتماعی عاید فعالان مطبوعاتی شد.

## تعدادی از روزنامه‌های ملی و انقلابی دوره اول مشروطیت

(۱۹۰۶ - ۱۹۰۰ میلادی)

اسم روزنامه	سردبیر و مدیر	دوره انتشار	تاریخ تأسیس	محل چاپ
طلوع	عبد الحمید خان متین السلطنه	غیر منظم	۱۹۰۰	بوشهر
کمال	میرزا حسین طیب زاده	هر دو هفته	۱۹۰۱	تبریز
ادب	میرزا محمد صادق خان ادیب الممالک	هفتگی	۱۹۰۰	مشهد
ادب	میرزا محمد صادق خان ادیب الممالک و مجد الاسلام کرمانی	هفتگی	۱۹۰۴	تهران
نوروز	ناظم الاسلام کرمانی	هفتگی	۱۹۰۲	تهران
اسلامیه	میرزا ابوالقاسم ضیاءالعلمای تبریزی	هفتگی	۱۹۰۶	تبریز
جریده ملی	میرزا علی اکبر خان (ارگان انجمن ملی تبریز)	هفته‌ی دو شماره	۱۹۰۶	تبریز
الجناب	میر سید علی جناب	هفتگی	۱۹۰۶	اصفهان
مکتب	حاجی میرزا حسن رشیدی	نامنظم	۱۹۰۶	تهران
امید	محصلان مدرسه لقمانیه	هفتگی	۱۹۰۶	تبریز

## جدول (۱)

تعداد روزنامه‌های ایران در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم

محل انتشار	روزنامه‌های منتشره بین ۱۸۳۷ - ۱۹۰۰ میلادی	روزنامه‌های منتشره بین ۱۹۰۰ - ۱۹۰۶ میلادی
تهران	۲۹	۱۶
قبریز	۹	۱۷
رضائیه	۳	-
شیراز	۱	-
اصفهان	۱	-
مشهد	-	۲
همدان	-	۱
بوشهر	-	۲
جمع	۴۳	۴۰

## جدول (۲)

تعداد روزنامه‌هایی که بین سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۶  
در ایران تأسیس و منتشر شد

تعداد روزنامه‌ها	سال تأسیس
۲	۱۹۰۰
۲	۱۹۰۱
۳	۱۹۰۲
۳	۱۹۰۳
۳	۱۹۰۴
۴	۱۹۰۵
۲۳	۱۹۰۶
۴۰	جمع

## جدول (۳)

تعداد روزنامه‌های خارج کشور در قرن نوزدهم و  
دوره اول انقلاب مشروطه در قرن بیستم

روزنامه‌های منتشره بین ۱۹۰۰ - ۱۹۰۶ میلادی	روزنامه‌های منتشره بین ۱۸۳۷ - ۱۹۰۰ میلادی	محل انتشار
-	۷	کلکته
۱	۴	بمبئی
۲	۳	قاهره
-	۲	قسطنطنیه
-	۱	دهلی
۱	۱	پاریس
-	۱	حیدرآباد
۲	۱	لندن
-	۱	علیگر (هندوستان)
-	۱	کراچی
۱	-	باکو
۱	-	اسکندریه
۱	-	عشق آباد
۹	۲۲	جمع

## منابع و ماخذ فصل هفتم

(1) Edward G. Browne *The Persian Revolution*, Cambridge University Press, 1910, P. 105.

(۲) تاریخ نویسان انقلاب مشروطه ایران از جمله احمد کسروی، مهدی ملک زاده و غیره درباره انجمنهای سری شرح مفصلی نوشته‌اند. یکی از رساله‌های بسیار جالب توجه راجع به این موضوع عبارتست از:

Ann K. S. Lambton, "Secret Societies and the Persian Revolution of 1905 - 06," *St. Anthony's Papers*, Number 4, Middle Eastern Affairs, Number One, Chatto & Windus, London, 1958.

(۳) «انقلاب مشروطیت ایران» تألیف مهدی ملک زاده (در ۷ جلد)، تهران، ۱۳۲۸-۳۱ شمسی. در این موضوع به جلد دوم، صفحه ۱۰ مراجعه شود.

## فصل هشتم

### ارتباطات اجتماعی در دوره دوم انقلاب مشروطه

نوسعه و رشد ارتباطات اجتماعی در دوره دوم انقلاب مشروطه که به مدت چهار سال (۱۹۰۶-۱۹۰۹) طول کشید یکی از پرهیجان ترین دوره های تاریخ سیاسی معاصر ایران است و در عین حال این دوره از آزادترین ادوار مطبوعات ایران بشمار می رود. روزنامه نگاران ایرانی طی این چهار سال اولین جنگ مطبوعاتی را با حکومت شروع کردند و به پایان رسانیدند. این مبارزه همراه با موفقیت انقلابیون اثراتی عمیق و ناپیداد در تاریخ روزنامه نگاری ایران گذاشت. از خصایص ارتباطات اجتماعی این دوره یکی آنست که به سختی می توان بین کوشندگان انقلابی، سیاسی و مطبوعاتی مرزی کشید و اقدامات و کارهای آنها را از هم تفکیک کرد. زیرا بین روزنامه نگار و شاعر و نویسنده و واعظ و سیاستمدار فرق فاحشی در این چهار سال وجود ندارد و این هماهنگی و اتحاد و تسلط به چندین کار، ارتباطات اجتماعی دوره دوم انقلاب مشروطه را مشخص می سازد.

اولین فرمان آزادی بیان يك ماه پس از اعطای سند مشروطیت از طرف مظفرالدین شاه در تهران منتشر شد. در این فرمان مظفرالدین شاه اعلام کرد نمایندگان

مجلس شورای ملی آزادی بیان خواهند داشت و توقیف و دستگیری آنها جز در مواقع جنائی که از طرف مجلس شورای ملی روشن خواهد شد ممنوع است . با تشکیل اولین دوره مجلس شورای ملی در تهران طرح قانون اساسی تنظیم شد و سانسور مطبوعات که تا آن زمان از طرف دولت متداول بود لغو و آزادی مطبوعات تأمین گردید . طبق موازین جدید از این پس هر ایرانی قادر بود امتیاز روزنامه تقاضا کند و در محیط آزاد به بیان عقاید خود بپردازد . تبریز اولین شهری بود که پس از فرمان مشروطه روزنامه ملی و آزاد علنی در آن منتشر شد . در اکتبر ۱۹۰۶ میرزا علی اکبر فرزند سید هاشم چرندابی معروف اولین روزنامه تازه را به نام «ملی» در تبریز منتشر کرد . این روزنامه که نامش یکسال بعد به «انجمن» تبدیل شد بطور روزانه از طرف انجمن ملی تبریز منتشر می گردید . در همین ایام آقا میرزا محسن ، داماد آیه الله بهبهانی در تهران ، برای انتشار گزارش کارهای مجلس شورای ملی تقاضای امتیاز روزنامه کرده بود . در امتیازی که دولت به نام میرزا محسن صادر کرد مخصوصاً نوشته شده بود که ناشر روزنامه بطور آزاد و بی سانسور می تواند خبر نگار و نویسنده انتخاب و روزنامه منتشر کند . در نوامبر ۱۹۰۶ سید محمد صادق طباطبایی ، روزنامه آقا میرزا محسن را به نام «مجلس» روزانه در هشت صفحه در تهران چاپ کرد . \*

روزنامه «مجلس» از چند جهت در تحولات مطبوعاتی این دوره مؤثر بود . اول اینکه انتشار آن سبب شد چند تن از نویسندگان و آزادیخواهان قبل از مشروطه دور هم جمع شوند و روزنامه را مرکز و محل وحدت عمل و همفکری قرار دهند . مثلاً در مدت پنج سالی که این روزنامه منتشر می شد مدیریت آنرا سید محمد صادق طباطبایی فرزند رهبر روحانی انقلاب مشروطه سید محمد طباطبایی ، و سردبیری و نویسندگی مقالات آنرا نخست ادیب الممالک فراهانی ناشر روزنامه

«ادب» و «ارشاد» وبعد، شیخ یحیی کاشانی نویسنده چیره دست «جبل‌المثین» به عهده داشتند.

دوم اینکه، با تأسیس اولین دوره مجلس شورای ملی، افکار عمومی در تهران و شهرستانها متوجه مذاکرات و مباحثات مجلس شد و روزنامه «مجلس» وسیله ارتباط بین نمایندگان و موکلان آنها بود. تنها افکار عمومی نبود که به مذاکرات مجلس علاقه داشت، نمایندگان نیز پس از آنکه به اهمیت انتشار افکار خود توسط روزنامه «مجلس» آگاهی پیدا کردند، روزنامه را وسیله خوبی برای بسیج مردم تشخیص دادند و از تریبون «مجلس شورای ملی» به نفع خود و موکلان خود جهت تبلیغ استفاده می کردند. مطابق مقرراتی که در ماههای اول مشروطه وضع شد، مذاکرات و مباحثات مجلس شورای ملی علنی اعلام گردید و نمایندگان مطبوعات و تماشاگران می توانستند با آزادی تمام آنچه در داخل مجلس می گذرد به خارج و به مردم گزارش دهند. تیراژ روزنامه «مجلس» به علت علاقه مردم به مجلس شورای ملی و به علت آزادی عمل نویسندگان آن تا ده هزار بالا رفت.

آیین نامه داخلی مجلس در مقررات مربوط به حضور خبرنگاران و تماشاگران در جلسات علنی مجلس شورای ملی، ضمناً تأکید کرد در صورت تشکیل جلسات خصوصی و سری از حضور مطبوعات و تماشاگر جلوگیری خواهد شد. مطابق ماده ۳۵ این آیین نامه در صورتی که جلسه خصوصی به درخواست رئیس مجلس شورای ملی تشکیل شود، رئیس حق دارد از تصمیمات و مذاکرات مجلس تا آنجا که صلاح بداند عامه را با خبر کند. ولی اگر جلسه خصوصی مجلس شورای ملی به درخواست یکی از وزرا تشکیل شود انتشار اخبار و مذاکرات جلسه به اجازه وزیر مربوط بستگی دارد.

## محمد علیشاه و مطبوعات

مظفرالدین شاه چند روز پس از امضای قانون اساسی که از طرف مجلس شورای ملی تدوین و تصویب شده بود در گذشت و پسر او محمد علیشاه در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۰۷ به سلطنت رسید. از آغاز سلطنت خود، محمد علیشاه به مجلس شورای ملی و مطبوعات کمتر علاقه نشان داد و در مدت حکومت خود سه بار سعی کرد قانون اساسی و مشروطیت ایران را از میان ببرد. اولین نشانه دشمنی او با مجلس و مطبوعات موقعی آشکار شد که در تاجگذاری خود اعضای هیچکدام از این دو رکن اساسی حکومت مشروطه را دعوت نکرد. هنگامی که نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی مشغول طرح متمم قانون اساسی و تکمیل آن بودند، روزنامه نگاران و آزادیخواهان سعی می کردند آزادی مطبوعات و حق بیان و اجتماع به صراحت کامل در قانون اساسی ایران گنجانده شود. بنابراین در اکتبر ۱۹۰۷ که قانون اساسی و متمم آن به تصویب مجلس رسید، مواد بیستم و بیست و یکم متمم، آزادی مطبوعات و اجتماعات را تأمین و تضمین کرد. فصول دیگر این سند تاریخی که بسیار به قوانین اساسی انگلیس و بلژیک شباهت دارد حقوق مدنی را برای ایرانیها تأمین کرد. جالب توجه این بود که مخصوصاً در قوانین مصوبه ذکر شد دولت نمی تواند نوشته ها و گفتارهای عمومی را از طریق مطبوعات و پست و تلگراف سانسور کند. از جمله فصول قابل ملاحظه قانون اساسی و متمم آن که با ارتباطات اجتماعی آن دوره مربوط بود تشویق آموزش و پرورش برای ایرانیان و حضور هیأت منصفه برای محاکمه مطبوعاتی بود.

در نتیجه این حمایت های قانونی، مطبوعات در سالهای اول مشروطه به سرعت

توسعه یافت. بطوری که در سال ۱۹۰۷، یکسال پس از اعلام مشروطه، در حدود ۹۰ روزنامه در تهران و شهرستانها منتشر می شد که در بین آنها چندین روزنامه وجود داشت. از روزنامه های روزانه این دوره (علاوه بر «انجمن» چاپ تبریز و «مجلس» چاپ تهران) «ندای وطن» بود که توسط مجدالاسلام کرمانی در تهران منتشر می شد. این شخص یکی از روزنامه نگاران فعال این دوره بشمار می رفت و سالهای بعد روزنامه های «کشکول» و «محا کلمات» را منتشر کرد. روزنامه روزانه دیگر «صبح صادق» بود که به مدیریت مرتضی قلی خان مؤید الممالک در تهران منتشر می شد و اغلب مطالب آن به امور اقتصادی و خبرهای خارجه و اطلاعات مفید و مورد نیاز اختصاص داشت. تیراژ این روزنامه در تهران قابل ملاحظه بود. همچنین مرتضی قلی خان روزنامه دیگری به نام «پلیس ایران» داشت که سید جواد تبریزی آنرا در تهران منتشر می کرد و وابسته به حزب اعتدالیون و طرفدار اکثریت در مجلس شورای ملی بود.

یکی از نتایج برقراری مشروطه بازگشت نویسندگان و روزنامه نگاران مهاجر بود. از روزنامه های تبعیدی که این زمان در تهران به انتشار خود ادامه داد «جبل المتین» چاپ هند بود. «جبل المتین» از سال ۱۹۰۷ روزانه در تهران منتشر می شد. این روزنامه به علت مقالات بسیار مؤثری که توسط شیخ یحیی کاشانی در آن نوشته می شد و به علت اخبار کامل داخلی و خارجی که با تجزیه و تحلیل سیاست خارجی ایران همراه بود، مهم ترین روزنامه روزانه این دوره بشمار می رود. \*

در بین روزنامه های انقلابی و آزادیخواه هفتگی این دوره نام «صو داسرافیل» جای مخصوصی در تاریخ مطبوعات ایران دارد. سه متجدد انقلابی و آزادیخواه، میرزا قاسم خان تبریزی، میرزا جهانگیر خان شیرازی و میرزا علی اکبر خان قزوینی (دهخدا) این روزنامه را در تهران منتشر می کردند. مطبوعات این دوره نه تنها از جنبه

سیاسی که از جنبه ادبی نیز منبع مهمی در تمدن اوایل قرن بیستم ایران بود. روزنامه «صوراسرافیل» به حقیقت ستاره این آمیزش مطبوعاتی و ادبی و سیاسی بود. در صفحات این روزنامه بود که احساسات و مباحثات انقلابیون به طرز درخشانی جلوه گری کرد. نوشته‌های میرزا جهانگیر خان و مخصوصاً مقالات میرزا علی اکبر خان دهخدا که زیر عنوان «چرند و پرند» نوشته می‌شد، «صوراسرافیل» را در میان ادباء سیاستمداران و روشنفکران بسیار مشهور ساخت. بطوری که مقالات این روزنامه به محض انتشار بین مردم دست به دست می‌شد و بی نهایت مورد ستایش و تقدیر افکار عمومی قرار می‌گرفت.

میرزا جهانگیر خان از سردبیران و نویسندگان بسیار شجاع و بی نظیر این دوره است. اختلافات او با طبقه روحانی، مقالات و اسم‌وی را بیش از پیش زبانه زد مردم کرد. فلسفه سیاسی نوشته‌های او درباره انحطاط ممالک اسلامی و بی توجهی علما، نه تنها گروه روحانیان قدیمی را علیه او برانگیخت بلکه سبب شد «صوراسرافیل» به مدت دو ماه از طرف دولت محمدعلیشاه توقیف شود.

## تعدادی از روزنامه‌های مهم ملی

که پس از اعلام مشروطه

در تهران منتشر می‌شدند

اسم روزنامه	ناشر و سردبیر	دوره انتشار	تاریخ تأسیس
مجلس	آقامیرزا محسن و سید محمد صادق طباطبائی - شیخ یحیی کاشانی	روزانه	۲۵ نوامبر ۱۹۰۶
ندای وطن	مجدالاسلام کرمانی	روزانه	۲۷ دسامبر ۱۹۰۶
تمدن	مدبر الممالک هرندی	هفتگی	۱ فوریه ۱۹۰۷
صبح صادق	مرتضی قلی خان موید الممالک	روزانه	۷ آوریل ۱۹۰۷
جبل‌المتین	سید حسن کاشانی - شیخ یحیی کاشانی	روزانه	۲۹ آوریل ۱۹۰۷
صویر اسرافیل	میرزا جهانگیر خان شیرازی - علی اکبر دهخدا	هفتگی	۳۰ مه ۱۹۰۷
روح القدس	سلطان‌العلماء خراسانی	هفتگی	۷ اوت ۱۹۰۷
مساوات	محمد رضا مساوات	هفتگی	۱۳ اکتبر ۱۹۰۷

مقالات جهانگیر خان در «صوراسرافیل» آتش دشمنی محمدعلیشاه را با مطبوعات  
بیش از پیش شعله‌ور ساخت و بالاخره به مرگ این روزنامه‌نگار جوان منتهی شد.  
«صوراسرافیل» یکسال بطور هفتگی در تهران منتشر شد و این یکسال در سبک  
مطبوعات و ادبیات انقلابی این دوره تأثیر فراوانی داشت. نویسنده ثابت ستون ادبیات  
سیاسی این روزنامه میرزا علی اکبر دهخدا بود که در سن بیست و هشت سالگی از  
معروفترین روزنامه‌نگاران انقلاب مشروطه ایران شد. مقالات دهخدا تحت عنوان  
«چرندوپرند» و به امضای «دخو» نمونه ادبیات ساده این دوره است. دخودر «چرندوپرند»  
از اوضاع سیاسی ایران و اقدامات مستبدانه محمدعلیشاه انتقاد می‌کرد و با طرز  
بسیار پسندیده و مطلوب ناله‌ها و شکوه‌های عامه مردم را به گوش روشنفکران و طبقه  
حاکمه و اشراف آن دوره می‌رساند. در تاریخ مطبوعات فکاهی سیاسی ایران «صوراسرافیل»  
و مخصوصاً مقالات چرندوپرند باید پیشقدم و پیش‌آهنگ این روش ذکر شود. مثلاً  
شعر زیر تحت عنوان «رؤسا و ملت» درستون چرندوپرند، سادگی بیان و در عین حال  
نازکی کار شاعر را نشان می‌دهد:

(رؤسا و ملت)

از «صوراسرافیل» - ۲۷ فوریه ۱۹۰۸

بخواب نه‌نه: یکسر دو گوش آمده

گسربه می‌آد بسزبزی راهی بره

خاک بسرم! بچه بهوش آمده

گریه نکن: لولو می‌آدمینخوره

بتره کی! این همه خوردی : کمه؟	اهه! اهه! آخر چته؟ گشنمه
لاای جونم گلم باشی کیش کیش!	چخ چخ سگه! نازی پیشی پیش پیش!
گریه نکن! فردا بهت نون میدم	از گشنگی نه نه دارم جون میدم
گریه نکن! دیزی داره سر میره	ای وای نه نه! جونم داره در میره
تف تف جونم به بین مه مه اخ شده	دستم آخش! به بن چطورینخ شده
توی سرت شی پیشه چا می کنه	سرم چرا آنقده چرخ می زنه؟
وای خاله! چشماش چرا افتاد بطاق	خخ خخ... جونم چت شد؟ هاق هاق
رنگش چرا (خاک ب سرم) زرد شده	آخ تنشم بیا به بین سرد شده
مانده بمن آه واسف رود رود!!	وای بچهام رفت ز کف رود رود

صفحات «صو راسرافیل» در حقیقت مزاحل اولیه زندگی ادبی و سیاسی علی اکبر خان قزوینی (دهخدا) بود. در سالهای بعد از مشروطیت، تحقیقات دهخدا در ادبیات و فرهنگ ایران توسعه پیدا کرد و در نیم قرن بعد از انقلاب تألیفات او شامل پانزده کتاب تحقیقی و از جمله اثر مهم او «لغت نامه دهخدا» بود که نام او را در مقام بزرگترین لغت دان و لغت شناس قرن بیستم ایران ثبت کرد.

روزنامه هفتگی «روح القدس» نشریه دیگری بود که در بین انقلابیون و آزادیخواهان سروصدای بسیار به پا کرد و مقالات تند و آتشین ناشر آن، سلطان العلمای خراسانی، محمدعلیشاه و درباریان را بسیار عصبانی و ناراحت ساخت. از این روزنامه مجموعاً بیست و شش شماره منتشر شد. عمر کوتاه این نشریه از تأثیر آن در افکار عمومی چیزی نکاست بلکه می توان گفت «روح القدس» تندترین و انقلابی ترین نشریه سال ۱۹۰۷ در تهران بود. در سال ۱۹۰۸ محمدعلیشاه دست به کودتازد و مجلس را بمباران کرد، سلطان العلمای خراسانی را مأموران شاه دستگیر و زندانی

کردند و پس از مدت کوتاهی کشته شد. زندانی و کشته شدن این روزنامه‌نگار یکی از وقایع پرسروصدای دوره دوم انقلاب مشروطه ایران بود.

برای فرمانروایان سلسله قاجار که بیش از يك قرن با استبداد و سلطنت فردی بر ایران حکومت داشتند، قبول حکومت پارلمانی و مشورتی که نتیجه انقلاب مشروطه بود غیر ممکن بنظر می‌رسید و نمی‌توانستند به آن عادت کنند. محمدعلیشاه نمونه این طرز اندیشه بود. در عین حال آزادیخواهان و مطبوعات ملی با حدت و هیجان بی‌مانند از آزادی بدست آمده نگهبانی می‌کردند. از آغاز سلطنت محمدعلیشاه آشکار بود بالاخره مطبوعات و دربار با هم اصطکاک پیدا می‌کنند و جنگ میان آنها اجتناب‌ناپذیر است.

هنگامی که محمدعلیشاه محرمانه قرارداد وام چهارصد هزار لیره‌یی را با انگلیسها و روسها امضا کرد، مطبوعات آگاهی پیدا کردند و با کمک نمایندگان مجلس شورای ملی عمل‌شاه را به سختی مورد انتقاد قرار دادند.

برای اولین بار در تاریخ ایران عملیات شاه تحت کنترل و نظارت ملت قرار گرفته بود. در پی تبلیغات شدیدی که در مطبوعات علیه عملیات محمدعلیشاه می‌شد نمایندگان مجلس تصمیم گرفتند بودجه دربار و بعضی از ادارات دولتی را به صلاح مملکت کنترل کنند و کاهش دهند.

محمدعلیشاه که از این مبارزات خسته شده بود تصمیم گرفت از امین‌السلطان معروف به اتابک اعظم دعوت کند تا سر رشته امور را به دست گیرد و به وضع آشفته موجود سر و صورتی بدهد. اتابک اعظم که مسئول مذاکرات و امهای خارجی زمان مظفرالدین‌شاه بود و به علت مخالفت با آزادیخواهان و مشروطه‌طلبان مدتی در تبعید به سر می‌برد به تهران بازگشت و با محمدعلیشاه جبهه جدیدی علیه مجلس و

مطبوعات تشکیل داد. بانخست وزیرى اتابك اعظم روابط شاه و مليون بدتر شد. از طرفى روسها كه بطور كلى با حكومت مشروطه ايران چندان ميانۀ خوبى نداشتند، شروع به دخالت در وضع داخلى ايران كردند و از طرفى قواى عثمانى از طرفى مرزهاى شمال غربى وارد ايران شد و تا حدود شهر رضايه پيش آمد. ولى نخست وزيرى اتابك اعظم زياد دراز نبود و پس از چند ماه، توسط يكى از مليون به نام عباس آقا تبريزى ترور و كشته شد.

با كشته شدن اتابك اعظم دوره پر آشوب و نا به سامانى در وضع سياسى ايران پديد آمد. محمدعليشاه ناصر الملك را كه از دوستانان حكومت قاجار و طرفدار سلطنت محمدعليشاه بود به تشكيل كابينه دعوت كرد. در همين موقع قرارداد معروف انگليس و روس در سن پترزبورگ به امضاء رسيد. اين قرار داد كه مربوط به سه كشور آسيايى تبت، افغانستان و ايران بود، مرزهاى نفوذ روسيه و انگلستان را در آسيا تعيين مى كرد و براى جلوگيرى از نفوذ آلمانها در آسيا قرار شده بود قسمت شمالى ايران تحت نفوذ و تسلط روسيه و قسمت جنوبى تحت نفوذ انگلستان و قسمت مركزى بى طرف اعلام شود. با اينكه قرارداد در ظاهر استقلال و حاكميت ايران را تأمين مى كرد، مقامات دولتى ايران در تنظيم و امضاي آن شركت نداشتند.

مطبوعات و مجلس شوراي مى از چنين قرار دادى كه محمدعليشاه آنرا با سكوت تلقى مى كرد، عصبانى شدند و دولت را به سختى مورد انتقاد قرار دادند. مندرجات جرايد و جزوه هاى سياسى و انقلابى اين دوره با سياست خارجى محمدعليشاه و دخالت روسها و انگليس ها در امور ايران كه مسأله مهم روز را تشكيل مى داد رابطه پيدا كرد.

احساسات ضد خارجى در تهران و شهرستانها به شدت توسعه يافته بود؛ و تنها

وسيلهٔ ملیون و مشروطه خواهان در مبارزه با این قرارداد، مطبوعات بود. این حوادث باعث شد روزنامه نگاران بیش از پیش جرأت پیدا کنند و مستقیم به محمد علی شاه حمله برند و جنگ سیاسی و قلمی را مستقیم متوجه درباریان کنند. مبارزات ضد خارجی سالهای ۱۹۰۷ در ایران اولین مبارزهٔ علنی افکار عمومی بود که در آن دو رکن مهم حکومت مشروطه، یعنی مجلس شورای ملی و مطبوعات توانستند دست به هم داده تظاهرات ملی را به سراسر ایران گسترش دهند. مقالات روزنامه‌های «حبل المتین»، «روح القدس» و «مساوات» به قدری شدید و مؤثر بود که به دستور محمد علی شاه برای اولین بار روزنامه «روح القدس» توقیف شد.\*

توقیف این روزنامه مذاکرات و مباحثات مجلس شورای ملی را برای چند هفته دربر گرفت و به این طریق مطبوعات و مجلس جبههٔ واحدی علیه محمد علی شاه تشکیل دادند. ملیون و مشروطه طلبان این اولین توقیف مطبوعات را پس از اعلام مشروطیت علامت خطر و ناامنی تلقی کردند.

تعداد قابل توجهی از نمایندگان مجلس شورای ملی از روزنامهٔ «روح القدس» پشتیبانی کردند و آزادی و رفع توقیف آنرا خواستار شدند. طرفداران محمد علی شاه و درباریان به همراهی عده‌ی از روحانیان از مندرجات تند «روح القدس» انتقاد کردند و مدعی شدند که مدیر این روزنامه از آزادی مطبوعات سوء استفاده کرده است و باید محاکمه شود. جالب توجه این بود که تا آن موقع اصول و مقرراتی که روزنامه نگاران را از انتقاد دربار و شاه منع کند، در قانون اساسی وجود نداشت و هر روزنامه نگار و روزنامه می توانست در حدود اصول قانون اساسی، شاه و تمام اعضای دولت را مورد انتقاد قرار دهد. بالاخره در اثر میانجیگری رئیس مجلس شورای ملی دستور رفع توقیف «روح القدس» صادر شد.

مدتی بعد محمد رضا مساوات مدیر روزنامهٔ «مساوات» مقاله‌ی تحت عنوان

آزادی و استبداد چاپ کرد و از روش محمدعلیشاه علیه مطبوعات و قانون اساسی انتقاد نمود. مساوات در مقاله خود خواستار رفورم و اصلاحات شد و به همکاران خود و افکار عمومی از استبداد و دیکتاتوری محمدعلیشاه هشدار داد. مقالات «مساوات» مانند مقالات «روح القدس» به قدری مورد استقبال افکار عمومی بود که هر دفعه به تجدید چاپ شماره‌های روزنامه می‌انجامید. مساوات روزنامه‌نگار انقلابی و تندری بود که در اوایل کار خود و پیش از مشروطه در انتشار روزنامه‌های زیرزمینی و شبنامه‌های مختلف نقش مهمی داشت. در سال ۱۹۰۵ به علت انتقاد از حکومت مظفرالدین شاه دستگیر و تبعید شد. مقالات «مساوات» علیه محمدعلیشاه به قدری شاه را عصبانی کرد که شخصاً از وزارت دادگستری تقاضای رسیدگی و محاکمه نمود و ادعا کرد مساوات به حریم حیثیت شاه اسائه ادب کرده است. محاکمه مساوات در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران جای بسیار مهمی داشت زیرا نتیجه این محاکمه اصول روابط شاه و مطبوعات را برای آینده روشن می‌کرد.

مساوات و همکاران مطبوعاتی او خیلی علاقه داشتند این محاکمه علنی و با حضور مردم تشکیل شود و مطمئن بودند که نتیجه این محاکمه به نفع ملت و مطبوعات خواهد بود و در عین حال با آوردن شاه در این جدال منظور انقلابیون در میان مردم بهتر پخش شده جنبه تبلیغاتی آن به نفع ملیون خواهد بود. محمدعلیشاه و دولتیان از نتیجه محاکمه مطمئن نبودند، يك روز قبل از اینکه جلسه محاکمه مساوات تشکیل شود به دستور محمدعلیشاه دولت شکایت را پس گرفت و تصمیم گرفت اختلاف شاه و مطبوعات را به سکوت و فراموشی بر گزار کند، این تصمیم در تاریخ مطبوعات ایران بسیار مهم بود. \*

همراه با انتقادات «مساوات» و «روح القدس» روزنامه‌های دیگر از جمله

«جبل‌المتین» و «صوراسرافیل» نیز از روش‌های عملیات درباریان انتقاد می‌کردند و افکار عمومی را به «مبارزه با استبداد تا آخرین قطره خون خود» فرامی‌خواندند. دامنه اختلاف شاه و مطبوعات حتی به جامعه روحانیان کشیده شد و بین آنها عده‌ی از محمدعلیشاه و برخی از آزادیخواهان و روزنامه‌نگاران انقلابی طرفداری می‌کردند. مخالفت بعضی از روحانیان با مبارزه مطبوعات علیه محمدعلیشاه ریشه جالب توجهی داشت. در مرحله اول با استقرار مشروطه و نمو مطبوعات ملی نفوذ روحانیان تا حدی کاهش یافته بود و دیگر آن مقام مهم اصلی را که در قرن نوزدهم دارا بودند - در دوره سلطنت ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه - نداشتند. و این وضع ناراضی طبیعی برای عده‌ی از روحانیان ایجاد کرده بود. در مرحله دوم نویسندگان و روزنامه‌نگاران ملی و روشنفکر و جوان پس از مشروطه نه تنها از حکومت پارلمانی و مشورتی صحبت می‌کردند بلکه عقیده داشتند مشروطه، بی‌اصلاحات اداری و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی مستقر نخواهد شد و روشهای جدید اصلاحات را که در خارج تحصیل کرده بودند، در ایران رواج می‌دادند. مثلاً عده‌ی از روزنامه‌نگاران و روشنفکران فکر تأسیس مدارس دخترانه را رواج دادند و از اصلاحات ارضی و مالیاتی و دولتی سخن می‌گفتند. عده‌ی از روحانیان که سالها با دربار و مالکان همکاری کرده بودند منافع خود را در خطر می‌دیدند و عده‌ی از روی اصول قدیمی و سنتی با ترویج این گونه افکار موافقت نمی‌کردند. در سال ۱۹۰۷ این اختلافات با انتشار نامه و دستور شیخ فضل‌الله نوری که در جرگه روحانیان هوادار استبداد بود و با تأسیس مدارس دخترانه مخالفت می‌ورزید، آشکار شد.

## اولین قانون مطبوعات

در پاییز ۱۹۰۷ وضع داخلی ایران مرتب به سوی تزلزل و پریشانی می‌رفت. باینکه محمدعلیشاه چندین بار در مجلس شورای ملی حاضر شد و قسم یاد کرد که از قانون اساسی پیروی و مشروطه را حفظ کند، در پشت پرده نقشه‌نابودی و برهم‌زدن مشروطه را می‌کشید. در اوایل زمستان این سال محمدعلیشاه يك حادثه ضدانقلابی تهیه دید ولی مردم به حمایت مجلس وارد عمل شدند. مجلس شورای ملی به سفارتخانه‌های خارجی نامه‌یی نوشت و محمدعلیشاه را پیمان‌شکن و مصمم به ساقط کردن مجلس و مشروطیت اعلام کرد. از این تاریخ به بعد در مجلس و خارج طرفداران محمدعلیشاه و مشروطه خواهان علیه یکدیگر جبهه بندی کردند. چندین ماه بعد هنگام عبور کالسکه محمدعلیشاه در خیابانهای تهران دو بمب در کنار کالسکه منفجر شد و دو تن از خدمه شاه کشته شدند و در پی این حادثه مسائل دیگری از جمله ترمیم و تغییر کابینه به میان آمد و دشمنی آزادیخواهان و مخالفان مشروطه شدت یافت. مشروطه خواهان اعلام کردند این حادثه از طرف درباریان از پیش تنظیم شده است و می‌خواسته‌اند وضع نامطلوبی در تهران ایجاد کنند و دامی برای آزادیخواهان بگسترانند. درباریان و مخالفان مشروطه، آزادیخواهان را متهم ساختند که با کمک مطبوعات و نمایندگان مجلس تصمیم به برکناری محمدعلیشاه دارند.

در بهار ۱۹۰۸ اختلاف محمدعلیشاه با مطبوعات و مشروطه خواهان به قدری بالا گرفت که شاه تصویب قانون مخصوصی را از مجلس شورای ملی خواست تا مخالفت مطبوعات را علیه خود مهار کند و مجلس شورای ملی نیز از محمدعلیشاه خواستار رهایی آزادیخواهان زندانی شد. محمدعلیشاه به درخواست نمایندگان تسلیم گردید

و در عوض به نام حفظ امنیت و اصول مشروطیت برای محدود ساختن آزادی روزنامه نگاران چندان اصرار ورزید که مجلس زیر فشار محمدعلیشاه و همکاری پاره‌یی از نمایندگان مجلس و پشتیبانی عده‌یی از روحانیان بالاخره اولین قانون مطبوعات ایران را تصویب کرد.

اولین قانون مطبوعات ایران شامل شش فصل و پنجاه و دو ماده بود. مطابق این قانون، مطبوعات و نویسندگان از انتقاد علیه شاه و نشر مطالب مخالف مذهب اسلام منع شدند و برای مجرمان مطبوعاتی مجازاتهایی وضع شد. این مجازاتها شامل سه ماه تا یکسال حبس برای کسی که از مقام سلطنت انتقاد کند و یکماه تا دو سال زندان برای مطالب خلاف مذهب اسلام و یکماه تا یکسال زندان برای نشر مطالبی علیه دیپلماتهای خارجی و سران دول خارجی بود. بدین ترتیب قانون مطبوعات مقام سلطنت، روحانیان، و سران دول خارجی و دیپلماتها را از انتقاد مطبوعات حفظ کرد. اما عکس العمل این قانون بین روزنامه نگاران شدید و همراه با اعتراض بود.

### توسعه مطبوعات و روزنامه نگاری فکاهی

یکی از اثرات انقلاب مشروطه و آزادی مطبوعات، نمود توسعه قابل توجه مطبوعات در شهر ستانهای مختلف ایران بود. قبل از انقلاب مشروطه جمعاً در حدود پنج شهر مختلف در ایران روزنامه داشتند. بعد از انقلاب و اعلام مشروطه تعداد شهرهای دارای روزنامه روزانه یا هفتگی به پانزده رسید. بعضی از شهرهای بزرگ مثل تبریز و رشت چند روزنامه هفتگی و روزانه داشتند. گشایش انجمنهای ملی در شهرهای مختلف ایران کسه یکی از اقدامات

مجلس شورای ملی بود و در حقیقت امور داخلی هر شهر را به دست مردم می سپرد تأثیر مهمی در توسعه مطبوعات شهرستانها بخشید. تشکیل هر انجمنی، تأسیس روزنامه‌یی نیز به دنبال داشت تا اخبار و مذاکرات و مباحثات انجمن را به اطلاع مردم برساند. توجه افکار عمومی به مذاکرات و تصمیمات انجمنها گسترش مطبوعات را بیش از پیش تشویق می نمود.

بدین ترتیب آزادی مطبوعات به تشکیل انجمنها منتهی می شد و تشکیل انجمنها به گسترش و نمو مطبوعات می انجامید. دو عامل مهم توسعه وسایل ارتباط جمعی اینست که خوانندگان و بینندگان به منبع اینگونه ارتباطات اجتماعی اعتماد داشته باشند و مشارکت آزاد خود را در امور سیاسی کشور احساس کنند. این دو عامل در حقیقت در سالهای بعد از مشروطه در ایران بوجود آمده بود.

باید به خاطر داشت که در اوایل قرن بیستم اقتصاد ایران یکسری پایه کشاورزی داشت. صنایع و امور بازرگانی که سبب تولید و در حقیقت آفریننده آگاهی بازرگانی باشد موجود نبود و مطبوعات این دوره تمام درآمد خود را از فروش روزنامه بدست می آوردند و البته کمک بازرگانان و علاقه‌مندان در پیشرفت مطبوعات بی اثر نبود. مطبوعات این دوره را باید مطبوعات مسلکی نامید. در این روش مطبوعاتی، روزنامه نگار نقش مجاهد را دارد و صفحات روزنامه محل منبع هدفهای اجتماعی و سیاسی است و انتخاب مطالب و اخبار رابطه مستقیم با هدف مبارزه دارد. آگاهی و علاقه افکار عمومی و توسعه مطبوعات، بسیاری از ناظران خارجی را تحت تأثیر قرار داده بود. بطوری که پروفیسور ادوارد برون در مشاهدات خود از ایران بیان می کند:

«مردم بیدار شده‌اند و به آهستگی از امور آگاهی پیدا می کنند. بزرگترین شاهد این بیداری توسعه و افزایش جراید ملی در ایران است. این جراید سبک

خسته کننده، قدیمی و مردهٔ قبلی را ندارند بلکه بسیار مورد توجهند و به زبان ساده نوشته شده‌اند. به نظر می‌رسد همه در اینجا روزنامه می‌خوانند. در قهوه‌خانه‌ها به جای اینکه قصه‌های شاهنامه را مرتب تکرار کنند، مردم به گفتگوی سیاسی و اجتماعی مشغول هستند. « (۱)

یکی از مشخصات مطبوعات این دوره توسعه و نمو قابل توجه جراید فکاهی-سیاسی بود. در حقیقت می‌توان گفت این انقلاب مشروطه بود که مبادلهٔ گفتگوهای سیاسی و فرهنگی ایران را به صورت مطبوعات فکاهی در جامعه ایران رواج داد و در سالهای بعد مطبوعات فکاهی از ارکان مهم ارتباط اجتماعی ایران بشمار آمد. روزنامهٔ فکاهی البته در اغلب کشورها وجود دارد. ولی نوع مطبوعات فکاهی-سیاسی ایران به علت آمیزش جالب توجه آن با ادبیات و فرهنگ قدیمی، متفاوت است و باید از برجسته‌ترین و مشخص‌ترین جراید فکاهی دنیا به حساب آید.

عبد الحمید متین السلطنه اولین روزنامه فکاهی را در ایران منتشر کرد. او پسر پزشک معروفی بود و مدت ده سال در اروپا در رشته حقوق و فلسفه تحصیل کرده بود. در بازگشت از اروپا به خدمت دولت درآمد و مدتی در گمرکات بوشهر و نواحی خلیج فارس مشغول بود. در بوشهر بود که متین السلطنه چاپخانهٔ مظفری را تأسیس کرد و روزنامه‌یی به نام «طلوع» انتشار داد. این روزنامه مترقی بود و به طر فداری از آزادیخواهان، کاریکاتور و مطالب فکاهی مختلف چاپ می‌کرد. روزنامهٔ طلوع یکسال انتشار یافت و متین السلطنه بعد وارد سیاست گردید و به نمایندگی دورهٔ دوم مجلس شورای ملی انتخاب شد.

با اینکه مطالب فکاهی در روزنامه‌های قبل از مشروطه معمول بود، کاریکاتور و مطالب فکاهی-سیاسی تا سال ۱۹۰۷ به صورت روزنامهٔ واحد در ایران منتشر نشده بود. در این سال علیقلی خان صراف که مدتی مدیر روزنامه‌های «احتیاج» و «اقبال»

چاپ تبریز بود، روزنامه فکاهی دوم ایران را به نام «آذربایجان» منتشر کرد. این روزنامه به دوزبان فارسی و آذربایجانی چاپ می شد و علیقلی خان صفراف موفق شد گاهی کاریکاتورهای خود را رنگی نیز چاپ کند. او از اولین ناشران ایرانی بود که چاپ رنگی در روزنامه به کار بردند. مطالب فکاهی «آذربایجان» مثل «طلوع» سیاسی و اجتماعی بود و جنبه سرگرمی و تفریحی خالی نداشت.

روزنامه‌های ملی که در دوره دوم انقلاب مشروطه در شهر ستانها منتشر می‌شدند

اسم	ناشر و مدیر	دوره انتشار	تاریخ تأسیس	محل انتشار
انجمن	میرزا علی اکبر چرندابی	روزانه	۱۹۰۶ میلادی	تبریز
مجاهد	سید محمد شبستری	سه روز در هفته	۱۹۰۷ »	تبریز
نسیم شمال	سید اشرف	هفتگی	۱۹۰۷ »	رشت
نافور	میرزا مسیح توسرکانی	هفتگی	۱۹۰۸ »	اصفهان
نوبهار	ملك الشعراى بهار	هفتگی	۱۹۱۰ »	مشهد
ندای اسلام	سید ضیاء الدین طباطبائی	هفتگی	۱۹۰۷ »	شیراز
الفت	میرزا محمد همدانی	هفتگی	۱۹۰۷ »	همدان
فریاد	میرزا محمود غنی زاده	هفتگی	۱۹۰۷ »	رضائیه
کرمانشاه	فصیح المتکلمین	هفتگی	۱۹۰۹ »	کرمانشاه
یادگار انقلاب	معمد الاسلام رشتی	هفتگی	۱۹۰۹ »	قزوین
مکافات	میرزا آقاخان هرندی	هفتگی	۱۹۰۹ »	خوی
معرفت	شیخ ابوالقاسم افتخار العلماء	هفتگی	۱۹۰۸ »	یزد

## بعضی از روزنامه‌های سیاسی و فکاهی دوره انقلاب مشروطه

اسم	ناشر و مدیر	دوره انتشار	تاریخ تأسیس	محل انتشار
طلوع	متین السلطنه	هفتگی	۱۹۰۰	بوشهر
آذربایجان	علیقلی خان صفراف	هفتگی	۱۹۰۷	تبریز
زشت و زیبا	فاضل الممالک	هفتگی	۱۹۰۷	تهران
کشکول	مجد الاسلام	هفتگی	۱۹۰۷	تهران
تنبیه	معتضد الاطباء	نامعلوم	۱۹۰۷	تهران
ملانصرالدین	میرزا جلیل محمد	هفتگی	۱۹۰۷	تفلیس
	قلی زاده نخجوانی			
حشرات الارض	حاجی میرزا آقا بلوری	هفتگی	۱۹۰۸	تبریز
شیخ چغندر میر فتحعلی	وابوالمعالی	هفتگی	۱۹۱۱	تهران
بهلول	شیخ علی عراقی و اسدالله پارسی	هفتگی	۱۹۱۱	تهران
شیدا	محمد ضیاء الدین	نامعلوم	۱۹۱۱	قسنطنیه

دوره دوم انقلاب مشروطه - سالهای ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۹ - شاهد توسعه مطبوعات فکاهی - سیاسی شد که در بین آنها «کشکول»، «حشرات الارض»، «بهلول»، «شیخ چغندر» و «ملانصرالدین» نامی توان نام برد.

در بین جراید فکاهی مخصوصاً ملانصرالدین بسیار مشهور بود و خواننده فراوان داشت. ناشر و مدیر آن محمدقلی زاده نخجوانی به خوبی به رسوم و عادات ایرانیها و شهرستانهای مختلف ایران آشنا بود و توانست بطور کامل مسائل سیاسی و اجتماعی ایران را بیان کند. \*

باید در نظر داشت اغلب این جراید فکاهی از جنبه فرهنگی و ادبی اهمیت داشتند و انواع شعر قسمت مهمی از فکاهیات این دوره را تشکیل می داد. در بین روزنامه نگاران این دوره عده قابل توجهی از شعرای دوره مشروطه بودند و به علت فعالیت آنان روزنامه نگاری فکاهی - سیاسی آن زمان به اوج ترقی رسید. ملک الشعرای بهار مدیر روزنامه «نوبهار»، میرزا مرتضی فرهنگ مدیر روزنامه «خاورستان»، سید اشرف گیلانی مدیر روزنامه «نسیم شمال» از جمله شعرای این دوره بودند. \* شعر ذیل چاپ «نسیم شمال» نمونه اشعار ساده این دوره و شیوه استفاده از واژه های معمولی است.

#### از «نسیم شمال»، ۱۱ مه ۱۹۰۸

تا کله شیخنا ملنگ است      تا دردل ما غبار و زنگ است

تاییر دلیل مست و منگ است      تا رشته به دست این دبنگ است

این قافله تا به حشر لنگ است

تا مصدر کار مستبد است      تادل به نفاق مستعد است

تاملت ما به شاه ضد است      تاشاه به خائنین ممد است

جان کندن و سعی ما جفنک است

این قافله تا به حشر لنگ است

گفتیم قلم شده است آزاد      ایران خرابه گشته آباد

مشروطه قوی نموده بنیاد      بس مدرسه هاشدست ایجاد

افسوس که شیشه مان به سنگ است

این قافله تا به حشر لنگ است

مشروطه نشانه ترقی است      مجلس هم خانه ترقی است

این شعله زبانه ترقی است      این شعر ترانه ترقی است

اسلام چرا دچار ننگ است

این قافله تا به حشر لنگ است

خر صاحب اختیار گشته      سگ مصدر کاروبار گشته

رو به عظمت مدار گشته      شپشال خزینه دار گشته

شه مات و به خلق عرصه تنگ است

این قافله تا به حشر لنگ است

منبعد شود جهان گلستان      در صحن سرا و باغ وبستان

مشروطه شود هزار دستان      شاعر به مزار همچو مستان

نیرش ز نشاط برخدنگ است

این قافله تا به حشر لنگ است

## روزنامه نگاران و فدائیان ملی

قانون مطبوعات مصوب مجلس شورای ملی، محمدعلیشاه را قانع نکرد. جدال او و مطبوعات آینه مبارزه او با مشروطه خواهان و آزادیخواهان بود. در اوایل تابستان ۱۹۰۸ محمدعلیشاه خواستار اخراج و توقیف عده‌یی از نویسندگان و خطیبان آزادیخواه شد و با فشاری او برای انحلال گارد فدائیان ملی که در تهران و شهرستانها از جوانان داوطلب برای مشروطه تشکیل شده بود وضع داخلی ایران را تاریک کرد. این التیماتوم در حقیقت پیش درآمد کودتای او علیه مشروطه بود. ارتباط بین نمایندگان مجلس و انجمنهای ملی شهرستانها اغلب توسط تلگراف برقرار می شد. محمدعلیشاه تصمیم گرفت تلگرافخانه را در تهران تحت کنترل قرار دهد و در ضمن قوای نظامی را برای مبارزه با پیشامدها و حوادث ناگهانی بسیج کند. این وضع ادامه داشت و رابطه او با ملیون به تدریج تیره تر می شد. لیاخف افسر روسی به فرماندهی سپاه شاه منصوب شد و عده‌یی از آزادیخواهان و از جمله روزنامه نگاران را دستگیر کرد. او التیماتوم شاه برای توقیف عده‌یی از وکلا و بیشتر روزنامه نویسان از طرف مجلس شورای ملی رد شد و محمدعلیشاه که موقع را مناسب تشخیص داده بود با حمایت گروه قزاق روسی و به فرماندهی سرهنگ لیاخف مجلس شورای ملی را بمباران و بهارستان را محاصره کرد. در تهران حکومت نظامی اعلام شد و اداره روزنامه‌های ملی مورد حمله قشون محمدعلیشاه قرار گرفت. سلطان‌العلماء مدیر انقلابی «روح القدس» که به مدت هشت ساعت شخصا از اداره روزنامه خود دفاع می کرد، دستگیر شد. ملك المتكلمين و میرزا جهانگیر خان مدیر «صور اسرافیل»، میرزا محمدعلیخان مدیر «ترقی»، یحیی میرزا مدیر «حقوق»

و چندین روزنامه نگار دیگر دستگیر و زندانی شدند. محمد رضا مساوات مدیر «مساوات» موفق شد به سفارت انگلیس پناه برده در آنجا متحصن شود. روزنامه نگاران دیگر تهران که از دست محمدعلیشاه فرار کرده بودند روانه شهرستانها شدند.

تهران هفته‌های تاریکی را در تابستان ۱۹۰۸ گذراند. چند تن از نمایندگان مجلس دستگیر شدند و مطبوعات تهران یکباره تعطیل شد، شهر تهران به دست سرهنگ لیاخف و سربازان او افتاد. چند روز پس از این حادثه میرزا جهانگیرخان و ملک المتکلمین در باغ شاه به دست قشون محمدعلیشاه کشته شدند و مطبوعات ایران اولین قربانیان خود را مشاهده کرد. چند روز بیشتر طول نکشید که محمدعلیشاه سلطان العلماء مدیر «روح القدس» را نیز به قتل رساند و طبق آنچه ناظران و تاریخ نویسان نگاشته‌اند، او را به دنبال شکنجه‌های بسیار به چاه انداختند.\*

تایکسال پس از کودتای محمدعلیشاه از مشروطه و قانون اساسی در تهران خبری نبود و روزهای تاریک مطبوعات ایران شروع شد. برای مطالعه مطبوعات این دوره بنحوص باید فعالیت ملیون و مشروطه خواهان و روزنامه نگاران را در شهرستانهای شمالی و جنوبی بررسی کرد. در این مبارزات دو شهر ایران، تبریز و رشت مرکز ملیون و مطبوعات زخم دیده مشروطه ایران بود. مقاومت و مبارزه آزادیخواهان و مشروطه طلبان تبریز و آذربایجان صفحات درخشان در تاریخ انقلاب مشروطه ایران دارد. در اینجا باید همین قدمتد کر شد از جنبه افکار عمومی، تبریز بیش از هر شهر دیگر علیه سلطنت محمدعلیشاه بود و به علت تجربیاتی که اهالی از زمان حکمرانی محمدعلیشاه (در سلطنت مظفرالدین شاه) داشتند، بیش از همه به هدفهای این پادشاه قاجار واقف بودند و موقعی که قشون لیاخف به دستور محمدعلیشاه مجلس شورای ملی را بمباران کرد، جدال بزرگی در تبریز بین طرفداران شاه

و میلیون پدید آمد و این شهر به مدت ده ماه پس از بمباران مجلس در تهران مقاومت کرد و مبارزه علیه قشون محمدعلیشاه و روسیه را ادامه داد. در جریان مقاومت‌ها و مبارزات تبریز و آذربایجان، بطور کلی دو عامل ارتباطی نقش مهمی بازی کردند. اول خبر انقلاب و شورش در کشور همسایه - عثمانی - که به گوش آذربایجانیها رسید و این امر بر ایمان و مقاومت ملی آنها افزود.

دوم: با محاصره تبریز از طرف قشون روسیه، محیط مقاومت واحدی در شهر ایجاد شد و نشریه‌ها و روزنامه‌های محدودی که در تبریز باقی مانده بود حلقه زنجیر ارتباط اجتماعی را بین آزادیخواهان و اهالی شهر پدید آورد.

یکی از روزنامه‌های مهم تبریز در این مدت، روزنامه «مساوات» بود که قبلا در تهران منتشر می‌شد. مدیر این روزنامه، پس از بمباران مجلس و وضع نامطلوب تهران، نشریه خود را به تبریز انتقال داده، از این شهر مبارزه را ادامه داد. ارتباطات خبری و اصولا ارتباطات اجتماعی در این یکسال بین تهران و شهرستانها محدود شده بود. قوای دولتی تلگرافخانه‌ها و سایر مراکز ارتباطی را در تهران و بعضی شهرستانها در کنترل داشت و اخبار تبریز و سایر مراکز آزادیخواهان توسط مسافران و خبرنگاران مخصوص به شهرستانها می‌رسید. به علت این مشکلات، تحصیل خبر از انقلاب تبریز و جریانات تهران هم برای روزنامه نگاران داخلی و هم برای خبرنگاران روزنامه‌ها و خبرگزاریهای خارجی که در آن موقع در ایران بودند، دشوار بود.

در بین خبرنگاران خارجی که انقلاب مشروطه و مخصوصا حوادث نهضت مقاومت آذربایجان را برای روزنامه‌های خود گزارش می‌دادند، «تاردوف» خبرنگار روزنامه آزادیخواه روسی «روسکایه سلوو»، «لیونل جیمز» خبرنگار روزنامه «تایمز» لندن، «مور» خبرنگار «دیلی نیوز» لندن که بعدها برای روزنامه‌های «دیلی کرویکل» و «منچستر گاردین» نیز مقاله می‌نوشت از همه معروف‌تر بودند.

«مور» مدت سه ماه از دورانی که تبریز در محاصره قشون محمدعلیشاه و روسها بود در این شهر سکونت کرد و با اینکه فرستادن گزارش به خارج از تبریز و کشور به علت جنگ و جدالهای داخلی، سخت بود، موفق شد در حدود سی گزارش راجع به انقلاب و آزادیخواهان آذربایجان به روزنامه‌های خود در لندن به فرستد و گزارشهای بسیار مؤثری از کرسنگی و مقاومت اهالی تبریز به انگلستان فرستاد. نوشته‌های او شرح بسیار تلخی از روزهای انقلابی آذربایجان است. در یکی از تظاهرات ضد محمدعلیشاه، مور و همکار او «پاسکرویل»، که یک معلم آمریکایی بود به قدری در تنگنا قرار گرفتند که هر دو تفنگ به دست، علیه قوای استبداد مبارزه کردند. پاسکرویل در یکی از برخوردهای آزادیخواهان و قوای دولتی کشته شد ولی مور با وجود جنگ و جدالهای پی‌درپی جان به سلامت برد.

در اوایل ژانویه ۱۹۰۹ خبر مقاومت تبریزیها و انقلاب آذربایجان توسط روزنامه‌ها، مسافران، و حتی سربازان، به گوش اهالی شهرستانهای شیراز و همدان و مشهد و بوشهر رسیده بود و روزنامه نگاران این شهرها مردم را به بسیج و مقاومت علیه قوای تهران تشویق می‌کردند. منلا سید حسن کاشانی مدیر «جبل‌المتین» که پس از واقعه تهران به قفقاز فرار کرده بود، پس از مدتی به رشت بازگشت و با انتشار روزنامه در آن شهر مبارزه خود را تجدید کرد. به مدت کوتاهی از سال ۱۹۰۹ بار دیگر روزنامه نویسان مهاجر ایران که از تهران گریخته بودند در شهرهای بزرگ کشورهای همسایه مشغول فعالیت مطبوعاتی شدند. روزنامه «سروش» توسط آزادیخواهان در قسطنطنیه طبع و به ایران فرستاده می‌شد. هیئت تحریریه این روزنامه را عده‌ی از نویسندگان و آزادیخواهان معروف مشروطه از جمله یحیی دولت‌آبادی، احمد بیگ آقایی، میرزا علی اکبر دهنخدا و محمد توفیق تشکیل می‌دادند. این عده عضو «انجمن انقلابی سعادت ایران» بودند. \* در حقیقت ارتباطات

اجتماعی این دوره بطوری که مشاهده می شود از اختلاط انجمنهای انقلابی و نویسندگان مطبوعات ملی پدیدار آمد. مثلاً علی اکبر دهخدا پس از آنکه همکار روزنامه نگار و انقلابی او میرزا جهانگیر خان به دست قوای محمدعلیشاه کشته شد تهران را به سوی اروپا ترک کرد و مدتی در سوئیس اقامت داشت و شماره های مخصوص «صویراسرافیل» را در آنجا طبع می کرد و به ایران می فرستاد.

بطور کلی باید گفت مطبوعات ملی ایران در سال ۱۹۰۹ علی رغم فشارهای مالی و حکومتی، ستون محکمی در روابط مردم و رهبران انقلاب بود و روزنامه نگاران این دوره پس از سه سال جنگ و جدال در راه مشروطیت و آزادی، تجربیات پرارزشی بدست آورده بودند، و از آن استفاده می کردند. در این سال جز تهران که بی روزنامه و نشریه مانده بود در اکثر شهرهای بزرگ مثل تبریز و رشت و اصفهان روزنامه ها و شبنامه های متعدد منتشر می شد. با اعلام مشروطه مطبوعات دولتی در تهران روبه افول گذاشته بود و روزنامه دولتی دیگری بعد از «ایران سلطانی» - که تا اولین سال سلطنت محمدعلیشاه در تهران منتشر می شد - انتشار نمی یافت. وزارت مطبوعات پس از درگذشت مظفرالدین شاه کوچک شد و جزو وزارت معارف و فرهنگ در آمد و به صورت اداره کوچکی نگاهداری می شد. مردم تهران در این سال چشم به روزنامه های شهرستانها داشتند و برای اولین بار تهران مرکزیت خبری و مطبوعاتی خود را از دست داده بود.

هم دربار محمدعلیشاه و هم قشون و سفارت روسیه در تهران اخبار و تلگراف خبر نگاران خارجی را سانسور می کردند. مثلاً در دسامبر ۱۹۰۸ که خبر نگار روزنامه ملی «رایش» روسی اخبار ضد دولتی به روزنامه خود مخابره کرد، تلگرافهای او از طرف سرهنگ لیاخف فرمانده قشون روسیه در تهران سانسور و دستور اخراج او صادر شد. این اولین مبارزه مطبوعاتی بین خبرنگاران خارجی با حکومت محمد

علی میرزا و روسها بشمار می رود.

در اواسط بهار ۱۹۰۹ وضع سیاسی داخلی ایران روبه دگرگونی گذاشت. انقلابیون و آزادیخواهان، شهرهای تبریز، اصفهان و رشت را به تصرف درآوردند و به سوی تهران در حرکت بودند. محمدعلیشاه به تقاضا و توصیه سفارت روس و انگلیس تصمیم گرفت با انقلابیون و مخصوصاً قوای بختیاری که اصفهان را تصرف کرده به سوی تهران در حرکت بودند، و هم چنین انقلابیون رشت که به حوالی قزوین رسیده بودند، مذاکره و صلح کند. ولی تصمیم انقلابیون به سرنگون کردن حکومت محمدعلیشاه تغییر ناپذیر بود و سازش و مذاکره برای اطرافیان محمدعلیشاه با انقلابیون، دیر شده بود. در اواسط تابستان این سال قوای انقلابیون از اصفهان و رشت وارد تهران شد و پس از چند روز زد و خورد در خیابانها شهر را به تصرف درآورد و محمدعلیشاه به سفارت روس پناه برد. پناهندگی او به سفارت روسیه در حقیقت سند تبعید او بود و چند روز بعد مجلس «شورای عالی» انقلابیون در تهران او را از سلطنت عزل کرد و پسر سیزده ساله اش احمدشاه را به سلطنت برگزید. عضدالملک رئیس طایفه قاجاریه نیز به سمت نایب السلطنه منصوب گردید و بدین ترتیب دوره استبداد محمدعلیشاه خاتمه یافت. در پایان این سال انتخابات دوره جدید مجلس شورای ملی صورت گرفت و وضع مطبوعات انقلابی ایران کم کم به حال عادی بازگشت.

### گسترش و رشد مطبوعات پس از انقلاب

با پیروزی انقلابیون و برقراری مشروطه دوره جدیدی در تاریخ مطبوعات ایران شروع شد. روزنامه نگاران تبعیدی و مهاجر دوباره به تهران بازگشتند و در

مدت کوتاهی چندین روزنامه روزانه وهفتگی در تهران منتشر شد.

ازبزرگترین ومهمترین روزنامه‌های این دوره «ایران نو» بود که در چهار صفحه وبه مدیریت محمد شبستری تبریزی در تهران منتشر می شد. «ایران نو» اولین روزنامه ایرانی است که به قطع بزرگ معمولی امروزی در تهران به چاپ رسید. شبستری تجربیات روزنامه نگاری متعددی داشت. او که در سالهای اول مشروطیت روزنامه «الحدید» و بعد روزنامه روزانه «مجاهد» را در تبریز منتشر کرده بود، در انتشار «ایران نو» همکاری چندین نویسنده آزموده از جمله محمد امین رسول زاده با کویی وشخصی به نام بازید ارمنی، اهل تهران را جلب کرده بود. سبک «ایران نو» خیلی اروپایی بود و اولین شماره آن به تاریخ ۲۴ اوت ۱۹۰۹ منتشر شد. به علت مقالات آزادی طلبانه و روشنی که «ایران نو» داشت، بازار رقابت مطبوعاتی را در تهران گرم کرد و سبب شد ناشران دیگر نیز از شیوه و کارهایش تقلید کنند.

در حدود یکماه بعد دومین روزنامه روزانه به نام «شرق» وبه مدیریت سید ضیاءالدین طباطبایی- که سالهای بعد بایست نقش بسیار مهمی در سیاست داخلی و خارجی ایران به عهده می گرفت- در تهران منتشر شد. این روزنامه جنبه خبری بیشتری به خود داده بود و گاهگاهی يك صفحه خبر به زبان فرانسه نیز چاپ می کرد. صفحات ادبی و سیاسی «شرق» خواننده فراوان داشت و مورد گفتگوی بسیاری از روشنفکران تهران وشهرستانها قرار گرفت. روزنامه روزانه دیگر این دوره «استقلال ایران» بود که به مدیریت حسین خان کمال به سال ۱۹۱۰ وبه مدت یکسال در تهران چاپ می شد.\*

سالهای بین ۹۱۲ - ۱۹۰۹ دوره رقت انگیزی در تاریخ ایران است. در این دوره گروهی از آزادیخواهان ومليون با اعتماد به اینکه مشروطه دردهای چندین نسل را به زودی دوا خواهد کرد، دست به اصلاحات ورفورم زدند. ولی فساد

خرابکاری چند قرن گذشته در عرض چند سال از بین نمی‌رفت و طرح اصلاحات ملیون و آزادیخواهان با مقاومت محافظه‌کاران و روحانیان و اعیان و اشراف مملکت برخورد کرد و بدین طریق وضع ایران به علت این اختلافات داخلی و نیز به جهت دخالت روسها و انگلیسها در امور سیاسی و اقتصادی کشور، رضایتبخش نبود. در این میان مطبوعات جوان ایران صدمه بیشتری دید و در شرایط ناپایدار سیاسی و اقتصادی نتوانست به تنهایی ستون و پایه محکم اقتصادی و حرفه‌یی برای خود ایجاد کند.

استخدام «مورگان شوستر» آمریکایی در سال ۱۹۱۱ به سمت خزانه‌دار ایران، این وضع نامطلوب را یکباره آشکار کرد. حضور مورگان شوستر که به دعوت دولت و به حمایت گروه مترقی و آزادیخواه مجلس شورای ملی به ایران آمده بود تا سرمایه‌های روسها را به وضع مالی ایران بدهد، با مخالفت روسیه و انگلستان و عناصر وابسته به آنان در ایران روبه‌رو شد. شوستر که اختیارات قابل توجهی جهت اصلاح مالی ایران از مجلس شورای ملی کسب کرده بود، در مدت کوتاهی پیشرفت فوق‌العاده کرد و پشتیبانی افکار عمومی و مطبوعات ملی را کسب نمود ولی نفوذ دولتهای روسیه و انگلستان در ایران، و فشار این دو کشور در امور داخلی مملکت افزایش یافت و چند ماهی از کار و بر نامه شوستر نگذشته بود که دو دولت به ایران التیماتوم دادند و خواستار برکناری شوستر شدند. روزنامه‌های «تایمز» لندن و «نوورمیا» روسیه مقالات متعددی علیه شوستر نوشتند و از حرکات و سیاست وی که به کارهای انگلستان و روسیه در ایران علاقه زیادی نشان نمی‌داد انتقاد کردند. (۲)

در حالی که مجلس شورای ملی او تیماتوم روسیه و انگلستان را رد کرد و مطبوعات تهران و شهرستانها از کار شوستر پشتیبانی می‌کردند، چون کابینه ضعیف ایران در مقابل فشار روسها و انگلستان ایستادگی کامل نداشت اختلاف بزرگی

بین مطبوعات و ملیون از یکطرف و دولت ازطرف دیگر پیدا شد. وقتی که محمد امین رسولزاده از نویسندگان « ایران نو » مقالات تند و شدیدی علیه انگلستان و روسیه نوشت و به پشتیبانی شوستر پرداخت، دولت روسیه رسماً از دولت ایران تقاضا کرد روزنامه « ایران نو » را توقیف کند. شوستر در کتاب خاطرات خود وضع مطبوعات را در این جریانات چنین بیان می کند :

« به درخواست یکی از روزنامه‌های اصلی تهران مصاحبه‌یی تشکیل دادم و در آن برنامه کارهای آمریکا را تشریح کردم و آنچه که ما امیدوار بودیم انجام دهیم بیان کردم. ما از تاریخ این مصاحبه تا کنون پشتیبانی مطبوعات تهران و شهرستانها را با خود داشتیم. یکی از آثار بی تجربگی ایرانیان در امور سیاسی، حساسیت خنده‌آور آنها از هر گونه انتقاد مطبوعاتی است. از نایب‌السلطنه گرفته تا اعضای دولت، فرد فرد این عده باترس و وا همه زندگی می کنند که مبدا مورد انتقاد مطبوعات واقع شوند. علی‌رغم تضمینی که قانون اساسی ایران راجع به آزادی مطبوعات کرده، اغلب اوقات وزارت کشور روزنامه‌ها را به علت حتی کمترین انتقاد از عملیات دولت توقیف می کند. » (۳)

دولت روسیه برای اینکه عزم جزم خود را به دولت ایران نشان دهد، در دسامبر ۱۹۱۱ از چند سوئیر و وارد خاک ایران کرد و قشون روس از شمال تاقزوین پیش آمد و در بعضی از شهرهای ایران از جمله تبریز و مشهد دست به تجاوز و کشتار ملیون و آزادیخواهان زد. به علت ضعف دولت مرکزی بار دیگر روزهای تیره در زندگی مشروطه طلبان و آزادیخواهان پدیدار شد. مطبوعات ایران این بار نه تنها توسط دولت مرکزی در تهران بلکه توسط روسها مورد حمله قرار گرفت و تعدادی از جراید ایران در تهران و شهرستانها توقیف شد. دولت ایران به هجوم روسها تن داد و به شهرستانها دستور داده شد از مقاومت دست بردارند. میتینگ‌های ملی

در خیلی از شهرهای شمالی ایران وحتى تهران موقوف گردید و گروهی از روزنامه نگاران و بعضی از اعضای انجمن های ملی توقیف شدند.

در مشهد سخن حضرت رضا بمباران شد و در تبریز دسته بی از آزادیخواهان و مشروطه طلبان ایران از جمله ثقة الاسلام تبریزی، صادق الملک، میرزا احمد سهیلی (شاعر) و علی دوافروش توسط روسها به دار آویخته شدند و به شهادت رسیدند. \* اداره چندین روزنامه از طرف روسها منفجر شد و برای مدت چندین ماه حتی يك روزنامه هم در تبریز انتشار نیافت. درمازندران و گیلان نیز تعدادی از مطبوعات که از شوستر و کارهای او پشتیبانی و از روس و انگلیس انتقاد کرده بودند، توقیف و چند تن از آزادیخواهان اعدام شدند. تحت این شرایط دولت ایران اولتیماتوم روسها را قبول کرد و علی رغم پشتیبانی افکار عمومی از شوستر، هیات آمریکایی از کار خود دست کشید و در ژانویه ۱۹۱۲ شوستر ایران را به سوی آمریکا ترك کرد.

### مطبوعات انقلاب مشروطه از نظر تطبیقی

در دهساله اول قرن بیستم و به علت انقلاب مشروطه، مطبوعات رساله بی قرن نوزدهم ایران به مطبوعات مسلکی و سیاسی تبدیل شده بود. عقاید و نظریاتی که فقط در انجمنها و سخنرانیهای سری قرن نوزدهم ایران ابراز می شد در گرامر انقلاب مشروطه و سالهای بعد از آن اغلب به صورت سرمقاله روزنامه ها درمی آمد. از این جهت مطبوعات ایران نمونه و تاحدی آینه افکار و عقاید روشنفکران و مردم عادی ایران بود. بزرگترین تأثیر مطبوعات در دهساله اول این بود که برای نخستین بار روزنامه نگاری به عنوان یکی از حرفه های ارتباطات اجتماعی در جامعه ایران ریشه پیدا کرد و به رسمیت شناخته شد. از این تاریخ به بعد روزنامه نگاران، بازیگران

جدید سیاست ایران شدند. بطوری که در جدول (۱) خواهد آمد بین سالهای ۱۹۱۲ - ۱۹۰۶ در حدود ۲۴۷ روزنامه در ایران تأسیس و منتشر شد. در حالی که تعداد روزنامه‌های منتشر شده بین سالهای ۱۹۰۶ - ۱۹۰۰ به ۴۰ می‌رسید و تعداد جراید منتشر شده سالهای ۱۹۰۰-۱۸۳۷ بیش از ۴۳ نبود. بین سالهای ۱۹۰۶ - ۱۸۳۷ فقط یک روزنامه یومیه و یک روزنامه سه‌بار در هفته در ایران منتشر شد و در سالهای ۱۹۱۲-۱۹۰۶ مجموع روزنامه‌های روزانه و هفتگی در حدود ۴۳ بود (جدول ۲) یکی از مشخصات جالب توجه مطبوعات دوره مشروطه این بود که روزنامه‌ها در تهران و شهرستانهای اصلی کشور بطور مساوی تقسیم می‌شد و هر شهر بزرگ حداقل یک روزنامه روزانه یا هفتگی مخصوص به خود داشت. مثلاً بین سالهای ۱۹۱۲-۱۹۰۶ در حدود ۱۲۰ روزنامه مختلف در ۱۶ شهر ایران - تهران جزو آن محسوب نمی‌شود - منتشر شد. باید متذکر شد تعداد زیادی از این روزنامه‌ها بیش از مدت کوتاهی عمر نکردند و اغلب به علت اغتشاشات و نبودن امکانات مالی و فنی بسته شدند. معهذاً تعداد روزنامه‌هایی که حدود یکسال و بیش از آن عمر کردند و به انتشار خود ادامه دادند قابل ملاحظه است.

تیراژ روزنامه‌ها نیز در دوره انقلاب افزایش یافت بطوری که بالاترین تیراژ روزنامه‌ها در سال ۱۹۰۷ بود و در این سال در حدود ۹۰ روزنامه مختلف در تهران و شهرستانها تأسیس شد. ارقام دقیق و معتبری که حاکی از تیراژ واقعی روزنامه‌ها باشد در دست نیست ولی آنچه از کتب تاریخی و اسناد مربوط جمع‌آوری شده حاکی است مجموع تیراژ روزنامه‌ها در سال ۱۹۰۷ باید در حدود ۶۰ تا ۸۰ هزار باشد. جمعیت ایران در این سال در حدود ۱۰ تا ۱۲ میلیون نفر بود و باید به خاطر داشت که نسبت با سوادان نیز نسبت به جمعیت کشور بسیار ناچیز بود. در سال ۱۹۰۸ به علت قانون مطبوعات و عملیات ضد آزادی محمدعلیشاه از تعداد روزنامه‌ها و تیراژ آنها کاسته شد ولی پس از برقراری مشروطیت، دوباره مطبوعات

در تهران و شهرستانها توسعه پیدا کرد بطوری که در سال ۱۹۱۰ در آن واحد در حدود ۳۶ روزنامه در ایران منتشر می شد.

با اینکه تعداد روزنامه ها (نسبت به سال ۱۹۰۷) در سالهای بعد از مشروطه کاسته شد اندازه و مقدار مطالب روزنامه ها در واقع زیاد بود و از جنبه خبر و مطالب متنوع گاهشی به نظر نمی آمد. زیرا روزنامه های اوایل انقلاب مشروطه کوچک و عموماً یک یا دو صفحه بود و روزنامه های بعد از انقلاب بزرگتر شد و اغلب در چهار یا هشت صفحه منتشر می شد. حرفه روزنامه نگاری این دوره نیز از جنبه سودمالی زیاد قابل توجه نبود و خیلی به ندرت کسی برای سودمالی مستقیم روزنامه منتشر می کرد. منظور اصلی انتشار روزنامه کسب قدرت و نفوذ سیاسی بود. در دوره انقلاب مشروطه مخارج برخی از روزنامه ها توسط کسانی از تجار و علاقه مندان تأمین می شد. مثلاً حاجی زین العابدین تقی اف از تجار تهران در حدود پانصد شماره از روزنامه «جبل المتین» را مشترک شده بود و در دسترس دیگران قرار می داد.

بطوری که در جدول (۴) دیده می شود تعداد روزنامه های خارج از کشور در سالهای ۱۹۰۸ تا ۱۹۰۹ بار دیگر ترقی کرد. دلیل این افزایش البته فشارهای فوق العاده حکومت محمدعلیشاه بود که برای مدت یکسالی آزادیخواهان و مشروطه طلبان را به مهاجرت از ایران ناگزیر ساخته بود.

مطبوعات این دوره نیز مطبوعات خبری نبود، و وقتی که در باره تاریخ مطبوعات این دوره و قدرت و نفوذ مطبوعات حرف می زنیم مقصود قدرت و نفوذ مقاله نویسان است نه خبرنگاران و اداره کنندگان مالی آن. از نظر جنبه گیری نیز مطبوعات جوان ایران در دوره مشروطیت هم از طرف دولت ایران و هم از طرف دول خارجی و به خصوص روسیه و انگلستان مورد حمله و آزار قرار داشت. حکومت

تزارای روسیه همیشه مخالف سرسخت مطبوعات بود و یکی از منتقدان مطبوعات دوره مشروطه ایران روزنامه «تایمز» لندن بود. این روزنامه مطبوعات ایران را به ماجراجویی و پیروی از احساسات متهم ساخت و چندین مقاله علیه روزنامه‌های ایران نوشت و از جمله بی‌تجربگی نویسندگان ایرانی و «سوء استفاده» آنان را از زمان مورد تحلیل و انتقاد قرارداد، (۴) ولی نوشته‌های «تایمز» لندن به عقیده پروفیسور برون نشانه سیاست محافظه کارانه و «دشمنی آن علیه نهضت‌های آزادیخواهی در شرق» بود. (۵)

تردیدی نیست که مطبوعات دوره انقلاب مشروطه بزرگترین مأخذ و منبع تحولات سیاسی و اجتماعی سالهای اول قرن بیستم ایران است. از جنبه ارتباطات اجتماعی، انقلاب مشروطه بطور عام، و دهساله اول قرن بیستم بطور خاص، شاهد تولد و پیدایش سه نیروی مهم اجتماعی در ایران بود: مطبوعات ملی و انقلابی، تظاهرات و میتینگ‌های گروهی، و پیدایش و استقرار افکار عمومی.

## جدول (۱)

مقایسه تاریخ و تعداد روزنامه های قرن نوزدهم  
و دوره های اول و دوم انقلاب مشروطه ایران

روزنامه های منتشر شده بین ۱۹۰۶-۱۹۱۲ میلادی	روزنامه های منتشر شده بین ۱۹۰۰ - ۱۹۰۶ میلادی	روزنامه های منتشر شده بین ۱۸۳۷ - ۱۹۰۰ میلادی	محل تأسیس
۱۲۷	۱۶	۲۹	تهران
۲۹	۱۷	۹	تبریز
۲۷	-	-	رشت
۱۷	۲	۱	اصفهان
۸	-	۱	شیراز
۷	۲	-	مشهد
۵	-	-	یزد
۵	۱	-	همدان
۴	-	۳	رضائیه
۴	-	-	خوی
۴	-	-	قزوین
۳	-	-	کرمان
۲	-	-	کاشان
۲	-	-	لاهیجان
۱	-	-	بندرپهلوی
۱	-	-	کرمانشاه
-	۲	-	بوشهر
۲۴۶	۴۰	۴۳	جمع

جدول (۲)  
تعداد روزنامه‌های منتشر شده بین سالهای ۱۹۱۲ - ۱۹۰۶

شهر و محل انتشار	روزانه	دو یا سه بار در هفته	هفتگی	جمع
تهران	۱۵	۶	۱۰۷	۱۲۷
تبریز	۳	۱	۲۵	۲۹
رشت	۲	۳	۲۲	۲۷
اصفهان	-	۱	۱۶	۱۷
شیراز	-	-	۸	۸
مشهد	-	۱	۶	۷
یزد	-	-	۵	۵
همدان	-	-	۵	۵
رضائیه	-	-	۴	۴
خوی	-	-	۴	۴
قزوین	-	۱	۳	۴
کرمان	-	-	۲	۲
کاشان	-	-	۲	۲
لاهیجان	-	-	۲	۲
بندرپهلوی	-	-	۱	۱
اردبیل	-	-	۱	۱
کرمانشاه	-	-	۱	۱
جمل	۲۰	۱۳	۲۱۵	۲۴۷

## جدول (۳)

تیراژ بعضی از روزنامه‌های دوره انقلاب مشروطه

سال انتشار	تیراژ	دوره انتشار	اسم
۱۹۰۷	۱۰۰۰۰	روزانه	مجلس
۱۹۰۷	۵۵۰۰	هفتگی	صو داسرافیل
۱۹۰۷	۵۰۰۰	روزانه	حبل‌المتین
۱۹۰۷	۵۰۰۰	روزانه	انجمن تبریز
۱۹۰۹	۳۰۰۰	روزانه	ایران نو
۱۹۰۹	۳۰۰۰	هفتگی	مساوات
۱۹۱۰	۲۰۰۰	روزانه	شرق
۱۹۱۱	۱۰۰۰	روزانه	استقلال ایران
۱۹۱۲	۱۰۰۰	دوباردرهفته	نوبهار مشهد

## جدول (۴)

تاریخ و تعداد روزنامه‌هاییکه در خارج از کشور به چاپ می‌رسید

اسم و محل انتشار	تعداد روزنامه‌های ۱۹۰۰ تا ۱۸۳۷ میلادی	تعداد روزنامه‌های ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۰ میلادی	تعداد روزنامه‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۰۶ میلادی
کلکته	۷	-	-
بمبئی	۴	۱	۲
قاهره	۳	۲	-
فلسطینیه	۲	-	۱
دهلی	۱	-	-
پاریس	۱	-	۱
حیدرآباد	۱	-	۱
لندن	۱	۲	-
علیگر (هند)	۱	-	۲
کراچی	۱	-	-
باکو	-	۱	۱
اسکندریه	-	۱	-
عشق آباد	-	۱	-
بغداد	-	-	۱
بخارا	-	-	۱
واشنگتن	-	-	۱
کابل	-	-	۱
سویس	-	-	۱
مکه	-	-	۱
نجف	-	-	۱
جمع	۲۲	۸	۱۳

## منابع و ماخذ فصل هشتم

- (1) Edward G. Browne, *The Persian Revolution*, Cambridge University Press, 1910, P. 143.
- (۲) «تایمز» لندن، اکتبر ۱۹۱۱، ص ۹۰. جواب شوستر به مقالات «تایمز» منتشر شده در ۱۸ و ۲۰ اکتبر ۱۹۱۱ در شماره ۹ نوامبر ۱۹۱۱ «تایمز» (لندن) چاپ شده است.
- (3) W. Morgan Shuster, *The Strangling of Persia*, The Century Company, New Yerk, 1912, P. 9.
- (۴) «تایمز» لندن، شماره‌های ۲ ژوئیه، ۱۹۰۸، ص ۱۱ و ۲۹ اکتبر ۱۹۰۹ ص ۵، ۲۸ فوریه ۱۹۱۰ ص ۵. روزنامه «ایران نو» در شماره ۴ آوریل ۱۹۱۰.
- (5) Edward G. Browne, *The Persian Revolution*, Cambridge University Press, 1910, pp. 243 - 244.

## فصل نهم

### مطبوعات بسیج‌گر و پیدایش احزاب سیاسی

ماهیت ارتباطات اجتماعی و قسمت اعظم مطبوعات دهه دوم قرن بیستم ایران، مخصوصاً در سالهای بین ۱۹۱۲ تا ۱۹۲۵، ریشه در جنبش مشروطه و روزنامه‌نگاری انقلابی آن زمان داشت. این دوره پس از انقلاب، دوره تبلیغات و بسیج سیاسی ایران بود. آشکار بود که رهبران سیاسی پس از چندین سال که فایده و سود مطبوعات را دریافته بودند، می‌خواستند از این وسیله برای پیشرفت نظرهای سیاسی و اجتماعی خود استفاده کنند. در حقیقت در دهه دوم قرن بیستم همزمان با پیدایش دسته‌ها و احزاب سیاسی، سردبیران و مدیران روزنامه‌ها خود را کم و بیش سخنگو و ارگان سیاسی احساس کردند و با جنبشهای سیاسی این دوره همراه شدند. تا آنجا که قدرت و توانایی روزنامه به همکاری و پشتیبانی احزاب سیاسی بستگی پیدا کرد. روشنفکران و مردم عادی کشور که سالها زیر فشار استبداد گرفتار اختلاف بودند، بالاخره آزاد ورها شدند و توفان عقاید که برخاسته بود کمتر کسی قادر به جلوگیری آن بود. نتیجه این شد که سخنان خوشایند و تلخ، آمیخته با عقاید و بر نامه‌های مختلف، در صحنه سیاسی و اجتماعی ایران رواج یافت و در رشد

روزنامه نگاری و ارتباطات اجتماعی و سیاسی اثر خاصی بخشید و کسانی که برنامه اصلاحات اساسی و قابل ملاحظه داشتند درین عرصه جنگ عقاید کمتر فرصت ادامه کار پیدا کردند. طی سیزده سال کابینه ایران از یک دست به دست دیگر انتقال می یافت و تغییر وزیران کابینه بقدری سریع بود که هیچکس فرصت آزمایش برنامه اصلاحی را که طرح کرده بود پیدا نمی کرد. با اینکه مطبوعات این دوره بسیار رنگارنگ و متنوع بود، به علت بی ثباتی سیاسی، دولت های مختلف به تضعیف مطبوعات کمک کردند و در موارد بسیار زیاد مطبوعات آزاد، تحت فشار و توقیف دولت ها قرار گرفت. مطبوعات این دوره مطبوعات بیدار کننده و بسیج دهنده بود. این خصلت علل سیاسی و حتی فلسفی داشت. رقابت دول بزرگ در ایران محیط آزادی فردی و سیاست داخلی ایران را سیاسی تر کرد و مطبوعات در این دوره تحت تأثیر سیاست داخلی و خارجی، یکی از پرهیجان ترین و بحرانی ترین ادوار را شروع کرد و خاتمه داد.

### مطبوعات و احزاب سیاسی

احزاب سیاسی در ایران در حقیقت پس از دوره دوم انقلاب مشروطه بوجود آمد و ریشه احزاب سیاسی را باید در دوره دوم مجلس شورای ملی ایران پیدا کرد. قبل از این دوره چندین دسته و حزب سیاسی به نام «ملی»، «روحانیون»، «دمو کرات» وجود داشت که جز حزب دمو کرات اجتماعی، بقیه چندان فعالیتی نداشتند. دمو کراتها در سالهای آخر انقلاب موفق شده بودند روزنامه‌یی برای خود فراهم کنند و با انتشار روزنامه «مجاهد» فعالیتها و نظریات خود را تشریح و تبایغ می کردند.

آزادبخوانان، پس از آنکه به حکومت پارلمانی رسیدند، کم‌کم به فکر تشکیل احزاب سیاسی افتادند و اغلب نام و عنوان دسته و حزب سیاسی خود را از واژه‌های فلسفی و سیاسی اروپاییها تقلید کردند. نتیجه این بود که در سال ۱۹۰۹ دو حزب به نام «اعتدال» و «دموکرات» پیدا شد. اعتدالیون که اغلب از تجار سرشناس و گروهی از روحانیان و بعضی از کارمندان عالیرتبه و حتی طبقه اشراف بودند به اصلاحات تدریجی اعتقاد داشتند و در میان آنها اشخاصی مثل آیت الله طباطبایی و آیت الله بهبهانی دیده می‌شدند. اعتدالیون روی هم‌سه روزنامه روزانه، دو روزنامه هفتگی و یک روزنامه دو بار در هفته در تهران چاپ و منتشر می‌کردند. روزنامه «شورا» ارگان رسمی اعتدالیون بود. دموکراتها که در مجلس شورای ملی نقش مخالف داشتند، اقلیت را تشکیل می‌دادند و بین طبقات مختلف کشور دارای نفوذ قابل توجهی بودند و از نظر سیاسی و فلسفی به سوسیالیسم و افکار اجتماعی تمایل داشتند. در میان دموکراتها تعداد قابل توجهی روزنامه‌نگار و نویسندگان وجود داشت و کسانی مثل سید حسن تقی‌زاده، محمد رضا مساوات، ملک‌الشعراي بهار، در بین آنها بودند. (۱)

دموکراتها برنامه اصلاحات اساسی داشتند که شامل جدایی قوانین مدنی از مذهبی و شرعی، نظام وظیفه اجباری، تقسیم املاک بین رعایا، سواد اجباری و آموزش و پرورش عمومی، تأسیس بانک کشاورزی، وضع مالیات غیرمستقیم، و بالاخره مخالفت با تشکیل مجلس سنا می‌شد. در مقایسه با اعتدالیون، دموکراتها شبکه مطبوعاتی گسترده‌تری داشتند و تعداد روزنامه‌هایی که تحت نظر آنها اداره می‌شد وسیعتر بود. دموکراتها جمعاً در حدود چهارده روزنامه داشتند، یازده روزنامه هفتگی و دو روزنامه دو بار در هفته و یک روزنامه روزانه. ارگان‌های اصلی دموکراتها روزنامه‌های «ایران نو» چاپ تهران، «شفق» چاپ تبریز و «نوبهار» چاپ

مشهد بود .

علاوه بر اعتدالیون و دموکراتها ، احزاب کوچکی مثل « متجددین » و « اتحادیون » وجود داشت که اعضای « متجددین » در مجلس اغلب از شهرستانهای جنوبی بودند و در چند مرحله از ایالات و طوایف جنوب از جمله بختیاریها انتقاد می کردند . در سال ۱۹۱۰ این دسته روزنامه‌یی به نام « جنوب » به مدیریت « تنگستانی » و سردبیری « یعقوب شیرازی » منتشر کردند . « اتحادیون » که در مجلس شورای ملی نماینده نداشتند اغلب از آزادیخواهان بودند و روزنامه « استقلال ایران » به مدیریت حسین خان کمال ارگان رسمی آنها بود . روزنامه دیگر این عده به نام « اتفاق » در رشت منتشر می شد . \* در سال ۱۹۱۲ بطور کلی روزنامه‌های تهران و شهرستانها سیاسی بود و به احزاب مختلف تعلق داشت . چند روزنامه از جمله « شرق » و « رعد » که به مدیریت سید ضیاء الدین طباطبایی منتشر می شد جنبه مستقل داشتند ولی در این دو روزنامه نیز اغلب از سیاست و برنامه‌های اعتدالیون پشتیبانی می شد \*\* و مقالات روزنامه‌های این دوره همیشه به حمله و اتهام سیاسی اختصاص داشت و خیلی اوقات جنبه شخصی به خود می گرفت . مثلاً جدال بزرگ سر مقاله‌های مطبوعات اعتدالیون و دموکراتها ازین قرار بود که روزنامه‌های دموکرات ، اعتدالیون را « کهنه پرست و ارتجاعی » خطاب می کردند و مطبوعات اعتدالی دموکراتها را به « فسادوی دینی » متهم می ساختند . \*\*\*

در جریان اینگونه انتقاد و مناظره سیاسی ، سر مقاله نویسان روزنامه در صحنه سیاست ایران نقش عمده داشتند و مورد بحث خواننده‌ها و دولتیان بودند . یکی از روزنامه نگاران این دوره ، ملک الشعرا ی بهار بود که مقالات تند و محکمی در روزنامه « نوبهار » می نوشت و از جهت گفتارهای سیاسی بسیار معروف شد . مقالات بهار در بخش پاره‌یی از دولتیان را فراهم آورد و روزنامه « نوبهار » چندین بار توقیف

گردید و از توزیع آن جلوگیری شد. « ایران نو » روزنامه دیگر این دوره نفوذ سیاسی و قلمی قابل توجهی داشت و تیراژ بزرگ این روزنامه به اهمیت آن می افزود. مقالات سیاسی رسولزاده در ایران نو شهرت فراوانی کسب کرد.\*

ولی احزاب سیاسی با احتیاجات اصلی اجتماعی و اقتصادی این دوره چندان رابطه‌ی نداشتند. یکی از علل مهم این بود که اکثریت مردم با وجود پیشرفت قابل ملاحظه‌ی که در فرهنگ و آموزش و پرورش پدید آمده بود هنوز در پیسوادی بصری بودند و ارتباطات جغرافیایی، عقب مانده و ابتدایی بود، در این دوره جز شهرهای بزرگ مثل تهران و تبریز در اغلب شهرستانها افکار عمومی آگاه و مصمم که در امور حزبی و سیاسی قاطع باشد، وجود نداشت. سستی رابطه افکار عمومی و احزاب سیاسی و مطبوعات اغلب سبب می شد اخبار مطبوعات شایعه محسوب شود و جدی تلقی نگردد. تا آنجا که یکی از ناظران این دوره نوشته « در تهران حداقل برای هر شایعه حقیقی بیست شایعه دروغ وجود دارد. » (۲)

اختلاف جهان بینی و افکار سیاسی متضاد رهبران این دوره التیام ناپذیر بود. هر دسته افکار سیاسی دسته مقابل را باعث عقب بودن کشور می دانست. دموکراتها علیه گروهی از روحانیان بودند و آنها را مانع مهمی در راه ترقیات و پیشرفت ایران می شمردند. در حقیقت یکی از مباحث اساسی این دوره اختلاف مشرب آزادینخواهان دموکرات و محافظه کاران روحانی بود. ملک الشعراى بهار در یکی از مقالات خود به شرکت روحانیان در امور سیاسی کشور اشاره کرد و نوشت: « در حکومت پارلمانی ما روزه خوانها سیاستمدار و سیاستمداران روزه خوان شده اند. » دیگر از نویسندگان این دوره که به مداخله سیاسی روحانیان اعتراض می کرد ابوالقاسم کمالزاده مدیر روزنامه «پژوهش» تهران بود. این مبارزات و اختلاف نظرها اغلب به جنگ و جدال می کشید و دسته مخالف، اداره روزنامه حزب دیگر را مورد حمله قرار می داد.

انشعاب و ائتلاف بین احزاب سیاسی رواج یافته بود. در سال ۱۹۲۱ گروهی از دموکراتها و اعتدالیون بهم پیوستگی پیدا کردند و حزب سوسیالیستی تشکیل دادند. ولی چندی نگذشت که این حزب به دو دسته منشعب شد و گروهی از اعضای جوان آن که با افکار سوسیالیستی همراه بودند اسم سوسیالیست را حفظ کردند و عده دیگر که تا حدی با افکار سوسیالیستی موافقت نداشتند و علیه روسها و کمونیستها بودند عنوان «اصلاحیون» را برای خود انتخاب کردند. اصلاحیون در افتتاح دوره چهارم مجلس شورای ملی اکثریت یافتند. البته واضح است که باهریک از ائتلافات و انشعابها روزنامه‌های مربوط نیز بستگی خود را از یک حزب به حزب دیگر عوض می‌کردند و رنگ سیاسی تازه می‌گرفتند. انقلاب اکتبر روسیه و پیروزی بلشویکها، در تحولات احزاب سیاسی ایران تأثیر داشت. تعداد زیادی از جمعیت‌ها و احزاب مختلف این دوره کلیشه‌ی احزاب سیاسی اروپا و شوروی بود. رهبران انقلاب روسیه مثل لنین شهرت قابل ملاحظه بین روشنفکران ایران پیدا کرده بودند.

در سال ۱۹۱۵ یک گروه انقلابی به نام اتحاد اسلام و به منظور رهایی ایران از نفوذ خارجیها به رهبری میرزا کوچکخان و با همکاری احسان‌الله خان و خالوقربان که از مجاهدان مشروطه بودند تشکیل شد. این عده روزنامه‌یی به نام «بامداد روشن» به مدیریت میرزا محمدعلی خان خراسانی منتشر کردند و مبارزه با قوای ارتجاعی را شعار خود قرار دادند. \* در میان این عده احسان‌الله خان از دیگران تندتر و افراطی‌تر و در حقیقت یک سوسیالیست به تمام معنی بود. تحت رهبری این گروه مبارزه علیه «ارتجاعیون» در استان گیلان شروع شد و تبلیغات آنها بین کشاورزان این استان قوت گرفت. دو سال بعد در ۱۹۱۷ فعالیت این عده به قیام جنگل معروف

شد و قیام جنگل علیه دولت مرکزی و قوای خارجی شورید. انقلاب بلشویکها در روسیه در این سال به قیام جنگل کمک کرد و رهبران این گروه مبارزه طبقاتی را هدف خود قرار دادند. در ۱۹۱۸ میرزا کوچک خان بسر گیلان استیلا یافت و توسط روزنامه «جنگل» بین کارگران و کشاورزان منطقه نفوذ کرد. سردبیر «جنگل» شخصی به نام میرزا محمد انشایی بود. جنگلی‌ها بعد دوروزنامه دیگر به نام «انقلاب سرخ» و «کمونیست» چاپ کردند\*. در مدت کوتاهی جنگلی‌ها فعالیت خود را به مازندران و سراسر منطقه دریای خزر توسعه دادند و علیه مالکان این مناطق جنگ دامنه‌داری راه انداختند. قیام جنگل تا سال ۱۹۲۱ ادامه داشت و در این تاریخ پس از آنکه حکومت شوروی قوای خود را از مناطق شمالی ایران به روسیه فراخواند قوای ایران به سوی گیلان و مازندران حرکت کرد و به حکومت میرزا کوچکخان جنگلی پایان داد.

بطوری که دیده می‌شود در این سالها فعالیت‌های سوسیالیستی به ایران راه پیدا کرده بود. یکی از روزنامه‌های مهم سیاسی این دوره به نام «تجدد» توسط شیخ محمد خیابانی رهبر حزب دموکرات ملی در تبریز به چاپ می‌رسید. خیابانی که مدتی نمایندگی مجلس شورای ملی را داشت سخنور و نویسنده توانایی بود. در اواخر انقلاب مشروطه، خیابانی به قفقاز مسافرت کرد و با انقلابیون آنجا آشنایی یافت. در سال ۱۹۱۴ خیابانی پس از پنج سال اقامت در قفقاز به تبریز بازگشت و در آذربایجان فعالیت خود را شروع کرد. خیابانی حزب دموکرات ملی را تأسیس کرد و عده قابل توجهی از روشنفکران و کارگران آذربایجان به گروه او ملحق شدند. در صفحات «تجدد» خیابانی مرام خود را که شامل قطع نفوذ خارجی خاصه انگلیس و تجدید نظر در حقوق مدنی ایران بود انتشار داد و خواستار اصلاحات اساسی در حکومت ایران شد و از جمله خواسته‌های او فرهنگ برای همه و برقراری

حکومت جمهوری در ایران بود .

فعالیت خیابانی در آذربایجان توسعه یافت و در سال ۱۹۲۰ قوای ۸۰۰ نفری پارتیزان او ادارات دولتی و ملی را در تبریز به تصرف در آورد و حکومت محلی ایجاد کرد . قوای ژاندارمری به قشون خیابانی ملحق شد و نهضت خیابانی به سایر شهرهای آذربایجان توسعه یافت . خیابانی علیه حکومت و ثوق الدوله در تهران که به عقیده او تحت نظر و نفوذ انگلیس کاری کرد ، به مبارزه پرداخت . باید بخاطر داشت که وثوق الدوله عاقد قرارداد معروف ۱۹۱۹ ایران و انگلیس بود و نفوذ انگلیس ها روز به روز در ایران افزایش پیدا می کرد . مطابق این قرارداد ، انگلیس نفوذ سیاسی و قضایی و اقتصادی خود را در ایران توسعه می داد و در عوض دولت ضعیف مرکزی تهران را در مقابل عوامل داخلی و خارجی حفظ می کرد . بهر صورت در سال ۱۹۲۰ قوای قزاق اعزامی مرکز به تبریز وارد شد و در مبارزه بی که در گرفت خیابانی کشته شد . ولی دو سال بعد گروهی از طرفداران خیابانی که خود را « خواستار آزادی و ضد استبداد » می شمردند به رهبری مازور لاهوتی از افسران ژاندارمری ، علیه قوای دولتی شوریدند . گروه لاهوتی با اینکه انقلابی و افراطی بود ولی در ارتباطات اجتماعی و گروهی خود از روزنامه و نشریه به عنوان وسیله چندان استفاده نکرد و انتشارات آنها از چندین جزوه کوچک تجاوز نمی کرد . در مقایسه با گروه لاهوتی ، روزنامه «تجدد» خیابانی یکی از بهترین روزنامه های سیاسی این دوره بود و موفق شده بود تعدادی از روشنفکران آن زمان مثل فیوضات و تقی خان رفعت ، مدیر مجله « آزادیستان » را با خود همراه کند و به نویسندگی روزنامه مشغول دارد .

اولین روزنامه دارای رنگ کمونیستی که مرتب از سوسیالیزم و جنبش کارگران سخن می گفت ، روزنامه یومیه « حقیقت » ارگان اتحادیه کارگران

در تهران بود. این روزنامه که در سال ۱۹۲۱ به چاپ رسید توسط اتحادیه کارگران که قسمتی از آنها از فعالیت جنگلیها در گیلان متأثر بودند، منتشر می شد. در تبریز نیز روزنامه‌یی به نام «تکامل» توسط اتحادیه کارگران آذربایجان به چاپ می رسید. فعالیت سوسیالیستی و دست چپی کارگران اغلب در شهرستانهای شمالی و مخصوصاً آذربایجان و گیلان بود و همانطور که ذکر شد پیروزی بلشویکها در روسیه اینگونه فعالیتها را در ایران دامن می زد. روزنامه «حقیقت» در حدود دوهزار تیراژ داشت و فعالیت اتحادیه کارگران و تبلیغات این روزنامه در بعضی از مذاکرات و قراردادهای کارگر و کارفرما تأثیر داشت. مثلاً یکی از اعضای اتحادیه، صنف کارگران چاپخانه‌ها بود که موفق شد برای کارگران خود ساعات کار مناسب و مزد قابل توجه کسب کند. یکی از حوادث کارگری آغاز این دوره اعتصاب کارگران چاپخانه‌ها در تهران بود که در سال ۱۹۲۰ صورت گرفت و در حقیقت اولین اعتصاب کارکنان فنی مطبوعات در ایران بشمار می رود. در یک هفته دوران اعتصاب، درگیری کارگران و کارفرمایان به جایی رسید که کارگران روزنامه‌یی به نام «کارگر» منتشر کردند و تقاضاهای مربوط به اضافه حقوق و سایر مزایای درخواستی خود را تبلیغ می نمودند.

در نتیجه انقلاب بلشویکها در روسیه، دامنه فعالیت گروه‌هایی که به مرام کمونیستی و سوسیالیسم گرایش پیدا کرده بودند، گسترش پیدا می کرد. مثلاً پس از انقلاب ۱۹۱۷ در روسیه، عده‌یی از ایرانیها که به گروه عدالت معروف بودند در باکو حزب کوچکی تشکیل دادند و موفق شدند در حدود ۶ هزار نفر عضو پیدا کنند. این عده تحت رهبری حیدرخان عمو اوغلی که یکی از انقلابیون افراطی دوره محمدعلی شاه بود به فعالیت پرداختند و برای مدتی کمیته‌های محلی خود را در تبریز و شهرستانهای شمالی دریای خزر و تهران تشکیل دادند. در دستوری که عمو اوغلی به اعضای کمیته حزب عدالت در تبریز و تهران فرستاد لزوم انتشار یک روزنامه و اهمیت

ارتباطات گروهی و اجتماعی تاکید شد. (۳) ولی به‌عللی این حزب نتوانست فعالیت مطبوعاتی خود را توسعه دهد و در ۱۹۲۲ سلطان‌زاده یکی از اعضای حزب اعتراف کرد که فعالیت گروه باشکست مواجه شده است و از این پس باید هدف عمده اعضا، صرف تشکیل و تبلیغ اتحادیه کارگران و اصناف شود.

روزنامه «حقیقت» یکی از مهم‌ترین جراید سوسیالیستی این دوره ایران به‌شمار می‌رفت.\* در ۱۷ سپتامبر ۱۹۲۲ روزنامه «پراودا» چاپ مسکو مندرجات روزنامه «حقیقت» را مورد تجزیه و تحلیل قرارداد و خواسته‌های این روزنامه را به شرح ذیل خلاصه کرد:

لغو حکومت نظامی، آزادی زندانیان سیاسی، انتشار مجدد تمام روزنامه‌های هابی که توسط دولت توقیف شده، لغو سانسور، آزادی عقاید و اجتماعات، قوانین جدید بین کارگر و کارفرما، تقسیم اراضی بین کشاورزان، بسط حقوق مدنی و برقراری مقررات برای مشاوران خارجی در ایران. روزنامه حقیقت چندین بار به علت عقاید «انقلابی» از طرف دولت‌ها توقیف شد.

در پاییز ۱۹۲۰ شهر باکو مرکز کنفرانس «کنگره خالق‌های آسیا و شرق» بود. این کنگره که توسط حکومت مسکو و کمونیست‌ها برگزار شد سعی کرد عوامل انقلابی و دست چپی و روشنفکران کشورهای شرقی و آسیایی را به پشتیبانی حکومت کمونیستی روسیه بسیج کند و از این طریق فکر انقلاب بلشویکی را رواج دهد. این کنگره که نمایندگان مختلف از مراکش تا منچوری در آن شرکت کرده بودند، موفق شد مجموعاً ۱۸۹۱ نماینده در باکو جمع کند که از آن جمع ۱۲۷۳ نفر کمونیست بودند. در این کنگره نمایندگان ایران دومین نمایندگی بزرگ کنگره را تشکیل می‌دادند و پس از ترکیه که در حدود ۲۳۵ نماینده داشت ایران دارای ۱۹۲ عضو بود. از این نمایندگان کشورهای مختلف دو نفر ایرانی

حیدر خان و سلطان زاده برای کمیته مرکزی کنگره انتخاب شدند. این دو نفر هم چنین به عضویت کمیته تبلیغات کنگره درآمدند. علیرغم اینگونه فعالیت‌ها در باکو، عوامل دست چپی ایران نتوانستند تبلیغات خود را توسط مطبوعات و روزنامه بطور مرتب و وسیع در ایران توسعه دهند و چنانکه خواهیم دید کمونیست‌ها تا سال ۱۹۳۰ فاقد فعالیت مطبوعاتی در ایران بودند. و در این مدت تبلیغات سیاسی و کمونیستی در ایران از طریق سفارت شوروی و سفیر آن دولت تئودور ورونتشین<sup>۱</sup> انجام می‌گرفت. (۴)

مطبوعات حزبی و سیاسی در سالهای بین ۱۹۱۲ و ۱۹۲۵ در میان اقلیت‌های مذهبی و ملی نیز رشد و نمو کرد. اقلیت ارمنه ایران دو دسته مختلف سیاسی داشت. دسته اول که فدراسیون انقلابی ارمنه بود و در شمال ایران فعالیت داشت. باقی مانده دسته انقلابی بود که به سال ۱۸۹۰ در شهر تفلیس تشکیل شده بود. عده‌ی از ارمنه که بدین گروه تعلق داشتند در ایران به فعالیت خود ادامه دادند و مخصوصاً تبلیغات انقلابی را بین ارمنه رواج می‌دادند. این عده روزنامه‌ی «آیق» یا «آراواد» یا صبح در تبریز منتشر کرد، بعدها روزنامه دیگری به نام «آیق» یا «آراواد» تاسیس نمود. گروه دیگر اعضای ارمنی حزب سوسیال دموکرات بودند که بسیار ملی و متعصب بودند و مدت‌ها در ژنو فعالیت داشتند. عده‌ی از روزنامه‌نگاران و مبلغان این دسته که در سالهای بعد از مشروطه به ایران آمدند، بین ارمنه فعالیت داشتند و روزنامه‌ی «زافنگ» و جریده دیگری به نام «بایکار» در تبریز منتشر می‌کردند. این دو گروه سیاسی همیشه باهم اختلاف داشتند و علیه یکدیگر مبارزه می‌کردند.

## جدول (۱)

## روزنامه‌های وابسته به حزب اعتدالیون

اسم روزنامه	مدیر و سردبیر	دوره انتشار	تاریخ تأسیس	محل چاپ
شورا	ناصرالاسلام گیلانی	دو بار در هفته	۱۹۱۴ میلادی	تهران
پیکار	حیدرعلی کمالی	هفتگی	۱۹۱۱ میلادی	تهران
تنبیه	معتضدالاطبا	هفتگی	۱۹۰۷ میلادی	تهران
پلیس ایران	جواد تبریزی و مرتضی قلیخان موید الممالک	روزانه	۱۹۰۹ میلادی	تهران
مجلس	محمدصادق طباطبائی	روزانه	۱۹۰۶ میلادی	تهران
وقت	حسین کسمائی	روزانه	۱۹۱۰ میلادی	تهران
عصر	میرزا آقای اصفهانی (اعتمادالملک)	هفتگی	۱۹۱۰ میلادی	تهران

## جدول (۲)

## روزنامه‌های وابسته به حزب دموکرات

اسم روزنامه	مدیر و سردبیر	دوره انتشار	تاریخ تأسیس	محل چاپ
ایران نو	مهدی افجه‌بی و محمد رسول‌زاده *	روزانه	۱۹۰۹ میلادی	تهران
بهلول	شیخ علی عراقی	هفتگی	۱۹۱۱ میلادی	تهران
چننه پابرهنه	محمود افشاردو اساز	هفتگی	۱۹۱۱ میلادی	تهران
میزان	فخر الواعظین کاشانی	هفتگی	۱۹۱۱ میلادی	تهران
نازه بهار	ملك الشعرای بهار	هفتگی	۱۹۱۱ میلادی	مشهد
نوبهار	ملك الشعرای بهار	دو بار در هفته	۱۹۱۰ میلادی	مشهد
شفق	میرزا حاجی آقا رضا زاده	هفتگی	۱۹۱۰ میلادی	تبریز
زاینده رود	مؤتمن الاسلام خوانساری	هفتگی	۱۹۰۹ میلادی	اصفهان
صدای رشت	احمد زاده	دو بار در هفته	۱۹۱۱ میلادی	رشت
رعد	سید علی و شیخ عبدالعلی	هفتگی	۱۹۱۱ میلادی	قزوین
فروردین	حبیب آقا زاده	هفتگی	۱۹۱۱ میلادی	رضائیه
کرمانشاه	فصیح المتکلمین	هفتگی	۱۹۰۹ میلادی	کرمانشاه
نجات	میرزا محمد خراسانی		۱۹۱۱ میلادی	تهران
شیدا	محمد ضیاء‌الدین	هفتگی	۱۹۱۱ میلادی	قسطنطنیه

## جدول (۳)

## روزنامه‌های وابسته به احزاب و گروه‌های مختلف

اسم روزنامه	مدیر و سردبیر	تاریخ تأسیس	وابسته به :
استقلال ایران	حسین خان کجالی	۱۹۱۰ میلادی	حزب اتفاق و ترقی
بامداد روشن	میرزا محمد علی خان بامداد	۱۹۱۵ میلادی	اعتدالی اجتماعيون
جنگل	میرزا کوچکخان	۱۹۱۶ میلادی	نهضت جنگل
انقلاب سرخ	زارع	۱۹۲۱ میلادی	عدالت
تجدد	شیخ محمد خیابانی	۱۹۱۸ میلادی	دمو کرات ملی
حقیقت	بهبهانی - دهگان	۱۹۲۰ میلادی	اتحادیه‌های کارگران
آراواد	داشناک	۱۹۱۹ میلادی	حزب داشناک ارمنه
(صبح)	(حزب ارمنی)		
آیق	داشناک	۱۹۱۲ میلادی	حزب داشناک ارمنه
	(حزب ارمنی)		
زانگ	هانچاک	۱۹۱۰ میلادی	حزب هانچاک ارمنه
	(حزب ارمنی)		
بایکار	هانچاک	۱۹۱۸ میلادی	حزب هانچاک ارمنه
	(حزب ارمنی)		
اتفاق کارگران	اتحادیه چاپ	۱۹۱۰ میلادی	اتحادیه کارگران چاپخانه

## مطبوعات و فعالیت عناصر خارجی

برای اینکه به فعالیت مطبوعات این دوره ایران پی ببریم باید عملیات و تبلیغات دول خارجی را در ایران مخصوصاً بین سالهای جنگ اول بین المللی مورد بررسی قرار دهیم. از دهه دوم قرن نوزدهم، خاور میانه شاهد فعالیت دامنه دار سه دولت بزرگ اروپایی روسیه، انگلیس، و آلمان بود. روشنفکران وعده قابل توجهی از آزادیخواهان ایران که از حرکات و عملیات روسیه و انگلیس در ایران خسته شده و نارضی بودند، عملیات آلمانیها را تا حدی تأیید می کردند. به همین جهت در اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم افکار عمومی در ایران مخصوصاً بین روزنامه نگاران ملی تا حدی طرفدار آلمان بود. ولی دولتیان وعده بی از شخصیت های برجسته کشر نفوذ آلمانیها را به ضرر منافع ملی ایران تشخیص دادند و از فعالیت آلمانیها در ایران نگران بودند، مثلاً شاهزاده عضد السلطنه در روزنامه «ایران نو» (شماره های ۳۴ و ۳۵، تاریخ ۱۶ اکتبر ۱۹۰۹) از آلمانیها انتقاد کرده در مقالاتی که نوشت آنها را متهم ساخت که قصد دارند با عملیات خود روسیه را به دخالت در امور ایران وادار کنند.

مندرجات روزنامه های تهران و تبریز چه ملی و چه دولتی در این دوره عموماً مربوط به فعالیت روسیه و انگلستان و آلمان در ایران است. شعرها و قصیده های سیاسی و فکاهی مختلفی در مطبوعات این دوره آمده که جای تحقیق و بررسی مخصوصی دارد.

در آستانه شروع جنگ جهانی اول اغلب روزنامه نگاران ایران طرفداری از آلمانیها را به پشتیبانی متفقین - روسها و انگلیسها - ترجیح دادند. علت این

امر تنها نفوذ صنعت و علوم و بازرگانی آلمانیها در اروپا و آسیا نبود بلکه از نظر ایرانیها، آلمانیها تنها نیروی قوی بودند که می توانستند از نفوذ متراکم و قدیمی انگلیس و روس در ایران جلوگیری کنند. باینکه ایران در این جنگ بیطرفی اعلام کرده بود، قسمتهای شمالی و جنوبی ایران در تسلط مستقیم و غیر مستقیم دول خارجی و میدان تبلیغات عناصر اروپایی بود. آن عده که از آلمان پشتیبانی می کردند از این بیم داشتند که اگر آلمانیها شکست بخورند ایران بین روسیه و انگلستان تقسیم شود و از این طریق مقاصد اصلی این دو دولت برای همیشه تامین گردد. نتیجه این شد که عناصر آلمانی به کمک طرفداران ایرانی و نیروی ژاندارمری که توسط سوئدیها تشکیل شده بود، پایگاههای تبلیغاتی چندی در استانهای جنوبی ایران بخصوص بین طوایف قشقایی ایجاد کردند. از طرفی روسها قسمت شمالی ایران را تصرف کردند و انگلیسها زیر فرمان سرپرسی سایکس<sup>۱</sup> تسلط خود را در چند استان جنوبی ایران استحکام بخشیدند.

سردسته عمال آلمانی که در ایران نفوذ کردند شخصی به نام واسموس<sup>۲</sup> بود که سابق سر کنسولگری آلمان را در ایران به عهده داشت. او در ایالات جنوب ایران طوایف مختلف را علیه انگلیس تحریک می کرد و مدتی همکاری قشقاییها را بدست آورده بود. مطبوعات ایالت فارس نیز به این ترتیب طرفدار آلمانیها بود در اثر فعالیت عناصر آلمانی و پشتیبانی مطبوعات و گروهی از آزادیخواهان به مدت کوتاهی حکومت مهاجر و جدا گانه بی در کرمانشاه تشکیل شد. مطبوعات تهران نیز از آلمانیها طرفداری کردند. گروهی از روشنفکران و دانشجویان نویسندگان ایرانی در آلمان بخصوص برلین به رهبری سید حسن تقی زاده فعالیت داشتند.

1- Sir Percy Sykes

2- Wassmuss

بنابراین جای تعجب نیست که وقتی خبر شروع جنگ جهانی اول به ایران رسید، مطبوعات و افکار عمومی تهران و شهرستانها بطور عام طرفدار و همدر آلمانیها بودند. متفقین - روسیه و انگلستان - از این وضع راضی نبودند و چندین بار به دولت و مطبوعات ایران التیماتوم دادند که از پشتیبانی آلمانیها دست بکشند. در نخستین روزی که قشون انگلیس و روس ایالات شمال و جنوب ایران را تصرف کرد، یادداشتی از طرف سفرای انگلیس و روس به دولت ایران داده شد که روزنامه‌های طرفدار آلمان و از جمله روزنامه «نوبهار» را که به دموکراتها تعلق داشت و علیه متفقین مقاله می‌نوشت، توقیف کنند. ملك الشعراى بهار در خاطرات خود ذکر می‌کند که چگونه اعضای دولت ایران یادداشت سفرای انگلیس و روسیه را برای او قرائت کردند و در نتیجه «نوبهار» توقیف و ملك الشعرا به خراسان تبعید شد. (۵) در اوایل جنگ تمام روزنامه‌های تهران جز «رعد» که سیدضیاءالدین طباطبائی می‌نوشت و «عصر جدید» که توسط متین الساطنه منتشر می‌شد. و هر دو طرفدار متفقین بودند. توقیف شدند و عده‌بی‌ازمدیران آنها همراه گروهی از نمایندگان مجلس شورای ملی دستگیر شدند و به زندان افتادند. عده‌بی‌از آزادیخواهان و نویسندگان وضع تهران را ناگوار دیدند و به قم حرکت کردند و در آنجا کمیته دفاع ملی تشکیل دادند. این کمیته از پشتیبانی نمایندگان اتریش و هنگری و يك آلمانی به نام شاهزاده وان ریوس<sup>۱</sup> بهره‌مند بود. (۶)

تا بهار ۱۹۱۶ اخبار ایران و فعالیت متفقین در ایران در مطبوعات اروپا و مخصوصاً انگلیس به تفصیل منعکس بود. ولی به مدت نوزده ماه از تاریخ ۲۱ آوریل ۱۹۱۶، یعنی موقعی که انگلیسها در بعضی از جبهه‌های جنگ شکست خورده بودند، تا ۴ دسامبر ۱۹۱۷ سانسور بسیار سختی توسط متفقین در ایران بوجود آمد و خبر نگاران خارجی کمتر خبری از ایران به خارج مخابره می‌کردند. بطوری که

در این مدت فقط يك يادو خبر مختصر راجع به ایران در روزنامه «تایمز» لندن چاپ شده بود. در تمام مدتی که جنگ جهانی اول ادامه داشت عناصر آلمانی و روسی و انگلیسی در تهران و شهرستانها فعالیت می کردند و می خواستند نویسندگان و روشنفکران ایران را اسوی خود جلب کنند.

سر کلارمونت سکرین<sup>۱</sup> یکی از دیپلماتهای انگلیسی در مشهد در خاطرات خود می نویسد پول قابل توجهی از طرف انگلیسها و روسها - بین بعضی از ایرانیها تقسیم شده بود. (۷) و سنت شی آن<sup>۲</sup> یکی از نویسندگان امریکایی این دوره به فساد و رشوه خواری در ایران اشاره کرده می نویسد هم متفقین و هم آلمانیها و همکاران آنها سعی می کردند نویسندگان و رؤسای دولتی و اداری را بایول فریب دهند و بخرند. (۸)

انقلاب ۱۹۱۷ کمونیستها در روسیه تاحدی وضع رقابت و حتی اتحاد روسیه و انگلیس را در ایران تغییر داد. حکومت انقلابی لنین، قرارداد قدیمی ۱۹۰۷ روس و انگلیس را در مورد ایران (به موجب این قرارداد ایران به دو منطقه نفوذ روس و انگلیس تقسیم شده بود) بی اعتبار دانست و روسها قوای خود را به مرزها عقب کشیدند. ولی در سالهای بعد از جنگ مخصوصا در سال ۱۹۲۰ بر سر حضور روسهای سفید در ایران تعدادی از ناوگان روسی به طرف دریای خزر و سواحل ایران حرکت کرد و بانهدت کوچکخان جنگلی در مازندران و گیلان همکاری نمود. در این موقع بود که روسها نماینده جدیدی به نام تئودور روتشتین به ایران فرستادند و این دیپلمات برای مدتها مسئول تبلیغات روسها در ایران شد. جالب اینجاست که روتشتین قبل از مأموریت دیپلماسی خود یکی از نویسندگان روزنامه «منچستر گاردین» چاپ انگلستان بود. (۹)

1- Sir Clarmont Skrine

2- Vincent Sheean

در سال ۱۹۲۱ به تدریج سانسور زمان جنگ خاتمه یافت و وضع مطبوعات تهران و شهرستانها به حالت عادی بازگشت. اکثر روزنامه نگاران و نویسندگان سیاسی که در مهاجرت و تبعید بسر می بردند بازگشتند و روزنامه های خود را منتشر کردند. مطبوعات این دوره رنگ ضدانگلیسی داشت. انقلاب کمونیستها در روسیه و شکست آلمانیها، میدان سیاسی را برای انگلیس بیش از پیش باز کرده بود و روزنامه های ملی که از این وضع راضی نبودند تا آنجا که می توانستند احساسات ضدانگلیسی خود را نشان می دادند. این وضع البته به نفع روسها بود و سفیر روسیه روستین از این حس ملی استفاده می کرد و مطبوعات ملی تهران را علیه انگلیسها تشویق می نمود. باید به خاطر داشت که دو سال قبل از این، یعنی در ۱۹۱۹ انگلیسها موفق شده بودند دولت ایران را به امضای قرارداد معروف کاپیتولاسیون مجبور کنند. \* به موجب این قرارداد انگلیسها تسلط سیاسی و قضایی در ایران ایجاد کرده امور اداری و دولتی مهمی برای خود در نظر گرفته بودند و قرار بود در مقابل دو میلیون لیره که به خزانه ایران پرداخت می کردند امور گمرکی، مالی و اداری تهران و برخی از شهرستانها را زیر نظر خود داشته باشند.

دولت و ثوق الدوله با این قرارداد موافقت کرد و در نتیجه مبارزه بزرگی بین ملیون و مطبوعات مخالف این قرارداد با کابینه و ثوق الدوله درگیر شد. این قرارداد در محیط خفقان آوری که و ثوق الدوله به قدرت حکومت نظامی وزندانی- کردن روزنامه نگاران ایجاد کرد، امضا شده بود، و جایی مخصوص در تحولات سیاسی اواخر سلطنت قاجار دارد. در اینجا همین قدر باید متذکر شد که در شوه خواری و فساد دولت که با پول و نفوذ انگلیسها همراه بود طوری افکار عمومی و مطبوعات را علیه قرارداد بسیج کرد که در اثر مبارزات ملیون و مقاومت مجلس شورای ملی

قراردادی که وثوق الدوله امضا کرده بود به تصویب مجلس نرسید .  
 مبارزه مطبوعات با وثوق الدوله یکی از مراحل شدید و تند روزنامه نگاری  
 اواخر قاجار بشمار می رود. سه روزنامه این دوره که مبارزات آنها سر و صدای بسیار  
 در تهران ایجاد کرد و بالاخره به درخواست سفارت انگلیس و به دستور دولت  
 وثوق الدوله توقیف شدند عبارت بودند از «ستاره ایران» به مدیریت میرزا حسین خان  
 صبا ، «توفان» به مدیریت شاعر معروف فرخی یزدی و «حقیقت» ارگان اتحادیه  
 کارگران تهران .

در چنین محیطی روشنتین سفیر شوروی از وضع استفاده کرد و از روزنامه -  
 نگاران ملی به ضرر انگلیسها پشتیبانی نمود و در چندین مرحله سفارت شوروی را  
 به مرکز تحصن روزنامه نگاران مخالف قرارداد در تهران تبدیل کرد .  
 بطوری که ملاحظه می شود ، روزنامه نگاری سیاسی و حزبی ، تشنجات  
 داخلی و رقابتهای دول خارجی ، وضع نامطلوب اقتصادی و مالی ایران ، ارتباطات  
 اجتماعی و مطبوعاتی این دوره را بسیار نامشخص و روزنامه نگاری و سیاست را  
 از هم دیگر تفکیک ناپذیر کرده بود .

سید ضیاءالدین :

از روزنامه نگاری تا نخست وزیری

پیر صداترین و سیاسی ترین روزنامه نگاران این دوره که با کمک و کوشش يك  
 افسر قزاق ایران به نام رضاخان در رأس کودتای سال ۱۹۲۱ ایران قرار گرفت و  
 به نخست وزیری رسید ، سید ضیاءالدین طباطبایی بود. پسر سید علی یزدی طباطبایی  
 که بعدها به سید ضیاء مشهور شد بسال ۱۸۸۸ متولد شد و روزنامه نگاری و  
 نویسندگی را با انتشار هفته نامه « ندای اسلام» به سال ۱۹۰۷ در شیراز آغاز کرد .

سیدضیاء در آن موقع فقط نوزده سال داشت. انقلاب مشروطه که یکسال قبل از انتشار روزنامه او تاحدی به نتیجه رسیده بود این روزنامه نگار جوان را تشویق کرد. سیدضیاء مقالات انقلابی و آزادیخواهانه اولیه خود را در ایالت فارس نوشت و شهرت قابل توجهی در آن منطقه بدست آورد. روزنامه «ندای اسلام» که روی کاغذ سبزرنگ منتشر می شد به قدری تند و انقلابی بود که مورد هجوم مخالفان مشروطه قرار گرفت و بر اثر فشار آن ها وی مجبور به مسافرت تهران شد\* . تا سال ۱۹۰۹ از سیدضیاء الدین خبری شنیده نمی شود تا اینکه در این سال روزنامه تازه بی به قطع بزرگ و به نام «شرق» در تهران منتشر می کند. روزنامه «شرق» به علت مقالات تند چندبار توقیف شد ولی این امر سیدضیاء الدین را از روزنامه نگاری و سیاست منصرف نساخت و او به فعالیتهای سیاسی خود ادامه داد. یکسال بعد به دنبال توقیف و تعطیل «شرق»، روزنامه دیگری به نام «برق» بطور روزانه منتشر کرد. این روزنامه که برای مدتی به حزب و جمعیت اتفاق و ترقی تعلق داشت بعدها بطور مستقل اداره می شد و بالاخره در سال ۱۹۱۶ از طرف دولت توقیف گردید و سید ضیا این بار روزنامه دیگری به نام «رعد» منتشر کرد. در جنگ جهانی اول این روزنامه یکی از دوروزنامه تهران بود که اجازه انتشار داشتند و از متفقین پشتیبانی می کردند.

در این دوره که اغلب روزنامه ها به احزاب و جمعیت های مختلفی بستگی داشتند، روزنامه های سید ضیاء الدین مستقل و منفرد بودند و او به تنهایی و باروش سیاسی خاص خود به روزنامه نویسی ادامه می داد. در سالهای بعد سیدضیاء الدین اداره روزنامه «رعد» را به یک ارمنی به نام «کسپر اپیکیان» واگذار کرد و با اینکه به یک مأموریت سیاسی دولتی در باکو رفته بود شهرت او در ایران قبل از کودتا و نصت وزیری از فعالیت روزنامه نگاری سرچشمه می گرفت و همه او را

به نام روزنامه نویس می شناختند . در سالهای قبل از کودتا روزنامه «رعد» توسط اپیکیان اداره می شد، و سیدضیا اغلب وقت خود را در بند و بست سیاسی می گذراند و روابط او با انگلیسها شایعات زیادی در افکار عمومی رواج داده بود.

از موقع برکناری محمد علیشاه در سال ۱۹۰۹ و تاجگذاری احمد شاه ، دربار ایران سال به سال ضعیف تر می شد و اداره مملکت از دربار و تهران به سیاستمداران و مالکان و رؤسای طوایف مختلف انتقال پیدا کرده بود. کابینه های متعددی که در دوره سلطنت احمد شاه تشکیل گردید و همه به علت ضعف سیاسی یا اقتصادی مجبور به استعفا و برکناری شدند نمودار این وضع بود. نفوذ خارجی ها در ایران و استیلای انگلیس در جنوب و روس در شمال ، این وضع را بیش از پیش رقت آور ساخته بود. بی آنکه به تفصیل به وضع سیاسی و اقتصادی دوران قبل از کودتا بپردازیم همین قدر باید خاطر نشان کرد این وضع نامطلوب محیط سیاسی را برای کودتا فراهم ساخت و بالاخره در شب ۲۰ فوریه ۱۹۲۱ قوای قزاق به فرماندهی رضاخان از قزوین وارد تهران شد و حکومت را بدست گرفت و سیدضیاء که عضو موثر سیاسی کودتا بود به نخست وزیری رسید. سید ضیا در این موقع سی و سه سال داشت .

نخست وزیری سید ضیا فقط نود روز طول کشید . ولی در این مدت سید که سالهای قبل برای آزادی مطبوعات مبارزه کرده بود، دستور توقیف روزنامه ها را داد و حکومت نظامی در تهران اعلام کرد و عده زیادی از روزنامه نگاران را به زندان کشید و برای مدتی تمام روزنامه های تهران را بست . رضاخان سردار سپه در نخست وزیری سید ضیا وزارت جنگ را داشت. روش نخست وزیری سید عده قابل توجهی از اطرافیان او را آزرده . او شخصیتی تکرار و خود پسند داشت و عملیات فردی و تند او نه تنها دشمنان بلکه دوستان و همکاران نزدیکش را دل سرد کرد و به

مبارزه با واداشت. مثلا در مدت نخست وزیری او امتیاز تمام روزنامه‌ها حتی روزنامه «رعد» لغو شد، و فقط روزنامه رسمی «ایران» که بودجه ده هزار ریالی داشت منتشر می‌شد. ترقی سید ضیا از روزنامه‌نویس جوان گمنام به نویسنده سیاسی معروف و سرانجام نخست وزیری، نماینده وضع روزنامه‌نگاری سیاسی و ارتباطات اجتماعی این دوره بود. در حقیقت می‌توان گفت روزنامه‌نگاری در این سال‌های مهم‌ترین و بهترین وسیله سیاسی بشمار می‌رفت. از وسایل ارتباط اجتماعی و سیاسی این دوره، یعنی احزاب سیاسی، مجلس شورای ملی، و مطبوعات. روزنامه‌نگاری مشخص‌ترین و معروف‌ترین وسیله تحصیل نفوذ و قدرت سیاسی در ایران بود.

روزنامه‌نگاری و نخست وزیری کوتاه‌نود روزه سید ضیاء که طی آن انقراض سلسله قاجار و تأسیس سلسله پهلوی پی‌ریزی گردید، با نخست‌وزیری قوام‌السلطنه پایان یافت. سید ضیا پس از استعفا، ایران را به سوی بغداد ترك کرد و از آنجا عازم شهر حیفا در فلسطین شد و مدت بیست سال یعنی تا سال ۱۹۴۱ که ایران به اشغال متفقین درآمد آنرا و گوشه‌گیری را بر فعالیت سیاسی ترجیح داد و از روزنامه‌نگاری و سیاست دست کشید.

### انگیزه روزنامه‌نگاران و نویسندگان

سال‌های بعد از جنگ اول بین‌المللی روزنامه‌نگاران و نویسندگان ملی‌خاص به خود دید. این گروه انگیزه‌های مشترکی داشتند و اغلب آزادیخواه و متعصب و اصلاح طلب بودند و جرگه بزرگی از روشنفکران این دوره ایران را تشکیل می‌دادند. یکی از خصال این گروه روش غیر مذهبی آنها بود. ولی بطور کلی وطنخواه بودند و احساسات ملی، فردگرایی و فلسفه مخصوص به خود داشتند.

مهمترین و موثرترین روزنامه‌های این دوره «شفق سرخ» بود که به مدیریت علی دشتی منتشر می‌شد. دشتی که به خانواده‌ی روحانی بستگی داشت و تحصیلات خود را در کربلا و عراق گذرانده بود از این دسته روشنفکران روزنامه‌نگار بود. او تحصیلات مذهبی را در جوانی ترک کرد و به روزنامه‌نگاری و فعالیت اجتماعی رو آورد. دشتی در آغاز ضد انگلیسی بود و تمایلات اجتماعی و سوسیالیستی داشت و حتی مدتی از سیاست شوروی طرفداری می‌کرد. بطوری که در سال ۱۹۲۷ در جشن ده ساله انقلاب روسیه شرکت کرد. ولی در سالهای بعد روش سیاسی او به تدریج عوض شد و بالاخره به مجلس شورای ملی راه یافت و به نمایندگی رسید. «شفق سرخ» که حاصل اندیشه‌های او بود بین روشنفکران و تحصیل کرده‌ها و جوانها طرفداران بسیار داشت. دشتی به ادبیات و فلسفه و منطق علاقه فراوانی داشت. وی تعدادی از کتابهای اروپایی از جمله «رازنفوق انگلوسا کسون» را که یکی از نویسندگان فرانسه نوشته، به فارسی ترجمه کرد که مورد استقبال محافل ادبی ایران قرار گرفت.

مقاله‌های او در شفق سرخ نامش را در محافل سیاسی بر سر زبانها انداخت و روز به روز بر شهرت وی افزوده شد. بر اثر این مقالات و مبارزاتی که در کابینه‌های وثوق‌الدوله و قوام‌السلطنه نمود، روزنامه او چندین بار توقیف شد و بالاخره خود وی برای مدتی به زندان رفت. در دوره زندان، دشتی خاطرات ادبی و سیاسی خود را تحت عنوان «ایام محبس» به نگارش درآورد. پس از انقراض سلسله قاجار و تأسیس سلسله پهلوی، دشتی به تدریج از نویسندگی سیاسی دست کشید و برای مدت طولانی یعنی تاجنگ دوم جهانی و اشغال ایران به نویسندگی ادبی مشغول شد و روزنامه «شفق سرخ» نیز تا سال ۱۹۳۴ توسط دوست او میرزا یدالله خان مایل تویسرکانی که مدتی عضو هیأت نویسندگان روزنامه «ستاره ایران» بود، منتشر

می‌شد. نوشته‌های بعدی دشتی بطور کلی در قلمرو داستان پردازی و سپس تحقیق ادبی است و کتاب «فتنه» که يك داستان عشقی است از معروفترین رمانهای وی بشمار می‌رود.

یکی از روزنامه نگاران ملی این دوره میرزاده عشقی مدیر روزنامه هفتگی «قرن بیستم» بود. عشقی در حقیقت روزنامه نگاری انقلابی و شاعری سیاسی بود. او که تحصیلات عالی خود را در دانشگاه استانبول در ترکیه تمام کرده بود، در سال ۱۹۱۸ به ایران بازگشت و به روزنامه نگاری پرداخت\*. یکی از همکاران و نویسندگان «قرن بیستم» عباس میرزا اسکندری مدیر روزنامه «سیاست» بود که بعدها در تشکیل حزب توده ایران فعالیت موثری داشت\*\*. میرزاده عشقی تمایلات کمونیستی نداشت بلکه روزنامه نگار جوان ملی و متعصبی بشمار می‌رفت که با دولت‌های آن زمان در جنگ وجدال قلمی بود. او سلیقه و روش سیاسی مخصوص به خود داشت و در سال ۱۹۲۳ که سردار سپه، نخست وزیر شد، عشقی روزنامه خود را مرکز حملات و مبارزات علیه سردار سپه قرارداد. چندین بار روزنامه او توسط کابینه‌های متعدد این دوره توقیف شد، هنگامی که صحبت بر کناری احمدشاه و انقراض سلسله قاجار پیش آمد، عشقی مقالات متعددی علیه فکر حکومت جمهوری در ایران نوشت و یکی از روزنامه نگاران پرسرصدای این دوره بود. علاوه بر نویسندگی سیاسی و سرودن شعر، میرزاده عشقی نماینده‌های متعددی نوشت و آثار ادبی او مورد استقبال هنرمندان و محافل ادبی قرار گرفت. فعالیت روزنامه نگاری سیاسی کوتاه او با تشنجات و جنگ وجدالهای سیاسی داخلی همراه بود. عشقی در سی و يك سالگی توسط شخص ناشناسی در خانه خویش هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد.\*\*\*

یکی از روزنامه نگاران و شعرای سیاسی و افراطی این دوره محمد فرخی

یزدی مدیر روزنامه «توفان» چاپ تهران بود. فرخی سالهای اول فعالیت سیاسی را در زادگاه خویش، شهر یزد، به سربرد و در آنجا به سرودن شعر و تبلیغ آزادی مشغول شد. بعدها فرخی تحصیلات خود را در یزد قطع کرد و عازم تهران شد.\*

انقلاب بلشویکها در روسیه در فکر و نویسندگی او تأثیر گذاشت. فرخی به سال ۱۹۲۱ میلادی روزنامه «توفان» را منتشر کرد و پشتیبانی از توده‌ها و مردم و کارگران و کشاورزان را شعار خود قرار داد. افکار سوسیالیستی او در این دوره روزنامه «طوفان» را به عنوان یک روزنامه طرفدار روسیه جلوه می‌داد و در اختلاف و تبلیغات داخلی روسیه و انگلیس در ایران او طرفدار روسها بود. بطوری که وقتی روزنامه «توفان» به علت مقالات تندی که علیه سیاست انگلیس در ایران نوشته بود توقیف شد، فرخی به سفارت شوروی پناه برد و تحت حمایت روسها قرار گرفت. فرخی خود از این وضع راضی نبود و فعالیت و رقابت دول خارجی مخصوصاً ضعیف بودن دولت ایران را باعث اصلی طرفداری خود از روسها می‌دانست. به عقیده فرخی تنها با حمایت و پشتیبانی شورویها امکان فعالیت و ادامه مبارزه وجود داشت. در مدت هفت سالی که «طوفان» منتشر می‌شد روزنامه فرخی پانزده بار توقیف شد و چندین بار اداره این روزنامه و خود فرخی مورد حمله مخالفان قرار گرفتند. فرخی بالاخره در اوایل سلطنت رضا شاه کبیر به نمایندگی یزد انتخاب شد و در مجلس شورای ملی به فعالیت سیاسی خود ادامه داد. ولی اختلاف او و رضا شاه اجتناب ناپذیر بود. بالاخره فرخی ایران را به سوی اروپا ترک کرد و تا سال ۱۹۳۲ در خارج از کشور بود. پس از مراجعت به ایران تحت نظر قرار گرفت و در سال ۱۹۳۵ زندانی شد. سه سال بعد فرخی در زندان تهران درگذشت.\*\*

## مجلات و روشنفکران و متجددها

قبل از جنگ جهانی اول مجموعاً بیش از ده یا پانزده نشریه که صورت مجله داشته باشد، در ایران منتشر نشده بود. همانطوریکه در فصول قبل دیدیم بسیار مشکل بود که بین کتاب و جزوه و مجله در مطبوعات قبل از مشروطیت ایران تفاوتی قایل شد. مجله به روش جدید هنوز در ایران متداول نبود. علاوه بر این چندین مجله علمی و ادبی هم که منتشر شد، به علت هزینه فوق العاده و نبودن خواننده و تیراژ قابل توجه، تعطیل گردید. نمونه اینگونه مجلات، نشریه‌یی به نام «بهار» بود که در ۶۵ صفحه به مدیریت یوسف اعتصام الملک بطور ماهانه در تهران به سال ۱۹۱۱ منتشر می‌شد. پس از پایان جنگ جهانی اول و به علت تحولات ادبی و سیاسی و اقتصادی که در ایران و ممالک همسایه حاصل شده بود، بازار مناسبی برای نشر مجله پیدا شد و در دهه دوم قرن بیستم در حدود ده مجله علمی و سیاسی و اجتماعی مختلف به زبان فارسی منتشر می‌شد که وسیله ارتباط فکری و اجتماعی بین روشنفکران و متجددهای ایران بود. مندرجات این مجلات اغلب به مسائل سیاسی و اجتماعی عصر اختصاص داده شده بود و ناشران و نویسندگان و مدیران آنها شخصیت‌های فرهنگی و علمی و اجتماعی آن دوره را تشکیل می‌دادند.

یکی از پیشقدمان مجلات ادبی این دوره وحید دستگردی بود که مجله «ارمغان» را منتشر کرد. این مجله در سال ۱۹۱۹ در تهران تأسیس شد و شماره‌های اولیه آن حاوی مقالات تاریخی و ادبی خاص ایران و گاه گزیده‌یی از آثار ادبی کشورهای اروپا بود. مجله «ارمغان» به منزله سنگر شعر و ادب قدیم ایران در برابر موج فرهنگی اروپا بود و مهم‌ترین نقش را در ارتباط فکری بین شعرا و

ادبای سنت گرای این دوره به عهده داشت. این مجله در ۳۴ صفحه آغاز انتشار کرد و دوره اول آن که به مدت ۲۵ سال و بطور ماهانه منتشر می شد، از منابع تحقیق ادبی و تاریخی گذشته ایران بشمار می رود.

بعضی از مجلات این دوره ایران در خارج از کشور چاپ می شد و بین تحصیل کرده ها و روشنفکران ایرانی خارج و داخل کشور خوانندگان با ایمان و پراعتقادی داشت. در میان نویسندگان این دوره که در انتشار و نویسندگی اینگونه مجلات فعالیت داشتند دو شخصیت سرشناس سید حسن تقی زاده و حسین کاظم زاده را باید نام برد. عبدالله رازی یکی دیگر از نویسندگان فعال ایرانی مقیم خارج بود. تقی زاده که در انقلاب مشروطه اوایل قرن بیستم فعالیت داشت در یک خانواده مذهبی متولد شده بود. وی پس از گذشت پدرش وارد مدرسه میسیون آمریکایی تبریز شد. فعالیت تقی زاده در جریان مشروطه و تشکیل مجلس شورای ملی او را یکی از رهبران حزب دموکرات کردولی قبل از شروع جنگ جهانی اول به علت اختلافاتی که بین او و عده‌ی از رهبران حزب دموکرات پیش آمد، به اروپا رفت و مدت چند سالی در آلمان و برلین اقامت کرد.\* تقی زاده در آلمان با دختری آلمانی ازدواج کرد و مدت جنگ را در اروپا بسر برد و در برلین با همکاری سایر ایرانیها مجله «کاوه» را منتشر ساخت. اولین شماره «کاوه» در ۲۴ ژانویه ۱۹۱۶ و آخرین شماره دوره اول آن به تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۱۹ طبع شد. دوره اول مجله اغلب دو هفته یکبار منتشر می شد و حاوی مطالب سیاسی و ادبی و اجتماعی بود. شش ماه پس از تعطیل دوره اول مجله، تقی زاده دوره دوم «کاوه» را به نام «کاوه جدید» در ۲۲ ژانویه ۱۹۲۰ در برلین منتشر کرد. دوره دوم «کاوه» ماهانه انتشار می یافت این دوره بیشتر به مقالات ادبی و اجتماعی اختصاص داشت.

از جنبه ترویج افکار اروپایی و طرز فکر روشنفکران ایرانی، دوره اخیر

مجله «کاوه» قابل تجزیه و تحلیل اجتماعی است. در سرمقاله اولین شماره دوره دوم کاوه، تقی زاده سیاست عمومی مجله را بیان کرده است و یادآوری می کند دوره اول مجله «کاوه» در زمان جنگ منتشر شد و اکنون که جنگ خاتمه یافته است و دوره صلح در پیش است این نشریه باید سعی و کوشش خود را به موضوعات ادبی و اجتماعی اختصاص دهد. سرمقاله «کاوه» سپس ایرانیهای داخل و خارج کشور را به سه موضوع مهم روز متوجه می کرد: اول اینکه ایرانیها باید تمدن و ظواهر علم و صنعت جدید اروپا را بی هیچ قید و شرط تحصیل و قبول کنند. دوم اینکه در اروپایی کردن خود، ایرانیها باید زبان فارسی و ادب قدیم ایرانی را حفظ کنند و در ترمیم و بسط آن بکوشند. و سوم اینکه ایرانیها باید در ترویج و بسط افکار فلسفی، صنعتی و علمی اروپاییها و تأسیس مدارس و دانشگاهها و مراکز فرهنگی به شیوه اروپایی فرصت را مغتنم شمارند و در این امر پیشقدم شوند.

در حقیقت مندرجات «کاوه جدید» که نماینده طرز فکر بسیاری از روشنفکران ایرانی مقیم اروپا بود جلوه بی از اروپایی شدن فکر ایرانیها در این دوره است. این عده عقیده داشتند با ترویج فرهنگ اروپایی و مخصوصاً علم و صنعت غرب بسیاری از دردهای اجتماعی و اقتصادی ایران دوا خواهد شد. از این نظر برای دانشجویان و جامعه شناسان ایرانی دوره «کاوه جدید» و مجلات همردیف آن یکی از مأخذ جالب توجه تاریخ توسعه افکار اروپایی در ایران بشمار می رود. مجله «کاوه جدید» در دسامبر ۱۹۲۱ تعطیل شد. (۱۰)

مجله «ایران شهر» کاظم زاده یکی دیگر از نشریات ایرانی متجدد و مروج فرهنگ غرب در این دوره بشمار می رود. «ایران شهر» تیراژ بیشتر و گسترش انتشاری بین روشنفکران این دوره داشت و مندرجات آن اغلب در زمینه فرهنگ اروپایی بود و مقالات تاریخی و فلسفی آن توجه خواننده را به ایران قبل از اسلام

جلب می کرد. «ایران شهر» در حقیقت سخنگو و مبلغ فکر کاظم زاده بود و در اروپا و ایران طرفدار و خواننده بسیاری داشت. کاظم زاده و طرفدارانش مدتی در زوریخ (سوئیس) جمعیت فلسفی مخصوصی تشکیل داده به بحث و انتقاد اجتماعی و ادبی و فلسفی مشغول بودند. کاظم زاده به ایران برگشت و تا سال ۱۹۶۲ که در اروپا در گذشت، مشغول تحقیق و نوشتن بود و مجموعاً در حدود سی کتاب چاپ و منتشر کرد.

مجله «رستاخیز» چاپ قاهره که توسط رازی منتشر می شد در ردیف اینگونه نشریات است. این مجله ماهانه بود و اولین شماره آن به نام «سودمند» در سال ۱۳۰۵ در مصر منتشر شد. رازی در رشته های حقوق و تاریخ و فلسفه تحصیل کرده بود و در شمار روشنفکرانی بود که نفوذ شدید روحانیان را سبب عقب ماندگی ایران می دانستند. او فساد سیاسی و اجتماعی ایران را در نتیجه ائتلاف این عده با مالکان و اشراف دولتی ایران می شمرد. رازی بعدها اسم مجله خود را به «عصر پهلوی» تغییر داد و در سال ۱۳۰۸ یا ۱۳۰۹ که به تهران بازگشت مدتی آنرا در تهران منتشر کرد این مجله ۶۵ صفحه داشت و تا سال ۱۹۳۰ در ایران منتشر می شد.

در میان مجلاتی که در ایران منتشر شد باید از مجله «شرق» یاد کرد. مدیر و سردبیر این مجله سعید نفیسی بود، و «شرق» را با همکاری محمد رمضان از ناشران تهران، در سال ۱۹۳۴ میلادی به صورت ماهانه و در ۳۶ صفحه انتشار داد. مندرجات این مجله در مقایسه با «ارمغان» تنوع بیشتری داشت و مقالات فرهنگی و اجتماعی و هنری مختلف در آن بود. از شرق در مجموع ۱۴ شماره چاپ شد ولی در حدود ۳۶ تن از نویسندگان مختلف ایران در آن مقاله و اثر داشتند. سعید نفیسی در سالهای بعد همت و کوشش خود را صرف تحقیق در ادبیات ایران کرد. و به تدریج از روزنامه نگاری ادبی به استادی و تحقیق کشیده شد. لغت نامه فرهنگ فرانسه

فارسی و همچنین چندین داستان ادبی از جمله « فرنگیس » از کارهای بعدی اوست . \*

### روزنامه نگاری و روابط اجتماعی بین زنان

عموماً تا انقلاب مشروطه زنان نقش مهم و قابل توجهی در امور اجتماعی و سیاسی کشور نداشتند .

انقلاب مشروطه نه تنها تحول فکری و اجتماعی در مردان ایران ایجاد کرد بلکه در میان زنان ایران نیز آگاهی قابل توجهی ایجاد نمود . مثلاً در سالهای انقلاب مشروطه مخصوصاً در تبریز و تهران زنان در امور سیاسی و تشکیل انجمن‌های سری و در تظاهرات و تشکیلات ملی و آزادیخواهانه شرکت داشتند . در سال ۱۹۰۹ روزنامه « جبل المتین » عکسی چاپ کرد که در میان فداییان مشروطه چند زن لباس مردانه پوشیده تفنگ به دست درگیر مبارزه بودند و یکی از آنها کشته شده بود . در تهران در حدود شش انجمن سیاسی و سری از زنان تشکیل بود، که با انجمنهای انقلابی دیگر همکاری داشتند . در سال ۱۹۰۸ وقتی که معلوم شد محمد علیشاه تصمیم به انحلال مجلس گرفته است و از روسها کمک می‌طلبد، در حدود سیصد نفر از زنان در مقابل بهارستان به تظاهرات و اعتراض پرداختند . در ۱۹۱۰ وقتی که دولت ایران قرضه ملی منتشر کرد، اغلب زنان ایرانی جوهرات و دارایی خود را فروختند و به دولت ملی کمک کردند . این فعالیتها به قدری در فکر «مورگان شوستر» کارشناس مالی آمریکایی اثر داشت که او در خاطرات خود نوشت: « زنان ایران از سال ۱۹۰۷ ( اعطای مشروطیت ) به بعد در شمار متجددترین ... زنان دنیا درآمده‌اند . اینکه این امر با عملیات بی اثر آنها در قرون سابق مغایرت

دارد، بی‌تأثیر است. این يك حقیقت است. \* (۱۱)

انقلاب مشروطه باعث شد چندین مدرسه دخترانه در تهران و شهرستانها تأسیس شود. در سال ۱۹۱۳ در حدود ۲۵۰۰ دانش آموز دختر در مدارس مختلف به تحصیل مشغول بودند. در حدود ده سال بعد این عده به ۱۷/۱۹۲ نفر رسید. (۱۲) به این ترتیب انقلاب مشروطه ایران بنیاد روزنامه‌نگاری و دانش و فرهنگ را بین زنان ایران توسعه داد.

خانم کحال، زن دکتر حسین خان کحال اولین روزنامه‌نگار زن ایرانی بود که نشریه «دانش» را به سال ۱۹۱۰ (۱۳۲۸ هجری) در تهران منتشر کرد. این نشریه که بطور غیر منظم منتشر می‌شد انحصار به زنان داشت. در واقع این دو روزنامه‌نگار، یعنی زن و شوهر، هر دو در مطبوعات و انتشارات فعالیت داشتند. بطوری که قبلاً دیدیم دکتر کحال روزنامه «استقلال ایران» را منتشر می‌کرد. دکتر کحال مدتی نیز روزنامه‌یی به زبان فرانسه منتشر کرد که به زودی تعطیل گردید و فقط سه شماره از آن چاپ شد. بنابراین خانواده کحال در سال ۱۹۱۰ در فعالیتهای روزنامه‌نگاری خود سه روزنامه مختلف چاپ می‌کردند که «دانش» یکی از آنها بود.\*\*

سه سال بعد در ۱۳۳۱ هجری - ۱۹۱۳ میلادی مریم عمید - مزین السلطنه دومین روزنامه مخصوص بانوان را به نام «شکوفه» در تهران منتشر کرد. او دختر سید رضی رئیس اطبا پزشک معروف قشون بود، و دو مدرسه دخترانه نیز در تهران تأسیس کرد. همچنین اولین انجمن زنان ایران را بوجود آورد. روزنامه شکوفه که «توسط بانوان و برای بانوان» چاپ می‌شد به مدت شش سال به انتشار خود در

تهران ادامه داد و بامر گک خانم مزین السلطنه تعطیل شد .  
 بطور خلاصه از انقلاب مشروطه تا سال ۱۹۲۵ در حدود ده روزنامه و مجله  
 مختلف توسط زنان در ایران منتشر شد و نویسندگان زن همچنین در هیأت نویسندگان  
 سایر روزنامه‌ها کم و بیش فعالیت داشتند . یکی از زنان نویسنده فعال این دوره  
 صدیقه دولت آبادی بود . او روزنامه « زبان زنان » را در سال ۱۳۳۷ هجری -  
 ۱۹۱۹ در اصفهان منتشر کرد . این روزنامه که سالها به انتشار خود ادامه داد  
 طرفدار آزادی و توسعه فرهنگ بین زنان کشور بود . خدمات سیاسی این روزنامه  
 در مرحله امضای قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق الدوله و مخالفتی که این نشریه با نفوذ  
 انگلیس‌ها در ایران کرد، درخشان بود . در حقیقت « زبان زنان » به تنهایی مبارزه  
 مطبوعاتی با قرارداد ۱۹۱۹ را در اصفهان به عهده داشت . مبارزات صدیقه دولت  
 آبادی برای بیداری زنان با مخالفت محافل مذهبی اصفهان روبه‌رو شد و اداره  
 روزنامه‌اش را بیش از دو بار سنگباران کردند و سرانجام روزنامه‌اش توقیف شد .  
 در ۱۹۲۱ دولت آبادی اصفهان را به سوی تهران ترك کرد و « زبان زنان » را  
 به صورت مجله در تهران انتشار داد .

تعدادی از روزنامه‌ها که توسط زنان بین‌سالیهای بعد از مشروطه در تهران و شهرستانها منتشر شد

اسم روزنامه	مدیر و سردبیر	تاریخ تأسیس	دوره انتشار	محل انتشار
دانش	خانم کحال	۱۳۲۸ هـ - ۱۹۱۰ م	غیر منظم	تهران
شکوفه	مریم مزین السلطنه	۱۳۲۱ هـ - ۱۹۱۳ م	دو هفته یکبار	تهران
زبان زنان	صدیقه دولت آبادی	۱۳۲۷ هـ - ۱۹۱۹ م	دو هفته یکبار	اصفهان
نامه بانوان	شهناز آزاد	۱۳۳۸ هـ - ۱۹۲۰ م	دو هفته یکبار	تهران
عالم نسوان	نوابه صفوی	۱۳۳۸ هـ - ۱۹۲۰ م	دوماه یکبار	تهران
جهان زنان	فخر آفاق پارسا	۱۳۳۹ هـ - ۱۹۲۱ م	دو هفته یکبار	مشهد
نسوان وطن‌خواه	محترم اسکندری	۱۳۰۲ ش - ۱۹۲۳ م	غیر منظم	تهران
نسوان شرق	مرضیه خانم صرایی	۱۳۰۴ ش - ۱۹۲۵ م	دو هفته یکبار	بندرعباس

«جهان زنان» یکی دیگر از نشریات معروف این دوره بود. این نشریه که هر دو هفته یکبار در مشهد منتشر می‌شد به مدیریت فخر آفاق پارسا در سال ۱۹۲۰ تأسیس گردید و شوهر او فخرالدین پارسا مدتی کارمند روزنامه «پلیس ایران» بود. که بعدها روزنامه ارشاد شد. درعین حال برای روزنامه‌های شهرستانها از جمله «نوبهار» خبرنگاری می‌کرد و مدتی با روزنامه رعد همکاری داشت. و هم چنین مجله‌یی به نام «راهنمای تجارت ایران» منتشر کرد که بعدها به نام «عصر جدید» چاپ می‌شد. در «جهان زنان» فخر آفاق پارسا آزادی زنان و عوض کردن لباس و برداشتن چادر را موضوع مطالب خود قرارداد و از آنها سخن گفت. این روزنامه بادقت فراوانی تنظیم و چاپ می‌شد، بطوری که مدیر آن برای هر اشتباه دستور زبان یا غلط چاپی که خوانندگان در آن مجله پیدا می‌کردند جایزه تعیین کرده بود و این وسیله تبلیغی برای روزنامه بشمار می‌رفت. روزنامه «جهان زنان» چندین بار توقیف شد و به بی دینی متهم گردید. مبارزه این زن و شوهر به قدری محکم و استوار بود که چون مخالفان آنها موفق به جلوگیری از کارشان نشدند، هر دو را به استانهای جنوب مرکزی تبعید کردند.

بطوری که دیده می‌شود، سالهای بعد از مشروطه و مخصوصاً سالهای بعد از جنگ جهانی اول، شاهد فعالیت قابل توجه‌ده‌یی از روزنامه‌نگاران و نویسندگان زن ایران بود. از خصوصیات این دوره اینست که عده قابل ملاحظه‌یی از روزنامه‌نگاران زن در خانواده نویسنده‌گان و کسانی که به روزنامه‌نگاری معروف بودند شروع به فعالیت کردند و عموماً آزادی طلب و خواستار فرهنگ و دانش و افکار جدید برای طبقه زنان بودند. روزنامه‌نگاری زن و شوهری یا فامیلی یکی از مظاهر ارتباطات اجتماعی این دوره است.

## روابط مطبوعات با دولت و و با احمد شاه

درسالهای بین ۱۹۱۲ تا ۱۹۲۵ روابط بین دولت و مطبوعات از یک طرف و مطبوعات و احمد شاه از طرف دیگر بحرانی بود. دولتها و کابینه‌های مختلف این دوره نسبت به انتقاد و مندرجات مطبوعات حساسیت بسیار نشان می‌دادند. مطبوعات حزبی و مستقل این دوره نیز تند و خشن، و پراقتقاد بود. از طرفی دولتهای قبل و بعد از جنگ جهانی اول بطور کلی با عمر کوتاهی که داشتند و با نفوذ و رقابتی که بین دول بزرگ در ایران موجود بود ضعیف و ناتوان بودند. احمد شاه نیز پادشاهی ضعیف بود و در مقابل فشارهای داخلی و خارجی عجز نشان می‌داد. نتیجه این بود که جنگ و جدال سیاسی و خصوصی شدیدی بین مطبوعات و دولت و مطبوعات و احمد شاه بوجود آمد و در این جریانات همیشه مطبوعات با توقیفهای مکرر که از آنها می‌شد از پادرمی آمدند.

مثلاً در سال ۱۹۱۴ در کابینه مستوفی الممالک تمام روزنامه‌های تهران جز «ایران» چندین بار توقیف شد. همانطور که دیدیم در نخست وزیری نود روزه سید ضیاء الدین او نیز چنین سیاستی نسبت به مطبوعات پیش گرفت. بعدها در کابینه قوام السلطنه که سردار سپه سمت وزیر جنگ را داشت تعداد زیادی از روزنامه‌ها توقیف شد و بسیاری از روزنامه نگاران و نویسندگان به زندان و تبعید فرستاده شدند. در این دوره سیزده ساله کابینه‌های مختلف برای مقابله و مبارزه با مطبوعات و گاهگاهی برای جلوگیری از سوء استفاده از آزادی مطبوعات، سعی کردند قوانینی به تصویب برسانند. قسمتی از این مقررات که برای تصویب و بحث به مجلس شورای ملی برده شد عبارت بود از: (۱) سانسور قبل از چاپ

مطبوعات از طرف دولت، (۲) محاکمه مطبوعات و روزنامه نگاران بی‌هیأت منصفه، (۳) اعطای اختیار به کابینه و نخست وزیر در توقیف و لغو امتیاز روزنامه‌ها.

دو علت اصلی، باعث این اختلاف دامن‌دار و طولانی دولت و مطبوعات شد و بر آتش دشمنی روزنامه نگاران و دولت دامن زد. یکی ضعف دولت مرکزی ایران در مقابل خارجیها مخصوصاً انگلیسی‌ها و امتیازاتی که به دول خارجی می‌داد. دیگر کودتای سیدضیاءالدین و بی‌اعتنایی احمد شاه به امور داخلی و مسافرت او به اروپا و هم چنین قدرت روز افزون سردار سپه - که اختلاف نظرها و اغراض فردی و حزبی و سیاسی را به میان آورد و مطبوعات را بیش از پیش خشمگین و جسور کرد. قسمتی از مطبوعات علیه احمد شاه و قسمتی علیه سردار سپه مبارزه می‌کردند. مثلاً در ۱۹۲۲ میلادی موسوی زاده مدیر روزنامه «قیام» و ابراهیم ضیاءالواعظین مدیر روزنامه «ایران آزاد» به علت مقالات تندی که علیه احمد شاه نوشتند اولی به محاکمه دعوت شد و دومی تبعید گردید. \*

خروش مطبوعات، توأم با جنک و جدال خصوصی و رقابت‌های سیاسی بازیگران صحنه سیاست ایران به قدری قوت یافت و توسعه پیدا کرد که حتی عده‌یی از روزنامه نگاران مسئول این دوره را به ترس و وحشت انداخت و نسبت به آینده مطبوعات آزاد ایران نگران کرد. مثلاً ملک‌الشعراى بهار مدیر روزنامه «نوبهار» در یکی از مقالات خود (شماره ۶، ۸ عقرب ۱۳۰۱) از نبودن اصول سیاسی در روابط دولت و مطبوعات ایران سخن گفت و نوشت مطبوعات ایران باید برای آزادی خود احترام قایل شوند و از این آزادی که مشروطت به آنها داده سوء استفاده نکنند زیرا اگر خود مواظب نباشند آزادی بدست آمده بطور کلی از دست خواهد رفت. تحولات سیاسی سالهای بعد که به استعفای احمدشاه و انقراض سلسله قاجاریه منتهی شد نشان داد مطبوعات سیاسی و حزبی و منفرد این دوره

تاریخ ایران روزهای آخر خود را گذرانده است و رابطه مطبوعات و دولت در این روزها نبض سیاسی ایران را نشان می‌داد.

### مطبوعات و ارتباطات پستی و اجتماعی

ارتباط پستی نامرتب و کند و محدود بین تهران و شهرستانها مانع مهم‌رشد مطبوعات این دوره بشمار می‌رفت. تا سال ۱۸۷۴ ارتباط پستی در ایران بسیار عقب افتاده بود و این کار توسط «چاپارچی باشی» ها انجام می‌گرفت که در مقابل انعام و پولی که از فرستندگان نامه‌ها دریافت می‌کردند، مراسلات آنها را به مقصد می‌فرستادند و از طرف دولت اقدامی برای تعیین قیمت خدمت چاپارها نمی‌شد. از اقدامات دوره ناصرالدین شاه تأسیس سیستم پستی و ارتباطی جدید بود، بطوری که در آغاز سال ۱۸۷۶ رابطه پستی تنظیم شده هفتگی بین شهرستانها و تهران دایر بود. در سال ۱۸۷۷ ایران به عضویت اتحادیه پستی بین‌المللی قبول شد. از این سال به بعد رابطه پستی بین ایران و ممالک خارجی برقرار گردید و اغلب مراسلات پستی به اروپا از طریق تهران - باکو - تبریز - تفلیس فرستاده می‌شد و بسته‌های پستی به هند از طریق بوشهر - بمبئی ارسال می‌شد. در این سالها در حدود ۱۴۰ پستخانه در تهران و شهرهای مختلف ایران دایر بود.

افتتاح رابطه پستی بین ایران و اروپا از یکطرف و ایران و هند از طرف دیگر به توزیع و انتشار کتاب، جزوه و روزنامه‌هایی که قبل از مشروطه در خارج از کشور طبع می‌شد، کمک کرد و این امر اثر مهمی در ترویج و توسعه افکار آزادیخواهی و انقلابی اروپا در ایران داشت. مطابق آماري که موجود است در سال ۱۸۸۵ تعداد ۱/۳۶۸/۸۳۵ نامه، ۲/۰۵۰ کارت پستال، و ۷/۴۵۵ نمونه پستی

و ۱۷۳/۹۹۵ بسته پستی از طریق پست ایران در داخل و خارج کشور رد و بدل شد. در سال ۱۹۰۲ اداره پست ایران جزو اداره گمرکات درآمد که توسط بلژیکی‌ها اداره می‌شد.

در دهه اول قرن بیستم و بخصوص در سالهای مشروطه، در بهترین شرایط، نامه و روزنامه از طریق لندن و روسیه نه روزه به تبریز و ده روزه به تهران و چهارده روزه به اصفهان و هیجده روزه به شیراز می‌رسید. روزنامه‌های چاپ هند در مدت سه هفته و اغلب چهار هفته به دست خوانندگان تهرانی می‌رسید. در فصل زمستان توزیع و رابطه پستی دچار درد سر و مشکل بود. تیراژ روزنامه‌ها در سالهای بعد از مشروطه توسعه قابل توجهی نداشت و بالاترین تیراژ در حدود ۸ هزار شماره بود.

نشر آگهی‌های دولتی و ملی در مطبوعات بعد از جنگ اول بین‌المللی رو به افزایش گذاشت. بطوری که چندین روزنامه مثل «شرق»، «رعد» و «ایران» در حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد کل مطالب خود آگهی داشتند. ولی اغلب روزنامه‌ها به علت تیراژ کم و نبودن آگهی در مضیقه مالی بودند و این وضع محیط اجتماعی مناسبی بوجود آورده بود که مطبوعات و روزنامه نگاران رابیش از پیش در خدمت و وابسته احزاب و جریانهای سیاسی قرار دهد. مطالب مطبوعات این دوره اغلب سیاسی بود و اخبار و گزارشهای خارجی نیز در تمام روزنامه‌ها افزایش یافته بود. بخصوص وقایع انقلاب روسیه، جنگ جهانی اول، جامعه ملل، سیاست خارجی آمریکاییها و پرزیدنت ویلسون، همه به اهمیت امور خارجی می‌افزود. اغلب مطالب و رپرتاژهای خارجی، مقالات ترجمه شده از مطبوعات خارجی بود. روزنامه نگاری خبری ایران نیز تا حدی پیشرفت پیدا کرد و فن خبرنگاری شهری و پارلمانی تا حدی رسمیت و ترویج یافت. منبع بیشتر اخبار چاپ شده البته

دولت بود و بیشتر ستونهای روزنامه‌ها را اقتصادات دولتی و تغییرات اداری اشغال می‌کرد.

امتیاز مشخص مطبوعات این دوره، گسترش ادبیات اجتماعی و سیاسی و تمایل به ساده نویسی بود. نوشته‌های علی دشتی در «شفق سرخ» و عباس خلیلی مدیر اقدام نمونه پیوستگی روزنامه نگاری و روش ادبی این عصر بشمار می‌رود. قطع روزنامه‌ها از چهار ستون به هفت ستون و هشت ستون افزایش پیدا کرد و روزنامه نمونه این دوره مخلوطی از سیاست و ادبیات و شعر و داستان نویسنده‌گان زمان بود، علاقه مردم به دانش و فرهنگ، افتتاح مدارس جدید، افزایش باسوادان که نتیجه انقلاب مشروطه و محیط سیاسی و اجتماعی جنگ جهانی اول بود تا حدی به تیراژ روزنامه‌ها کمک کرده بود.

مثلاً در سال ۱۹۲۵ تعداد ۲۴۸ مدرسه دولتی، ۲۳۷ مدرسه ملی بهره‌مند از کمک مالی دولت و هم چنین ۱۰۷ مدرسه ملی در ایران وجود داشت. تعداد مدارس میسیونری نیز افزایش یافته بود و در همین سال ۴۷ مدرسه خارجی انگلیسی و فرانسوی و آلمانی و روسی، ۲۲۵ مدرسه و مکتب مذهبی و ۹۸۳ کلاس خصوصی در ایران مشغول کار بود. تعداد محصلان پسر در حدود ۷۳/۹۹۸ و تعداد محصلان دختر ۱۷/۱۹۲ تن بود. از این عده کل که بالغ بر ۹۱/۱۹۰ نفر می‌شد ۲۲/۶۶۰ نفر در تهران و بقیه در شهرستانها مشغول تحصیل بودند.

عده خیلی کمی از روزنامه‌های دوره مشروطه به انتشار خود در سالهای قبل و بعد از جنگ جهانی اول ادامه دادند. در مدت سیزده سال بین ۱۹۱۲ تا ۱۹۲۵ تقریباً ۱۵۰ روزنامه جدید منتشر شد که اغلب آنها بیش از چند ماه و چند سال دوام پیدا نکردند. با انقراض سلسله قاجاریه، روزنامه نگاری حزبی و سیاسی این دوره هم منقرض شد و با سلسله پهلوی، ایران و مطبوعات و روابط اجتماعی آن وارد عهد جدیدی گردید.

## منابع و مأخذ فصل نهم

- (۱) ملك الشعرای بهار ، تاریخ مختصر احزاب سیاسی : انقراض قاجاریه ، امیر کبیر ، تهران ، ۱۳۲۳ . ص ، ۱۰ و ۹ ، ۱۰
- (2) A . C . Millespaugh, The American Task in persia , The Century Company , New York 1925 , p . 141 .
- (3) George Lenczowski , Russia and The West in Iran, Cornell University press , 1949 , p. 99 .
- (4) J .M . Balfour , Recent Happenings in persia , William Blackwood and Sons, London, 1922. p. 246.
- (۵) تاریخ مختصر احزاب سیاسی : انقراض قاجاریه . ص ، ۱۹
- (6) Russia and the West in Iran , p. 148 ; and Christopher Sykes , Wassmuss : The persian Lawrence , London 1936 ; W. vonBlucher , Zeitenwende inIran : Erlebnisse und Beotachtungen , Biberach an der Riss 1949 , pp. 15-124 .
- (7) Sir Clarmont Skrine , World War in Iran , Constable & Company Ltd . , London , 1962 , p. 30 .
- (8) Vincent Sheean , The New persia , The Century Company , New York , 1927 , p . 21 .
- (9) Recent Happening in persia , p . 426 ; and Russian and the west in Iran , p . 67 .
- (۱۰) در آوریل ۱۹۶۳ مجله‌یی به نام «کاوه‌نو» به مدیریت محمد عاصمی‌درمونیخ (آلمان) منتشر شد که تا این اواخر انتشار آن ادامه داشت .
- (11) Morgan Shuster , The strangling of aersia , The Company , New York , 1912 , p . 191 .
- (12) The American Task in persia , p . 106

# یادداشت‌ها



\* صفحه ۲ : در تازه ترین تحقیق دربارهٔ صنعت کاغذ سازی که در « پیام » مجله یونسکو شماره ۴۱- دیمه ۱۳۵۱ انتشار یافته تاریخ اختراع کاغذ در چین به قبل از میلاد مسیح نسبت داده شده است .

دائرة المعارف بریتانیکا ( جلد ۱۷ - صفحه ۱۷۰ ) و تمدن اسلام و عرب « گوستاولوبون » چاپ تهران - صفحه ۶۴۰ به بعد درباره انتقال صنعت کاغذ به ایران مطالبی دارند و یادآوری می کنند ایرانیان ، در تولید کاغذ با کمک اعراب ، به الیاف گیاهی و کتان رو آوردند . پیش از این چینی ها از پیله ابریشم برای تولید کاغذ استفاده می کردند . ولی کاغذی که ایرانیها ( در سال ۱۳۴ هجری قمری ) ارائه دادند از کاغذ چینی مرغوبتر بود و در هیچ جا نظیر نداشت .

گوستاولوبون پیدایش صنعت کاغذ را در سمرقند به نخستین سالهای اسلامی نسبت می دهد . ولی سال ( ۷۵۱ میلادی ) بریتانیکا مصادف با زوال خلافت بنی-امیه و آغاز حکومت بنی عباس است . همانطور که انتقال صنعت کاغذ از سمرقند به بغداد ۴۲ سال بعد ( به سال میلادی ) و زمان برامکه و خلافت هارون الرشید است . و با این وصف هنوز در قرن چهارم هجری به گفته استخری در « حدود العالم » کاغذی که در سمرقند تهیه می شود ، در هیچ يك از اقطار جهان مانند ندارد .

\* صفحه ۲۲ - ۲۱ : سرگذشت حریق کتابخانه معروف و بزرگ سامانیان در بخارا که ابن سینا ، به پاداش درمان بیماری درمان ناپذیر امیر سامانی اجازه حضور و بهره وری از آن یافته بود ، در بسیاری از کتابها آمده است . و شایع کرده بودند ، ابن سینا این کتابخانه بی مانند را آتش زد تا پس از وی دست کسی به

دانشهای انباشته در آن نرسد .

\* صفحه ۲۲ : نهضت شعوبیه، که ریشه‌های فرهنگی داشت ، و جنبشهای گوناگون، که آخرین آنها حرکت « اخوان صفا » بود ، با توشه‌یی از آموزش فرهنگی و تأکید بر توسعه آموزش و آگاهی و نشر هر چه بیشتر کتاب ، در خور یادآوری است .

این میراث، بعدها به صورت گنجینه‌های بزرگ کتاب در قلعه‌های پناهگاه اسماعیلیان ، پاسداری می‌شد و در احوال خواجه نصیر توسی آمده است که آن خرمن علمی و فرهنگی بی نظیر را از مطالعه در کتابخانه قلعه‌های اسماعیلیان بدست آورده بود .

\* \* صفحه ۲۲ : « برید » ، یا بنا بر معروف ، پیک سوار بر اسب دم بریده - که چابک تر می‌رفت - بعدها مطلق به ناقل خبرهای حکومتی ، گفته می‌شد - سرانجام - در قرون جدید - به اداره پست اطلاق شد .

برید را عرب از ایرانیان گرفت ، و بنا بر روایت « جرجی زیدان » ادیب و مورخ مصری، نخستین بار « معاویه » خلیفه نخستین بنی‌امیه بود که برید را بکار گرفت . و صاحب‌البرید که از جانب خلیفه به هر ولایت نماینده می‌فرستاد کارش دادن گزارشهای دقیق از اوضاع اقتصادی، اداری و اجتماعی و روابط و روحیه‌ها بود و نقش امنیتی او بر وظیفه گزارش نویسی می‌چربید .

مورخان روسی تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم می‌نویسند: «سلیمان ابن ابوالسری مردی بود از مردم خراسان که اسلام آورد و مولای قبیله عربی عوف شد و در زمان خلافت عمر دوم ( که از ۷۱۷ تا ۷۲۰ میلادی ۹۹-۱۰۲

هجری حکومت کرد) اعراب به یاری وی در خراسان و ماوراء النهر پست تأسیس کردند . «

وسپس به شرح اهمیت پست و برید در ایران پیش از اسلام و خلافت اسلامی می‌پردازند . ( صفحه ۱۸۸ . جلد اول - چاپ دانشگاه تهران )

\*\*\* صفحه ۲۲ : قرنها پیش از تیموریان ، این رسم نزد حکام و پادشاهان ایران جاری بود . و سامانیان ، صفاریان ، غزنویان ، سلجوقیان و مغولان در دربار خود چنین سازمانی داشتند که در تاریخ‌ها آمده است و علاوه بر بیان مکرر کار «برید»ها چند جا سرگذشتهایی از طرز کار خبرچینان و گزارشگران در تاریخ بیهقی آمده که احاطه آنها را بر کارها نشان می‌دهد، از جمله ماجرای سلطان محمود و پسرش مسعود - که در جوانی به عشرت افراط می‌کرد - و ماجرای سلطان مسعود و خوارزمشاه که «نایب برید» سلطان مسعود، در آن نقشی مهم داشت .

\*\*\* صفحه ۲۳ : در تاریخ مبارک غازی - داستان غازان خان - یرلیغ در باب آنکه متوجهات ولایات که دیوان اعلیٰ مفصل نوشته حوالت کنند و ملوک و حکام ولایات اصلا برات ننویسند - ( قانون وضع و ترتیب دریافت مالیات ) پس از شرح مظالم دیوانی شیوه قدیم، در فرمان چنین آمده است : «... و تدارک این معنی را چنان اندیشه فرمودیم که چون به موجب قانون دیه به دیه و موضع به موضع مفصل و مقرر و مقنن گشته تمامت کتب ولایات را در کتب خانه که متصل گنبد و خانقاه و ابواب البراست که در تبریز ساخته‌ایم ، جمع گردانیده‌اند و به معتبران سپرده و مرسوم ایشان داده تا محافظت نمایند و بر آن وقفی معین کرده چنانکه در وقفیه آمده و لعنت نامه نویسته تاهیچ آفریده آنرا باطل نکنند و هر مشکل که من بعد افتد

از آنجا مطالعه نمایند و اگر کسی را شرط نامه یا لوحی که داده شده است ضایع گردد نسخه از آنجا بدهند تا ثواب باشد و نسخه از آن در دیوان بزرگ و یکی در هر ولایتی و شرط نامها در دست قضاة و ارباب و رعایا نهاده فرمودیم تا به موجبی که مقنن گشته در هر دیهی و موضعی بر تخته یا سنگی یا صحیفه مس و آهن هر کدام که ایشان خواهند بنویسند و بر آن نقش کنند و اگر خواهند به گچ کنده گری بنویسند و بر در دیه یا مسجد و مناره هر کدام که ایشان خواهند بنویسند و از آن یهود و نصاری بر در معابد و در دیه و موضعی که خواهند و از آن صحرا نشینان میل بسازند به موضعی که صلاح دانند و حکایات و لایات به موجب قانون و التون تمغاء ما که معین شده بی زیادت و نقصان به حضور قضاة و سادات و ائمه و عدول و اکابر شهر آن نسخها بدهند و رعایای هر دیهی و موضعی و هر صنفی را که در آن ولایات مال و متوجهات معین شده الزام کنند تا بزودی هر يك در مدت بیست روز تمامت بموجب قانون آن چنانکه ذکر رفته به گچ و میخ بر مواضع مستحکم بکشند چنانکه سالهای بسیار بماند و هیچ آفریده تغییر و تبدیل نکند و موضعی که وجوه العین مقرر باشد بر قرار وجوه العین و آنچه اجناس مقرر باشد به قرار اجناس و هر يك از آن اقسام به موجبی که میعاد مقرر گردد اداء آن واجب شود و مأخوذات تمغا را نیز همچنین معین می شود تا بر قرار بر تخته نویسند و در هر قسمی از آن اقسام که بر تخته نویسند بر ظهرا بن بر لیغ مسوده نوشته شد تا دانند که هر قسمی از اموال مختلف که در ولایات مختلف الحال مقنن و معین گشته بر چه وجه می باید نبستن و میعاد هر يك کدام وقت و قبض و تسلیم هر يك بر چه وجه و چگونه است . باید که هر قسمی را چنانچه در مسوده مذکور است بر لوح نویسند تا به میعاد موسم معین وجوه العین را رؤسا و رعایای هر دیهی و موضعی خویشتن بر گیرند و به میدان آورند ..» از پایان صفحه ۲۶۱ تا ۲۶۳ - تاریخ غازی - چاپ هر تفورد انگلستان ۱۳۵۸ هجری

مطابق ۱۹۴۰ مسیحی به تصحیح «کارل یان»

\*\*\* صفحه ۲۳ : این مطلب، در منابع موجود، و نیز در متن معتبر زندگانی شاه عباس «تألیف نصرالله فلسفی، استاد دانشگاه تهران، که از بیان هیچ دقیقه درباره شاه عباس فروگذار نشده، دیده نشد، در کتابخانه‌هایی که می‌شد مراجعه کرد، نیز سفرنامه «دلواله» نبود.

با وجود غرابت موضوع، منبعی که مولف محترم ذکر کرده‌اند سند مطلب سخنرانیهای شاه عباس در میدان عمومی اصفهان و ضبط و نشر آن در کاغذهای منظم در شهر و نصب به دیوارها - بشمار می‌آید. مگر در تشخیص یا صحت نوشته جهانگرد ایتالیایی از سزا احتیاط، تردید شود.

\*\*\* صفحه ۲۳ : نصرالله فلسفی در تألیف جامع خود به نام «زندگانی شاه عباس اول» می‌نویسد: «مجلس نویس یا واقعه‌نویس پس از وزیر اعظم از همه درباریان دوره صفوی باشخص شاه محرم‌تر بود، و به همین سبب او را «عالیجاه مقرب الخاقان» می‌خواندند. در مجالس خاص و عام نزدیک شاه می‌نشست و در شوراها سلطنتی شرکت می‌جست، و چون تمام احکام شاهی به وسیله او نوشته و اجرا می‌شد و از همه اسرار دولتی آگاه بود، امرای دولت و حکام و سرداران و مأموران کشوری و لشکری در جلب دوستی و محبتش می‌کوشیدند، تا به دستیاری وی خود را به شاه نزدیکتر کنند.

واقعه‌نویس اجازه داشت که در هر موقع در مجالس خاص یا عام به خدمت شاه رود و استدعای خود یا دیگران را به عرض برساند. زبردست او نیز یکنفر به عنوان رقم‌نویس دیوان اعلی و سه نفر دستیار و یک سررشته‌دار ثبت ارقام و

دورقم نویس و دو عضو دفتری و یک نامه نگار خدمت می کردند. « (جلد ۲ - صفحه ۴۰۸ چاپ تهران) و عین این مطلب در کتاب تذکره الملوك تألیف دوران اشرف افغان آمده است. (از انتشارات طهوری - سال ۱۳۳۲ تهران)

\* صفحه ۲۹: دکتر «لاکهارت» مورخ انگلیسی و محقق تاریخ نادر در سخنرانی مورخ نوروز ۱۳۱۷ انجمن همایونی آسیای مرکزی لندن می گوید: «نادر در بهار ۱۷۴۴ به قصد حمله به خاک عثمانی در اطراف همدان اردو زد. در اینجا هم یک مرد انگلیسی دیگر به نام «جوناس هانویی» به خدمت نادر رسیده شرحی از اردو و دستگاه نادر در یادداشتهای خود ثبت کرده است. هانویی در خدمت کمپانی کشتیرانی روسی کار می کرد و همان موقع با شورشیان استرآباد همدستی کرده بود. ترکمنها دارایی او را غارت کرده و خودش را به اسیری بردند ولی هانویی به هر زحمت و اشکالی که بود از اسیری گریخت و برای دادخواهی خود را به نادر رساند.

\* \* صفحه ۲۹: «پربازن» اسقف یسوعی، در سالهای آخر عمر نادر، با او بود. و مقام طبابت داشت. مشاهدات وی از دوران نادر و نخستین سالهای پس از قتل او، به نام «نامه های طبیب نادرشاه» به فارسی ترجمه و چاپ شده است.

\* صفحه ۳۰: در امور مذهبی، نادر هیچگونه تعصب نداشت و شاید در ایام جوانی به مذهب شیعه اعتقاد داشت، ولی همینکه فرمانروا و سیاستمدار گشت مذهب شیعه یا سنی را فقط و فقط برای پیشرفت در سیاست روز بالا و پایین می آورد. (از همان سخنرانی لاکهارت)

و نیز بعید است که از روحانیان یا علمای عصر وی که مخالفان اصلی حکومت نادر بودند، کسی چنین تقاضایی از نادر کرده باشد، می توان چنین کنجکاوی را به خود نادر نسبت داد. چنانکه در جلد دوم - صفحه ۳۸ ترجمه تاریخ سر جان مالکم انگلیسی - چاپ بمبئی ( مورخ ۲۶ شعبان ۱۳۰۳ هـ ) واقع به این شرح بیان شده: « ۰۰۰ بعد از مراجعت از هندوستان حکم کرد که انجیل را ترجمه کنند و بعضی از رهاب روم وارمن به مدد میرزامهدی ترجمه ناقصی کرده بنظری رسانیدند و او با حضار قسیسان مسیحی و علمای یهود و ملاهای اسلام فرمان داده گفت تا آن ترجمه را بروی بخوانند و او بعد از آنکه بنکات مضحکه آمیز، ادیان ثلاثه را مسخره کرد، در آخر گفت که اگر خدا حیاتی بدهد خود دینی به از جمیع ادیان احداث خواهد کرد . »

\* صفحه ۳۵: توجه میسیونهای مذهبی غرب به مشرق زمین سابقه بی دراز دارد و به دوره ایلخانان مغول می رسد. ولی در دوران صفویه این توجه شکل منظم پیدا کرد. و میسیونهای متعدد از اروپا به ایران آمدند، که میسیون « کرملی » ها به خاطر فرمانهای مختلف شاه عباس برای حمایت یا کمک به آنها بیشتر در اسناد تاریخی دوران صفوی به نظر می آید .

\* صفحه ۳۷: به عنوان مروری بر تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران، گزارش کار میسیونهای مذهبی، از جمله میسیونهای امریکایی، خالی از فایده نیست. ولی خط سیری که کار آنها طی می کند، تا اندازه بی از خط تاریخ چاپ و تحول آن در ایران جداست. و برای محقق علاقه مند، « تاریخ هیجده ساله آذربایجان » احمد کسروی، آنجا که به وقایع رضاییه و آذربایجان غربی می پردازد، در زمینه تعقیب

این خط سیر اهمیت بسزا دارد .

\* صفحه ۴۳ : « ادوارد براون » برخلاف این جهانگرد انگلیسی ، از سر آگاهی نظر دیگر می دهد :

«... کتب چاپی فارسی با وجود نواقصی که دارند از حیث خط خوش و صحافی محکم و کاغذ اعلا ممتازند و مورث ملال خواننده نمی شوند. بعضی از آنها مثل خط و خطاطان سنگلاخ و مثنوی کشف الایات چاپ علاءالدوله واقعاً کتب دلپسند و زیبایی هستند و تقریباً تمام کتب چاپ ایران بر طبع هندوستان ترجیح بین دارند ، اما این کتب را در اروپا به زحمت می توان بدست آورد» (صفحه ۳۲۴- تاریخ ادبیات ایران جلد چهارم - ترجمه رشید یاسمی )

\* صفحه ۴۶ : علی اصغر شمیم مورخ معاصر و از مؤلفان کتابهای تاریخ دبیرستان، در کتاب « ایران در دوره سلطنت قاجار » که در بهمن ۱۳۴۲ از چاپ خارج شده ، در صفحه ۱۸۸ ، می نویسد : « نخستین روزنامه در ایران در اوایل سلطنت محمد شاه انتشار یافت که نام مخصوص نداشت و میرزا صالح شیرازی مهندس آنرا اداره می کرد و یک نسخه از آن عیناً در مجله آسیایی انگلیس ( جلد پنجم از سال ۱۸۳۹ میلادی ) نقل شده و در ابتدای آن نوشته شده است « اخبار و وقایع شهر محرم الحرام ۱۲۵۳ در دارالخلافة طهران انطباع یافته » این روزنامه که بگفته نویسندگان مقاله مجله انجمن آسیایی انگلیس از چند سال پیشتر از تاریخ مذکور چاپ می شده لااقل تا سال ۱۲۵۵ ( تاریخ تحریر آن مقاله ) باقی بود ولی سر نوشت بعدی آن معلوم نشد .

ادموند دو تامپل در تاریخ مختصر قاجاریه که در سال ۱۸۷۳ مسیحی مطابق

۱۲۹۰ هجری درپاریس طبع کرده درباب این روزنامه مینویسد « درعهد محمد شاه بسال ۱۸۳۷ میلادی ( مطابق ۱۲۵۳ هجری ) اولین باردر طهران روزنامه‌یی دولتی انتشار یافت واین روزنامه ماهیانه بود . تاریخ انتشار اولین شماره آن اول ماه مه ( دوشنبه ۲۵ محرم ۱۲۵۳ ) بود . این روزنامه باچاپ سنگی به قطع يك ورق بزرگ از کاغذ خان‌بالیغ چاپ میشد وچاپ آن چندان عالی نبود . روزنامه مزبور نام مخصوصی نداشت ، فقط در آخر صفحه اول آن نشان دولتی ایران دیده میشد . همین روزنامه است که پس از تغییراتی محسوس بصورت روزنامه وقایع اتفاقیه روزنامه رسمی تهران درآمده است . ( و علی اصغر شمیم این مطلب را از کتاب « میرزا تقی خان امیر کبیر » تألیف عباس اقبال آشتیانی - چاپ تهران ، ۱۳۴۰ نقل کرده است ) .

ولی در مجله یادگار شماره ۲ مهرماه ۱۳۲۳ صفحه ۷۷ ضمن شرحی از دوران تحصیل میرزا صالح ، نویسنده او را ناشر اول روزنامه فارسی در تهران می نامد . ودرشماره ۳ آبان ماه ۱۳۲۳ صفحه ۴۹ (سابقه تمدن جدید در ایران ) نخستین روزنامه فارسی چاپی درایران - با دقت از روزنامه میرزا صالح ، شماره اول آن، و سابقه زندگی و آموزش میرزا صالح در انگلیس و انتشار سه ساله روزنامه به استناد تاریخ قاجار « ادمون دو تامپل » مؤلف فرانسوی که در سال ۱۸۷۳ در پاریس چاپ شده و « روزنامه انجمن آسیایی انگلیس » یاد شده است . و نیز در شماره ۷ مجله یادگار - اسفند ۱۳۲۳ متن طلیعه کاغذ اخبار که مورخ رمضان ۱۲۵۲ است با شرح طبع شده که این مجموعه قدیم‌ترین و جامع‌ترین تحقیق درین باره بشمار می آید .

\* صفحه ۴۷ : تقی زاده درذیل صفحه ۳۳۴ جلد چهارم تاریخ ادبیات ایران

ادوارد براون، ترجمه رشید یاسمی می نویسد: قبل از ۱۸۵۱ هم روزنامه در ایران بود مثلاً در زمان محمد شاه (۱۸۳۵ - ۱۸۴۸) و حتی در عهد فتحعلیشاه رجوع کنید به جریده کاهه مخصوصاً شماره ۶ از دوره جدید (ت - ز). و حاشیه رادبگری چنین تکمیل کرده :

« مقاله‌یی که به آن اشاره می کنند در تاریخ ۹ جون ۱۹۲۱ درص ۱۶-۱۴ کاهه انتشار یافته است. درین مقاله اشاره مبهمی به وجود يك جریده فارسی هست که در دهلی به سال ۱۷۹۸ طبع شده است! اما صریحاً مدلل می کند که در ۱۲۵۳/۸ - ۱۸۳۷ در طهران هم يك روزنامه دایر بوده است. (شماره ۵ و ۶ کاهه).

\* صفحه ۵۵ : ذیل صفحه ۷۱ « ایران در دوره سلطنت قاجار » تألیف علی

اصغر شمیم چاپ تهران ۱۳۴۲ آمده است :

« عباس میرزا ولیعهد و فرمانده کل قوای ایران در جبهه قفقازیه یکی از نزدیکان خود را به نام میرزا صالح، که مدتی در انگلستان تحصیل کرده بود، برای مذاکره با پاسکیویچ به تفلیس فرستاد ولی نتیجه قطعی بدست نیامد. » (در وقایع سالهای ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ هـ)

و در مجله یادگار - سال اول شماره ۳ - از میرزا صالح به نام یکی از شخصیت های

سیاسی سرشناس دوران فتحعلی شاه و عباس میرزا یاد می شود و در موارد متعدد دیگر نیز به نام او در تاریخ فتحعلیشاه و محمد شاه بر می خوریم .

صفحه ۴۵ : نزدیکی زمان انتشار کاغذ اخبار، با نشر نخستین روزنامه در دولت

عثمانی در خور توجه است، با رعایت هم چشمی و علاقه‌یی که به عنوان يك کشور اسلامی نسبت به عثمانی در دربار قاجار وجود داشت و ریشه آن در گذشته بود. در

تاریخ امپراتوری عثمانی آمده است: «با علم به اینکه نیرومندی هر دولتی مرهون سیستم ارتباطی پیشرفته است، عثمانیان در سال ۱۸۳۴ سیستم پستی ایجاد کردند: و با توجه به اینکه راههای نامناسب کشور مانع گسترش بازرگانی و حرکت سپاهیان است، به ترمیم و گسترش راهها همت گماشتند.

ترکان سیستم قرنطینه نیز تأسیس کردند. به سال ۱۸۳۱، روزنامه رسمی کشور به نام «تقویم وقایع» تأسیس شد، و در سال ۱۸۴۰ نخستین روزنامه غیر رسمی انتشار یافت. مقارن جنگ کریمه سیستم تلگراف بوجود آمد و در ۱۸۶۶ نخستین راه آهن ترکیه در بین ازبیر و آیدین (Aydin) ساخته شد.» (از صفحه ۱۰۳ کتاب «تاریخ امپراتوری عثمانی» تألیف «وین ووسینیچ» ترجمه سهل آذری چاپ تبریز فروردین ۱۳۴۶)

\* صفحه ۵۱: محیط طباطبایی، در جزوه ششم تقریرات تاریخ مطبوعات ایران، صفحه دوم یاد آوری می کند: «میرزا صالح راجع به سه سالی که در انگلیس گذرانده سفرنامه مفصلی دارد که چهل سال پیش آنرا برای اولین بار در ضمن «مقالات اعزام محصل به اروپا» به تفصیل در روزنامه شفق معرفی کردم و مطالب مفیدی از مندرجات آن برای ترجمه احوال محصلین اعزامی استخراج شد و به عرض هموطنان رسید. بعد از سی و اندی سال همان سفرنامه از روی نسخه موجود در لندن چاپ شد که بانسخه خط دست او موجود در طهران مختصر اختلافی دارد.»

\* صفحه ۵۳: گیج مرکز مکران و اکنون جزو بلوچستان پاکستان

است به نوشته مؤلف «مآثر و الآثار»، در زمان ناصرالدین شاه ۲۰۰ هزار نفر جمعیت ایلی داشته است.

صفحه ۵۶: برای شناختن زمینه‌ها و اثرات مذهبی و اجتماعی این واقعه علاوه بر منابع مختلف، می‌توانید به کتاب شیخ‌گیری - بایگیری «تألیف مرتضی مدرس چاردهی - چاپ تهران انتشارات فروغی» و کتاب «فتنه‌باب» تألیف «اعتضاد السلطنه با تصحیح و توضیح و مقالات دکتر عبدالحسین نوایی» چاپ تهران انتشارات بابک مراجعه کنید.

\* صفحه ۵۸: این یادآوری درباره نام «روزنامه» و طرز کار برد آن، زمینه دیگری است که ضرورت کنجکاو در باره احتمال انتشار قدیم‌تر روزنامه را در ایران می‌رساند. و ضرورت تأمل درباره اشاره تقی زاده را در مجله کاه، افزایش می‌دهد.

\* صفحه ۷۴: درباره روزنامه «زاراریت باهرا» نشریه میسیون آمریکایی مقیم رضاییه و سایر نشریه‌های میسیون همان حکم اولین ماشین چاپ میسیون جاری است. به توضیح (\* صفحه ۳۳) مراجعه شود.

\* صفحه ۷۸: «تحوالی که در وضع اداره روزنامه پیش آمد و در تغییر اسم و صورت ظاهر و طرز تنظیم اخبار آن اثر بخشید همانا انتقال اداره آن از تبعیت وزارت خارجه به وزارت علوم بود که تصدی آن از موقع تشکیل مجلس شورای دولتی در ۱۲۷۶ بر عهده اعتضاد السلطنه قرار گرفت»

(از تقریرات محیط طباطبایی در درس تاریخ مطبوعات ایران جزوه دوم - صفحه ۵ و ۶)

\* \* صفحه ۷۸ : محیط طباطبایی در تقریرات درس تاریخ مطبوعات

ایران :

« وقایع اتفاقیه ازینجم ربیع الثانی ۱۲۶۷ انتشار خود را آغاز کرد و تا سال ۱۲۷۷ که چهار صد و هفتادمین شماره آن به چاپ رسید به همان اسم و رسم و شکل خود باقی بود . تا آنکه در شماره ۴۷۱ کلمه اتفاقیه را نخست از پهلوی وقایع برداشتند و در پی آن از شماره ۴۷۲ به نام روزنامه دولت علیه ایران موسوم گردید . »

\* صفحه ۷۹ : ترتیب انتشار روزنامه بطور هفتگی برقرار بود تا در سال

۱۲۸۳ که وزارت علوم از طرف شاه مقرر داشت که به جای روزنامه مصور دولت علیه ایران چهار روزنامه بانامها وزمینهای جداگانه به چاپ برسد ، روزنامه دولتی بی تصویر - روزنامه مصور دولتی - روزنامه ملتی بطور آزادی نوشته شود و روزنامه علمی . گویا چنین مقرر بود که در هر هفته از ماهی یکی از این روزنامه‌های چهارگانه انتشار یابد .

روزنامه دولتی که با حفظ شماره ترتیبی دنباله‌رو روزنامه دولت علیه محسوب

می شد و نخستین شماره آن با رقم ۵۹۳ در سوم جمادی الاولی ۱۲۸۳ انتشار یافت و آخرین شماره اش با رقم ۶۵۰ در تاریخ دهم ذی الحجه ۱۲۸۷ منتشر و تعطیل شد . روزنامه مصور دولتی پس از تفکیک روزنامه دولت علیه ایران به چهار روزنامه ، تا هنگام نشر شرف دیگر صورت انتشار نیافت ولی روزنامه‌های ملتی و علمی به موازات دولتی تا ۱۲۸۷ منتشر می شدند و سرانجام در سال ۱۲۸۷ همچون روزنامه دولتی تعطیل شدند .

( تقریرات محیط طباطبایی در درس تاریخ مطبوعات ایران -

(قسمت دوم صفحه ۷۴)

\* صفحه ۸۶ : وجود چنین روزنامه‌هایی محل تردید است بخصوص که نمونه‌ی از آن نیز در دست نیست. در این مورد و چند مورد مشابه آن می‌توان توجه داشت که خاطرات سفر، و خاطره نویسی در سراسر دوره قاجار مرسوم بوده است و اغلب این خاطره نویسی‌ها « روزنامه » نامیده شده است. نظیر « روزنامه سفر فرنگستان » ناصرالدین شاه که شاه خود مطلب را چنین آغاز می‌کند: « بسم الله الرحمن الرحیم - روزنامه سفر فرنگستان که بمیمنت و مبارکی و بخواست خداوند تعالی و قادر بیهمتا و بخشنده مهربان بشرط سلامت مزاج مینویسیم : از طهران الی انزلی را سابقاً در سیاحت گیلان بتفصیل نوشته بودیم در اینجا بشرح و تفصیل حاجت نیست مگر خروج از دارالخلافة طهران را با وقایعی که تا انزلی روی میدهد انشاء الله تعالی مینویسم بعد از آن از روز جلوس در کشتی تفصیل همراهان در طی روزنامه کشتی نوشته خواهد شد بعون الله تعالی و حسن توفیقه ». ادوار بر اون و دیگران در این مورد ممکن است دچار خطا شده باشند. و در چند مورد که شاهد مثال از حمل چاپخانه بر قاطر و حضور نویسندگان و خطاط آمده است، باید قبول کرد که این قبیل نشریه‌های خصوصی و محدود و تفنی اگر چند هیأت روزنامه‌های دولتی زمان راهم داشته است، به علت اختصاص یافتن آنها به زمان محدود و شماره‌های محدود و نشر اندک، پس از شصت سال و بیشتر که از عمر روزنامه نگاری در ایران می‌گذرد، به روزنامه دیواری مدارس یا تقلیدکار روزنامه نویسی شبیه است، و در شمار روزنامه، به عنوان وسیله ارتباط اجتماعی موثر نباید گذاشته شود. و جای چنین نشریه‌هایی در زمان تکوین روزنامه نویسی، درون جدول

روزنامه به معنای وسیله ارتباط اجتماعی مورد بحث تألیف حاضر نیست. در مورد روزنامه حکیم الممالک محیط طباطبایی، نیز در تقریرات درس تاریخ مطبوعات خود این تردید را ابراز کرده است.

\* صفحه ۹۱: «... مملکت بلژیک بسیار آزاد و رتق و فتق امورات با مجلس پارلمنت است که و کلا آنجا جمع شده حکم می کنند مجلس پارلمنت عمارتی عالی و در شهر است حال هم باز بود و کلا جمع بودند روزنامه نویسان این ولایت بسیار آزاد هستند هر چه بنویسند، از هیچکس باک ندارند.»

و «... دولت سویس جمهوری است بسیار قواعد عجیبه در حکمرانی دارند کل سویس پنج کرور جمعیت دارد و منقسم به بیست و دو ایالت است. هر ایالتی رئیس و حکمران و دیوانخانه علیحده دارد. هفت نفر هم رئیس دارند که یکی از ایشان هم بر سایرین ریاست دارد اما یکی یکی نمی توانند حکمی در کارهای عمده مملکتی و غیره بکنند. آن بیست و دو نفر اطلاع باین هفت نفر می دهند هفت نفر هم با اطلاع و امضاء همدیگر آن کار را می گذرانند در حقیقت رئیس کل و حکمران مستقل در هیچ ایالت و ولایتی ندارند هر وقت همگی در کاری اتفاق کردند مجری می شود و الا فلا. وضعی است که نوشتن و بیانش اشکال کلی دارد و این روزنامه گنجایش شرح قانون حکمرانی و جزئیات قواعد دولت سویس را ندارد و بیش ازین هم لازم نیست قشون حاضر رکاب هم ندارند هر وقت جنگ باشد جمعیت را مسلح و منظم کرده بجنگ می برند و در وقت جنگ صد هزار قشون می توانند حاضر کنند.» (صفحات ۸۰ و ۱۷۱ کتاب سفرنامه ناصرالدین شاه - چاپ میهن ۱۳۴۳ ناشر سازمان انتشارات اندیشه اصفهان و کتابفروشی مشعل اصفهان.)

\* صفحه ۹۲: در تقریرات محیط طباطبائی قسمت سوم، صفحه ۷ آمده است: «در اینجا تذکر مطلبی ضرورت دارد و آن خریداری مطبعه حروف سربی در موقع سفر شاه به اروپا بوده که چاپخانه حروف لاتینی هم از اسلامبول خریده شد و در تهران بدان ملحق گشت با این حروف کتاب لغت فرانسه - فارسی ناقصی که تألیف آن رابه صنیع الدوله و شاه نسبت داده اند چاپ شد و میخواستند روزنامه ایران را با آن انتشار بدهند تا شکل روزنامه عصری پیدا کند اما این چاپخانه در ضمن کار خیلی زود شکست و روزنامه‌ای را که میخواستند با آن انتشار بدهند دوباره به همان چاپ سنگی قبلی طبع و نشر گردید.

بارون نرمان بلژیکی مهندس معادن که برای انجام امور دیگری استخدام شده و در نتیجه بر کناری سپهسالار وجودش بیفایده مانده بود او در صدد تعمیر مطبعه حروفی و شکسته برآمد و آن را پس از ترمیم برای چاپ متون لاتینی آماده ساخت. مر کب از حروف فارسی و در این چاپخانه يك شماره روزنامه جدیدی به زبان فرانسه و فارسی به چاپ رسید و انتشار یافت که از حیث اسلوب بیان مطلب، شیوه تازه‌ای را در وضع روزنامه نویسی ایران آغاز میکرد. سخن از چیزهایی در میان آورد که گوش حکام آن عصر در ایران به شنیدن آنها آشنا نبود. این روزنامه وطن یا (لاپاتری - (Lapatrie) نام داشت و در پنجم فوریه ۱۸۷۶ مطابق نهم محرم ۱۲۹۳ اولین و آخرین شماره آن در تهران چاپ و توزیع شد و چون دولت علیه «یعنی شاه» بنابه قول شیندلر «خیالات (یعنی افکار) مدیر را نپسندیدند روزنامه و کارخانه چاپ را منسوخ نمود. یعنی تعطیل کرد.»

واقبال آشتیانی در شماره ۷ مجله یادگار سال اول صفحه ۱۴ به بعد می نویسد:  
«اگرچه در این تاریخ دیگر مرحوم سپهسالار آن شوق و قدرت سابق را نداشت

لیکن باز به تعقیب خیالات اصلاح طلبانه خود پرداخت و در این راه از بارون دونورمان بلژیکی که بدعوت او بایران آمده بود استعانت جست و بارون دونورمان از یک طرف بنوشتن رساله‌ی در خصوص تاریخ راه آهن در دنیا و طرح اتصال راه آهنهای اروپا بخطوط آسیا و راه سرتاسری ایران از شمال غربی بمشرق شروع کرد و از طرفی دیگر کمک کارمرحوم سپهسالار در راه انداختن چاپخانه سابق الذکر و ایجاد روزنامه‌ی در تهران بدو زبان فارسی و فرانسه گردید .

و « ۰۰۰ در همین سال ۱۲۹۲ بارون دونورمان چاپخانه‌ای را که مرحوم سپهسالار دو سال قبل در ایام صدارت خود از اسلامبول خریده و تا این تاریخ در طهران بیکار و باطل مانده بود با اشاره آن مرحوم اصلاح نمود و بکار انداخت و سپهسالار او را واداشت که در آن دستگاه روزنامه‌ای بدو زبان فرانسه و فارسی بنام وطن ( بفرانسه لاپاتری ) منتشر سازد. شماره اول این روزنامه در تاریخ شنبه نهم محرم ۱۲۹۳ قمری برابر با پنجم فوریه ۱۸۷۶ از طبع خارج شد اما همینکه مقاله اول آنرا برای ناصرالدین شاه خواندند و از مضمون آن اطلاع حاصل کرد امر بتوقیف آن داد و بارون دونورمان مورد بيمه‌ری شاه قرار گرفت . »

سپس در مجله یادگار ، سر مقاله روزنامه وطن، که در سفر نامه خانم « کارلا - سرنا » ی ایتالیایی نقل شده - به فارسی ترجمه و در ادامه مطلب چاپ شده است ( از نیمه صفحه ۱۵ تا نیمه صفحه ۱۷ ) .

\* صفحه ۹۷ : از تقریرات محیط طباطبایی - جزوه ۳ - صفحه ۶ - « . . . سپهسالار ۰۰۰ روزنامه « نظامی » را از اواخر ۱۲۹۳ ( هجری - ۱۸۷۶ میلادی ) به عنوان نشریه مخصوص آن مدرسه بنیاد نهاد و اداره آنرا به یکی از مهندسان تحصیل کرده مدرسه نظامی پاریس به نام میرزا عباسخان سپرد و برخی از معلمان

همان مدرسه را در نگارش مقالات روزنامه شرکت داد در حقیقت این روزنامه چون عنوان و جنبه « نظامی » داشت در آغاز امر از دخالت صنیع الدوله در امان بود و در آن اعلام شده بود که « این روزنامه رسمی و دولتی نیست » و از مردم خواسته بودند که « هر قسم مطلب که مناسب روزنامه باشد » بنویسند و بفرستند تا در صورتی که خلاف رسم و قانون مملکت نباشد « در آن به طبع برسد » و پس از چهل سال سابقه عمل چاپ و انتشار روزنامه در ایران به خوانندگان خود اعلام داشته بود « که برای تصنیف و تألیف این روزنامه مجمع خصوصی منعقد است » .

در حقیقت سه موضوع مربوط به روزنامه نگاری که در ایران بی سابقه بود با انتشار نظامی خاطر نشان گردید : « قید عدم دولتی بودن نشریه - و درخواست شرکت مردم در تحریر مقالات - و تشکیل هیأت تحریریه » . روزنامه نظامی از ذی قعدة ۱۲۹۳ تا ربیع الثانی ۱۲۹۴ بطور هفتگی انتشار می یافت و در این ماه به سبب نا معینی تعطیل شد . يك ماه بعد از انتشار روزنامه « نظامی » روزنامه علمی در دایره طبع و نشری که تابع محمد حسنخان صنیع الدوله بود انتشار یافت و تا جمادی الاخر سال ۱۲۹۷ که با عزل سپهسالار از وزارت جنگ و خارجه چندان فاصله بی نیافت طبع و نشر آن ، ادامه داشت و در این مدت چهار سال ۶۴ نمره از آن انتشار یافت . «

\* صفحه ۱۰۲ : علاوه بر سید جمال الدین که نقش عمده در ترتیب سازمان سیاسی و فکری علیه ناصر الدین شاه داشته است ، میرزا ملکم خان با شخصیت های دیگر از جمله میرزا آقا خان کرمانی - مقیم استانبول و میرزا فتحعلی آخوندزاده روشنفکر و نویسنده معروف ساکن قفقاز در ارتباط و همکاری نزدیک بوده ، که همکاری با میرزا آقاخان کرمانی به منزله ارتباط بواسطه با سید جمال الدین نیز

بشمار می آید .

می توانید برای شاهد مطلب به کتاب تحقیق در افکار میرزا ملکم خان مراجعه کنید .

\* صفحه ۱۰۳ : « مجموع آثار او را به چند قسمت می توان کرد: ۱- رسالات که عبارتند از: دفتر تنظیمات ، مجلس تنظیمات ، اصول ترقی ، دفتر قانون ، دستگاه دیوان ، پولتیک ایران چیست ، مرو و ترکمان ، روشنایی ، فرقه کج بینان ، صراط المستقیم ، مداخل و مخارج ، فراموشخانه ، اصول آدمیت ، اشتها نامۀ آدمیت ، ندای عدالت ، توفیق امانت ، کلام ، حجت ، مفتاح ، مذهب دیوانیان ، بر آن مجموعه باید این چهار اثر را هم اضافه کرد: یکی مقاله بی راجع به اوضاع عدلیه ، دیگر قطعه بی دردفع ظلم که میرزا فتحعلی آخوند زاده ، به این عنوان ثبت کرده : « بیان مطلب عالیست که در سال ۱۲۸۰ ( ۱۸۶۳ ) از تقریر خود جناب روح در اسلامبول » شنیده است . سوم « بسط و تفصیل مطالبی است که آخوندزاده در چند مجلس از ملکم خان شنیده و نقل کرده است . چهارم خطابه ملکم راجع به « مدنیت ایرانی » که در ۱۸۹۱ / ۱۳۰۸ در لندن ایراد کرده است و در مجله ( The Contem Porary Review ) به چاپ رسیده است .

۲- سه مناظره انتقادی که به ترتیب تحریر عبارتند از: رفیق و وزیر ، شیخ و وزیر ، و شیخ و حقیر ، رفیق و وزیر در شرح دفتر تنظیمات است و در حدود ۱۲۷۶ نوشته ، شیخ و وزیر راجع به اصلاح الفبامی باشد که در اسلامبول نگاشته در حدود ۱۲۸۵ ، شیخ و حقیر را در دفاع از صدارت میرزا حسین خان مشیرالدوله و پس از عزل او در ۱۲۹۰ نوشته .

۳- روزنامه قانون که از ۱۳۰۷ تا اوایل ۱۳۱۶ در لندن به طبع می رسید و

رویهی رفته چهل و یک شماره آنرا در دست داریم.

۴- «کتابچه» های رسمی که درباره مسائل شخصی نوشته و در واقع قسمتی از گزارشهای دولتی اوست که در مدت مأموریت خود از سفارت ایران در لندن و روم فرستاده است. این کتابچه‌ها از گزارشهای رسمی عادی و نامه‌های خصوصی او مجزا می‌باشد.

(از کتاب تحقیق در افکار میرزا ملکم خان ناظم الدوله تألیف دکتر فرشته نورایی - چاپ تهران ۱۳۵۲ - ناشر «کتابهای جیبی» - صفحات ۲۸ - ۲۹)

\* \* صفحه ۱۰۳: در میان همکاران «میرزا ملکم خان» نام «هاشم آقا ربیع‌زاده» در منابع فارسی و در کتاب شرح حال او دیده نشد ولی علی‌الظاهر باید این «هاشم آقا ربیع‌زاده» همان باشد که در «تقریرات تاریخ مطبوعات محیط طباطبایی» درباره‌اش آمده است: «در اوایل مشروطه یکی از آزادیخواهان آذربایجانی بیست و پنج شماره از قانون را بدست آورد و در تهران از نو به چاپ رسانید و انتشار داد و این تجدید چاپ قانون است که فعلا در کتابخانه‌های خصوصی و عمومی ایران جای دوره کامل را گرفته است.

در صفحه ۴ «تقریرات تاریخ مطبوعات ایران قسمت هشتم»

و در کتاب «تحقیق در افکار میرزا ملکم خان ناظم الدوله» هم آمده است که «... پس از تعطیل آن نیز همچنان مورد علاقه عموم بود و نسخه‌های دستنویس آن توزیع می‌شد. در دوران مشروطیت هم دوره‌ی ناقص از آن مجدداً در تهران به طبع رسید.»

\* \* \* صفحه ۱۰۳: شماره اول قانون در اول رجب ۱۳۰۷ هجری قمری

( ۲۰ فوریه ۱۸۹۰ ) منتشر شد و شمارهٔ چهل و یکم ( آخرین شماره که تاریخ دقیق ندارد ولی از وقایع ماه اول سال ۱۳۱۶ هجری قمری خبر می‌دهد ) در آغاز این سال . و از تسلسل منظم روزنامه نشانی درین انتشار نیست . یعنی قانون بطور متوسط ، هر چهار ماه يك شماره منتشر شده است که چون فاصله انتشار شماره ها یکسان نیست ، گاه شش ماه فاصله انتشار دو شماره روزنامه بوده است .

\* صفحه ۱۰۵ : به نظر می‌آید که درین پاراگراف وقایع اندکی درهم آمیخته است . کسروی در تاریخ انقلاب مشروطه ، که وقایع رادسته بندی کرده ، دربارهٔ تحریم امتیاز تنباکو در صفحه ۱۵ می‌نویسد : « پیش از همه تبریز بکار برخاست و مردم آگهی‌های کمپانی را که به دیوارها چسبانیده بود پاره کردند و بجای آن نوشته‌های شورآمیزی چسبانیدند . امیر نظام گروسی پیشکار مظفرالدین میرزا و والی شهر بود و لیعهد ازو خواست که بامردم سخت گیرد و به شورندگان کیفر دهد ، امیر نظام نپذیرفته و از کار کناره جویی نمود . کمپانی ناگزیر شده خواست دلجویی نماید و چنین پیش نهاد که کارکنانش در آذربایجان جز از آذربایجانیان نباشد ، ولی مردم این را نپذیرفتند و درشور و تکان ایستادگی نمودند . » و در صفحات ۱۵۰ - ۱۵۱ تاریخ مشروطه ضمن بحث از بیداری تبریز می‌نویسد :

« اینان کم کم یکدیگر را شناخته و دسته‌یی گردیده و به کوششهایی می‌پرداختند ، ما از آنان کسانی را می‌شناسیم و کسانی را هم نامهاشان شنیده‌ایم ، و اینک آنچه می‌دانیم در اینجا می‌شماریم : میرزا خدا داد حکاکباشی ، برادرش میرزا محمود ، سید حسن تقی زاده ، میرزا سید حسینخان ( عدالت ) سید محمد

شبستری (ابوالضیاء) ، سید حسن شریفزاده ، میرزا محمد علیخان تربیت ، حاجی علی دوافروش ، میرزا محمودغنی زاده ، حاجی میرزا آقا فرش فروش ، کربلایی علی مسیو ، حاجی رسول صدقیانی ، میرزا علیقلیخان صفروف ، آقا محمد سلماسی ، جعفر آقا گنجی ، میرزا علی اصغر خویی ، میرزا محمود اسکویی ، مشهدی رجب .  
 و در باره علی قلی خان صفروف اشاره های روشن دارد :

« . . . و کسانی از ایشان ، که تقی زاده و شریف زاده و ابوالضیاء و تربیت و عدالت و صفروف باشند ، دانش نیز اندوخته و برخی از زبانهای اروپایی را می دانستند و در جبل المتین و دیگر جاها ، گفتارها می نوشتند . » و « شگفت تر از همه کار صفروف است که « راپورتچی باشی » محمد علی میرزا می بوده که راپورتها که می رسیده از زیر دست اومی گذشته ، و با چنین کاری خود از آزادیخواهان می بوده و با آنان همراهی و همدردی می نموده ، و بهنگام خود یاوریها می کرده و آنان را از گرفتاریها رها می گردانیده . این صفروف روزنامه یی به نام « احتیاج » برپا کرد که چند شماره از آن بیرون آمد . ولی چون سخنانی نوشت که به محمد علی میرزا ناخوش افتاد با دستور او چوب به پایش زدند و از روزنامه اش جلو گرفتند . »

( این علی قلیخان ، پس از آنکه محمد علی میرزا به تهران آمد و چاپخانه دولتی را در تبریز فروخت به سرمایه حاجی میرزا آقا بلوری ، خریدار چاپخانه ، روزنامه « آذربایجان » را با شیوه روزنامه ملا نصرالدین ، مدت یکسال انتشار داد . به صفحه ۲۶۹ تاریخ مشروطه رجوع کنید . )

و در باره ناشران شبنامه ، کسروی می نویسد ( صفحه ۱۵۱ ) : « یکدسته که حاجی رسول و جعفر آقا و علی سعید و میرزا علی اصغر خویی و آقا محمد سلماسی باشند نشستی می داشتند که شبنامه ها نوشته و با ژلاتین به چاپ رسانیده و میان مردم پراکنده می گردانیدند . . . »

اما منبع مولف حاضر، کتاب تاریخ مطبوعات « ادوارد براون » مستند به گزارش تربیت است که يك جا بحثی نه چندان روشن دربارهٔ صفروف و اشاره‌یی به شبنامه نویسی او دارد. و جای دیگر به شماره ( ۲۱۷ - شبنامه ) می‌نویسد « نشریه ایست که در حدود سال ۱۳۱۰ هجری قمری مطابق ۱۸۹۲ میلادی در تبریز پدید آمده و به قلم علیقلی خان ناشر احتیاج و آذربایجان نگارش یافته است. » که این تاریخ نیز بعد از ماجرای تنباکو است.

\* صفحه ۱۰۵ : لغو امتیاز تنباکو، فتح بزرگ ملی در برابر حکومت استبدادی ناصرالدین شاه بود، در این زمینه اتفاق نظر میان نویسندگان تاریخ مشروطه وجود دارد، ولی سهم عمده اصلی را درین مبارزه روحانیان داشتند. نویسندگان و آزادیخواهان ایرانی نیز از طریق روزنامه‌هایی که در خارج منتشر می‌شد، و از طریق نهیج روحانیان درین نهضت نقش موثر ایفا کردند.

باتوجه به امکانات ارتباطی، و انتقال خبر وقایع در دوران مورد بحث می‌توان احساس کرد که ازدادن امتیاز تا لغو آن زمانی درازتر از ۴۸ ساعت فاصله بوده است. اوج این نهضت در اجتماع مردم تهران و حرکشان به جانب ارگ، و تیراندازی قوای حکومتی به جانب آنها و کشتار بیست تن از جمعیت بود. و ممکن است فاصله این حادثه با لغو امتیاز ۴۸ ساعت باشد.

\* صفحه ۱۰۹ : دربارهٔ جبل‌المتین در کتاب « براون » آمده است: « قسمتی از جبل‌المتین همیشه به مواضع مذهبی اختصاص دارد. و قهرمان « اتحاد اسلامی » بشمار می‌رود. یکی از حوادث بسیار مهم در عمر این نشریه، ادامهٔ انتشار آن بعد از توقیف جراید فارسی منتشره در خارجه توسط امین‌السلطان به سال هزار و سیصد و

هیجده هجری قمری ( هزار و نهصدویک میلادی ) و مساعی مبذوله توسط حبل-المتین در راه انفعال مشارالیه ، بخصوص از طریق طبع و نشر نسخ عکسی « تکفیر نامه » امین السلطان به امضای مجتهدین نجف در تمام ممالک عالم است . . . و نیز باید مساعی جمیله و موثر حبل المتین کلکته ، طی دوره استبداد صغیر ، در راه استقرار مجدد رژیم مشروطیت ، و وارد کردن علما ( مراجع تقلید مذهبی ) به فعالیت ( در راه آزادی ) تذکر داده شود .

براون در همین کتاب ذیل شماره های ۱۳۶ ، ۱۳۷ و ۱۳۸ یادآوری می کند ، حبل المتین چاپ سنگی در ۱۲ صفحه به قطع بزرگ ، و حبل المتین چاپ سربی در ۱۶ صفحه به قطع کوچکتر و هفتگی منتشر می شده است ، و حبل المتین تهران و رشت که برادر مؤید الاسلام انتشار داده در چهار صفحه به قطع بزرگ روزانه به چاپ رسیده .

( صفحات ۳۳۵ تا ۳۴۱ جلد دوم تاریخ ادبیات و مطبوعات ایران در دوره مشروطیت - ترجمه محمد عباسی - مرداد ۱۳۳۷ - ناشر معرفت . )

صفحه ۱۱۰ : با وجود یادآوری قبلی درباره « عروة الوثقی » روزنامه بی که سید جمال الدین اسدآبادی و شاگردانش در الازهر ، مدتی در پاریس منتشر کردند ، خوانندگان توجه دارند که این روزنامه افقی اسلامی و منطقی داشته است و اگر به مناسبتی نام ایران در آن آمده ، در کادر یکی از کشورهای اسلامی بوده . زبان روزنامه که عربی بوده است و ترکیب گروه یاران سید در نشر آن ، سیاستی که دنبال می کرده ، به « عروة الوثقی » هویت و هیأت روزنامه عربی و اسلامی می دهد تا هویت خالص ایرانی .

\* صفحه ۱۱۴ : درباره میزان ملی و ایرانی بودن « التودد » به شرح برآون در کتاب سابق الذکر ( ذیل شماره ۱۱۱ ) توجه فرمایید : « این نشریه در چهار زبان عربی ، فارسی ترکی و فرانسه نشر می شده و مصور بوده است . چون التودد دارای بخش فارسی بوده ، بنابراین نام آن در میان روزنامه های فارسی ذکر شده است . بعضی از مقالات فارسی این نشریه ، به قلم شیخ محمد حسن سیرجانی ملقب به شیخ الملك بوده است . » و « شیخ ابونظاره ( مدیر و ناشر التودد ) یکی از افراد سیاستمدار مصری تبعید شده به پاریس بوده و بیشتر به مدیریت نشریه فکاهی عربی به همان نام منتسب به مشارالیه ( ابونظاره ) که با چاپ سنگی انتشار می یافته ، نامبردار بوده است . »

\*\* صفحه ۱۱۴ : « برآون » ذیل ادب ( شماره ۴۰ ) در کتاب خودمیاورد : « ادیب الممالک پس از تأسیس و انتشار ادب ( تهران ) ، کمی بعد آنرا به مجد الاسلام منتقل ساخت ، و خودش به باکو رفت ، و در آنجا به نشر ضمیمه فارسی روزنامه ترکی ارشاد متعلق به احمد بیک آقایف پرداخت . بعد از یازده شماره از این ضمیمه در دوره نخست مشروطیت به طهران مراجعت کرد . . . » و ذیل ارشاد ( شماره ۴۱ ) می نویسد : « ضمیمه فارسی نیم ورقی روزنامه یومیه ترکی ارشاد طبع با کوبه سال هزار و سیصد و بیست و سه هجری قمری ( ۱۹۰۵-۶ میلادی ) است . این ضمیمه را ادیب الممالک مذکور می نگاشت و مدیریت آن با احمد بیک آقایف قراباغی بود . » با این توضیح یومیه بودن آن محل تردید است . زیرا لازم می آید که تنها یازده روز عمر کرده باشد .

\* صفحه ۱۱۵ : محمد باقر خان ادیب‌الملک ، برادرزادهٔ محمد حسن خان اعتماد السلطنه - وپسر عبدالعلی خان ادیب‌الملک و فرزند زادهٔ حاج علیخان مقدم مراغه‌یی - حاج‌الدوله و سومین صاحب لقب اعتماد السلطنه (بعد از پدر بزرگ و عموی خود) در زمان مظفرالدین شاه به وزارت انطباعات رسید و پست خالی عموی خود را به عهده گرفت .

\* صفحه ۱۱۸ : در مجموعهٔ تاریخ‌های مربوط به انقلاب مشروطه از جمله تاریخ مشروطه کسروی و تاریخ بیداری ایرانیان چنین موردی به نظر نرسید بلکه در این کتابها اعتراض به لباس روحانی پوشیدن مسیونوز بلژیکی که درین زمان رئیس کل گمرکات ایران شده بود- و بازرگانان ایرانی را به شدت زیر فشار قرار داده بود - در دورهٔ صدارت عین‌الدوله آمده. این واقعه را عبدالله مستوفی نویسندهٔ تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه در جلد دوم کتاب خود صفحه ۶۳ چنین نقل می‌کند : «درین ضمن‌ها شب عید نوئل پیش آمد، اروپاییها مجلس بال کستومه‌ای برپا کردند، مسیونوز لباس آخوندی دربر کرده با عبا و عمامه و نعلین در این مجلس بال حاضر شد و بدتر از همه عکسی هم از این فتح نمایان انداخته بودند ، رندی عکس را بدست آورده بوسیلهٔ کپی چندین نسخه از آن منتشر کرد ، شاید این شخص هم وابسته به سعدالدوله بود. مردم که از صندوق مسیونوز خیلی عصبانی بودند ، آب و تاب زیاد به این لباس پوشی آخوندی این مسیو دادند ، سرهای فکور و علمای اهل فکر هم تا توانستند این موضوع را بزرگ کردند . عین‌الدوله ، سعدالدوله را به یزد تبعید کرد ، کار بدتر شد ، باز هم همان کله‌های فکور و همان علمای دینی که در خفا کار خود را میکردند و دستوراتی باین و آن میدادند ، سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی را واداشتند بر ضد اوضاع حاضر چیزهایی در منبرهای

خود بگوید ...»

نویسنده واقعه را تا تروریسم سخت عین الدوله که به سقوط او منجر شد دنبال می کند . او قبلاً اظهار عقیده می کند اشخاص فکور می دانستند که تا این شاه بر سر تخت است ، بهتر می توان آزادی گرفت . این بود که نقادی از عین الدوله و مسیونوز را وسیله شروع کار قراردادند .

اما مسیونوز در آغاز استخدام ، اداره گمرکات تبریز و کرمانشاه را عهده دار بود .

\* \* صفحه ۱۱۸ : درباره میرزا علی آقا شیرازی « لیب » ( مدیر و ناشر روزنامه مظفری تاریخ بیداری ایرانیان - جلد اول صفحه ۴۱ ضمن گزارش - ذوالریاستین به انجمن مخفی چنین می نویسد : « ..میرزا علی آقا مدیر روزنامه مظفری را در بوشهر به گناه روزنامه نویسی چه بلاها بر سرش آوردند و چه صدمه ها بروی زدند که هنوز گرفتار و اسیر آن صدمات است » و درباره مجدالاسلام در صفحه ۱۸۹ می نویسد : « مجدالاسلام از اشخاص عالم و طالب تجدد در روزنامه ادب خدمات بزرگ کرد ، روی مردم را به دولت باز نموده فضاحت اعمال درباریان را به گوش مردم رسانید . اول مقاله ای که در روزنامه ادب بر ضد دولت استبدادیه نوشت مقاله ای است که در شماره صد و شصت در صفحه اول به عنوان مجلس مبعوثان مقاله ای درج نمود و نیز در همان روزنامه در صفحه سوم که واقعه ارامنه و مسلمانان قفقاز را می نویسد بعضی کنایات و تعرضات را درج نموده و نیز در شماره صد و شصت و چهار در صفحه پنجم در عنوان بقیه تدین مایه تمدن احتیاج مردم را به مجلس مبعوثان و قانون عدالت و مساوات را بالصراحت و لزوم سلطنت مشروطه را گوشزد مردم می نماید . و نیز در کاریکاتورهایش خرابی ادارات دولتی و بی حسی مردم را بخوبی

اظهار و نشان می دهد . «

و در علت بازداشتش وسیلهٔ عین الدوله می نویسد : «.. اما دیگر در مقام تبعید و سیاست مجدد الاسلام بر نیامد ، تا آن که مجد الاسلام نقل مکان از خانه به خانه نمود . پاره‌ای از کاغذهای باطله که درطاقچهٔ خانه‌اش مانده بود ، به دست یکی از کرمانیها افتاد که در کرمان به اعظام الممالک رسید که کاشف از خیالات مجدد-الاسلام بود . «

\* صفحه ۱۱۹ : در تاریخ مطبوعات ادوارد براون ، صفحهٔ اول شمارهٔ ۳ از سال سوم مجموعهٔ ماورای بحر خزر کلیشه شده که این اطلاعات از آن بدست می آید « نشر سال سوم - عشق آباد روزنامه فارسی - مجموعهٔ ماورای بحر خزر - NO3 » شمارهٔ ۳ جمعهٔ ۲۵ محرم سنه ۱۳۲۶ هجری - مطابق ۱۵ مورال سنه ۱۹۰۸ میلادی شمارهٔ ۳ - NO3 » و بنا بر این تاریخ انتشار شمارهٔ اول روزنامه باید سال ۱۹۰۵ و به منزله واکنش حکومت تزاری، در مقابل انعکاس جنگ ژاپن و روسیه در قلمرو آسیایی و همسایگان آسیایی روسیه باشد .

\* صفحه ۱۲۰ : برداشت صاحب تالیف از کتابخانه تربیت ، برداشت امروزی است . کتابخانه در قدیم به کتابفروشی هم اطلاق می شد ، و شادروان تربیت در تبریز کتابفروشی داشت و این کتابفروشی یا کتابخانه که در سال ۱۸۹۸ تأسیس شد تا سال ۱۹۰۸ دایر بود و در سال ۱۹۰۲ مجله یا مجموعهٔ گنجینه فنون را منتشر کرد . در تاریخ رجال ایران - قرون ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ تالیف مهدی بامداد چاپ کتابفروشی زوار - تهران - جلد سوم صفحه ۴۲۴ ذیل نام محمد علی آمده است : «محمد علی معروف به تربیت فرزند میرزا صادق بوده و در خرداد سال ۱۲۵۶

خورشیدی در تبریز متولد و در دیماه ۱۳۱۸ خورشیدی در تهران در گذشت. نامبرده از مشروطه خواهان صدر مشروطیت بود و در دوره های ۲ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ بمساعدت دولت از تبریز بسمت نمایندگی مجلس شورایی ملی انتخاب گردید و صاحب تألیفی است بنام « دانشمندان آذربایجان » و ذیل صفحه افزوده شده :

« چون در ابتدا در تبریز دکان کتابفروشی بنام تربیت داشت باین مناسبت کلمه تربیت بعداً نام خانوادگی او گردید . »

\* صفحه ۱۲۲ : میرزا آقاخان کرمانی، این زمان روی در نقاب خاک کشیده بود . مهاجرت وی از کرمان در سال ۱۳۰۲ هجری قمری اتفاق افتاد ، یازده سال پیش از قتل ناصرالدین شاه ، و اقامت او در استانبول تا سال ۱۳۱۳ طول کشید و در آن سال او را دست بسته در مرز ایران تحویل دادند . پس از واقعه صحن حضرت عبدالعظیم - واندکی بعد، به سال ۱۳۱۴ به اتفاق دو یار دیگر در تبریز به شهادت رسید . شاید میرزا آقاخان دیگری باشد یا منظور آن باشد که انجمن سری کرمان را این مرد آزاده از استانبول هدایت می کرده است .

\* صفحه ۱۲۴ : در تاریخ بیداری ایرانیان جلد اول صفحه ۲۳۱ آمده است :

سید تومان به میرزا حسین رشیده دادند : « نوشت که من می دانم برادرم باشیخ یحیی و آقا سید حسن جبل المتین و میرزا محمد علی خان و مئمر الملك همه بابی و این فتنه ها را برپا می کنند و این اوراق خط آنهاست » و علاوه بر شیخ یحیی « ... آقا سید حسن جبل المتین - میرزا مهدی خان وزیر همایون - قوام الدوله - ناصر خاقان - موقر السلطنه - مئمر الملك - میرزا محمد علیخان ( پسر مؤمن لشکر ) - میرزا سید محمد مؤمن لشکر نوری » بازداشت شدند و میرزا محمد علیخان در

موقع گرفتاری راه بام را گرفته مأموران او را تعاقب نموده یا خودش افتاد با او را افکندند . هر چه بود بعد از چند ساعت در نظامیه بدرود حیات گفت .

\*\*\* صفحه ۱۲۴ : راست است که محیط حکومت استبدادی، مردم کوچه و بازار را از مشروطه و آزادی دور و بیگانه نگاه داشته بود ، ولی اکنون مدارک و اسناد گوناگون در دست است که پیشوایان جنبش آزادی، از جمله رهبران مذهبی می دانستند که چه می خواهند و باز تا زمان تحسن حضرت عبدالعظیم حتی نام عدالتخانه در مطالبات رسمی آنها نیامیده بود و در مطالبات هشتگانه پایان تحسن هست که اول بار نام عدالتخانه می آید .

در باره افق دید و آگاهی رهبران مشروطه ، این قسمت از گزارش جلسه هفتم انجمن - روز چهارشنبه ۱۵ محرم سال ۱۳۲۳ - در صفحه ۳۳ جلد اول تاریخ بیداری ایرانیان سند روشنی است :

«... مجدالاسلام گفت : اگر چه خیال آقای طباطبایی جمهوریت دولت ایران است ، لکن با مقصود ما منافاتی ندارد، چه ما اجراء قانون اسلام و تنظیم اداره دولت را خواهیم و این در ضمن جمهوریت و مشروطیت هر دو حاصل است ( جمهوریت از افراد مشروطیت است ) مقصود ما رفع ظلم و استبداد است، خواه بعنوان جمهوریت باشد، خواه بعنوان مشروطیت . »

آقای طباطبایی مورد بحث کسی جز آیت الله محمد طباطبایی یکی از دور رهبر روحانی انقلاب مشروطه نیست .

صفحه ۱۳۶ : صاحب تاریخ بیداری ایرانیان ، چند جلد کتاب خود به جریان امتیاز روزنامه مجلس اشاره دارد ، و در روشن ترین قسمت می نویسد : « باری حاج میرزا یحیی به خیال افتاد که امتیاز روزنامه ای به اسم روزنامه مجلس از دولت بگیرد و برای مشیرالدوله صدراعظم هم کاغذی نوشت ، صدراعظم وعده به او داد . و آقامیرزا محسن داماد آقای بهبهانی این مسئله را شنید و خیال حاج میرزا یحیی را دانست با آقامیرزا محمدصادق پسر آقای طباطبائی عنوان مقصود حاج میرزا یحیی را نمود ، آقامیرزا محمدصادق که سالها درین خیال بود و محرك بنده نگارنده بود که روزنامه نوروز را که مدتی تعطیل است دایر کنم و من بنده جواب می دادم تا آزادی قلم را نداشته باشم نمی توانم روزنامه را دایر کنم ، به جناب آقا میرزا محسن گفت : امتیاز روزنامه مجلس را برای خود بگیر و با من شراکت کن . چرا باید حاج میرزا یحیی این کار بزرگ و دخل هنگفت را در ببرد ؟ خلاصه آقامیرزا محسن عازم گردیده مراتب را به مشیرالملک پسر صدراعظم در میان آورد . مشیرالملک گفت : چون صدراعظم قول به حاج میرزا یحیی داده است بلکه نوشته هم به مشارالیه داده است ، لذا راه این است ، که شما عریضه ای به شاه عرض کنید من دستخط شاه را می گیرم . آن وقت بهانه برای صدراعظم هست ، بالاخره جناب آقا میرزا محسن دستخط امتیاز روزنامه مجلس را صادر نموده با جناب آقامیرزا محمد صادق و پسر جناب آقا سید عبدالله شریک شده ، بنایشان بر این قرار گرفت که آقا میرزا محسن صاحب امتیاز و آقا میرزا محمد صادق مدبر روزنامه مجلس گردد ، حاج میرزا یحیی بیچاره هر چه دست و پا کرد ، به جایی نرسید و از این خیال منصرف گردید . » این حاج میرزا یحیی ، شادروان دولت آبادی است . ( نقل از صفحات

۴۰۹ و ۴۱۰ بخش اول تاریخ بیداری ایرانیان - چاپ انتشارات بنیاد فرهنگ ایران (ایران)

❁ صفحه ۱۳۹: هر چند منبع این اطلاع کتاب « تاریخ مطبوعات و ادبیات دوران مشروطیت » ادوارد براون است، ولی در آنجا پس از بحث دربارهٔ حبل‌المتین چاپ کلکته به شماره ۱۳۶ و اینکه در زمان تألیف کتاب براون هنوز بطور مرتب منتشر می‌شده است، به بحث مستقل از حبل‌المتین تهران می‌پردازد و ذیل شماره (۱۳۷) می‌نویسد:

« نشریه‌ی بی است که در تهران، در اوایل سال هزار و سیصد و بیست و پنج هجری قمری ( هزار و نهصد و هفت میلادی ) به مدیریت سید حسن کاشانی، برادر موید الاسلام، با چاپ سرب‌ی انتشار یافته است. انتشار حبل‌المتین تهران در نتیجه وقوع کودتای ارتجاعی ( محمدعلیشاه مخلوع ) و بتوپ بستن مجلس شورا یملی ( بیست و سوم ژوئن هزار و نهصد و هشت میلادی ) متوقف گشت ولی بعد از استقرار مجدد مشروطیت و گشودن تهران بدست ملیون، باز چندین شماره از آن منتشر شد. لیکن بعلت نشر مقاله‌ی راجع به اعدام شیخ فضل‌الله نوری که متضمن مطالب ضد مذهبی بوده است، از نو این روزنامه توقیف گشت، مدیر آن تحت محاکمه قرار گرفت و به جرم انتشار مقاله مذکور، به دو سال زندان، محکوم گردید. حبل‌المتین تهران مهمترین روزنامه یومیه دورهٔ مشروطه بوده است. مخصوصاً مقالات سیاسی آن راجع به وزارت امور خارجه و بویژه انتقادات آن از قرارداد سال هزار و نهصد و هفت انگلیس و روس راجع به ایران از خصوصیات شایان توجه این نشریه می‌باشد. »

ذیل شماره ( ۱۳۸ ) از نشر همین حبل‌المتین با مدیریت سید حسن کاشانی،

در رشت نام می برد . هنگامی که سید حسن به رشت تبعید شده بود و مدت این انتشار چهار ماه و نیم بود . بنابراین جبل‌المتین از کلکته به ایران انتقال نیافته است ، و می توان گفت این دوروزنامه یکسر از هم جدا هستند . و عمر جبل‌المتین تهران ، چندان دراز نبوده است .

کسروی جبل‌المتین تهران را شاخه‌یی از جبل‌المتین کلکته می‌شمارد ، و می‌نویسد جبل‌المتین کلکته همچنان هفتگی انتشار می‌یافت ولی ارج سابق را نداشت ، و جبل‌المتین تهران که نخستین روزنامه روزانه ایران بود با کاغذ و حروف خوب به چاپ می‌رسید و گفتارهای آنرا شیخ یحیی کاشانی می‌نوشت که نویسنده خوب بود و بیشتر از دیگران آگاهی داشت ، در میان مردم ارجی پیدا کرد .

صفحه ۱۴۵ : از جمله اعتراض‌های معروف به قرار داد ۱۹۰۷ روس و انگلیس قصیده‌یی است از ملك الشعراى بهار که در جبل‌المتین کلکته ، منتشر شد . این قصیده طی سالها مکرر در مطبوعات ایران و خارج نقل شده است و آغاز شهرت سیاسی ملك الشعراى بهار بشمار می‌آید . شاعر ، به صورت يك پیام به باد سحر ، و یانامه سر گشاده سخنانش را با وزیر خارجه انگلیس ، سرادوار دگری در میان می‌گذارد و طی آن برای اعتراض به قرارداد ، آگاهی‌های سیاسی و تاریخی خود را از وقایع بین‌المللی نشان می‌دهد ، که معیاری از میزان آگاهی‌های روشنفکران زمان است .

قصیده که به شماره ۸۲ در صفحه ۲۱۳ دیوان بهار - جلد اول ، چاپ دوم - آمده است « پیام به وزیر خارجه انگلستان » نام دارد و چنین آغاز می‌گردد :  
سوی لندن گذر ای پاک نسیم سحری سخنی از من بر گو به سرادوار دگری

❦ صفحه ۱۴۷ : شرح این شکایت و طرح دعوا در داد گستری به تفصیل شایسته در قسمت ۱۳ تقریرات « تاریخ مطبوعات » محیط طباطبایی آمده است ، و نیز کسروی در صفحه ۷۲ تاریخ مشروطه به اختصار ماجرا را می آورد و می نویسد : « در شماره ۲۱ روزنامه اش گفتار درازی زیر عنوان « شاه در چه حالت ؟ » نوشته باز سخنان تند و زشتی در بیخ نگفت ، و چون محمد علی میرزا از عدلیه دادخواهی کرد و از دادگاه سید محمد رضا را خواستند او نرفت و در یک شماره از روزنامه خود سرا پا ریشخند بدادگاه نوشت ( شماره ۲۲ که با دستور مجلس یادولت بازداشته شد ) و باین بس نکرده بیک کار زشت تری برخاست و آن اینکه یک چلوار بزرگی بنام « استشهاد نامه » آماده گردانید ، که در آن گواهی مردم را در باره « بدکاره بودن ام الخاقان » ما محمد علی میرزا خواستار گردید . و آنرا بدست یکی داده بی بازار فرستاد که مردم آگاهی خود را نویسند و مهر کنند ، و بدینسان بیک کار سراپا رسوایی برخاست . این در روزهایی بود که محمد علی میرزا در نهن با لیاخوف و روسیان گفت و گومی داشت . »

\* صفحه ۱۵۶ : در کتاب « از صبا تا نیما » جلد دوم چاپ اول بحث مشبعی درباره « ملا نصرالدین » دارد . همچنین در لغت نامه دهخدا به ماده طاهر زاده رجوع شود . و تاریخ مشروطه کسروی نیز روی نفوذ شدید « ملا نصرالدین » در میان مشروطه خواهان ایران ، تأکید می ورزد .

ذیل صفحه ۴۱ « از صبا تا نیما » جلد دوم تصریح شده : « نخستین شماره آن در هفتم آوریل ۱۹۰۶ منتشر شد ( در باکو ) ، سال های سوم و چهارم بهترین و پر شور ترین ادوار روزنامه بود و درین دو سال آوازه آن از مرز قفقاز گذشت و در ایران و عثمانی و مصر و هندوستان پیچید . در اواخر سال ۱۹۱۴ م ، به علت پیش آمد جنگ جهانی ،

روزنامه از انتشار بازماند و تنها در سال ۱۹۱۷ م چند شماره آن منتشر شد و باز یکبار دیگر در سال ۱۹۲۱ م که محمد قلی زاده به قصد اقامت دایم در سرزمین اجدادی خود به ایران آمده بود، هشت شماره از آن در تبریز انتشار یافت. اما هموطنان او نتوانستند از وی نگهداری کنند و او یکسال بیشتر در تبریز نماند و بدعوت حکومت آذربایجان شوروی به با کور رفت.

به این ترتیب روزنامه ملانصرالدین، علی رغم نفوذ شدید روی روشنفکران و روی مطبوعات مردم پسند ایران، نمی تواند يك روزنامه ایرانی و فارسی بشمار آید.

\* \* صفحه ۱۵۶ : ملك الشعرای بهار به عنوان شاعر سیاسی و قصیده سرای انقلاب مشروطه شناخته شده است. وسید اشرف گیلانی نیز به خاطر زبان عامیانه‌یی که برای شعر انتخاب کرده است و ادامه روال صابر است - ولی در متون معتبر نشانی از میرزا مرتضی فرهنگ مدیر خاورستان در مقام شاعر سرشناس و طراز اول انقلاب مشروطه دیده نشد.

تنها در کتاب « تاریخ مطبوعات ایران » ادوارد براون ذیل شماره (۱۵۳) آمده است :

« خاورستان - نشریه روزانه‌یی است که در طهران بسال هزار و سیصد و بیست و هفت هجری قمری (هزار و نهصد و نه میلادی) بمدیریت مرتضی خان اعتضاد المله با چاپ سری انتشار یافته است. »

اما مبنای این برداشت باید جلد اول کتاب براون، باشد که به ادبیات دوران انقلاب مشروطه اختصاص دارد و آنجا پس از نامهایی چون ملك الشعرای بهار و عارف قزوینی در معرفی « شش شاعر معاصر ایران » می نویسد: « ۳ - میرزا مرتضی

فرهنگ - جوانی است تقریباً بیست و هشت ساله ، بانی روزنامه خاورستان در اوایل دوران مشروطیت، در دوره دوم مشروطه ابتدا رئیس پلیس (شهر بانی) سمنان و سپس قم گشت . فعلا در پاریس مشغول تحصیل است.» (صفحه ۶۹ ترجمه محمد عباسی) وبعد به معرفی سید اشرف گیلانی می پردازد . و انتخاب «براون» نیز از خود او نیست و یاد آوری کرده « این توضیحات توسط میرزا حسین کاظم زاده (ایران شهر) در ژانویه سال هزار و نهصد و سیزده بدست» اورسیده است.

\* صفحه ۱۵۹ : برای آگاهی از تفصیل دلیری بی مانند سلطان العلمای خراسانی، صاحب «روح القدس» در واقعه توپ بستن مجلس شورای ملی، و جنگ و اسارت و سرانجام، قتل فجیع او بدست قزاقان، به «تاریخ مشروطه کسروی، «تاریخ انقلاب مشروطیت» دکتر محمد ملکزاده، و تقریرات «تاریخ مطبوعات» محیط طباطبائی مراجعه شود. نام این روزنامه نویس غیرتمند را غباری از فراموشی و نا آگاهی پوشانده است .

\* صفحه ۱۶۱ : در تقریرات «تاریخ مطبوعات» محیط طباطبایی روزنامه سرش چنین معرفی شده است : «در اواخر دوران استبداد صغیر، مهاجر و گریختگان ایرانی که به اسلامبول رفته و توقف گزیده بودند به کمک برخی از ایرانیان مقیم آن شهر، روزنامه سرش را دایر کردند که مدیری آن را «محمد توفیق» نامی مدیر دبستان ایرانیان اسلامبول بر عهده داشت. حسین دانش اصفهانی شاعر و نویسنده معروف که در دوزبان فارسی و ترکی صاحب طبع شعر و قلم تحریر بود با حاجی میرزایحیی دولت آبادی و معاضد السلطنه نایینی و دهخدا بعد از بازگشت از سوئیس، در تحریر آن شرکت جستند. این روزنامه . . . زبان حال ایرانیان روشنفکر و

رطندوستی بود که در خارج از کشور به یاری برادران خود که در داخل با استبداد و ارتجاع و استعمار در نبرد بودند، برخاست.

دولت آبادی در جلد سوم «حیات یحیی» تنها از «دهخدا» و نیز نویسندگی خودش در روزنامه سروش نام می برد. منبع مؤلف «تاریخ مطبوعات» ادوارد براون است که آنجا احمد بیك آقایی را در شمار نویسندگان سروش می نویسد.

\* صفحه ۱۶۴: در تاریخ «مطبوعات ادوارد براون» ترجمه فارسی ذیل شماره (۴۴) آمده است: «استقلال ایران روزنامه یومیة بزرگی بوده است.. این نامه ارگان مطبوعاتی حزب اتحاد و ترقی بوده، وابتدا توسط دکتر حسین خان کحال و سپس به مدیریت محمدخان مهندس همایون، و بالاخره از طرف دکتر ابوالحسن خان تبریزی نشر شده است. استقلال ایران تا شعبان هزار و سیصد و بیست و نه هجری قمری (اوت ۱۹۱۱) انتشار داشته.» بنا بر این طی یکسال استقلال ایران که ارگان حزب بوده سه مدبر عوض کرده است و در تمام مدت دکتر حسین خان کحال آنرا اداره نمی کرده.

\* صفحه ۱۶۷: دارآویخته شدگان تبریز، که بارأی «دیوان حرب» سالدانها کشته شدند، بنا بر نوشته کسروی در تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان و با حساب ۱۲ دسته ۳۷ نفر بودند، ولی با حساب مستر تورنر انگلیسی که کسروی نقل کرده این دارآویختگان به ۴۹ نفر می رسند.

\* صفحه ۱۷۹: این قسمت باید استنتاجی باشد از صفحه ۹ و ۸ تاریخ احزاب سیاسی ایران تألیف ملک الشعراى بهار که می نویسد: «در سال اول فتح تهران رجب

۱۳۲۷ قمری مطابق ۱۹۰۸ میلادی در ایران دو حزب پیدا شد: یکی انقلابی، دیگر اعتدالی و در همان سال بعد از افتتاح مجلس دوم این دو حزب با اسم «دموکرات عامیون» و «اجتماعیون اعتدالیون» رسمی شد و خودشان را بمجلس معرفی کردند. احزاب دیگر نیز مثل «اتفاق و ترقی» وجود داشت اما چون در مجلس نماینده حسابی نداشتند گل نکرده کاری از پیش نبردند.

دموکراتها که ۲۸ نفر بودند مخالفان خود یعنی اعتدالیون را که ۳۶ تن میشدند ارتجاعی مینامیدند. زیرا آن حزب هوادار روش ملایمتر و رعایت سیر تکامل بود و اعتقاد بکشتن و ازمیان بردن مستبدان و ارتجاعیها نداشت و ازینرو بیشتر اعیان بدان حزب پناه میبردند. سپهدار اعظم تنکابنی، سردار محبی، دولت آبادیها، سید عبدالله بزرگ بهبهانی، سید محمد بزرگ طباطبایی و پیشوای مشروطه و غالب متنفذین و ناصر الملک نایب السلطنه و فرمانفرما و غالب اعیان و روحانیان و اکثریت مجلس دوم طرفدار یا عضو این حزب شدند. اینها دموکراتها را انقلابی و تندرو میخواندند و در جراید خود از آنان انتقاد میکردند و احیاناً از تهمت‌های دینی و تکفیر خودداری نداشتند. حزب اعتدال با ۲۴ نفر مؤتلفه و ۴ اتفاق و ترقی و ۳ تن طراز اول و ۷ نفر بیطرف ائتلاف داشتند.

سپس تا صفحه ۱۱ به تشریح مسلک و برنامه و مشی دو حزب و اختلاف خونین آنها می‌پردازد.

اما در مورد روزنامه هفتگی جنوب ارگان حزب اتفاق و ترقی، محل استناد، تاریخ مطبوعات و ادبیات براون است که زیر شماره (۱۲۸) می‌نویسد: «جنوب - نشریه هفتگی است، که در طهران بسال هزار و سیصد و بیست و هشت هجری قمری (هزار و نهصد و ده میلادی)، بمدیریت تنگستانی، بسردبیری

سید یعقوب شیرازی، با چاپ سربی انتشار یافته است. این نشریه ارگان مطبوعاتی حزب « ترقیخواهان » بوده، که طالب ترقیات ایالات جنوبی ایران بوده، و بوسیله گروهی از نمایندگان جنوب کشور در دوره دوم مجلس شورای ملی تأسیس و اداره می شده است. مهمترین قسمت مندرجات « جنوب » با انتقاد از بختیاریها تخصیص یافته است. « و نیز درباره روزنامه « اتحادیون » توجه مؤلف به این شرح تاریخ مطبوعات براون، ذیل شماره ( ۴۴ ) است: « استقلال ایران روزنامه یومیه بزرگی بوده است که در طهران بتاريخ جمادی الاول سنه هزار و سیصد و بیست و هشت ( مه - ژوئن ۱۹۱۰ میلادی ) انتشار یافته. این نامه ارگان مطبوعاتی حزب اتحاد و ترقی بوده، ابتدا توسط دکتر حسین خان کحال، و سپس بمدیریت محمدخان مهندس همایون و بالاخره از طرف دکتر ابوالحسن خان تبریزی نشر شده است. استقلال ایران تا شعبان هزار و سیصد و بیست و نه هجری قمری ( اوت ۱۹۱۱ ) انتشار داشته. »

از این مجموعه می توان دریافت که « اتفاق و ترقی » يك حزب است، و متجددین و « اتحادیون » از هم جدا نبوده اند، و این حزب، مؤتلف اعتدالیها بوده است، و چهار نماینده در مجلس و دوازده گان - یکی روزانه و دیگری هفتگی داشته است.

\* \* صفحه ۱۷۹ - سید ضیاءالدین طباطبایی به ترتیب روزنامه های ندای اسلام را در سال ۱۳۲۵ قمری برابر با ۱۹۰۷ میلادی در شیراز - شرق را در تهران به سال ۱۳۲۷ هجری قمری برابر ۱۹۰۹ میلادی - و برق را پس از توقیف شرق در شوال ۱۳۲۸ هجری قمری برابر اکتبر ۱۹۱۰ میلادی، و پس از توقیف برق، رعد را در ۲۷ ذی الحجه ۱۳۲۸ هجری قمری به جای آن منتشر ساخته است. در ذیل

شماره ( ۲۲۳ ) تاریخ مطبوعات براون مشی سیاسی شرق چنین معرفی شده :  
 « روزنامه شرق درسیاست ابتدا ناشر افکار حزب اتحاد و ترقی بود ، ولی بعدها  
 انقلابی گشت . » ، و ملك الشعراى بهار در باره مشی سیاسی رعد می نویسد : « روزنامه  
 رعد که از جرائد مستقل و متکی بحزبی نبود بمدیريت « سيد ضياء الدين طباطبائی »  
 دایر گشت ..... از همه این جراید فقط « رعد » و « عصر جدید » بهواداری  
 صریح متفقین یعنی روس و انگلیس چیز می نوشتند . »

\*\* صفحه ۱۷۹ : علاوه بر صفحه ۹ و ۱۰ تاریخ احزاب سیاسی بهار ، که  
 نقطه های اختلاف نظر مسلکی دو حزب اصلی و جبهه بندی احزاب را در مجلس و  
 مطبوعات بیان می کند ، در دیوان ادیب الممالک فر اهائی وا کنش شاعر روزنامه نویس  
 را در برابر مبارزه دو حزب اصلی می توان یافت از جمله در قصیده بلندی که آزرده گیهای  
 خاطر شاعر از وضع کشور و وضع زمانه آمده است ، و در صفحه ۴۴۲ دیوان طبع  
 شده می گوید :

نوعروس ملك را کابین کنند از بهر خصمان

اعتدالیون زسویی انقلابیون زیکسو

و در صفحه ۴۳۷ دیوانش يك رباعی است که باتغییر مصرع اول در صفحه ۴۳۶

نیز آمده :

احزاب فتاده اند در خط جنون هر لحظه به رنگی شده چون بوقلمون

با اینکه ندانند برون را ز درون کل حزب بمالديهم فرحون

و نیز در صفحه ۱۶ دیوان :

خدا رحمت کند مرحوم حاجی میرزا آقاسی را

بیخشد جای آن بر خلق احزاب سیاسی را

ترقی ، اعتدالی ، انقلابی ، ارتجاعیون  
 دموکراسی و رادیکال و عشقی اسکناسی را ....  
 ندیدم فایدت ز احزاب جزضدیت ملی  
 خدا برچیند از بیخ این بساط رشک و ماسی را

\* صفحه ۱۸۰ : درباره روزنامه ایران نو، به تاریخ مطبوعات ادوار دبراون  
 ذیل شماره (۷۷) رجوع کنید و نیز به تقریرات تاریخ مطبوعات طباطبایی در دانشکده  
 علوم ارتباطات اجتماعی . سردبیر روزنامه ایران نو ، محمد امین رسول زاده ،  
 بعدها رهبر حزب مساوات « سوسیال دموکرات قفقاز » شد و حکومت کوتاه مدت  
 مساوات را پی افکند که دولتی مستعجل بود. درباره وی از جمله در تاریخ قاجار  
 شادروان « شمیم » صفحه ۴۹۰ یاد شده است ، و شرح جلد دوم « از صبا تا نیما »  
 صفحه ۱۰۸ در معرفی ایران نو و رسول زاده نیز از منابع درخور یادآوری است .

\* صفحه ۱۸۱ : از محمد علی خراسانی هروی، مدیر روزنامه بامداد روشن  
 در کتاب تاریخ رجال ایران چنین یاد شده : « محمد علی بامداد متولد ۱۲۶۳  
 خورشیدی فرزند رفیع ( رفیع الممالک ) برادر بزرگ نگارنده این کتاب از  
 ادباء و افاضل ایران بود و گواه بر فضلش مؤلفاتی است که از وی باقی مانده و  
 بعضی از آنها از قبیل حکمت عملی ، الهامات خواجه، وادب چیست وادیب کیست  
 به طبع رسیده . . . . از مشهد به تهران آمد که به نجف برود و این امر مصادف  
 شد با زمزمه مشروطیت و افتتاح مجلس و سلطنت محمد علیشاه قاجار بنا بر این  
 عزم رحیلش بدل به اقامت تهران گردید و . . . . داخل در عملیات و اقدامات  
 مشروطه خواهان بطور آشکار و پنهانی گردید. مسافرتی نیز راجع به این موضوعات

به اصفهان نمود و مدتی در میان بختیاریها بود بانجفقلی خان صمصام السلطنه و ضرغام السلطنه به اصفهان آمده و چندی نگذشت که به تهران بازگشت و در تهران مشغول به نوشتن مقالات بر علیه استبداد شد. در ابتدا نویسنده و سردبیر چند روزنامه از قبیل آفتاب و شوری و غیره بود بعد در اوایل جنگ بین الملل اول خودش روزنامه‌یی به نام «بامداد روشن» تأسیس نمود ..... این روزنامه یکی دوبار اجباراً تعطیل و دوباره دایر گردید و ..... چون یکی از مخالفین سرسخت قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق الدوله، نخست وزیر وقت با انگلیسها بود ازین جهت پس از اینکه مدتی مخفی بود سرانجام دستگیر شد و به کاشان تبعید گردید .....»

پس از سقوط و ثوق الدوله، بامداد وارد خدمات دولتی می‌شود. و از وزارت فرهنگ شروع می‌کند. در دوره ششم مجلس شورای ملی از شیراز به مجلس می‌رود و در تشکیلات جدید دادگستری به سال ۱۳۰۶ به دادگستری دعوت می‌شود و تا سال ۱۳۱۶ این خدمت ادامه دارد و قاضی شعبه سوم دیوان عالی کشور است. یکسال پس از بیکاری و انفعال، بار دیگر به خدمت دادگستری دعوت می‌شود. از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۰ بازرس دولت در بانک ملی است. در اثر تصادف با یک دوچرخه سوار آسیب می‌بیند و در مرداد سال ۱۳۳۰ در می‌گذرد.

ملك الشعراى بهار در تاریخ مختصر احزاب سیاسى از روزنامه بامداد روشن چنین یاد می‌کند: «بعد از افتتاح مجلس سوم حکومت مشروطه بار دیگر بوجود آمد. جراید ملی از نوجوان گرفتند، روزنامه «نوبهار» به مدیریت مؤلف در تهران بجای ایران نو دایر شد، روزنامه «شوری» به مدیریت ناصر الاسلام کیلانی بمساعدت حزب اعتدال دایر گشت، روزنامه «رعد» که از جراید مستقل و متکی به حزبی نبود بمدریت «سید ضیاءالدین طباطبائی» دایر گشت و جریده هفتگی بنام «عصر جدید» بریاست «متین السلطنه» راه افتاد، سوای اینها

روزنامه‌های دیگر، « ستاره ایران » دموکرات و « بامداد روشن » هوا دار اتحاد اسلام و جراید دیگر بوجود آمد . \*

مطلب بالا ، با اندک تشریحی ، بعین درجند دوم « از صبا تا نیما » آمده است جز آنکه در ذیل صفحه توضیح داده روزنامه « شوری » قبلا ، از سال ۱۳۲۷ هـ . ق . تابسته شدن مجلس دوم دایر بود . همچنین در توضیح اختناق سه ساله مطبوعات و دوره فترت پس از مجلس دوم می آورد که « مطبوعات آزاد خفه شدند و چند روزنامه بی ارزش که انتشار می یافتند ، نظرهای ارتجاعی را تبلیغ می کردند . » و ذیل صفحه بر توضیح می افزاید :

« از آن جمله بود روزنامه آفتاب که به مدیریت ادیب الممالک فراهانی و سردبیری حبیب الله آموزگار از ۲۹ محرم ۱۳۳۰ هـ - ق یک روز در میان به خرج و حمایت دولت منتشر می شد و ارگان نیمه رسمی دولت بود و سعی داشت که رضایت سفارتخانه‌های روس و انگلیس را جلب کند و ظاهراً سر مقاله‌های مهم آن را هم و ثوق الدوله وزیر امور خارجه می نوشت . »

در تاریخ مطبوعات « براون » ذیل شماره ( ۱۵ ) چنین آمده است : « آفتاب این روزنامه به قطع بزرگ یک روز در میان در تهران بسال ۱۳۳۰ هجری قمری ( ۱۹۱۲ میلادی ) بمدریت میرزا عبدالحسین ابن عبدالوهاب منتشر می شده است . آفتاب بهزینه و حمایت دولت وقت بعد از کودتای اول محرم هزار و سیصد و سی هجری قمری ( بیست و دوم دسامبر ۱۹۱۱ ) و توقیف تمام روزنامه‌های آزاد تهران ، انتشار داشت و ارگان نیم رسمی دولت بود . این روزنامه از اقدامات دولت دفاع می کرد و از مخالفین انتقاد بعمل می آورد و سعی در جلب موافقت سفارتین می شد . مدیر آن در اوایل یکی از مخبرین ایران نو بود . مشی سیاسی آفتاب اعتدالی بود . »

و در شرح حال ادیب الممالک فراهانی که در مقدمه دیوانش آمده ، وحید دستگردی به اختصار یادآوری می کند : « در سنه ۱۳۳۲ از طرف وزارت داخله مدیر روزنامه نیم رسمی آفتاب شد.» (دیباچه - صفحه ك)

«ابراهیم فخرایی» در سردار جنگل (صفحه ۲۲) می نویسد : «میرزا کوچک» با چند تن از سران ملیون ایران ، وابسته به اتحاد اسلام در تهران تماس گرفت و به گفتگو پرداخت ..... چند تن از رجال سیاست و روحانیون شهیر ایران همچون سید محمد رضا ( مساوات ) - سید محمد ( کمره ای ) - سلیمان محسن ( اسکندری ) - سید یحیی ندامانی ( ناصرالاسلام ) - میرزا طاهر ( تنکابنی ) - سید حسن ( مدرس ) و ادیب السلطنه ( سمیعی ) عضویت این سازمان را قبول و در پیشرفت هدف سازمان فعالانه شرکت داشته اند . اما نه بطور دسته جمعی بلکه تك تك و به شکل افراد .... میرزا کوچک در طهران با رجال دین و سیاست مذاکره کرد جمعی از سران ملیون معتقد به اتخاذ روش ملایم و عده بیشتری لزوم اقدامات حاد و مقاومت مسلحانه را برابر دشمن تأکید می نمودند ..... میرزا کوچک در راه تحقق این نیت داوطلب گردید و همراه يك تن از مجاهدین ..... بطرف مازندران رهسپار شد .»

ملك الشعراى بهار در ذیل صفحه ۱۶۷ تاریخ احزاب سیاسی رابطه میرزا کوچک خان را با اتحاد اسلام در تهران ، روشنتر شرح می دهد : «وبعد از آنکه ناصر الملك نایب السلطنه اولتیماتوم روس را در ۱۳۲۹ قمری هجری پذیرفت و در مجلس رابست و دموکراتها را به قم و غیره تبعید کرد - جمعی هم از اعتدالیون را که از آن جمله سردار محیی و میرزا کریمخان و ناصرالاسلام ندامانی باشند بقم فرستادند و آنجا محترمانه توقیف شدند و میرزا کوچک خان در این سفر هم با سردار محیی و یاران او همراه بود - و پس از چندی این جماعت بتهران باز گشتند

و مرخص شدند، در این اثنا دو نفر از دعای ترک بهاء بیت و روشنی بیک بعنوان دعوت به اتحاد اسلام وارد تهران شدند. و بادمو کراتها که از دولت وقت ناراضی بودند بهم درساخته لثری شبیه به دستگاه فراماسون دایر کردند و مردم را جلب نموده در آن نقطه با چشم بسته حاضر کرده و به اتحاد اسلام و فداکاری در این راه دعوت می کردند، مؤسس دو نفر ترک و مرحوم سید محمد رضا مساوات بود و میرزا کوچک خان هم جزء اعضای مؤسس این جمعیت داخل کار گردید و از سردار محیی و حزب اعتدال جدا شد و دعوت اتحاد اسلام را پذیرفت. این حزب بعدها بهم خورد و کونه نکرد و بار دیگر دمو کراتها تشکیلات سیاسی خود را از سر گرفتند و ... اما میرزا کوچک خان با عقیده «اتحاد اسلام» بگیلان رفت و در جنگ بین الملل تشکیلاتی در شهر و در جنگل فومن بنام «اتحاد اسلام» راه انداخت و مقداری نیز اسلحه توسط دعای ترک و آلمان بدو رسید ...»

در مجموع این گزارشها، که پیوستگی میرزا کوچک خان را به اتحاد اسلام و کوششهای میرزا محمد علی خان بامداد را در کار روزنامه نویسی بیان می کند، جایی از ارتباط میرزا محمد علی خان بامداد مدیر روزنامه بامداد روشن با قیام جنگل نشان ندارد. و از سوی دیگر، جدایی راه میرزا را با بامداد مطرح می کند. جز اینکه تصور شود، آشنایی با ناصر الاسلام (نداغانی) مدیر روزنامه «شوری» رشته بی میان آنها باشد، یا تصویری پیوستگی روزنامه بامداد روشن به «اتحاد اسلام» در تهران، این روزنامه را تا حد ارگان قیام میرزا پیش برده باشد، که خود مقوله بی جدا از جریان تهران بود.

درباره نقش و هدف ترکها در تبلیغ اتحاد اسلام در ایران، جلد چهارم «حیات یحیی» مطالبی دارد که درخور اعتناست و نقطه سیاسی خیزش اتحاد اسلام را در این دوره مشخص می سازد.

\* صفحه ۱۸۲: « انقلاب سرخ » به مدیریت ابوالقاسم ذره و « کمونیست » به مدیریت سید جعفر جواد زاده ، ارگان جنگلی ها نبود . و روزنامه های حزب عدالت بود که گروهی از مجاهدان مهاجر ایرانی مقیم باکو، تشکیل داده بودند، و هنگام درگیری قوای شوروی و انگلیس در مرزهای شمالی ایران، این حزب در رشت با کمیته اتحاد اسلام میرزا کوچک خان ائتلاف کرد، ولی حکومت ائتلافی دوامی نیاورد . و رشت در تصرف عدالتی ها ماند و میرزا به اعماق جنگل عقب نشست و بین این گروه با قوای قزاق از یک جانب و با قوای جنگل از جانب دیگر جدال بود . به عدالتی ها، حزبی ها نیز می گفتند . در روزنامه جنگل نیز حسین کسمایی ، شاعر و نویسنده معروف گیلانی و غلامحسین کسمایی معروف به نویدی سردبیری و مدیریت داشته اند . از حزب عدالت در صفحه ۱۸۴ کتاب جدا گانه و بی رابطه با ماجرای جنگل یاد شده .

\* صفحه ۱۸۳: ابوالقاسم لاهوتی ، روزنامه نویس نبود ، شاعر و نظامی و انقلابی بود . احاطه اش در زمینه شعر انقلابی و نوآوری در مضمون و قالب شعر فارسی ، جای بحث ندارد . و علاوه بر مطبوعات ایران ، هنگام اقامت اجباری در استانبول ( قسطنطنیه ) با مطبوعات فارسی آن شهر همکاری داشت و نیز مجله بی به نام پارس در آن شهر پایه گذاری کرد که اوقسمت فارسی ، و « حسن مقدم » قسمت فرانسه مجله را تدوین می کردند . شعر لاهوتی در بیشتر روزنامه های تهران ، و روزنامه های معتبر شهرستانها منتشر می شد . و بی مناسبت نیست یادآوری شود ، اشعاری که به نام مبهم « کرمانشاهی » در روزنامه « شرق » سید ضیاءالدین چاپ شده ، به اعتبار

تلاشی که برای تصرف دراوزان معمول فارسی در آغاز به چشم می آید و نیز به خاطر مضمون می توان گمان برد کار لاهوتی است. با این سابقه باید گفت لاهوتی، از شعر به عنوان يك پیام و وسیله ارتباطی مسلکی بهره برداری می کرده است. و از نظر سازمانی قیام لاهوتی باید جزئی از تلاش حزب عدالت با کوباشد.

( ذیل صفحه ۱۰۸ جلد دوم از صبا تا نیما، نیز در معرفی شاعر کرمانشاهی، نام لاهوتی آمده، بی هیچ توضیح.)

\* صفحه ۱۸۸: محمد امین رسول زاده، رهبر حزب سوسیال دمکرات ( مساوات ) قفقاز بود که در دوران تبعید مدتی در ایران بسر می برد و مقالات اصلی روزنامه « ایران نو » ارگان حزب دمکرات را در تهران می نوشت و با فشار دولت تزار از ایران رفت. و پس از انقلاب اکتبر در يك فاصله زمانی کوتاه، حزب او حکومت جمهوری آذربایجان قفقاز را تشکیل داد. اما مدت زیادی نپایید و در اثنايي که برای مناسبات خود با ایران مذاکره می کرد، ساقط شد.

\* صفحه ۱۹۴: قرارداد ۱۹۱۹ که به قرارداد وثوق الدوله معروف است، در اصل عبارت از قبول « تحت الحمایگی » بود و کاپیتولاسیون ( Capitulation ) یا « حق قضاوت کنسولی » مولود قراردادهای ترکمانچای و گلستان با روسیه تزاری در دوران سلطنت فتحعلیشاه قاجار است، که اول بار در کابینه صمصام السلطنه ( در سال ۱۲۹۷ ه. ش ) به استناد سقوط دولت تزاری در روسیه - که اساس کاپیتولاسیون، قرارداد با آن دولت بود - الغای کاپیتولاسیون به سفارتخانه های خارجی اعلام گردید. و در همان کابینه، اختلاف کمپانی راه آهن شهری با ایران بر سر افزایش نرخ، خارج از قلمرو کاپیتولاسیون حل شد.

\* صفحه ۱۹۶ : دريك پایان نامه تحصیلی دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی که به « بررسی روزنامه‌های شرق-برق - رعدسید ضیاءالدین طباطبائی » اختصاص دارد، دانشجوی گزارشگر با استناد به قول استاد محیط طباطبائی، روزنامه چهار صفحه‌ی ندای اسلام را اینگونه معرفی می‌کند: «روزنامه درجه دوم منطبق با روزنامه‌های آغازین مشروطه» چنانکه در صفحه ۳ از قسمت هیجدهم تقریرات تاریخ مطبوعات استاد محیط طباطبائی نیز آمده است: «پس از برقراری حکومت مشروطه روزنامه یومیه شرق را به سبک و سیاق ایران نو، تأسیس کرد. بعد از انتشار چند شماره حسین کسمایی را به یاری خواست.»

\* صفحه ۲۰۰: علی اکبر مشیر سلیمی، تدوین کننده « کلیات میرزاده عشقی » در مقدمه دیوان، « سرگذشت عشقی » می‌نویسد:

«... سالهای کودکی را در مکاتب محلی و از سن هفت سالگی در آموزشگاه‌های الفت و آلیانس به تحصیل فارسی و فرانسه اشتغال داشته، پیش از آنکه گواهی نامه از مدرسه اخیرالذکر دریافت کند در تجارتخانه یکنفر بازرگان فرانسوی به شغل مترجمی پرداخته و در اندک زمانی زبان فرانسه را بخوبی دریافته و به شیرینی تکلم می‌کرد. دوره تحصیلی این شاعر جوان تا هفده سالگی بیشتر طول نکشید... در آغاز سن ۱۵ سالگی بد اصفهان رفت، سپس برای اتمام تحصیلات بتهران آمد، بیش از سه ماه نگذشت که بهمدان بازگشت و چهار ماه بعدش باصرار پدر خود برای تحصیل عازم پایتخت شد ولی عشقی از تهران برشت و بندرپهاوی رهسپار و بمرکز باز آمد... هنگامی که در همدان بسر می‌برد اوایل جنگ بین الملل اول... به خواجوی از عثمانی‌ها پرداخت و زمانی که چند هزار تن مهاجر

ایرانی . . . بسوی استانبول می رفتند او هم به آنها پیوست . . . عشقی چند سالی در استانبول بسر برد، در شعبه علوم اجتماعی و فلسفه دارالفنون با بعالی جزء مستمعین آزاد حضور می یافت، پیش از این سفر هم یکبار به همراهی آلمانیها به بیجار و کردستان رفته بود .

\* \* صفحه ۲۰۰: عباس میرزا اسکندری، مرد سیاست و تجارت بود . در رشته حقوق تحصیل کرد، و از سال ۱۳۰۰ روزنامه سیاست را منتشر می کرد، و پاره‌یی از مقالات میرزاده عشقی در روزنامه او منتشر شده است . بعد از دوران طولانی تعطیل، روزنامه او، از اسفند ۱۳۲۰ به صورت ارگان حزب توده، در تهران انتشار یافت ولی ۹ ماه بعد هم او را به نام روش غیر حزبی از حزب اخراج کردند، و هم روزنامه دیگر جای روزنامه سیاست منتشر گردید، عباس میرزا اسکندری گرایشهای لیبرالی داشت، در کابینه قوام السلطنه رئیس هیأت مدیره شرکت بیمه ایران شد، و در سالهای ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ به استانداری تهران رسید . و در دوره پانزدهم مجلس شورای ملی از همدان به مجلس رفت . خطیبی قوی دست بود و در سالهای اول دهه سوم قرن حاضر در بررسی تاریخ مشروطه ایران به صورت يك ادعای نامۀ ملی، علیه کارگزارانی که انقلاب را از مسیر خود دور کرده‌اند - کتاب «آرزو» را نوشت که ناتمام ماند .

وی همچنین کتاب « نفت و سیاست » را تألیف کرد و یکی از نمایندگان انگشت شمار مجلس بود که در طرح مسأله نفت پیشقدم شدند . و نطق‌های او از این نظر حایز اهمیت است . وی در دوره اول رواج تأسیس بانکهای خصوصی، در ایران با سرمایه گذاری شخصی، بانک « ایران و سویس » را تأسیس کرد . ولی دوران

بانکداری او با آخرین سالهای عمرش همراه بود، و در سال ۱۳۳۸ در مونیخ در گذشت.

منظور از این توضیح آن بود که عباس میرزا اسکندری، در حزب توده نقش فعالی نداشت، و دوره همکاری او با این حزب بسیار کوتاه بود. مؤلف کتاب «غرب و شوروی در ایران - سی سال رقابت» نیز درین مورد می نویسد: «در آغاز روزنامه سیاست به مدیریت عباس میرزای اسکندری ارگان حزب توده بود ولی در اثر اختلاف کمونیستهای با سابقه حزب با غیر کمونیستها و روش معتدل عباس اسکندری بعداً روزنامه رهبر بجای روزنامه سیاست ارگان حزب توده شد و عباس اسکندری از حزب کناره گرفت» (ذیل ۲ - صفحه ۲۸۴ ترجمه فارسی ۳۰ سال رقابت در ایران چاپ اول سال ۱۳۵۱ - تهران).

\*\*\* صفحه ۲۰۰: در کتاب اول کلیات مصور عشقی - از صفحه ۱۲ تا ۱۶ نقل از روزنامه مرد امروز گزارش دقیقی از جریان ترور میرزاده عشقی زیر عنوان «شهادت عشقی» آمده است که جزء به جزء حادثه ترور را شرح می دهد، و با دقت تمام موضوع را می شکافد. به موجب این گزارش که حتی نام و حرفه و سابقه سه نفر عامل و مأمور ترور عشقی را و نیز پایان کار آنها را آورده است، برای تدارک ترور میرزاده در خانه او از چند روز پیش، دوتن از تروریستها خانه اش را زیر نظر گرفته بودند. و منتظر زمانی بودند که خانه خلوت شود، و شب پیش از حادثه، نامه بی نظلم آمیز برای او بداخل خانه فرستاده بودند. ساعت هشت صبح روز بعد که احساس می کنند، خانه خالی است، در باز است و غیر از طعمه کسی در خانه نیست، وارد حیاط می شوند. به عشقی که «لب حوض صورت خود را می شسته» می گویند برای جواب عریضه دیشب آمده ایم. «عشقی آنها را بداخل اتاق دعوت کرده

درحالیکه یکنفر از آنها برای او توضیح مطلب می داد دیگری از عقب او راهدف قراردادده بلافاصله هر دو فرارمینمایند ، عشقی فریادزنان خود را ازمنزل بخارج رسانیده درجوی آب وسط کوچه میافتد . « .

\* صفحه ۲۰۱ : فرخی برای عزیمت به تهران ترك تحصیل نکرد . در صفحه دهم دیوان فرخی حسین مکی در شرح احوال وی می نویسد : « پس از طی دوران خردسالی مشغول تحصیل گردید ولی نزدیک پایان تحصیلات مقدماتی در مدرسه مرسلین انگلیسهای یزد بعلت روح آزادیخواهی ، و افکار روشن وی و اشعاری که بر علیه اولیای مدرسه میسروده ویرا بهمناسبت شعر پایین که حدود سن ۱۵ سالگی سروده است ..... از مدرسه خارج نمودند :

سخت بسته با ما چرخ عهد سست پیمانی

داده او به هر پستی دستگاه سلطانی

دین زدست مردم برد فکرهای شیطانی

جمله طفل خود بردند در سرای نصرانی

رو بهمرفته تحصیلات فرخی تقریبا تا حدود ۱۶ سالگی میباشد ومعلوماتش فارسی و مقدمات عربی را فرا گرفته ، و چون از طبقه متوسط بود پس از خروج از مدرسه بکارگری مشغول گردید، و از دسترنج خود امرار معاش میکرد . ( چاپ پنجم - تهران - ۱۳۴۱ ) .

و درباره سفر وی به تهران ، از صفحه ۱۱ به بعد شرح می دهد که فرخی از دموکراتهای یزد بود ، و در نوروز، قصیده یی علیه استبداد و مدح آزادی خطاب به حکومت یزد « ضیغم الدوله قشقایی » خواند ، حا کم دستور داد ، دهان فرخی را دوختند ، و او را به زندان انداختند ، فرخی پس از یکی دو ماه از زندان حا کم گریخت و به تهران عزیمت کرد . ( در ۲۳ سالگی ) .

\* صفحه ۲۰۱: در مورد علی دشتی و فرخی یزدی، باید خاطر نشان ساخت که نظیر بیشتر روزنامه نگاران و شاعران زمان مورد بحث، هیچیک، گرایشهای سیاسی با مفهوم دههٔ جلوتر، به همسایه شمالی نداشته‌اند. و موج روشنفکری عصر مورد بحث در سراسر جهان گرایشی، آمیخته از همدردی و احساس تفاهم، در قبال تهاجم قدرتهای استعماری اروپا به حکومت انقلابی روسیه پدید آورده بود، که در کشورهای نظیر ایران، بادرگیری سخت که با انگلیس وجود داشت و شرایط تازه حکومت در روسیه، سبع‌ترین دشمن آنها یعنی تزارسم را از پا در آورده بود، این گرایش مضاعف می‌شد، اما متأسفانه «ژرژ لنینچافسکی» و مؤلفانی نظیر وی، که از سویی روح زمان و شرایط اجتماعی و سیاسی ایران را دقیق درک نمی‌کرده‌اند، و از سوی دیگر احساسات ضد کمونیستی آنها بسیار شدید بوده، اغلب، جریانها و اشخاص را، ناشناخته، به طرفداری دولت شوروی منسوب داشته‌اند، و یا کوشیده‌اند، آبخووری از حمایت شوروی، برای این گروه‌ها نشان بدهند، در حالی که صریح‌ترین تفاهم با کمونیسم، در آثار این گروه‌ها مثنوی «خرنامه» عارف قزوینی است، یا اشاراتی در غزلهای فرخی یزدی به زندگی دشوار و پر مشقت دهقانان و کارگران ایرانی، یا جمع‌آوری اعانه برای گرسنگان کشور همسایه؛ که اولی طنزی تلخ و گزنده است بی‌هیچ عمق یا درک مسلکی، و دومی نشانی از یک گرایش حاد رادیکالی است و عواطف انساندوستی نظیر آنچه میرزادهٔ عشقی، شاعر و نویسندهٔ هم‌زمان آنها، به صورت عید خون پیشنهاد کرده است، که جای کمونیسم، به آنارشیسم، نزدیک است.

فرخی، در تمام دوران زندگی وزندانهای گوناگون خویش، منفرد و تنها بود، و در زندان و آزادی، او و کمونیستها از پشت پنجره به هم نگاه می‌کردند،

و گاهی فرخی در مقام مبارزه جویی، اعتصاب‌ها و درگیریهای آنها را در زندان می‌ستود. و آنها را همانند يك تماشاگر، تشویق می‌کرد. فرخی یزدی، در شعر، در سیاست و در روزنامه نویسی تا دم مرگ، يك رادیکالیست تنها و متکی به خویش باقی ماند. حتی اتهام او برای آخرین زندان، اتهام سیاسی نبود، او را بر اساس شکایت کاغذ فروش، بازداشت کردند و چندان در زندان ماند تا سرنوشت شوم و معروف به سراغش آمد.

\* صفحه ۲۰۳: سید حسن تقی‌زاده، لیدر دموکراتها در مجلس شورایی ملی بود، و پس از حادثه ترور «آیه‌الله بهبهانی» که رهبری اعتدالیها را بر عهده داشت و از نفوذ کلام بسیار در افکار عمومی برخوردار بود، رهبران مشروطه برای جلوگیری از کینه جویی متقابل «اعتدالیون» به تقی‌زاده پیشنهاد کردند تهران را ترک کند، و در واقع او را به تبعید فرستادند، با این وصف کینه جویی اعتدالیها، آرام نگرفت تا آنکه چندتن از دموکراتهای سرشناس را از پا در آوردند.

\* صفحه ۲۰۶: مجله «شرق» سعید نفیسی، مربوط به دوره دیگری است. و بازمان مورد بحث را بطنی جز این ندارد که نفیسی، تصمیم گرفته بود خلاء مطبوعاتی سالهای آخر دهه اول قرن چهاردهم را پر کند. و مجله شرق تا حدی خاطر مه مجله «دانشکده» ملک الشعرای بهار را تازه می‌کرد.

علاوه بر این آشفته شدن ناگهانی زمان، که شاید مربوط به دهسال کم و زیاد تاریخ میلادی است (۱۹۲۴ بجای ۱۹۳۴)، مؤلف محترم، به علت آنکه منابع و مآخذ لازم و کافی در زمینه مجله نویسی در دسترس نبوده، فضای مجله نویسی را بسیار محدود مورد بحث قرار داده‌اند. از نوع مجله ارمغان در همان زمان مجله

سنگین « دبستان » که شادروان « مشکان طبسی » فقیه و ادیب و حکیم معروف آن دوران می نوشت ، در خراسان منتشر می شد . و در خارج از کشور مجله های دیگر بود از جمله « پارس » استانبول و در داخل علاوه بر مجله آزادیستان تبریز ، مجله سنگین و پراورش « دانشکده » که ملک الشعرای بهار مدیر آن بود ، و شخصیت های سرشناسی چون اقبال آشتیانی ، رشید یاسمی ، سعید نفیسی ، سردار معظم خراسانی ( تیمورتاش ) در آن مطلب می نوشتند .

و نیز مجله « آینده » که دو دوره آن ، در سالهای آغاز قرن چهاردهم به مدیریت و نویسندگی دکتر محمود افشار انتشار یافت ، و در زمینه نشر يك مجله ماهانه سیاسی - فرهنگی و پی ریزی بینش سیاسی ملی در کشور پایه یی گذارد که تا زگی داشت و جای خالی آن مجله ، هنوز احساس می شود .

برای کسب اطلاع بیشتر درباره مجلات این دوره علاوه بر تقریرات محیط طباطبایی ( جزوه ۱۸ ) به جلد دوم « از صبا تا نیما » از صفحه ۲۲۵ تا ۲۳۵ رجوع کنید .

\* صفحه ۲۰۷: این مطلب، در صفحه ۲۳۶ ترجمه اختناق ایران چنین آمده است: « زنان ایران، از سنه ۱۹۰۷ بیک جنبش، بسیار ترقی نموده اند . اگر چه از احزاب ( رادیکل ) بشمار نیامده و ترقی آنان ذاتی و اصلی نبود، ولی با این حال از ترقی یافتگان عالم محسوب می شدند . آن اقدامات زنان، خیالات مندرسه قرنها را خراب و فاسد نمود، و هیچ خللی هم به صحت اینقول وارد نمی شود که آن وقایع طبیعی و حقیقی بود . »

\*\* صفحه ۲۰۷: در جزوه هیجدهم تقریرات « تاریخ مطبوعات » محیط طباطبایی صفحه پنجم چنین آمده است:

« دکتر حسین کحال مدیر استقلال ایران با خانم دکتر کحال که نخستین روزنامه نویس زن ایرانست ابدأ ارتباط و اتساعی نداشته است مگر اینکه هر دو طبیب چشم بوده‌اند . »

\* صفحه ۲۱۲: روزنامه « قیام » پس از توقیف شماره ۳۱ روزنامه « توفان » جای این روزنامه، وسیله فرخی یزدی منتشر شد . و در شماره سوم روزنامه قیام ، فرخی سر مقاله‌یی به نام « وضعیت پوشالی » نوشت که در آن سخت از احمد شاه انتقاد و به نخست‌وزیری قوام السلطنه اعتراض شده بود، و چون « قیام » نیز توقیف بود، جای آن از روزنامه « ایران آزاد » و کلیشه ایران آزاد استفاده کرد . و بر اثر شکایت دربار به داد گستری، موسوی زاده به محاکمه دعوت شد و « ضیاء الواعظین » را دولت تبعید کرد . شرح این مقالات و جریان محاکمه از صفحه ۱۷ به بعد در مقدمه دیوان فرخی آمده است . و تاریخ انتشار مقاله « وضعیت پوشالی » سوم دلو ۱۳۰۱ است .

## درباره تطبیق سالهای تاریخی :

از آنجا که وقایع تاریخی ایران، پس از اسلام بر مبنای گاه شماری اسلامی هجری قمری ثبت شده است. و این گاه شماری، در دوره پنجم مجلس شورای ملی با اصلاحی به هجری شمسی، تبدیل گردیده است. از سویی بطور کلی ضبط این وقایع از جانب غربی‌ها، با تقویم میلادی است که بنیاد آن میلاد مسیح است، که ضرورت تبدیل و مقایسه سالها -- را برای اهل تحقیق پیش می‌آورد، لازم است روشی در اختیار اهل مطالعه باشد. تقی‌زاده در جوابی که به سؤال «مبدأ تاریخ ایران چیست؟» مجله سخن ( شماره ۱۱ دوره پنجم ) داد، ضمن قبول انتخاب سال شمسی هجری، برای این مبداء شیوه تبدیل سالهای میلادی، هجری قمری و هجری شمسی را نیز ارائه داده است که به نقل از مجموعه مقالات او در زیر می‌آید :

« این کار از حیث عمل صعوبتی ندارد، چه تبدیل تاریخهای مسیحی به هجری شمسی کار ساده‌ایست و تبدیل تاریخهای قبل از مسیح با اضافه عدد ۶۲۱ به رقم معلوم و کم کردن اعداد تاریخهای بعد از مسیح از ۶۲۱ سهل است و نتیجه‌اش تاریخ قبل از هجرت میشود و برای تواریخ بعد از اسلام ( یعنی بعد از هجرت ) نیز از تاریخهای مسیحی ۶۲۱ کم کنید تاریخ هجری شمسی و بقیه بدست می‌آید و از ارقام تاریخ قمری نیز با حذف خارج قسمت عدد بر ۳۳ رقم تقریبی تاریخ هجری شمسی حاصل

می شود . ( مقالات تقی زاده صفحه ۴۸۵ ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب - چاپ اول ۱۳۴۱ تهران . )

البته این روش ساده رقم دقیق روز و ماه را بدست نمی دهد و برای رسیدن به روز و ماه دقیق در تبدیل تاریخها، می توان به جلد اول دائرةالمعارف فارسی که زیر نظر دکتر غلامحسین مصاحب تألیف شده، مراجعه کرد .

علاوه بر این، چون تاریخ های کتاب حاضر، بیشتر به سال میلادی است برای آنکه تطبیق آنها با تاریخ های قمری رایج متون فارسی دشوار نباشد، از سال ۱۲۱۰ هجری قمری که با سال ۱۷۹۵ میلادی برابر است و نیز با تاج گذاری آقامحمدخان قاجار، جدول مقایسه آغاز سال های هجری با ماه و سال میلادی تا پایان دوره قاجار ( ۱۳۴۴ هجری قمری برابر با ۱۹۲۵ میلادی ) تدوین گردیده . در خور یاد آوری است که دقت این جدول شامل ماهها، می شود، و نمی توان روزها را نیز مشمول این دقت کرد . زیرا بگفته تقی زاده در هر حال احتمال اندک تغییری در صحت روزها می رود .

اول محرم :

	هجری قمری	
۱۸ ژوئیه ۱۷۹۵	۱۲۱۰	
۷ ژوئیه ۱۷۹۶	۱۲۱۱	
۲۶ ژوئن ۱۷۹۷	۱۲۱۲	
۱۵ ژوئن ۱۷۹۸	۱۲۱۳	
۵ ژوئن ۱۷۹۹	۱۲۱۴	
۲۵ مه ۱۸۰۰	۱۲۱۵	
۱۴ مه ۱۸۰۱	۱۲۱۶	
۴ مه ۱۸۰۲	۱۲۱۷	
۲۳ آوریل ۱۸۰۳	۱۲۱۸	
۱۲ آوریل ۱۸۰۴	۱۲۱۹	
۱ آوریل ۱۸۰۵	۱۲۲۰	
۲۱ مارس ۱۸۰۶	۱۲۲۱	
۱۱ مارس ۱۸۰۷	۱۲۲۲	
۲۸ فوریه ۱۸۰۸	۱۲۲۳	
۱۶ فوریه ۱۸۰۹	۱۲۲۴	
۶ فوریه ۱۸۱۰	۱۲۲۵	

۲۷۷	یادداشتها
	اول محرم
۲۶ ژانویه ۱۸۱۱	هجری قمری ۱۲۲۶
۱۶ ژانویه ۱۸۱۲	۱۲۲۷
۴ ژانویه ۱۸۱۳	۱۲۲۸
۲۴ دسامبر ۱۸۱۳	۱۲۲۹
۱۴ دسامبر ۱۸۱۴	۱۲۳۰
۳ دسامبر ۱۸۱۵	۱۲۳۱
۲۱ نوامبر ۱۸۱۶	۱۲۳۲
۱۱ نوامبر ۱۸۱۷	۱۲۳۳
۳۱ اکتبر ۱۸۱۸	۱۲۳۴
۲۰ اکتبر ۱۸۱۹	۱۲۳۵
۹ اکتبر ۱۸۲۰	۱۲۳۶
۲۸ سپتامبر ۱۸۲۱	۱۲۳۷
۱۸ سپتامبر ۱۸۲۲	۱۲۳۸
۷ سپتامبر ۱۸۲۳	۱۲۳۹
۲۶ اوت ۱۸۲۴	۱۲۴۰
۱۶ اوت ۱۸۲۵	۱۲۴۱
۵ اوت ۱۸۲۶	۱۲۴۲
۲۵ ژوئیه ۱۸۲۷	۱۲۴۳
۱۴ ژوئیه ۱۸۲۸	۱۲۴۴
۳ ژوئیه ۱۸۲۹	۱۲۴۵
۲۲ ژوئن ۱۸۳۰	۱۲۴۶

## اول محرم :

۱۲ ژوئن ۱۸۳۱	هجری قمری	۱۲۴۷
۳۱ مه ۱۸۳۲		۱۲۴۸
۲۱ مه ۱۸۳۳		۱۲۴۹
۱۰ مه ۱۸۳۴		۱۲۵۰
۲۹ آوریل ۱۸۳۵		۱۲۵۱
۱۸ آوریل ۱۸۳۶		۱۲۵۲
۷ آوریل ۱۸۳۷		۱۲۵۳
۲۷ مارس ۱۸۳۸		۱۲۵۴
۱۷ مارس ۱۸۳۹		۱۲۵۵
۵ مارس ۱۸۴۰		۱۲۵۶
۲۳ فوریه ۱۸۴۱		۱۲۵۷
۱۲ فوریه ۱۸۴۲		۱۲۵۸
۱ فوریه ۱۸۴۳		۱۲۵۹
۲۲ ژانویه ۱۸۴۴		۱۲۶۰
۱۰ ژانویه ۱۸۴۵		۱۲۶۱
۳۰ دسامبر ۱۸۴۵		۱۲۶۲
۲۰ دسامبر ۱۸۴۶		۱۲۶۳
۹ دسامبر ۱۸۴۷		۱۲۶۴
۲۷ نوامبر ۱۸۴۸		۱۲۶۵
۱۷ نوامبر ۱۸۴۹		۱۲۶۶
۶ نوامبر ۱۸۵۰		۱۲۶۷

## اول محرم

۲۷ اکتبر ۱۸۵۱	هجری قمری	۱۲۶۸
۱۵ اکتبر ۱۸۵۲		۱۲۶۹
۴ اکتبر ۱۸۵۳		۱۲۷۰
۲۴ سپتامبر ۱۸۵۴		۱۲۷۱
۱۳ سپتامبر ۱۸۵۵		۱۲۷۲
۱ سپتامبر ۱۸۵۶		۱۲۷۳
۲۲ اوت ۱۸۵۷		۱۲۷۴
۱۱ اوت ۱۸۵۸		۱۲۷۵
۳۱ ژوئیه ۱۸۵۹		۱۲۷۶
۲۰ ژوئیه ۱۸۶۰		۱۲۷۷
۹ ژوئیه ۱۸۶۱		۱۲۷۸
۲۹ ژوئن ۱۸۶۲		۱۲۷۹
۱۸ ژوئن ۱۸۶۳		۱۲۸۰
۶ ژوئن ۱۸۶۴		۱۲۸۱
۲۷ مه ۱۸۶۵		۱۲۸۲
۱۶ مه ۱۸۶۶		۱۲۸۳
۵ مه ۱۸۶۷		۱۲۸۴
۲۴ آوریل ۱۸۶۸		۱۲۸۵
۱۳ آوریل ۱۸۶۹		۱۲۸۶
۳ آوریل ۱۸۷۰		۱۲۸۷
۲۳ مارس ۱۸۷۱		۱۲۸۸

## اول محرم :

۱۱ مارس ۱۸۷۲	هجری قمری	۱۲۸۹
۱ مارس ۱۸۷۳		۱۲۹۰
۱۸ فوریه ۱۸۷۴		۱۲۹۱
۷ فوریه ۱۸۷۵		۱۲۹۲
۲۸ ژانویه ۱۸۷۶		۱۲۹۳
۱۶ ژانویه ۱۸۷۷		۱۲۹۴
۵ ژانویه ۱۸۷۸		۱۲۹۵
۲۶ دسامبر ۱۸۷۸		۱۲۹۶
۱۵ دسامبر ۱۸۷۹		۱۲۹۷
۴ دسامبر ۱۸۸۰		۱۲۹۸
۲۳ نوامبر ۱۸۸۱		۱۲۹۹
۱۲ نوامبر ۱۸۸۲		۱۳۰۰
۲ نوامبر ۱۸۸۳		۱۳۰۱
۲۱ اکتبر ۱۸۸۴		۱۳۰۲
۱۰ اکتبر ۱۸۸۵		۱۳۰۳
۳۰ سپتامبر ۱۸۸۶		۱۳۰۴
۱۹ سپتامبر ۱۸۸۷		۱۳۰۵
۷ سپتامبر ۱۸۸۸		۱۳۰۶
۲۸ اوت ۱۸۸۹		۱۳۰۷
۱۷ اوت ۱۸۹۰		۱۳۰۸
۶ اوت ۱۸۹۱		۱۳۰۹

## اول محرم :

۲۶ ژوئیه ۱۸۹۲	هجری قمری	۱۳۱۰
۱۵ ژوئیه ۱۸۹۳		۱۳۱۱
۵ ژوئیه ۱۸۹۴		۱۳۱۲
۲۴ ژوئن ۱۸۹۵		۱۳۱۳
۱۲ ژوئن ۱۸۹۶		۱۳۱۴
۲ ژوئن ۱۸۹۷		۱۳۱۵
۲۲ مه ۱۸۹۸		۱۳۱۶
۱۲ مه ۱۸۹۹		۱۳۱۷
۱ مه ۱۹۰۰		۱۳۱۸
۲۰ آوریل ۱۹۰۱		۱۳۱۹
۱۰ آوریل ۱۹۰۲		۱۳۲۰
۳۰ مارس ۱۹۰۳		۱۳۲۱
۱۸ مارس ۱۹۰۴		۱۳۲۲
۸ مارس ۱۹۰۵		۱۳۲۳
۲۵ فوریه ۱۹۰۶		۱۳۲۴
۱۴ فوریه ۱۹۰۷		۱۳۲۵
۴ فوریه ۱۹۰۸		۱۳۲۶
۲۳ ژانویه ۱۹۰۹		۱۳۲۷
۱۳ ژانویه ۱۹۱۰		۱۳۲۸
۲ ژانویه ۱۹۱۱		۱۳۲۹
۲۲ دسامبر ۱۹۱۱		۱۳۳۰
۱۱ دسامبر ۱۹۱۲		۱۳۳۱

## اول محرم :

۳۰ نوامبر ۱۹۱۳	هجری قمری ۱۳۳۲
۱۹ نوامبر ۱۹۱۴	۱۳۳۳
۹ نوامبر ۱۹۱۵	۱۳۳۴
۲۸ اکتبر ۱۹۱۶	۱۳۲۵
۱۷ اکتبر ۱۹۱۷	۱۳۳۶
۷ اکتبر ۱۹۱۸	۱۳۳۷
۲۶ سپتامبر ۱۹۱۹	۱۳۳۸
۱۵ سپتامبر ۱۹۲۰	۱۳۳۹
۴ سپتامبر ۱۹۲۱	۱۳۴۰
۲۴ اوت ۱۹۲۲	۱۳۴۱
۱۴ اوت ۱۹۲۳	۱۳۴۲
۲ اوت ۱۹۲۴	۱۳۴۳
۲۲ ژوئیه ۱۹۲۵	۱۳۴۴

# فهرست نامها

آسیا ۱۰، ۱۹، ۲۰، ۴۱، ۸۳، ۹۷،  
 ۱۴۵، ۱۹۱، ۲۳۵

۱۹ آسیای جنوبی  
 ۲۷ آسیای شرقی  
 ۸۳، ۹۹ آسیای صغیر  
 ۲۸ آسیای غربی  
 ۴۷، ۵۲ آسیایی - انجمن پادشاهی  
 ۵۵، ۶۸ آفتاب - روزنامه  
 ۲۶۱، ۲۶۲ آقازاده - حبیب  
 ۱۸۸ آقاسی - حاج میرزا ۴۵، ۵۵، ۵۶، ۵۸  
 ۱۶۱، ۲۴۳، ۲۵۵ آقایف - احمد بیک  
 ۲۴۳ آقایف قراباغی - احمد بیک  
 ۵۰ آکسفورد - دانشگاه  
 ۹۶ آلتون - بنگاه بانکی  
 ۱۷، ۲۰، ۲۷، ۳۵، ۵۷، ۸۴ آلمان  
 ۹۱، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۰۳  
 ۲۱۶، ۲۶۳ آلیانس - آموزشگاه  
 ۲۶۱ آموزگار - حبیب الله

آ

۲۴ آئین اکبری - کتاب  
 ۴۳ آئینه سکندری - روزنامه  
 ۶۴ آتلنتا - کشتی  
 ۹۳، ۲۳۶، ۲۳۷ آخوند زاده - میرزا فتحعلی  
 ۲۸، ۳۱، ۳۵، ۳۷، ۶۰، آذربایجان  
 ۶۹، ۷۲، ۷۴، ۸۱، ۸۲، ۱۱۳  
 ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱  
 ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۴۱، ۲۵۳  
 ۲۶۵ آذربایجان - روزنامه  
 ۱۵۳، ۱۵۵، ۲۴۰  
 ۳۵ آذربایجان غربی  
 ۲۲۹ آذری - سهیل  
 ۱۸۶، ۱۸۹ آراواد - روزنامه  
 ۱۱۴، ۱۱۷ آزاد - روزنامه  
 ۲۰۹ آزاد - شهناز  
 ۱۸۳، ۲۷۲ آزادیستان - مجله  
 ۵۵ آژیتاتور

۲۶۲	ادیب السلطنه
۲۴۴	ادیب‌الملک - عبدالعلیخان
۲۴۴	ادیب‌الملک - محمد باقرخان
۲۵۸، ۲۴۳، ۱۱۴	ادیب‌الممالک
۲۶۲، ۲۶۱	
۸۲	اراک
۱۸۱	ارتجاعیون
۱۷۲، ۳۴	اردبیل
۲۱۰، ۱۳۷، ۱۱۴	ارشاد - روزنامه
۲۴۳	
۲۰۵، ۲۰۲	ارمغان - مجله
۵۳	ارمن
۲۸	ارمنستان
۲۷، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۳، ۱۰، ۹	اروپا
۵۰، ۴۵، ۳۵، ۳۴، ۳۲، ۳۱، ۲۹	
۸۹، ۸۶، ۸۳، ۷۷، ۷۴، ۵۵، ۵۱	
۱۰۳، ۱۰۰، ۹۷، ۹۵، ۹۱	
۱۶۲، ۱۱۷، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۰۴	
۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۱، ۱۹۱، ۱۸۹	
۲۳۴، ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۰۵، ۲۰۴	
۲۷۰، ۳۳۵	
۲۲۹	ازمیر
۵۷، ۲۱، ۲۰	اسپانیا
۲۱۹	استخری
۸۱	استرآباد
۱۷۳، ۱۶۴	استقلال ایران - روزنامه
۲۵۷، ۲۵۵، ۲۰۷، ۱۸۹، ۱۷۹	
۲۷۳	
۶۶	استنکوی - قریه
۹۹، ۸۱	اسدآباد

۵۳	آنا تولی
۳۸	آندرینی
۱۸۹-۱۸۶	آیق - روزنامه
۲۷۲	آینده

## الف

۲۱۹	ابن سینا
۸۸	ابوتراب میرزا
۲۸-۲۷	اپوستولیک
	اتابک - علی اصغرخان
۱۴۵-۱۴۴	اتابک اعظم
۲۵۶	اجتماعیون اعتدالیون - حزب
۲۶۳، ۲۶۲، ۱۸۱	اتحاد اسلام
۲۵۷، ۲۵۵	اتحاد و ترقی - حزب
۲۵۸	
۲۵۷-۱۷۹	اتحادیون - حزب
۱۷۹	اتفاق - روزنامه
۱۸۹	اتفاق کارگران - روزنامه
۲۵۶، ۱۹۶	اتفاق و ترقی - حزب
۲۴۱، ۲۴۰، ۱۵۲	احتیاج - روزنامه
۱۸۱	احسان الله خان
۱۸۸	احمدزاده
۲۱۱، ۲۰۰، ۱۹۷، ۱۶۳	احمد شاه
۲۷۳، ۲۱۲	
۱۱۰، ۱۰۸، ۱۰۴	اختر - روزنامه
۱۲۲	
۲۲۰	اخوان صفا
۲۵۰، ۲۴۳، ۱۳۷، ۱۳۰	ادب - روزنامه
	ادیب - محمد حسین - ذکاء الملک
۸۸	

اعتمادالینون - حزب ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۷  
۲۷۱  
اعتصام الملك - يوسف ۲۰۲  
اعتضاد الملة - مرتضى خان ۲۵۳  
اعتماد السلطنه - محمد حسنخان ۳۸  
۱۱۳، ۰۹۳، ۰۸۹، ۰۸۸، ۰۸۷، ۰۸۶  
۲۴۴  
اعظام الممالك ۲۴۶  
افتخار العلماء - شيخ ابوالقاسم ۱۵۴  
افجهی - مهدی ۱۸۸  
افریقا ۵۳، ۲۱  
افشار - دکتر محمود ۲۷۲  
افشاردو اساز - محمود ۱۸۸  
افغانستان ۹۹  
افغانی - سید جمال الدین ۹۸  
افندی - اسعد ۶۵-۶۶  
اقبال - روزنامه ۱۵۲  
اقدام - روزنامه ۲۱۵  
اکبر شاه ۲۴  
التودد - روزنامه ۱۱۴-۲۴۳  
الجناب - روزنامه ۱۳۰  
الحدید - روزنامه ۱۲۲-۱۶۴  
الازهر ۲۴۲-۹۹  
الفت - آموزشگاه ۶۶  
الفت - روزنامه ۱۵۴  
المآثر والآثار ۸۸-۹۳  
ام الخاقان ۲۵۲  
امریکا ۳۵، ۳۴، ۲۰، ۱۶، ۱۵، ۱۰  
۳۷، ۴۷، ۵۳، ۵۴، ۵۷، ۷۴  
۱۶۷

اسدآبادی - سید جمال الدین ۹۹  
۱۰۸، ۱۰۰  
اسدالله - میرزا ۳۳  
اسکندر کبیر ۳۸  
اسکندری - سلیمان محسن ۲۶۲  
اسکندری - عباس میرزا ۲۶۷، ۲۶۸  
اسکندری - محترم ۲۰۹  
اسکندریه ۱۳۳، ۱۷۴  
اسکویی - میرزا محمود ۲۴۰  
اسلامیه - روزنامه ۱۳۰  
اسلامبول ۵۹، ۶۵، ۶۷، ۸۳، ۹۱، ۹۸  
۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۹، ۲۰۰، ۲۳۴  
۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۷، ۲۵۴  
۲۶۴، ۲۶۷، ۲۷۲  
اسماعیلیان ۲۲۰  
اشرف افغان ۲۲۴  
اصفهان ۱۴، ۱۷، ۲۳، ۲۸، ۳۴، ۵۹  
۶۰، ۶۹، ۸۱، ۸۹، ۱۰۲، ۱۲۲  
۱۲۴، ۱۳۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۱  
۱۷۲، ۱۸۸، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۴  
۲۲۳، ۲۳۳، ۲۶۰، ۲۹۶  
اصفهانى - سید جمال الدین ۱۲۲  
اصفهانى - میرزا آقا (اعتماد الملك)  
۱۲۱-۱۸۷  
اصفهانى - میرزا علی محمد ۳۸  
اصلاحیون - حزب ۱۸۱  
اطلاع - روزنامه ۹۷  
اطلاعات - روزنامه ۴۷-۷۰  
اعتدال - حزب ۱۷۸، ۲۶۰، ۲۶۳  
اعتدالی ۲۵۶

۹۴،۹۲،۸۸،۸۶،۸۴،۸۳،۸۱  
 ۱۸۵،۱۴۵،۱۰۴،۱۰۰،۹۵  
 ۲۳۸،۲۰۲،۲۰۰،۱۹۶،۱۹۲  
 ،۲۷۰،۲۵۲،۲۵۱،۲۴۷  
 ۹۰،۸۹،۸۷ ایران - روزنامه  
 ۲۱۴،۲۱۱،۱۹۸،۱۱۸،۱۱۶،۹۷  
 ۲۱۲ ایران آریا - روزنامه  
 ۱۱۶ ایران سلطانی - روزنامه  
 ۲۰۵-۲۰۴ ایرانشهر - مجله  
 ۱۷۳،۱۶۶،۱۶۴ ایران نو-روزنامه  
 ۱۹۰،۱۸۸،۱۸۰،۱۷۸،۱۷۵  
 ۲۶۵،۲۶۱،۲۶۰،۲۵۹  
 ۱۹ ایلام  
 ب  
 باب  
 ۵۶ بابک - انتشارات  
 ۲۳۰ بازیل ارمنی  
 ۱۶۴ باسمه چی تبریزی - آقارضا  
 ۳۲ باسمه خانه  
 ۳۱ باقرخان  
 ۶۲ باکو  
 ۱۹۹،۱۸۶،۱۸۴،۱۷۴،۱۱۴  
 ۲۶۴،۲۵۳،۲۵۲،۲۴۳،۲۱۳  
 ۲۶۵ بامداد - میرزا محمد علیخان  
 ۱۸۹ ،۲۵۹  
 ۲۴۶ بامداد - مهدی  
 ۱۸۹،۱۸۶ بایکار  
 ۱۷۴ بخارا  
 ۲۱۹ برامکه

۱۰ امریکای جنوبی  
 ۶۵-۶۴ امید - دماغه  
 ۱۳۰ امید - روزنامه  
 ۷۳،۷۲،۴۶،۱۵،۱۴،۱۳ امیر کبیر  
 ۲۲۷،۷۸،۷۷،۲۵،۷۴  
 ۲۱۶ امیر کبیر - انتشارات  
 ۷۲ امیر نظام - میرزا تقی خان  
 ۲۴۱،۱۴۴،۱۰۳ امین السلطان  
 ۱۳۹ انجمن - روزنامه  
 ۱۷۳ انجمن تبریز - روزنامه  
 ۶۵،۵۰ انجیل  
 ۲۳۳ اندیشه - انتشارات  
 ۲۳۲-۹۶ انزلی  
 ۱۸۲ انشایی - میرزا محمد  
 ۲۵۶ انقلابی - حزب  
 ۶۴ انگلند  
 ۳۵،۲۹،۲۰،۱۵،۱۳،۱۲ انگلیس  
 ۵۵،۵۲،۵۱،۵۰،۴۵،۴۴،۴۲  
 ۸۶،۸۴،۶۵،۶۲،۵۸،۵۷،۵۶  
 ۱۰۷،۱۰۳،۹۵،۹۱،۹۰  
 ۱۶۳،۱۴۵،۱۳۸،۱۱۹،۱۱۵  
 ۱۸۲،۱۶۹،۱۶۷-۱۶۶،۱۶۴  
 ۱۹۴،۱۹۲،۱۹۱،۱۹۰،۱۸۳  
 ۲۲۲،۲۰۱،۱۹۹،۱۹۷،۱۹۵  
 ۲۶۴،۲۵۱،۲۵۰،۲۲۹  
 ۸۴ اودسا  
 ۷۸،۶۳،۵۷،۲۱،۲۰،۹ ایتالیا  
 ۲۰،۱۸،۱۵،۱۴،۱۳،۱۱،۹ ایران  
 ۳۷،۳۵،۳۳،۳۲،۳۰،۲۷،۲۳  
 ۴۸،۴۶،۴۵،۴۴،۴۲،۴۱،۳۸  
 ۶۵،۵۸،۵۷،۵۶،۵۳،۵۱،۴۹  
 ۸۰،۷۹،۷۸،۷۷،۷۳،۷۱،۶۹

۲۱۹، ۲۱	بنی امیه
۲۱۹	بنی عباس
۳۳	بوذرجمهری
۴۵	بوستون
۱۲۷، ۱۱۸، ۹۶، ۸۴، ۸۳، ۲۹	بوشهر
۱۷۱، ۱۶۱، ۱۵۵، ۱۵۲، ۱۳۰	
۲۴۵	
۹۶	بویقال - قاموس
۲۶۳	بهاء بیک
۲۰۲	بهار - مجله
۱۷۸، ۱۵۶، ۱۵۴	بهار - ملك الشعرا
۲۱۲، ۱۹۲، ۱۸۸، ۱۸۰، ۱۷۹	
۲۵۸، ۲۵۵، ۲۵۳، ۲۵۱، ۲۱۶	
۲۷۲، ۲۷۱، ۲۶۲، ۲۶۰	
۱۵۸	بهارستان
۲۵۶، ۱۸۹، ۱۷۸	بهبهانی - آیه الله
۲۷۱	
۱۵۶، ۱۵۵	بهلول - روزنامه
۲۶۷	بیجار
۶۸	بیکلریکی
۴۲	بینینگ - رابرت
	پ
۲۷۲، ۲۶۴	پارس - مجله
۲۱۰	پارسا - فخر آفاق
۲۱۰	پارسا - فخرالدین
۱۵۵	پارسی - اسدالله
۱۱۴، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۰، ۲۲	پاریس
۲۵۴، ۲۴۳، ۱۷۴، ۱۳۳	
۱۶۱	پاسکرویل

۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲	براون - ادوارد
۱۵۱، ۱۰۲، ۹۸، ۸۵، ۴۶، ۳۱	
۲۴۲، ۲۴۱، ۲۲۸، ۲۲۶، ۱۷۰	
۲۵۵، ۲۵۴، ۲۵۳، ۲۴۶، ۲۴۳	
۲۶۱، ۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۶	
۷۶-۷۵	برجیس - ادوارد
۱۶	برزین - مسعود
۲۶۶، ۲۵۷	برق - روزنامه
۲۰۳، ۱۹۲، ۱۷، ۱۴	برلین
۶۵، ۶۴	برن امیدی
۱۳۰، ۸۵، ۲۰	بروجرد
۳۸	برهان جامع
۱۵	بریتانیا
۲۱۹	بریتانیکا
۲۱۹، ۱۷۴، ۸۴، ۸۳، ۲۱، ۲۰	بغداد
۱۰۲	بلانت - ویلفرید
۲۳۳، ۹۱	بلژیک
۱۸۱	بلشویک
۲۲۹	بلوچستان
۷۶	بلور فروش - سید کاظم
۲۴۰، ۱۵۵	بلوری - حاجی میرزا آقا
۱۰۷، ۱۰۴، ۸۸، ۴۲، ۴۱	بمبئی
۲۲۵، ۲۱۳، ۱۷۴، ۱۳۳، ۱۱۴	
۴۷	بنائی - امین
۶۴	بنائی « بمبئی »
۲۶۶، ۹۶	بندر پهلوی
۹۶	بندر عباس
۴۳	بنگال
۴۱	بنگال گازت
۲۵۰	بنیاد فرهنگ ایران



۱۴۹، ۱۱۳، ۱۰۵، ۱۰۳، ۹۶	
۱۶۲، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۸، ۱۵۵	
۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۳	
۱۷۸، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۶۹	
۱۸۷، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۸۰	
۱۹۴، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۹۰، ۱۸۸	
۲۰۲، ۲۰۱، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۵	
۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۶، ۲۰۵	
۲۱۴، ۲۱۳، ۲۱۱، ۲۰۹	
۲۲۷، ۲۲۴، ۲۱۹، ۲۱۶	
۲۳۴، ۲۳۲، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۲۸	
۲۴۷، ۲۴۶، ۲۴۰، ۲۳۸، ۲۳۵	
۲۶۲، ۲۶۰، ۲۵۹، ۲۵۷، ۲۵۵	
۲۶۹، ۲۶۸، ۲۶۷، ۲۶۵، ۲۶۳	
۲۷۱	
۲۷۲	تیمورتاش
ث	
۱۱۷، ۱۰۹، ۱۰۸	ثریا - روزنامه
۱۶۷	ثقة الاسلام تبریزی
ج	
۴۳	جام جمشید - روزنامه
۴۳	جام جهان نما - روزنامه
۲۲۰	جرجی زیدان
۱۳۰	جریده ملی - روزنامه
۲۸، ۲۷، ۱۴	جلفای اصفهان
۱۳۰	جناب - میرسیدعلی

۲۶۵	تزار - دولت
۲۶۵	تزاری - دولت
۲۱۳، ۱۸۶، ۱۵۵، ۹۶، ۸۴	تفلیس
۲۲۸	
۱۲۱	تقوی - سید نصرالله
۲۲۹	تقویم وقایع - روزنامه
۱۶۹	تقی اف - حاجی زین العابدین
۱۸۷، ۱۴	تقی زاده - سید حسن
۲۷۱، ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۲۷، ۲۰۴	
۲۷۵، ۲۷۴	
۳۳	تکیه منوچهر خان
۱۴۱	تمدن - روزنامه
۱۸۷-۱۵۵	تنبیه - روزنامه
۲۶۲	تنکابنی - میرزا طاهر
۲۵۶، ۱۷۹	تنگستانی
۲۶۸، ۲۶۷، ۲۰۰	توده - حزب
۵۳	توران
۲۰	تورفان
۲۵۵	تورنر
۸۲	توسرکان
۱۵۴	توسرکانی - میرزا مسیح
۲۷۳، ۲۰۱، ۱۹۵	توفان - روزنامه
۲۵۴-۱۶۱	توفیق - محمد
۱۰۰	توفیق پاشا
۳۰	تولوز
۳۴، ۳۳، ۳۲، ۱۷، ۱۵، ۱۳	تهران
۵۶، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۴۶، ۴۵، ۳۷، ۳۵	
۷۹، ۷۸، ۷۵، ۷۴، ۷۳، ۷۰، ۶۹، ۵۷	
۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۸۰	
۹۵، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۹۰، ۸۹، ۸۸	

۲۳۹	حکا کباشی - میرزا خداداد
۱۰۹، ۱۰۸	حکمت - روزنامه
۲۳۳، ۸۵	حکیم الممالک - روزنامه
۸۵	حکیم الممالک - میرزا علیبنقی
۱۲۴	حمام جنیان
۲۶۳	حیات یحیی
۱۳۳، ۱۱۴، ۱۰۷، ۱۰۰	حیدرآباد
۱۷۴	
۱۸۶	حیدرخان
۱۹۸	حیفا
	خ
۲۷	خاچاطور
۲۴	خافی خان
۶۱	خاقان مغفور
۱۸۱	خالوقربان
۱۱۴	خان بهادر
۲۵۳، ۱۵۶	خاورستان - روزنامه
۲۵۴	
۹۹، ۹۵، ۸۳، ۴۴، ۲۱، ۹	خاورمیانہ
۱۹۰، ۱۰۱	
۵۹	خداداد خان
۲۲۰، ۱۹۲، ۸۵، ۶۰، ۵۷	خراسان
۲۲۱	
۱۸۱	خراسانی - میرزا محمدعلیخان
۱۹۳	خزر - دریا
۱۱۵	خلاصة الحوادث - روزنامه
۱۲۸، ۱۱۸	
۱۱۴	خلافت

۱۴	جنگ بین الملل دوم
۲۶۴، ۱۸۹، ۱۸۲	جنگل - روزنامه
۲۵۶، ۱۷۹	جنوب - روزنامه
۲۱۰، ۲۰۹	جهان زنان
۱۶۲، ۱۵۹، ۱۵۸	جهانگیر خان - میرزا
۳۸	جهان نما - کتاب

## چ

۱۷، ۱۱	چاپخانه عروة الوثقی
۴۸	چاپخانه کیهان
۳۲	چخماق ساز - محمدعلی
۱۴۲، ۱۴۰	چرندوپرند
۱۸۸	چنته پابرهنه - روزنامه
۲۱۹، ۳۰، ۲۰، ۱۹	چین

## ح

۱۰۹، ۱۰۸	جل المتین - روزنامه
۱۴۶، ۱۴۱، ۱۳۹، ۱۳۷، ۱۱۷	
۲۰۶، ۱۸۳، ۱۶۹، ۱۶۱، ۱۴۸	
۲۵۱، ۲۵۰، ۲۴۲، ۲۴۱، ۲۴۰	
۲۴۷	جل المتین - سید حسن
۹۳	حجة السادات - کتاب
۶۱	حسنعلی میرزا
۲۳۹	حسینخان - میرزا سید
۱۵۶، ۱۵۵	حشرات الارض - روزنامه
۱۵۸	حقوق - روزنامه
۱۸۴، ۱۸۳	حقیقت - روزنامه
۱۸۵	

۲۲۳،۲۳	دل‌واله -- پیترو
۲۰۳،۱۸۸،۱۸۱	دمکرات
۱۸۲،۱۸۱	دمکرات ملی
۲۴۰،۱۶۷	دوافروش -- علی
۲۰۹،۲۰۸	دولت آبادی -- صدیقه
۲۵۴،۲۴۹،۱۶۱	دولت آبادی -- یحیی
۷۹،۷۸	دولت علیه ایران -- روزنامه
۹۰	
۲۳۱،۹۰،۸۱	دولتی -- روزنامه
۱۳۹	دهخدا -- میرزا علی اکبر خان
۱۶۱،۱۴۳،۱۴۲،۱۴۱،۱۴۰	
۲۵۵،۲۵۴،۲۵۲،۱۶۲	
۱۸۹	دهگان
۲۲۸،۱۷۴،۱۳۳،۱۰۷،۴۳	دهلی
۱۶۰	دیلی نیوز

## ذ

۲۶۴	ذره -- ابوالقاسم
۲۴۵	ذوالریاستین

## ر

۴۸،۱۷،۱۶	رائین -- اسماعیل
۱۷،۱۴،۱۲،۱۱	رایینو -- ا. ج. ل.
۲۷۲	رادیکال
۲۰۵،۲۰۳	رازی -- عبدالله
۷۸	رافائل
۳۸	رافائل -- میرزا
۲۱۰	راهنمای تجارت ایران
۱۶۲	رایش

۱۵۲،۹۶،۸۴،۸۳،۲۹	خلیج فارس
۲۱۵	خلیلی -- عباس
۵۳	خوارزم
۲۲۱	خوارزمشاه
۴۸-۱۶	خواندنیها -- مجله
۸۲	خوانسار
۸۱	خوزستان
۳۳	خوشنویس -- میرزا حسین
۱۷۲،۱۷۱،۱۵۴،۲۴	خوی
۱۸۴،۱۸۳	خیابانی -- شیخ محمد
۱۸۵	
۹۳	خیرات الحسان
۱۰۰	خیری پاشا

## د

۴۹	داتس -- مستر
۵۹،۴۶	دارالخلافة تهران
۸۰،۷۳،۷۲،۳۸،۳۷	دارالفنون
۱۸۹	داشناک
۱۱۴	داعی الاسلام
۸۲	دامغان
۲۰۹،۲۰۷،۹۷	دانش
۱۴۲	دخو
۷۶	دروازه دولاب
۷۶	دروازه شاه عبدالعظیم
۸۳	دریای سرخ
۲۱۵،۲۰۰،۱۹۹	دشتی -- علی
۱۱۴	دعوة الاسلام -- روزنامه

روشتین - تئودور ۱۹۵، ۱۹۴، ۱۸۶  
 روحانیون ۱۷۷  
 روح القدس - روزنامه ۱۴۶، ۱۴۳  
 ۲۵۴، ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۴۷  
 روحی کرمانی - شیخ احمد ۹۸  
 روسکایه سلوو ۱۶۰  
 روس ۱۶۷، ۱۶۳، ۱۴۵، ۱۱۹، ۸۸  
 ۲۵۱، ۲۵۰، ۱۹۷، ۱۹۲، ۱۹۱  
 ۲۶۱، ۲۵۸  
 روسیه ۴۴، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱  
 ۷۲، ۶۲، ۵۸، ۵۷، ۵۶، ۵۲، ۴۵  
 ۱۰۱، ۹۶، ۹۵، ۹۱، ۸۶، ۸۴  
 ۱۴۵، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۲  
 روشنی بیک ۲۶۳  
 روی - راموهان ۴۳  
 رویتر - بارون ژولیوس ۹۰  
 رویتر - خبرگزاری ۱۱۵، ۹۱، ۹۰  
 رهبر ۲۶۸  
 ری ۲۶۵  
 ریوس - وان ۲۹۲

## ز

زاراریت باهوا - روزنامه ۷۴، ۷۳  
 ۲۳۰، ۹۰  
 زارع ۱۸۹  
 زانگ - روزنامه ۱۸۹، ۱۸۶  
 زاینده رود ۱۸۸  
 زبان زنان - روزنامه ۱۵۵  
 زشت وزیبا - روزنامه ۲۰۹، ۲۰۸

ربیع زاده - هاشم آقا ۲۳۸، ۱۰۳  
 رجب - مهدی ۲۴۰  
 رستاخیز - مجله ۲۰۵  
 رسول - حاجی ۲۴۰  
 رسول زاده - محمد ۲۶۵، ۱۸۸  
 رسول زاده باکویی - محمد امین ۱۶۴  
 ۲۵۹، ۱۸۰، ۱۶۶  
 رشت ۱۵۹، ۱۵۴، ۱۵۰، ۳۴، ۱۷، ۱۱  
 ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۶۱  
 ۲۶۷، ۲۶۴، ۲۵۱، ۱۸۸، ۱۷۹  
 رشتی - اسماعیل ۱۱  
 رشتی - معتمد الاسلام ۱۵۴  
 رشديه - حاجی میرزا حسن ۱۲۴  
 ۱۳۰  
 رشديه - میرزا حسین ۲۴۷  
 رضائیه ۷۴، ۷۳، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴  
 ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۵۴، ۱۴۵، ۱۳۱  
 ۲۳۰، ۲۲۵، ۱۸۸  
 رضاخان ۱۹۷، ۱۹۵  
 رسازاده - میرزا حاجی آقا ۱۸۸  
 رضوانی - محمد اسماعیل ۱۶  
 رضی - سید ۲۰۷  
 رعد - روزنامه ۱۹۶، ۱۹۲، ۱۸۸  
 ۲۵۷، ۲۱۴، ۲۱۰، ۱۹۸، ۱۹۷  
 ۲۶۶، ۲۶۰، ۲۵۸  
 رفائل مسیحی - موسیو ۷۶  
 رفعت - تقی خان ۱۸۳  
 رفیع الممالک ۲۵۹  
 رم ۷۸  
 رمضان - محمدرضا ۲۰۵

۴۳	سلطان الاخبار - روزنامه
۱۸۶، ۱۸۵	سلطان زاده
۲۴۰	سلاماسی - آقامحمد
۲۲۰	سلیمان ابن ابوالسری
۲۱۹، ۲۱، ۲۰، ۱۹	سمرقند
۲۵۴، ۸۲	سمنان
۱۴۵، ۳۲	سن پترسبورگ
۲۲۶	سنگلاخ
۲۰۵	سودمند
۲۵۹	سوسیالدمکرات قفقاز
۱۸۱	سوسیالیست
۲۰۵، ۱۷۴، ۱۶۲، ۱۰۹	سویس
۲۵۴، ۲۳۳	
۱۶۷	سهیلی - میرزا احمد
۲۶۸، ۲۶۷، ۲۰۰	سیاست - روزنامه
۵۳	سیبر
۱۱۴	سید الاخبار - روزنامه
۲۱۲، ۲۱۱، ۱۹۸، ۱۹۷	سیدضیاء
۱۸۸	سیدعلی
۲۴۳	سیرجانی - شیخ محمدحسن

## ش

۲۸	شاردن - ژان
۳۸	شارل دوازدهم
۸۲	شاهرود
۱۰۸	شاهسون - روزنامه
۲۸، ۲۷، ۲۳	شاه عباس
۱۲۴	شاه عبدالعظیم
۱۵۲، ۲۲	شاهنامه
۱۵۴	شبستری «تبریزی» - سیدمحمد
۲۴۰، ۱۶۴	

۲۴۶	زوار - انتشارات
۲۰۵	زوریخ
۸۴	زیمنس

## ژ

۲۴۶، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۲	ژاپن
۲۹	ژان - ژاکوب
۱۸۶	ژنو
۳۰	ژوزف

## س

۵۴	ساتیت - هوراتیو
۱۹	ساسانی
۲۵۵	سالدات
۲۲۱، ۲۱۹	سامانیان
۸۲	ساوه
۱۹۱، ۷۸، ۷۷	سایکس - سرپرسی
۲۳۶، ۲۳۵	سپهسالار
۱۹۹، ۱۹۵	ستاره ایران - روزنامه
۲۶۱	

۲۷۴	سخن - مجله
۶۸	سرای همایون
۲۱۲، ۲۱۱، ۲۰۰، ۱۹۷	سردارسپه
۲۴۳	سعدالدوله
۵۱	سعدی
۲۴۰	سعید - علی
۱۰۱	سکای - سر
۱۹۳	سکرین - کلارمونت
۱۲۱	سلجوقیان

شیرازی - میرزا جهانگیر خان ۱۳۹  
 ۱۴۱، ۱۴۰  
 شیرازی - میرزا سید علی ۶۵  
 شیرازی - میرزا صالح ۱۷، ۱۶، ۱۵  
 ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲  
 ۷۰، ۵۵، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۵۰  
 ۲۲۹، ۲۲۸، ۲۲۷، ۲۲۶  
 شیرازی - میرزا علی آقا «لبیب‌الملک»  
 ۲۴۵، ۱۱۸  
 شیرازی - یعقوب ۱۷۹  
 شیر و خورشید ایران - علامت ۷۴  
 شیندلر ۲۳۴

ص

صابر ۲۵۳  
 صاحب البرید ۲۲  
 صادق - میرزا ۲۴۶  
 صادق‌الملک ۱۶۷، ۲۲  
 صبا - میرزا حسین خان ۱۹۵  
 صبح صادق - روزنامه ۱۴۱، ۱۳۹  
 صدای رشت - روزنامه ۱۸۸  
 صدرهاشمی - محمد ۶۹، ۴۶، ۱۷، ۱۴  
 صدقیانی - حاجی رسول ۲۴۰  
 صفاریان ۲۲۱  
 صفروف - «میرزا» علیقلیخان ۱۵۲  
 ۲۴۱، ۲۴۰، ۱۵۵، ۱۵۳  
 صفوی ۲۲۳  
 صفوی - نوابه ۲۰۹  
 صفویه ۲۲۵، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۳  
 صمصام‌السلطنه ۲۶۵

شرافت - روزنامه ۱۱۵، ۹۷  
 شرف - روزنامه ۹۷  
 شرق - روزنامه ۱۷۹، ۱۷۳، ۱۶۴  
 ۲۵۸، ۲۵۷، ۲۱۴، ۲۰۵، ۱۹۶  
 ۲۷۱، ۲۶۶، ۲۶۴  
 شریف زاده - سید حسن ۲۴۰  
 شعوبیه ۲۲۰  
 شفق ۲۲۹، ۱۸۸، ۱۷۸  
 شفق سرخ ۲۱۵، ۱۹۹  
 شکوفه ۲۰۹، ۲۰۷  
 شمس‌الاجبار - روزنامه ۴۳  
 شمیم - علی اصغر ۲۲۸، ۲۲۷، ۲۲۶  
 ۲۵۹  
 شورا - روزنامه ۱۸۷، ۱۷۸  
 شوروی ۱۹۹، ۱۹۵، ۱۸۶، ۱۸۱  
 ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۶۰، ۲۵۳، ۲۰۱  
 ۲۶۷  
 شوستر - مورگان ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۵  
 ۲۰۶، ۱۷۵  
 شی آن - ونست ۱۹۳  
 شیخ الاسلام ۶۸  
 شیخ الاسلام - میرزا مصطفی ۱۱۴  
 شیخ چغندر - روزنامه ۱۵۶، ۱۵۵  
 شیدا ۱۸۸، ۱۵۵  
 شیراز ۱۵۴، ۱۳۱، ۹۰، ۸۹، ۳۴  
 ۲۱۴، ۱۹۵، ۲۷۲، ۱۷۱، ۱۶۱  
 ۲۶۰، ۲۵۷  
 شیرازی - آیه‌الله حاج میرزا حسن  
 ۱۰۵  
 شیرازی - سید آقا ۱۱۴  
 شیرازی - شیخ هاشم ۸۸

طلوع -- روزنامه ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۳۰

۱۵۵

طوسی -- خواجه نصیرالدین ۲۲۰

طهوری -- انتشارات ۲۲۴

ظ

ظل السلطان -- مسعود میرزا ۸۹

ع

عاصمی -- محمد ۲۱۶

عالم نسوان -- مجله ۲۰۹

عباس -- شاه ۲۲۵، ۲۲۳

عباسخان -- میرزا ۲۳۵

عباس میرزا -- شاهزاده ۳۲، ۳۱، ۳۰

۵۲، ۵۱، ۴۹، ۴۵، ۴۴، ۳۸، ۳۳

۲۲۸، ۷۵

عباسی -- خاندان ۲۱

عباسی -- محمد ۲۵۴، ۲۴۲

عبدالحسین ابن عبدالوهاب -- میرزا

۲۶۱

عبدالرحمن -- میرزا ۱۰۸

عبدالعظیم -- شاه ۲۴۷، ۱۲۴، ۱۰۱

۲۴۸

عبدالله -- میرزا ۷۶، ۷۵

عبدالمجید -- میرزا ۱۱۸

عبدالمحمد -- حاج ۷۶، ۷۵

عبده -- شیخ محمد ۱۰۰

عثمانی ۱۰۷، ۱۰۰، ۹۸، ۹۷، ۸۳، ۵۶

صنیع الدوله -- محمد حسنخان ۸۶، ۸۵

۲۳۶، ۲۳۴، ۸۸، ۸۷

صنیع الملك ۸۰، ۷۹، ۷۸

صوبه دار -- میرزارضا ۳۲

صوراسرافیل -- جهانگیرخان ۱۴۲

صوراسرافیل -- روزنامه ۱۴۰، ۱۳۹

۱۵۸، ۱۴۸، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۱

۱۷۳، ۱۶۲

صوفی شیرازی ۳۵

ض

ضرابی -- مرضیه خانم ۲۰۹

ضرغام السلطنه ۲۶۰

ضیاءالدین -- سید ۱۹۶

ضیاءالدین -- محمد ۱۸۸

ضیاءالعلمای تبریزی -- میرزا ابوالقاسم

۱۳۰

ضیاءالواعظین ۲۷۳

ط

طالب اف ۱۰۸

طباطبایی -- آیه الله (سید محمد) ۱۲۶

۲۵۶، ۱۷۸

طباطبایی -- سید ضیاءالدین ۱۵۴

۲۵۷، ۱۹۵، ۱۹۲، ۱۷۹، ۱۶۴

۲۶۶، ۲۶۴، ۲۶۰، ۲۵۸

طباطبایی -- سید محمد صادق ۱۳۶

۲۴۸، ۱۸۷، ۱۴۱

طیب زاده -- میرزا حسین ۱۳۰

۱۸۴ عمو اوغلی -- حیدرخان  
 ۲۰۷ عمید -- مریم  
 ۲۲۰ عوف  
 ۲۴۴، ۱۲۵، ۱۱۹، ۱۱۸ عین الدوله  
 ۲۴۶، ۲۴۵

## غ

۲۳ غازانخان  
 ۲۲۲، ۲۲۱ غازانی -- تاریخ مبارک  
 ۲۲۱ غزنویان  
 ۷۸ غفاری -- ابوالحسن خان نقاشباشی  
 ۲۴۰، ۱۵۴ غنی‌زاده -- میرزا محمود  
 ۱۲۴ عیبی -- شبنامه  
 ۱۲۳ غیرت -- شبنامه

## ف

۱۹۱، ۸۹، ۸۱، ۶۱، ۶۰، ۳۲ فارس  
 ۱۹۶  
 ۹۰، ۸۹ فارس -- روزنامه  
 ۱۵۵ فاضل‌الممالک  
 ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۵، ۱۳ فتحعلیشاه  
 ۵۴، ۵۲، ۵۱، ۴۹، ۴۷، ۴۵، ۴۴  
 ۲۶۵، ۱۱۸  
 ۲۰۰ فتنه  
 ۲۳۰ فتنه باب  
 ۲۶۲ فخرایی -- ابراهیم  
 ۱۵۸ فدایان ملی -- گارد  
 ۱۸۶ فدراسیون انقلابی ارمنه  
 ۸۰، ۵۸، ۵۷، ۴۴، ۳۸، ۳۵، ۹ فرانسه

۲۲۸، ۲۲۴، ۱۶۰، ۱۲۷، ۱۱۳

۲۵۲

۲۶۴، ۱۸۹، ۱۸۴ حزب -- عدالت  
 ۲۶۵

۱۲۲ عدالت -- روزنامه

۱۲۲ عدالت -- سید حسینخان

۱۹۹، ۶۰ عراق

۱۵۵ عراقی -- شیخ علی

۵۳ عربستان

۱۰۸، ۱۰۰ عروة الوثقی -- روزنامه

۲۴۲، ۱۱۰

۲۴۶، ۱۷۴، ۱۳۳، ۱۱۹ عشق آباد

۲۶۷، ۲۶۶، ۲۰۰ عشقی -- میرزاده

۲۷۰، ۲۶۸

۱۸۷ عصر -- روزنامه

۲۰۵ عصر پهلوی -- مجله

۲۵۸، ۱۹۲ عصر جدید -- روزنامه

۱۹۰، ۲۶۰ عضدالسلطنه -- شاهزاده

۱۶۳ عضدالملک

۲۲۶ علاءالدوله

۹۷ علمی -- روزنامه

۹۰، ۸۰ علمیه -- روزنامه

علوم ارتباطات اجتماعی -- دانشکده

۷۰، ۴۸

۱۳۶، ۱۳۰ علی اکبرخان -- میرزا

۲۴۲، ۱۰۵ علی قلیخان

۱۷۴، ۱۳۳، ۱۰۷ علیگره

۱۰۹، ۱۰۸ علی محمدخان -- میرزا

۲۴۰ علی موسیو -- کربلایی

۲۲۰ عمر

قاجاریه ۵۳،۴۴،۳۵،۳۳،۳۰،۲۹  
۲۲۶،۲۱۶،۲۱۲

قاجار -- آقامحمدخان ۲۷۵

قاجار -- فتحعلیشاه ۲۶۵

قاجار -- محمدشاه ۷۱،۵۷

قاجار -- ناصرالدین شاه ۷۱

قاسم میرزا ۳۸

قانون -- روزنامه ۱۰۳،۱۰۲،۱۰۱  
۲۳۹،۲۳۸،۲۳۷

قاهره ۲۰۵،۱۷۴،۱۳۳،۱۰۹،۱۰۷

قران ۳۲

قرن بیستم -- روزنامه ۲۰۰

قزوین ۱۶۶،۱۶۳،۱۵۴،۸۲،۳۴  
۱۹۷،۱۸۸،۱۷۲،۱۷۱

قزوینی -- عارف ۲۷۰،۲۵۳

قزوینی -- میرزا علی اکبرخان ۱۳۹

قسطنطنیه ۱۶۱،۱۵۵،۱۳۳،۱۲۲،۹۸  
۲۶۴،۱۸۸،۱۶۷

قشقای ۱۹۱

قشقای ضیغم الدوله ۲۶۹

قفقاز ۲۴۵،۱۸۲،۱۶۱،۱۲۰،۳۱  
۲۶۵

قفقازیه ۲۲۸

قلعه ده مروه ۶۲

قلعه سر آسیا ۶۲

قلعه سفید ۶۲

قلعه شیراز ۶۱

قلعه کل ۶۲

قلعه کلاب ۶۲

قلی زاده -- میرزا جلیل ۱۵۵

۱۶۴،۱۰۹،۹۵،۹۳،۹۱،۸۵  
۲۶۶،۲۰۵،۱۹۹

فراهانی -- ادیب الممالک ۲۶۱،۲۵۷  
۲۶۲

فرخی یزدی ۲۶۹،۲۰۱،۲۰۰،۱۹۵  
۲۷۳،۲۷۱،۲۷۰

فرش فروش -- حاج میرزا آقا ۲۴۰

فرمانفرما ۲۵۶

فرنکیس ۲۰۶

فروغی -- انتشارات ۲۳۰

فروردین -- روزنامه ۱۸۸

فرهنگ -- روزنامه ۸۹

فرهنگ -- میرزا مرتضی ۲۵۳،۱۵۶  
۲۵۲

فرباد -- روزنامه ۱۵۴

فصیح المتکلمین ۱۸۸،۱۵۴

فکری -- عبدالله پاشا ۱۰۰

فلسطین ۱۹۸

فلورانس ۷۸

فومن ۲۶۳

فین ۷۸

فیوضات ۱۸۳

## ق

قائم مقام -- میرزا ابوالقاسم ۳۳

قابوسنامه ۲۲

قاجار ۱۴۵،۱۴۴،۹۴،۸۶،۷۸  
۱۹۹،۱۹۸،۱۹۵،۱۹۴،۱۶۳  
۲۳۲،۲۲۸،۲۰۰

کاوه - مجله ۲۰۴، ۲۰۳، ۷۰، ۱۷، ۱۴  
 ۲۲۸  
 کاوه جدید -- مجله ۲۱۶، ۲۰۴، ۲۰۳  
 کتان ۲۱  
 کحال - خانم ۲۰۹  
 کحال -- دکتر حسنخان ۱۷۹، ۱۶۴  
 ۲۷۳، ۲۵۷، ۲۵۵، ۲۰۷، ۱۸۸  
 کحالزاده - ابوالقاسم ۱۸۰  
 کراچی ۱۷۴، ۱۳۳، ۱۱۴، ۱۰۷، ۸۴  
 کربلا ۱۹۹  
 کردستان ۲۶۷، ۸۲  
 کرمان ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۲۲، ۸۲، ۳۴  
 ۲۴۷، ۲۴۶  
 کرمانی - مجدالاسلام ۱۳۰، ۱۱۸  
 ۲۴۸، ۲۴۶، ۲۴۵، ۱۴۱، ۱۳۹  
 کرمانی -- میرزا آقاخان ۱۲۲، ۱۹۸  
 ۲۴۷، ۲۳۶  
 کرمانی -- میرزارضا ۱۰۱  
 کرمانی -- ناظمالاسلام ۱۳۰  
 کرمانشاه ۱۵۴، ۱۱۷، ۸۴، ۸۱، ۳۴  
 ۲۴۵، ۱۹۱، ۱۸۸، ۱۷۲، ۱۷۱  
 کرمانشاه - روزنامه ۱۸۸، ۱۵۴  
 کریم خان - میرزا ۲۶۲  
 کریمه ۲۲۹  
 کرونیکل - دیلی ۱۶۰  
 کسروی - احمد ۱۳۴، ۶۹، ۴۷  
 ۲۵۱، ۲۴۳، ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۲۵  
 ۲۵۵، ۲۵۲  
 کسمایی -- حسین ۲۶۶، ۲۶۴، ۱۸۷  
 کسمایی -- غلامحسین نویدی ۲۶۴

قسم ۲۶۲، ۲۵۴، ۹۲، ۸۲  
 قمشه ۸۲  
 قندهار ۵۳  
 قوامالدوله ۲۴۷  
 قوامالسلطنه ۲۶۷، ۲۱۱، ۱۹۹، ۱۹۸  
 ۲۷۳  
 قولونل خان ۴۹  
 قیام - روزنامه ۲۷۳، ۲۱۲  
 قیام جنکل ۱۸۲، ۱۸۱  
 ك  
 کابل ۱۷۴، ۵۳  
 کاپیتولاسیون ۲۶۵، ۱۹۴  
 کارگر -- روزنامه ۱۸۴  
 کارلارنا ۲۳۵  
 کارون ۹۶  
 کازرونی - حاج باقر ۴۸  
 کاشان ۱۷۲، ۱۷۱، ۸۲، ۷۸، ۷۷، ۳۴  
 ۲۶۰  
 کاشانی - فخرالواعظین ۱۸۸  
 کاشانی -- سیدجلال الدین ۱۰۹، ۱۰۸  
 کاشانی -- سیدفرج الله ۱۰۹، ۱۰۸  
 کاشانی -- شیخ یحیی ۱۳۷، ۱۲۳  
 ۲۵۱، ۲۴۷، ۱۴۱، ۱۳۹  
 کاشانی - میرزاتقی خان ۱۰۸  
 کاشانی -- میرزاسیدحسن ۱۴۱، ۱۱۴  
 ۲۵۰، ۱۶۱  
 کاغذ اخبار - روزنامه ۵۹، ۴۷، ۴۵  
 ۲۲۸، ۲۲۷، ۹۰  
 کاظمزاده ۲۵۴، ۲۰۵، ۲۰۴

۲۴۶،۱۲۰	گنجینه فنون - مجله
۲۷	گوتنبرگ
۷۶	گودزنبور کخانه
۲۲۹،۵۳	گیج
۱۸۲،۱۸۱،۱۶۷،۸۱،۶۱	گیلان
۲۳۲،۱۹۳،۱۸۴	
۱۵۶،۱۵۴	گیلانی - سید اشرف
۲۵۴،۲۵۳	
۲۶۰،۱۸۷	گیلانی -- ناصر الاسلام

## ل

۲۳۵،۲۳۴،۹۲	لاپاتری - روزنامه
۲۲۴	لاکهارت
۲۶۵،۲۶۴،۱۸۳	لاهوتهی (ماژور)
۱۷۲،۱۷۱	لاهیجان
۲۴۵،۱۱۸	لبیب الملك
۱۲۳	لسان الغیب -- شبنامه
۳۶	لطفعلی - میرزا
۲۵۲،۱۴۳	لفت نامه دهخدا
۱۳۰	لقمانیه - مدرسه
۳۸	لماری -- نیکولاس
۴۹،۴۷،۳۲،۲۴،۱۵،۱۳،۱۲	لندن
۱۰۰،۸۴،۶۴،۵۸،۵۲،۵۰	
۱۰۸،۱۰۷،۱۰۳،۱۰۲،۱۰۱	
۱۶۱،۱۶۰،۱۳۳،۱۱۴،۱۰۹	
۱۹۳،۱۷۵،۱۷۴،۱۷۰،۱۶۲	
۲۵۱،۲۳۸،۲۲۴	
۱۹۳،۱۸۱	لنین
۲۱۹	لوبون -- گوستاو

۲۲۶	کشف الایات
۱۵۶،۱۵۵،۱۳۹،۱۱۸	کشکول
۲۰	کشمیر
۱۰۹،۱۰۸،۱۰۷،۴۳،۴۱	کلکنه
۲۴۲،۱۷۴،۱۳۳،۱۱۷،۱۱۴	
۲۵۱،۲۵۰	
۸۷	کلمب -- کریستف
۱۳۰	کمال
۱۸۷	کمالی - حیدرعلی
۵۰	کمبریج -- دانشگاه
۲۶۲	کمرهیی - سیدمحمد
۲۶۴،۱۸۲	کمونست - روزنامه
۶۵	کمیل -- سرجان
۱۸۲،۱۸۱	کوچک خان - میرزا
۲۶۴،۲۶۳،۲۲۲،۱۹۳،۱۸۸	
۲۱	کوفی -- خط
۱۱۴	کوکب ناصری - روزنامه
۲۸	کوه نور
۴۸	کیهان -- روزنامه
۴۸	کیهان انگلیسی -- روزنامه

## ک

۳۱	کرجستان
۲۳۹	گروسی -- امیر نظام
۲۵۱	گری -- سرادوار
۸۲	کلپایکان
۲۶۵،۴۴	گلستان - قرارداد
۳۳	گلستان سعدی
۸۲	گنبد قابوس
۸۱	کنج آور

۱۴۱، ۱۳۶ محسن -- آقا میرزا  
 ۲۴۹  
 ۸۲ محلات  
 ۱۰۰ محمد پاشا  
 ۱۱۴ محمد جعفر - میرزا  
 ۱۱ محمدرضا (پسر اسماعیل رشتی)  
 ۲۵۲ محمدرضا - سید  
 ۵۴، ۵۲، ۴۶، ۴۵، ۱۵، ۱۳ محمد شاه  
 ۲۲۸، ۲۶۷، ۲۲۶، ۵۵  
 ۱۱۴ محمد صادق  
 ۱۵۵ محمد ضیاء الدین  
 ۹۸ محمد طاهر  
 ۱۲۴، ۱۲۱ محمد علیخان - میرزا  
 ۲۴۷، ۱۵۸  
 ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۰، ۱۳۸ محمد علی شاه  
 ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۴۶، ۱۴۵  
 ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۰  
 ۱۸۴، ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۳، ۱۶۲  
 ۲۰۶، ۲۰۵، ۱۹۷  
 ۲۵۲، ۲۴۰، ۱۶۲ محمد علی میرزا  
 ۳۷ محمد میرزا  
 ۲۲۱، ۶۷ محمود - سلطان  
 ۲۳۹ محمود میرزا  
 ۲۲۹ محیط طباطبائی - سید محمد  
 ۲۳۴، ۲۳۳، ۲۳۲، ۲۳۱، ۲۳۰  
 ۲۵۹، ۲۵۴، ۲۵۲، ۲۳۸، ۲۳۵  
 ۲۷۲، ۲۶۲  
 ۲۶۳، ۲۶۲، ۲۵۶ محیی - سردار  
 ۱۴۱ مدبر الممالک هرندی  
 ۴۱ مدرس  
 ۲۶۲ مدرس -- سید حسن

۲۵۲، ۱۵۹، ۱۵۸ لیاخف  
 ۲۷۰ لینگافسکی -- ژرژ  
 ۴  
 ۳۳ مآثر سلطانیه  
 ۲۳۰ مآثر و الآثار  
 ۵۳ ماچین  
 ۶۵، ۳۵ مارتین - هنری  
 ۸۳ ماریسی  
 ۱۹۳، ۱۸۲، ۱۶۷، ۸۵، ۸۱ مازندران  
 ۳۸ مازندرانی - میرزا زکی  
 ۳۵ ماساچوست  
 ۲۲۱، ۲۱، ۲۰ ماوراء النهر  
 ۱۹۹ مایل - میرزا ایدالله خان  
 ۱۷۹ متجددین  
 ۱۹۸، ۱۹۲، ۱۹۰ متفقین  
 ۱۳۰ متین السلطنه - عبدالحمید خان  
 ۲۶۰، ۱۹۲، ۱۵۵، ۱۵۲  
 ۲۴۷ متمرک الملك  
 ۱۷۷، ۱۶۴، ۱۵۴ مجاهد  
 ۲۴۶، ۲۴۵، ۲۴۳، ۱۵۵ مجد الاسلام  
 ۲۴۸  
 ۱۴۱، ۱۳۹، ۱۳۶ مجلس -- روزنامه  
 ۲۴۹، ۱۸۷، ۱۷۳  
 ۱۴۹، ۱۴۶، ۱۲۶ مجلس شورای ملی  
 ۱۹۸، ۱۹۴، ۱۹۲، ۱۵۱  
 مجموعه ماوراء خزر -- روزنامه  
 ۲۴۱، ۱۳۹  
 ۳۹ محاکمات - روزنامه

۲۵۹،۲۱۰،۲۰۹،۱۹۳،۱۸۸	مدرس چهاردهی - مرتضی ۲۳۱،۲۳۰
۲۳،	مدرس فارسی - روزنامه ۱۱۴
۲۴۹	مدفیت ۹۷
مشیرالدوله - میرزا جعفر مهندس	مذهب - غلامحسین ۸۸
۲۴۹،۳۲	مرآت الاخبار - روزنامه ۴۳
۲۴۹	مرآت البلدان ۹۳
۲۶۶	مرآت السفر ومشکوّة الحضر ۸۵
۱۶	مراکش ۱۸۵،۲۰
۲۷۵	مرد امروز - روزنامه ۲۶۸
۱۰۰،۹۹،۹۷،۵۷،۲۱،۲۰	مرو ۲۳۷
۲۵۲،۲۰۵،۱۱۷،۱۰۷	مریخ ۹۷
۱۵۱	مزين السلطنه ۲۰۸-۲۰۷
۱۱۵،۱۱۳،۸۹،۳۹	مزين السلطنه - مريم ۲۰۹
۱۴۸،۱۴۷،۱۴۳،۱۱۷،۱۱۶	مساوات - حزب ۲۶۵،۲۵۹
۲۴۴،۱۵۹	مساوات - روزنامه ۱۴۱،۱۲۵
۲۳۹	مظفرالدين ميرزا ۱۷۳،۱۶۰،۱۵۹،۱۴۷،۱۴۶
۱۵۲	مساوات - محمدرضا ۱۴۱،۱۲۵
۲۴۵،۱۱۸	۲۶۳،۲۶۲،۱۷۸،۱۵۹،۱۴۶
۲۵۴	مستشارالدوله - ميرزا يوسفخان ۳۸
۲۲۰	مستوفی - عبدالله ۲۴۴
۱۸۷،۱۵۵	مستوفی الممالك ۲۱۱،۸۱
۶۱،۳۳	مسجد شاه ۱۲۶
۱۵۴	مسعود - سلطان ۲۲۱
۹۳	مسعود - ميرزا ۶۲
۵۳	مسعودی - عباس ۴۷
۱۱۴	مسکو ۱۸۵
۲۶۴	مشعل اصفهان - روزنامه ۲۳۳
۲۴۴	مشکان طبسی ۲۷۲
۱۵۴	مشهد ۱۶۱،۱۵۴،۱۳۰،۱۲۷،۳۴
۱۳۰	۱۷۹،۱۷۲،۱۷۱،۱۶۷،۱۶۶
مکتب	

۹	موسولینی
۳۷۳،۲۱۲	موسوی زاده
۲۴۷	موقر السلطنه
۷۳	مولیر
۲۱۶	مونبخ
۲۵۰،۲۴۲،۱۰۹	مؤیدالاسلام
۱۳۹	مؤیدالممالک - مرتضی قلیخان
۱۸۷،۱۴۱	
۲۲۵،۱۰۸،۹۸،۲۹	مهدی - میرزا
۴۳	مهرمنیر
۲۵۷،۲۵۵	مهندس همایون - محمدخان
۱۸۸	میزان
۴۱	میلز - هنری

ن

۸۸	نائینی - میرزا علیخان
۶۳	ناپل
۳۱	ناپلئون
۵۴،۴۶،۱۵،۱۴،۱۳	ناصرالدین شاه
۸۵،۸۱،۸۰،۷۹،۷۸،۷۷،۷۵	
۹۲،۹۱،۹۰،۸۸،۸۷،۸۶	
۱۰۳،۱۰۱،۹۷،۹۶،۹۵،۹۳	
۲۳۰،۱۴۸،۱۱۳،۱۱۰،۱۰۴	
۲۴۱،۲۳۶،۲۳۵،۲۳۳،۲۳۲	
۲۴۷	
۷۲	ناصرالدین - شاهزاده
۲۶۲،۲۵۶،۱۴۵	ناصرالملک
۲۴۷	ناصرخاقان
۳۸	ناصر خسرو - دیوان

۲۲۹،۵۳	مکران
۱۷۴	مکه
۲۶۹	مکی - حسین
۱۵۶،۱۵۵	ملانصرالدین - روزنامه
۲۵۳،۲۵۲،۲۴۰	
۸۲	ملایر
۹۳،۹۰،۸۱	ملتی - روزنامه
۱۲۴،۱۲۲،۱۲۱	ملك المتكلمين
۱۵۹،۱۵۸،۱۲۵	
۲۵۴	ملك زاده - محمد
۱۳۴	ملك زاده - مهدی
۱۰۲،۱۰۱،۹۹	ملك خان - میرزا
۲۳۷،۲۳۶،۲۲۵،۱۰۸،۱۰۳	
۲۳۸	
۱۷۷،۱۳۶	ملی
۱۶۶،۱۶۵،۱۶۴،۱۴۶،۱۴۵	مليون
۱۹۴	
۴۶	ممالك شرقیه
۴۶	ممالك غربیه
۲۴	منتخب اللباب
۹۳	منتظم ناصری
۱۹۳-۱۶۰	منچستر گاردین
۱۸۵	منچوری
۱۴۴	موبد - شیخ عبدالعلی
۱۸۸	مؤتمن الاسلام خوانساری
۲۴۷	مؤتمن لشکر
	مؤتمن لشکر نوری - میرزا سید محمد
۲۴۷	
۱۶۱،۱۶۰	مور
۸۳	مورس - ساموئل
۹۳	مورل - دکتر

۸۲	نهاوند	۹۸،۹۷	ناصری
۱۸۹	نهضت جنگل	۱۵۴	ناقور - روزنامه
۶۴	نیویورک	۲۰۹	نامه بانوان
	و	۱۸۸	نجات
		۲۴۲،۱۷۲	نجف
۷۸	واتیکان - موزه	۳۸	نجم الدوله - حاجی
۱۹۱	واسموس		نخجوانی -- میرزا جلیل محمدقلی زاده
۱۷۴	واشنگتن	۱۵۶،۱۵۵	
۲۰۸،۱۹۹،۱۹۵،۱۸۳	وثوق الدوله	۲۶۳،۲۶۲	ندامانی -- سید یحیی
۲۶۵،۲۶۱،۲۶۰		۱۹۵،۱۵۴	ندای اسلام -- روزنامه
۲۶۲	وحید دستگردی	۲۶۶،۲۵۷،۱۹۶	
۵۹	وزارت خوی	۱۴۱،۱۳۹	ندای وطن
۲۴۷	وزیر همایون - میرزا مهدیخان	۲۳۴	نرمان - بارون
۲۳۵	وطن - روزنامه	۲۰۹	نسوان شرق
۴۷،۴۶،۱۵	وقایع اتفاقیه - روزنامه	۲۰۹	نسوان و وطنخواه
۹۰،۷۹،۷۶،۷۵،۷۴،۷۳،۷۱		۱۵۶،۱۵۴	نسیم شمال - روزنامه
۲۳۱		۳۳	نشاط اصفهانی
۱۸۷	وقت - روزنامه	۱۲۱	نصرت السلطنه
۷۳	ولتر	۸۲	نظنز
۶۲	ولیکان ممسنی	۲۳۶،۲۳۵،۷۹	نظامی - روزنامه
۲۲۹	ووسینیچ - وین	۲۷۲،۲۷۱،۲۰۵	نقیسی - سعید
۱۰۰	وهاب - مصطفی پاشا	۲۳۰	نوایی - عبدالحسین
۴۶	ویلبر - دانلد	۱۷۳،۱۵۶،۱۵۴	نوبهار - روزنامه
۲۱۴	ویلسون - پرزیدنت	۲۱۰،۱۹۲،۱۸۸،۱۷۹،۱۷۸	
۵۲	ویلیک - هنری	۲۶۰،۲۱۲	
	ه	۲۳۸	نورایی - قرشته
		۲۴۹،۱۳۰	نوروز - روزنامه
۲۸	هارانس وارک	۲۵۰،۱۴۸	نوری - شیخ فضل الله
۲۱۹	هارون الرشید	۲۴۵،۲۴۴	نوز - مسیو
		۱۵۶،۱۵۵	نوورمیا - روزنامه

۱۹۲ هنگری  
 ۴۳ هوردات هوری  
 ۹ هیتلر

## ی

یادگار - مجله ۲۳۴، ۲۲۸، ۲۲۷  
 ۲۳۵  
 ۱۵۴ یادگار انقلاب - روزنامه  
 ۲۷۲، ۲۲۶ یاسمی - رشید  
 ۲۲۳ یان - کارل  
 ۱۵۸ یحیی میرزا  
 ۵۳ یروپ  
 یزد ۲۶۹، ۱۷۲، ۱۷۱، ۸۲، ۳۴  
 ۱۹۵ یزدی طباطبائی - سیدعلی  
 ۱۰۲ یعقوب‌خان

۱۸۹ هانچاک - روزنامه  
 ۲۲۴، ۲۹ هانوی - جوناس  
 ۱۹ هخامنشی  
 ۳۸ هدایت طبهرستانی - رضا قلیخان  
 ۵۶ هرات  
 ۲۲۲ هرتفورد  
 ۱۵۴ هرندی - میرزا آقاخان  
 ۲۵۹ هروی - محمدعلی خراسانی  
 ۱۵۴، ۱۳۱، ۱۲۷، ۸۲، ۳۴ همدان  
 ۲۶۷، ۲۶۶، ۲۲۴، ۱۷۲، ۱۷۱  
 ۱۵۴ همدانی - میرزا محمد  
 ۱۱۵، ۸۳، ۶۵، ۴۲، ۴۱، ۲۴ هند  
 ۲۱۴، ۱۷۴  
 ۴۱ هند شرقی - کمپانی  
 ۸۳، ۶۵، ۵۳، ۴۳، ۴۲، ۲۹ هندوستان  
 ۱۰۹، ۱۰۷، ۱۰۰، ۹۷، ۸۴  
 ۲۵۲، ۲۲۶، ۲۲۵، ۱۲۷، ۱۱۳





انجاء من مالک غریبه

اتمکنک در بنابر سابق ثبت آنکه در لندن از برای سیر داشت و تا شاکش نسا سازند در آنجا صود و عروج بر هر کسند در این اتمکن  
 اشراع و تصرفی نماند بر آن افزوده اند و آن چنانکه جاری هر دو چون سپهر است و در هر طرف ساشانند بزرگی و خوشتر است در یک که چون سبب  
 چون خورشید باشد و چون کمانه چون چرخ کند و در وسط آن که مثل قاندر است در میان کشند و در زیر بعضی آن که گشتیان سخن آید نزد پس در آن کشتی سبب  
 چنانکه غرابند و بر آنکه یکی از آنها در میان شیب باشد که بی کشتی نماند شایزین آید و آن کشتی خود جسم کرده بر در میان آید و نزد بر جای خانه شیب آن  
 یکسان از آن کشتی بر کشته سبب کس در میان حالت از آنجا که سطح مستقر آن چنانچه در زمین از هر دو زمین از هر دو آن است ساخته است  
 چنانکه نماند بر زمین آید و سبب بر زمین خود بر زمین آید و در کوی به طواف آن اشراع کرده چنانکه سبب سبب چون در سبب فرج  
 بر جوارفت برای زدوش بر افشاده اند کشتی خود بر در میان سپهر مکرر در آن وقت آن کشند و کسب کسب چنان بود و افشاد و جان دادن در میان معنی  
 چنانکه در طواف اول و دوم شیب بر افشاده و جوانی داشت در روز و در هر دو معنی آمد دست که در آن زمان از اینها بزرگتری چون پیش تاب بزرگ شیب  
 ساشان که چون بر دروغی شود و بر افشاده که از آن دور دور و یک دقیقه در هر دو بر افشانی کشند و یکجه در وقت که از آن از آن پس نگاه در کوی سبب  
 با صد فتنه پیش در و دقیقه یک پر از یکجه در وقت که از آن در سخن افشاند تا یک کس میلی که میان سپهر و سبب آید که کسب و کالان  
 بر قرابت است چنانکه سبب از جهت خود کشند و ایشان نمانند ایشان خود را از او خواهند و کسب نخواهند و چون طواف کرد کسب  
 اماکن در میان در صاحب مجال و کسب است اماکن هم سبب و سبب پس ازین راه بر ایشان در شاکش سالیات با هم در جنگ  
 در مقال و غیره زنی بد رنگه غلبت هیچ جانبیت خسرانند در ده خانه عظیم بدان ملک واقع است که هر شیب صد ذریع  
 چنانکه در از اینچهرای قوی که منقلب بر پهلوی جسم بی بر آن منقرع کرده اند که عرض آن که از اتصال پنجرات کشیده بر روی رود و ملک  
 و سبب عابرین کرده بهشت فروع و طواف بر عرض در کسب صد ذریع است چنانکه اشراع که جهازات از تحت آن کل که در نه سبب تمام خندان  
 بری با بر در پیش آن چنانکه در سبب معاین بگویی بر کسب فرمود و بنام سابع با معنی الامور امرک انجیل بندریت از بنادر ساحل  
 ملک و کسب در آن در کسب از شمال و جوارش از رودت بر سر کمال است چنانکه در بن زمان که فصل شتابانند در بیگانه فرار اخبار  
 ما در بسیاری از قوی جهازات بسیار در شکست از اموال بسیار از تمام آن دیدار فرقی کشند است فایده پس جزیره ایستیم در سخن  
 مستحق بزرگ سبب سبب در این اوقات آن جزیره و غنقش آید و با فرود گشتی که با ایستش نزدیک بدان کشته که یکبار در چنانکه  
 و شمس در و شان از آن خاک پاک اسپانیا در اخبار سابق آمده است که فیما بین کسبین پادشاه اسپانیا که در کسب  
 و شمس سال پیش که بر سر سلطنت شاهی بدال و قال است و زیاده از چهار صد جنگ در میان شان واقع گشته و غالب  
 و منوط سبب یک گشته شمس جزیره زنی شمس مشرف اند در بن اوین شمس با اخبار آمده که باز ملک کان بسم در مقال اند و غالب  
 و منوط شان شمس ملک کان بر آن حال

روزنامه وقایع القایه سیاحتی و خوشه نیت و پنجم شهر ربیع الثانی مطابق اول آبان ۱۳۰۹

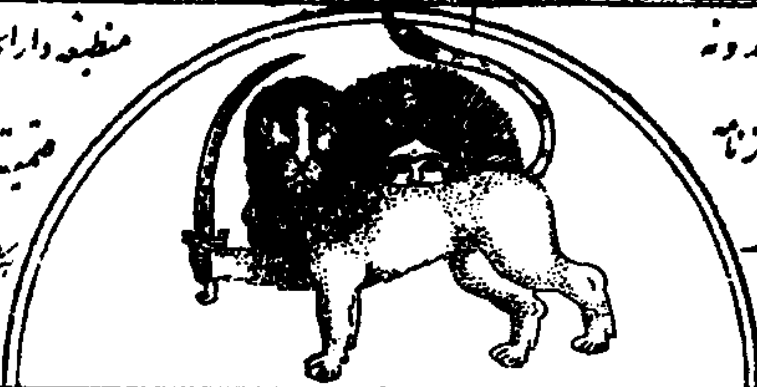
نزه چهارصد و نه

قیمت روزنامه

پنجاه شمشیر

منطقه دارا اختلاف طهران

قیمت اعلامیه  
پنجاه شمشیر



اجبار و اجتناب مالک محروسه پادشاهی



دارا اختلاف طهران

در روز پنجم به رسم سرکار آقا سید سید علیون شاهنشاهی بقید اجتناب از اوضاع قاهره که در  
خارج دروازه دولت مشق میکردند تشریف فرم شدند و قشای مشق و حرکات افواج را فرمودند و فرج  
لاریجانی ابوالحسنی مقرب الخاقان عباسعلی خان که احضار ریگاب بایون شده بودند در همان میدان  
صف نظامی کشیده بنظر ملاحظه که رسیدند چون در کمال آراستگی و جوانان نمایان بودند  
تجسس و نوازشات خردانی کردند (صاحب مضبان فرستاد که جناب فرخ خان ملک  
مسرا آورده و چند منزل عقب بودند با اتفاق مقرب الخاقان زبیر خان سریتپ وارد شدند  
و بر حسب امر مقرر در بایون در روزی که امیر الامراء النظام سپهسالار در سر افواج قاهره بودند آنها  
نیز آمده ملاحظه مشق و حرکات توپچیان و افواج را نمودند و بسیار تجسس کردند و پاره ملاحظه  
نظامی و تفاوت عمل حرکات که آنها میدیدند حکم شد همه را بنویسند تا بعضی حضور مبارک رسیدند  
بر نوع مقرر فرمایند معمول شود) (توپچیان و زنبوقچیان و سواره نظام و افواج قاهره طرز  
بایون همه روزه طلوع آفتاب حاضر گشته مشغول مشق شدند و عموم صاحب مضبان کمال برآوردند  
در تعلیم قواعد نظامیه دارند و امیر الامراء النظام سپهسالار منته در روز پیش آنها سرگرمی میکنند  
و در باب جیره و مواجب نظام امیر الامراء النظام معزای الیه قرار داده اند که جیره را از کس با یک  
نایب اجودان باشی باستحضار صاحب مضب فوجی با تقوی برسانند و مواجب مخصوص سپهسالار داده شود

چهارشنبه یازدهم ماه ذی القعدة

یازدهم آذربایجان ماه فروردین

(هجری)

(مسیحی)

سیچان شیل ترچم

آزاد و وزارت انبساط

آزاد قیمت درو فرط

در آردک ها بون

سانایان

عمل فریش

در طهرت در ناز شمشیر

در هزاره الطباعه و فانی

در خارج

قیمت اعلا ناک

شده تو ماز و شهرت و در نایان

سطر به یکم از دی بهار است



### اخبار رسمی

زود ما رسیده نوزدهم شهر ذی القعدة  
الحرم که بحسابه زیم افع بیک کوزکانه  
یک ساعت عمل و شرف و فیتنا روز گذشت  
آفتاب همانا شب بنقطه اعتدال دینیه  
رسیده از برج خون برنج حمل قبول پیوسته  
برکم مقرر و میمون سپین ما ضیکه سلام  
تجوله و نالاری دفعی البناای موزه مبارکه  
شرف انعام دیا قدر تمام شاهنشاهی  
عظام و جناب مستطاب اشراف امیر اکرم  
مکد و اعظم و آقا یان و عظام اعلام دار  
الخلافة و ناه و خواص طبقات جا کرانی  
در یازدهم و کت از شاهزادگان و امیرزادگان

گرام و روز راه فحام و سرگرداران و امراء و نظام  
و وجوده از یاب سیف و نظم و سایر اعضاء  
مخبر روز ارتقا نماید و ابرود و لیلی با البسه  
و کیفیت بشرف حضور ناهر الموروز وزارت  
جانی خور سپید مثال ها بون نایل و مشرف  
گذشت از دست بحر نوال مبارک اخذ عید  
و عطیات نمودند و این عید کبری  
و سفاد و عظمی ادخیره فرجه و غیره  
سال و در سبیله بیکمینی و معیت و اقبال  
خود ساخته صمیمانه با دغای سلامت و بقاء  
و اینک و ما لکرتا به معتم جویش که انشد  
مرا بسم میهنه سلام قبول از فرات و کوش  
خطبه هتیک و غیره بعمل آمد  
در این روز سعید محضو بهر اعر از و تکم  
جانیه تو ابر مستطاب الا شاهنشاهی  
شجاع الی لطنه که قامت و وجودشان

سرایان آراسه زید و لیاقت و قابلیت  
مطر و بطور از عقل و دانش و هنر است اینها را  
یک قطعه نشان عظیم نشان اقدس مکمل  
با لباس که از نخبه این درجه نشانها و امتیاز  
فاخره ذکر است روز افزون است منصف و  
سرافراز فرمودند  
شب چهارشنبه بیستم که دو عین شب چهارشنبه  
نوزدهم سلطان بود برکم مسئول سایر اعیان  
عظمه و در خیا بان یابرها بون و پای سرود  
الماسیبه اسبابا ریجسک و سوری در رعایت  
جلوه و شکوه همیشه اشد جواغان و آتشبار  
مستعمل نشان نمودند  
روز پنجشنبه نهم اسباب ریجسک و هتیکه چند  
نوزدهم فرمودند که با و دولت روز افزون  
بر پا کردیده قبل از ظهر هتیکه کوشین و نایان  
برای عزیز هتیکه چند و سلابی خاص که

### بیت مراد

قلعه آجیا که بواسطه فتون ساخته بود یاد می کند  
شاه بود بر از چند روز جنگ شکست شد هم از اطراف  
و هم از طرف آسیا ابتدای جنگ بار فضا عدا و اسباب  
فتوحات آنها گردیده بود و در فو السی و انوب پنجاه و از دو ماه  
فتون آنها در کمال وسعت زندگی نمود و عراده های بزرگ  
که با آنها کار میکردند بافتون همگراهی نموده اذ و قتل  
میگرد و از طرف دیگر از کسبه و کولات لازمه و  
مناجیح خود را جلب می نمودند از ابتدای جنگ

عظما آنها فقط بدافسر برد انکه در قلعه های خود نشان  
متحصن شدند و به فضا قلعه را بلون جدا مقاصت نمود  
اگر چه خواستند که عبور فتون رؤس از رود افریخان  
شوند اما نتوانستند و چنین نظر می آمد که دولت غما  
هیچ وجه و سالی برای امتداد جنگ نخواهد داشت آنها  
افدام بجنب از طرف با آنها بود و بارها بمسلمانها اخبار  
داد که همیشه با شدند و با گفتار و طاری که کنند  
(بیت مراد)

# گمان

اداره روزانه

پیرز در اداره گمان  
صاحب استیلا میرزا  
راه مدیر است  
ماهی سه مرتبه طبع و سه مرتبه  
حقوق نیست جا بعد از اداره  
قیمت اعلان سطرهای پانصد دینار

حاصل روزنامه صرف در کمال خواهد شد

AMAI

دو بهار کن  
قیمت استیلا در هر روز  
سایر روزها محروم شده  
مالک سه مرتبه  
مالک فرزندانش  
بیشتر رسد  
قیمت سرخپاشی

روز دوشنبه بیست و یکم شهریور سال اول ۱۳۱۲ مطابق ۱۳ اکتبر

عبریه علمی و ادبی که هر گونه مقالات و ایریزه وقت و شمار معارف در آن درج خواهد شد

## فهرست مندرجات

## احزاب تکلفی

جبار تکوان - معاونت اینجانب  
اعلان شرکت خوار پورش  
اعلان

از لندن - ۱۲ - ۱۳۱۲ - فوج خارج  
۱۴ بهمن ماه به بکن رسید  
از لندن - ۱۲ - از راه این

مراسلات

سرہ مصر

( اداره )

چہرہ نما

JOURNA  
TCHEHREH

CAIRE - Eg

تعارف

باید راساً

رجوع شود

# چہرہ نما

۱۳۲۲-۱۹۰۴

جریدة مصور

قیمت آونہ سالیانہ

قطر مصر ۸۰ غروش

ممالک دولت علیہ ایران

سہ تومان ۳

بلاد محروسہ عثمانی

چہار مجیدی ۴

افغان و ہند ۱۰ روپہ

تفانہ و تیکٹ

ہشت منات ۸

اورپا ۲۰ فرنک

غره رجب ۱۳۳۲ ہجری مطابق ۲۶ مایو ۱۹۱۴ میلادی

## فہرست مندرجات

ن مخصوص از ادارہ - احزاب سیاسی ایران یا سعادت حال  
 قبال ایران - براین و سرگذشت شاه مخلوع - دستور  
 آفی بحکام ولایات برای انتخابات وکلا - دستور کتب  
 ابات بحکام ولایات - معذوری ما و نظامات مدیر مظفری -  
 کشی مسلمانان - عابدی سالیانہ پادشاہان روی زمین -  
 زنان مغرب زمین یا خودگی زنان مشرق زمیں - عکس علیا  
 برت ملکہ ہوپال - عکس رئیس زنان حقوق طلب  
 لہستان - عکس دختران تلفون چی عثمانی - عکس دختران  
 ہم یافتہ انگلستان - اخبارات ایران و ایرانیان - طهران -  
 رمانشاہ - تفلیس - تقاریف کتب و جراید - افتتاح  
 الشورای عثمانی - مصر و خبرہ ی اینجا - پیام های  
 و نا کون - متفرقہ جات مختصرہ ایران - خلاصہ  
 مگرافات مہمہ

## احزاب سیاسی ایران

( یا )

### سعادت حال و استقبال ایران

در شماره های گذشته چہرہ نما بقلم یگانہ عالم سیاسی افضل  
 آقای مستنصر السلطنہ شرحی جامع از پیدایش ملل و دول  
 و احزاب مشککہ سیاسیہ انہا نگاشتنہ آمدہ بود . و وعدہ  
 شدہ بود کہ در آیندہ ہم شرحی سودمندانہ در باب تشکل  
 حزب سیاسی برای سعادت حال و استقبال وطن عزیز ما ایران  
 مرقوم دارند . اینک حسب الوعدہ شرح واقیہ ذیلرا با دارہ  
 مافرستادہ اند کہ مقتخرانہ بانہدارجش میپردازیم .  
 . . چنانکہ در مقالہ سابق توضیح شدہ است  
 در ممالک راقیہ اختلاف عقاید سیاسیون و تحزب افراد  
 از دو فکر معم اساسی تولید میشود یعنی این اختلاف  
 و تحزب یادرسر تعیین شکل حکومت است یا راجع  
 بوسائلی است کہ برای ادارہ حکومت مقتضی میشمارند .  
 در ممالک محروسہ ایران قاطبہ طبقات ملت -

### اعلان مخصوص از ادارہ

شمارہ های ( ۲ ) و ( ۴ ) سال نهم و شمارہ های ( ۱ )  
 ( ۱۲ ) سال دہم را ادارہ خواہانست مرکس دارد بقیمت  
 ادلہ بفرستد .



# **SOCIAL COMMUNICATIONS IN IRAN**

HAMID MOWLANA

PROFESSOR & DIRECTOR OF INTERNATIONAL COMMUNICATION STUDIES

THE AMERICAN UNIVERSITY

WASHINGTON, D. C.

COLLEGE OF MASS COMMUNICATIONS PUBLICATIONS

TEHRAN-IRAN

1979